

تاریخ ۲۵ ساله

ارتش شاهنشاهی ایران

تالیف

دوچ الله قندی



تاریخ ۲۵ ساله

ارتش شاهنشاهی ایران

تألیف

فریح الله قدیمی

مؤلف و نویسنده سالنامه آریان

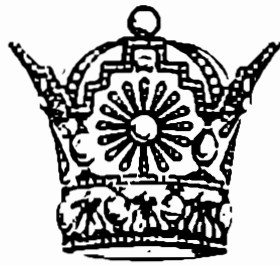
چاپ اول

بهای چاپ اول
ریال

حق چاپ و تقلید و ترجمه و اقتباس بدون
اجازه مؤلف نگذی محفوظ و ممنوع است
نشانی - تهران - اداره سانس آریان تلفن ۱۵۴۷ گلرانی آریان

با نضمام یک جلد تاریخ کامل ایران

در چاپخانه های مجلس شورای ملی و بانک ملی ایران و برادران فردین و دانشگاه مجموعاً
با تاریخ ایران بتعداد ۳۰ هزار جلد چاپ شده است



یاریخ ۲۵ ساله

ارتش شاهنشاهی ایران

تالیف

فویح الله قیدی «شید»

مؤلف و نویسنده سالنامه آریان

ارتش نجات دهنده و آزادی بخش ایران برای یشتیبانی عموم افراد و طبقات ملت باستانی و باشاهامت مبین عزیز ما ایران است که دریناه سر نیزه آن استقلال سیاسی و اقتصادی و امنیت داخلی داشته راحت کار کنند و با سود کی زندگانی نمایند و خود و فرزندانشان بسوی رفاهیت و تمدن و ترقی و فرهنگ عمومی پیش بروند . در سایه عدل و امنیت و رأفتی که ارتش شاهنشاهی ایران در سراسر فلات ایران ما گسترده است هیچ متعدی را یارای تعدی بر طبقات و افراد ملت یگانه و یکنگدل ایران نیست . پاینده و جاویدان باد ارتش شاهنشاهی ایران

حق چاپ و تعلیم و ترجمه و اقتباس بدون
اجازه مؤلف کلی محفوظ ممنوع است

بانتظام یکت جلد یاریخ کامل ایران

فهرست این کتاب در صفحه هشتم میباشد

نشانی - تهران - اداره سالنامه آریان تلفن ۸۵۴۷ مگرفنی آریان

در چاپخانه های مجلس شورای ملی و بانک ملی ایران بعد از بی نظیر طبع رسیده است . تهران ۴ آبان ۱۳۲۶

این کتاب نفیس که ارتش را با ملت ممزوج نموده و يك تاريخ ابتكاری بی سابقه و بدیع و حدیث است سر مشق مبارزه راه آزادی و تفوق برای نسل آینده قرار خواهد گرفت در هر صفحه این کتاب برابر چهار صفحه کتب دیگر مطلب گنجانیده شده است این کتاب با تاریخ ضمیمه آن قبلاً بمبلغ جلدی ۵۰ ریال بفروش رسیده ولی هر جلدی ۲۲ ریال برای مؤلف تمام شده است دارای بهترین تصاویر و چاپ و کاغذ میباشد - برای درك اهمیت تألیف و مشقت نگارش این کتاب همین قدر کافی است گفته شود برای تعیین سرز ایران و بلوچستان که در صفحه ۲۰ سطر آخر درج گردیده است ۲۸ روز تفحص شده و برای یکی از ارقام ۱۰ روز و برای تهیه يك عکس ۱۵ روز وقت آمد و شد تلف شده است همینطور برای هر يك از اعداد و شیفرها و آمار و اطلاعات ذیقیمت و دانستن مرجع موثق آن هفته ها و ماهها و بلکه سالها برای جستجو و تتبع سیری شده است و چندین بار فرم چاپ آن عوض شده و هزینه های هنگفتی وارد ساخته است - ضمناً مطابق صورتی که تنظیم شده تعداد ۵ هزار جلد از این تاریخ نفیس را اختصاص به کتابخانه های دبیرستانها و دبستانها و وزارتها و ادارات و مؤسسات فرهنگی و جراید و نویسندگان و کشورهای خارجه داده ایم که بطور مجانی و بلاعوض بایست سفارشی ارسال خواهد گردید . ما اینهمه خسارات مادی و زحمات فکری و روحی چندین ساله را در قبایل اثر نهائی انتشار این تاریخ گرانها ناچیز می شماریم .

تذکر مهم - ریز و درشتی حروف ابدأ مربوط با اهمیت مطالب این تاریخ یا غیر آن نیست فقط فن بدیمی است در چاپ برای راحت چشم هنگام مطالعه چه بسا مطالب بسیار مهم بدون تظاهر با همان حروف ریز چاپ شده است .

کتاب را ورق نزنید و عکسهای آنرا تماشا نکنید بلکه بدقت مطالعه کنید
از روی همین نظر است که عکسها را در متن کتاب چاپ ننمودیم تا مطالب لازم آن از نظر دور نشود .

مهم ترین ماخذ و مستندات تاریخ ۲۵ ساله ارتش شاهنشاهی

تاریخ نظامی ایران (فوزانلو) ۲ جلد	یادداشتها و مطالعات و مشاهدات ۲۵ ساله مؤلف
سالنامه آریان (یکدوره) ذبیح الله قدیمی	ایران باستان پیرنیا ۴ جلد
التدوین (اعتدال السلطنه)	جغرافیای کبهان ۳ جلد
کنفرانس تهران	شاهنشاهی ساسانیان (کریستن)
تاریخ بیست ساله ایران (مکی) ۳ جلد	تاریخ قاجاریه (مستوفی) ۳ جلد
زندگانی شاه عباس کبیر (سحاب)	تاریخ ایران (عباس اقبال)
انقراض قاجاریه (بهار)	داستانهای شاهنامه فردوسی (ذبیح الله قدیمی)
شاهنشاه پهلوی (نوبخت)	تاریخ رویان
وقایع و حقایق شهر یورد (خلیلی عراقی) یکدوره	سبک شناسی (بهار) ۲ جلد
پیران من (بولدومر)	اسامی دهات کشور
نگارهای بیان در روزنامه اطلاعات	خلیج فارس (دریادار بایندر)
مجله هفتگی	جغرافیای کلاسیک ۵ جلد
خلیج فارس (نوریزاده بوشهری) ۲ جلد	دریای خزر (بریمانی)
مقالات دوره مجله ارتش	جغرافیای تاریخی غرب ایران (کریبی)
مجله یادگار (عباس اقبال)	مرزهای ایران (مهندس نمبر)
ارزش مساعی ایران (خان ملک)	چرا فرانسه شکست خورد (اندره موروا)
غوغای تخلیه ایران (خان ملک)	تاریخ معجم
تاریخ جاوید	خلیج فارس (ویلسون)
کتب و جراید و مجلات مختلف	تاریخ نظامی ارتش ایران ۳ جلد



بزرگ ارتشتاران فرمانده

اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی شاهنشاه محبوب ایران



اعلیحضرت همایون شاهنشاه
فقید سعید رضا شاه پهلوی
مؤسس ارتش شاهنشاهی
و موجد مجد و عظمت
و استقلال ایران



اعلیحضرت شاهنشاه فقید سعید در دوران سلطنت بر اقتدارش هنگام
عبور از برابر امراء و افسران ارشد ارتش شاهنشاهی ایران

امراء ارتش شاهنشاهی ایران که برای عظمت و اعتلاء آن کوشش کرده‌اند



تیمسار سپهبد مرتضی یزدان پناه



تیمسار سپهبد احمد امیر احمدی



تیمسار سر لشگر حاجعلی رزم آراء



تیمسار سپهبد محمد شاه بختی

امراء ارتش شاهنشاهی ایران که برای عظمت و اعتلاء آن کوشش کرده اند



تیمسار سر لشکر امان‌الله جهانبانی



تیمسار سر لشکر محمد نخجوان



تیمسار سر لشکر فضل‌الله زاهدی



تیمسار سر لشکر عزیزالله زرغامی

امراء ارتش شاهنشاهی ایران که برای عظمت و اعتلاء آن کوشش کرده اند



تیمسار سر لشگر اسمعیل شفائی



تیمسار سر لشگر عبدالله هدایت



تیمسار سر لشگر محمد صادق کوپال



تیمسار سر لشگر محمد حسین فیروز

تاریخ ۲۰ ساله ارتش شاهنشاهی ایران
 امراء ارتش شاهنشاهی ایران که برای عظمت و اعتلاء آن کوشش کرده اند



تیمسار سر لشگر احمد خسروانی



تیمسار سر لشگر محمود بهارمست



تیمسار سر لشگر ابراهیم ضرابی



تیمسار سر لشگر سید محمود دیر جلالی

فهرست مطالب تاریخ ۲۵ ساله ارتش شاهنشاهی ایران

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۱۰۳	تلگرافات در باره خلع قاجاریه	۹	ارتش ما از لحاظ سیاسی (گفتار مهم)
۱۰۴	نظنهای پر حرارت در مجلس مؤسسان	۱۴	آمار نیروهای اشغالگر دول جهان
۱۰۷	توسعه ارتش در جمیع شئون از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰	۱۵	کشورهای کوچک هم مسلح شده‌اند
۱۱۲	۱۸ لشکر در سال ۱۳۲۰	۱۶	علت تقویت ارتش در کشورها
۱۱۳	آمار جالب توجه از ارتش	۱۹	وظایف طرفداران ارتش (فصل مهم)
۱۱۵	نیروی دریائی ارتش شاهنشاهی ایران	۲۰	سرسزهای ایران
۱۱۸	بحریه ایران از قول هرودوت	۲۱	اهمیت سیاسی-نظامی-اقتصادی دریای خزر
۱۲۰	ناوگان ایران در شهریور ۱۳۲۰	۲۲	ثروت استانهای شمالی
۱۲۲	افول خورشید جوان نیروی دریائی ما	۲۴	البرز ربانی
۱۲۳	آتش نیروی مهاجم و غرق ناویلنگک	۲۵	منبع خدادادی خلیج فارس- دریاهای آزاد
۱۲۵	غرق ناوهای کرکس و شهباز و بیر	۲۹	جزایر خالی از سکنه
۱۲۸	تجدید تأسیس نیروی دریائی	۳۰	بحرین و تاریخ و جغرافیای آن
۱۲۹	جلد دوم - شب تار سوم شهریور	۳۲	جمعیت ایران - شرط‌زنده گی
۱۳۲	ارتش در شهریور ۱۳۲۰ - ۱۰۷۳ افسر	۳۳	معادن ایران
۱۳۷	شاهنشاه ۴۴ رضاشاه پهلوی	۳۵	آمار بسیار مهم نیروهای زمینی دول
۱۳۹	شرح زندگانی شاهنشاه جوان	۳۷	آمار هواپیماها و بودجه دول
۱۴۷	گفتار خسروانه	۳۹	پرچم و فرمان وطن
۱۴۸	صفات و سجایای شاهنشاه جوان	۴۱	نیروهای ایران قبل از تأسیس ارتش
۱۵۰	رژه چهارم آبان یا آغاز سعادت ایران	۴۷	حسب و نسب سلسله‌های پهلوی ایران
۱۵۵	آذربایجان - تاریخ و جغرافیای آذربایجان	۵۱	نیاکان شاهنشاه پهلوی
۱۵۶	چگونه آذربایجانی ترک‌زبان شد	۵۳	بیوگرافی شاهنشاه فقید سعید
۱۵۷	جریان تأسیس مسلحانه فرقه دموکرات	۶۱	کودتا - قیام - تصرف تهران
۱۵۹	مقاومت پادگان رضاییه - قهرمان رضاییه	۷۰	تأسیس ارتش شاهنشاهی ایران
۱۶۲	اعزام نیروهای ارتش به آذربایجان	۷۲	ارتش از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴
۱۶۳	جنگ مهیوشگر فافلانکوه	۷۶	تشکیل لشکرها - در سرکز و شهر-تانهها
۱۶۵	انعکاس مدش‌غرش توپخانه در کوهستان	۸۰	آغاز استفاده از ارتش
۱۶۸	پیروزی ارتش-نجات آذربایجان-سقوط تبریز	۸۰	متجاسرین گیلان - جنگهای شمالی
۱۶۹	پیروزی لشکرها در مهاباد- آستارا- اردبیل	۸۴	تغلبه رشت از قوای روس
۱۷۰	آتش زدن شهر آستارا	۸۶	پیروزی ارتش در فرونشاندن غائله سمیتکو
۱۷۱	فرار پیشوای از سرز- پرچم ایران بر فراز آرس	۸۸	نخستین جنگ مهم نظامی آذربایجان
۱۷۲	سازمان کنونی ارتش شاهنشاهی	۹۵	شورشهای چمنی - جنوب - خزعل
۱۷۴	تاریخچه سازمان شهربانی ایران	۹۹	جنگهای شدید ارتش در لرستان
۱۹۳	تاریخچه ۲۵ ساله ژاندارمری ایران	۱۰۰	تأثیر عظیم فتوحات ارتش در خارجه
۱۷۷	گراورها و اضافات کتاب واحساسات مؤلف	۱۰۰	ظنبان سردار رشید- افتتاح ادارات
۲۰۱	سرودها و مدارک راجع بایران وملحقات	۱۰۲	بیدایش سلطنت پهلوی و ایجاد ارتش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل اول

مختار شایان توجه

ارتش از لحاظ سیاسی تا چه حد برای ایران لازم است

فرزند ایران - میهن عزیز ما ایران که ذکر نامش برای جانبازی ما کافی است سرزمینی است دارای منابع بی‌شمار خدادادی و مایگانه ملتی هستیم که دارای تمام موجبات سعادت میباشیم و میتوانیم با استفاده از دریاها و اراضی وسیع و راههای ارتباط هوایی و آسمان شفاف و هوای صاف خود درهای خصب نعمت و فراخی و رفاه که اکنون از هر طرف بسوی ما بسته است باز کنیم .

فرزند ایران - افسوس که ایرانیان، میهن عزیز خود را خوب نمی شناسند درحالیکه ثروت و غنا در زیر پا دارند ره فنا می سپارند .

از کناره های رود خروشان ارس تا کرانه های خشک و سوزان جاسک و گواتر در هر جیبی از این خاک گرامی تر از زر و سیم، طلا نهفته است .

میهن ما از راه خلیج فارس و دریای عمان بتمام آبهای اقیانوسها راه دارد و از طرف شمال با داشتن دریاچه شکر فی چون خزر تا قلب کشور شوروی مربوط است میهن عزیز ما ایران، اگرچه بواسطه وجود کوههای مرتفع از رطوبتهای بحری محروم است ولی با انهار و شطوط گرنبهای زیادی مشروب میشود و بدهقانان ما مایه حیات می بخشد . هوای میهن ما معتدل و طبیعت خیلی بیشتر از سایر کشور ها در این سرزمین بما بخشش های فراوان مبذول داشته و مهر مادری دارد تمام آنچه که مال ما است و تمام آنچه که ما را احاطه کرده و تمام آنچه که ما دوست داریم میهن

ما را تشکیل میدهد موجب زندگانی انفرادی و زندگانی خانوادگی و حیات اجتماعی ما است ایران یعنی هوا و زمین و آبهای ملک ما و ملک پدران ما یعنی آسمان صافی که بالای سر ما و زمین حاصلخیزی که زیر پای ما است .

ما افراد هم نژاد و هم زبان و هم کیش در اینجا با نهایت غرور و استقلال و سرافرازی بدون اینکه تحکمی از بیگانه بشنویم زندگانی میکنیم برگزیدهترین افراد کشور ما که نور ایزدی در سیما و خون آریائی در رگها دارد و مجهز بعالیترین سجایا و مدارج انسالت و اخلاق و کمال بشری است بر ما سلطنت میکند ، از خود ما است ، و محبوب ما است .

همه ما تابع قانونی هستیم که خود برای سعادت مان وضع کرده ایم قانون یا حکمی از هیچ شخص دیگری دریافت نمیکنیم .

این سرزمین مقدس مکن ملت شجاعی است که ما در پهنای آن عضو زنده میباشیم . در ادوار مختلف تاریخ ، بزرگان و دانشمندان بعالم بشریت داده و مشعلدار تمدن بوده ایم در دوران باستان یگانه ملتی بوده ایم که برای خیر بشریت کار کرده ایم و آثار فنا ناپذیر در بیض زمین از خود باقی گذاشته ایم .

میهن شامل مجموع افتخارات گذشته ما - استقلال فعلی ما - امید و ایمان ما به آینده پر افتخاری است که با آرزوی سرافرازی ما را زنده نگاه داشته است .
میهن ایران است ، ایران عزیز و پر بخشایش .

وطن مادری ما است بلکه مادری ما و مادر ما است چه والدین ما نیز حیات خود را از این خاک پاک دریافت داشته اند در تمام قلب های پاک ایران عزیز است .
در هر قدم وطن همواره با آهنگ لطیف و مطبوع پر مهر خود ما را صدامیکند و در اکثر اوقات که ما با آواز لطیف او پاسخ میدهیم اشک نثار در چشمان ما حلقه میزند چنانکه در آن دریا بجان عزیز همه جا اشک از چشمان ملت و شاهنشاه محبوب ملت ما جاری شد افسوس که آن اشکها خشکید ولی اثر او بصورت این نوشته های گهربار بر روی این کاغذ برای ابد باقیماند .

مجموعه آن اشکها حالت عمومی فرزندان این سرزمین است روح میهن در همین چیزها است که ما را متنبه بفرائض و وظایف و تکالیف بیشماری میکند .

ای فرزندان ایران - امروز مثنی لخت و عور و گرسنه و بی فرهنگ و بی ثروت اکثریت مردم ما را تشکیل میدهند اکنون که این سطور را مینویسم روز ۳ مرداد ۱۳۲۶ است در یکی از دههای نزدیک تهران بسر میبرم چند طفل از جلو چشمم عبور میکنند پاهای برهنه آنها کپک بسته و سنگ سنگ است این کوهسار گوشت آنرا سوراخ سوراخ و لخت لخت نموده است؛ ریشه‌هایی از کهنه‌های مندرس فقط قمی از بدن آنرا ستر عورت داده است خوراک این اطفال کمی نان و آب است دیگر هیچ چیز ندارند بخورند شش بچه دنبال يك الاغ روانند و چنین بر می‌آید که همین يك الاغ سرمایه و هستی این اطفال و تمام افراد خانواده آنهاست او را بیش از چند تن از خود دوست میدارند.

هم چنین است وضع ملت ایران در تمام نقاط بلکه در شهرستانها و بیابانهای دور دست بمراتب از این بدتر؛ و فجع تر - اگر بر اثر نزدیکی تهران در دههای اطراف آن کمی نان برای سد جوع پیدا میشود در نقاط جنوبی نان هم پیدا نمیشود لاشک در روزنامه ها خوانده‌اید که در نقاط جنوبی منجمله در جهرم مردم بکشتار گاه هجوم می‌آورند تا خون حیوانات را بخورند اغلب از گرسنگی و مرض می‌میرند و با خوراکی دارند که انسان از نوشتن و شرح وضع و حالت آن شرم دارد و اشک میریزد اکنون باید به بینیم این فقر کریه و بد منظر عمومی ملت ما را چه علل و موجباتی بوجود آورده و برای تبدیل آن به سعادت چه چاره‌ای باید اندیشید.

موقعیت جغرافیائی ایران از لحاظ طبیعی و سیاسی و اقتصادی در قرون و ادوار مختلف وضعی داشته که مورد تهاجم و عبور ملل و اقوام بوده است و اکنون نیز معرض چشم داشت‌های سیاسی و منافع مادی کشورهای بزرگ میباشد و از طرفی در داخل بمناسبت وجود زمامداران نالایق و غیر صالح افراد ناراضی زیاد بوجود آمده‌اند که از بین این عده آنها که از بقایای بساط خان‌خانی و ملوک‌الطوایفی بوده‌اند یاغی و طاعنی گردیده باقیام ها و طغیان‌های مسلحانه خود هر لحظه موجب هراس و دهشت مرکز را فراهم کرده پیشرفت بسوی تمدن را برای تمام میهن متوقف ساخته‌اند.

اخیراً نیز بساط حزب بازی و اختلافات مرامی بدبختی جدیدی تولید نموده بتحریكات يكسانگان نغمه تجزیه بوجود آورده فضايائی مانند موضوع آذربایجان و نظایر آن در جنوب و سایر نقاط کشور منجمله کردستان بوجود آورده است .

زمامداران ایران در دوره قاجار و در دوره شش سال اخیر متوجه این نکته مهم نبوده‌اند که علت اینکه برای ایران موقعیت و شخصیت برجسته بین‌المللی پدید نیامده چه بوده است درک این نکته را فقط اعلیحضرت فقید سعید کرده بودند که افسوس زمانه بی‌مهر چندان وفا نکرد که اجرای تمام آن افکار پاک بمرحله انجام درآید .

دول کوچک در جهان بسیارند ولی هیچک از آنها تا این حد دچار بدبختیهای داخلی و خارجی نیستند .

دولت ترکیه مخصوصاً در سالهای اخیر دچار مشکلاتی لحظاتی تاریخی سیاسی و فشارهای خارجی بود چه چیز باعث این شد که ترکیه در جنگ گذشته سالم ماند و پس از آن نیز از مهلکه‌ها جان بدر برد آن وجود شصت و هفتاد و پنج هزار سرباز مسلح حاضر بجنک بود که فعلاً برابر عده افراد مسلح اتانزونی و بیش از سایر کشورهای اروپا باستانی دولت اتحاد جماهیر شوروی است امروزه دولت ترکیه سی تا چهل لشکر زیر پرچم دارد .

با اینکه کشور ما از بسیاری لحاظ بر کشور ترکیه برتری دارد ترکیه توانست بر اثر وسعت دادن نیروهای نظامی و سیاهی خود شخصیت برجسته بین‌المللی بدست آورد بطوری که بحرف نماینده او گوش داده ترتیب اثر میدهند .

پادشاهان قاجار چون سیاه و لشکر نداشتند چاره‌ای جز این ندیدند که عمری را بمیاشی بکنرانند و فقط از همان عنوان شاهی استفاده کنند چه میدانستند در اطراف آنها نیروهای گوناگون عظیمی خفته است که با اندک انحرافی بساط سلطنتشان از هم پاشیده و شیرازه حکومتشان گسته بشد .

اعلیحضرت فقید سعید با ایجاد ارتش شاهنشاهی میرفت که موقعیت بین‌المللی شایسته‌ای برای ایران تهیه کند بطوری که اگر خلاف شئون میهن از کشورهای دوست حرکتی مغایر موازین سیاسی میدید با آنها قطع رابطه مینمود چنانکه با فرانسه قطع رابطه نمود و با وساطت شخصی مستقیم البرت لبرون رئیس جمهوری آن کشور اختلاف مرتفع گردید و همچنین با آمریکا نیز چنین وضعی پیش آمد که از آن پس کشورهای جهان دانستند قوه و قدرتی در ایران وجود دارد که بسختی استعکام می‌بخشد .

البته قبل از هر چیز همانطور که بارها تذکر داده و نگاشته‌ام برای ایران فرهنگ لازم است و پس از آن ارتش و بعداً توسعه کشاورزی و بهداشت و صنعت .

ولی در ایران امروز ارتش مانند نیرو و روان است که قبل از فرهنگ فعلاً باید آنرا توسعه داد تا دیگر تزلزلی برای پیشرفتهای ما بسوی تمدن و تعالی و ترقی پدید نیاید .

ممکن است هر لحظه میهن عزیز ما بر اثر تجاوز و تعدی یا بهانه‌تراشی یکی از دول بوسیله نیروهای قوی و خطرناکی ویران گردیده با خاک یکسان شود . ادب و فرهنگ اگر چه مقدس و گرانبها است اما اگر قوه پشتیبان

آن نباشد ثبات و بقائی ندارد امروز تمام میهن پرستان و تمام کسانی که آرزو دارند که هم میهنانشان از ستمها و شقاوت‌های داخلی و جریانات سوء سیاستهای خارجی آسوده و برکنار و مرفه شوند باید دامن همت بگم‌زده مردانه با بفل یرارج‌ترین همتی زندگانی خود ارتش ملی ما را توسعه داده تقویت بخشند .

یگانه پرستان با تبلیغات زهر آگین خود چنین پراکنده بودند که درسوم شهریور افتضاح بی نظیری از ارتش ایران باقی ماند .

در صورتیکه ماهیت این تبلیغات از نظر نظامی هیچگونه ارزشی در کشورهای خارج از ایران ندارد چه خارجیان میدانند که ارتش ایران درسوم شهریور بهیچوجه حاضر و آماده برای هیچگونه نبردی نبود و ضرورت آنرا هم احساس نمینودا کشوری بود بیطرف نه اختلافی با کشورهای دیگر داشت و نه نظاهری در جنگ جهانسوز اخیر کرده بود با وضعی که برای او از دوطرف قوی‌پیش‌آمد هیچ کشوری جز آنچه که ما کردیم نمیتوانست بکند بلکه شهادت اخلاقی بزرگی از ما بازماند که تاریخ ما را درخشان‌تر نمود و جنگ جهانسوز نیز با همت بی نظیر ما و افراد ملت ما و امنیتی که ارتش ما بوجود آورده بود و همچنین با بفل مال و تار جان ما و راه‌های زمینی و آهنی و هوایی و سایر موارد و مواضع ارتباطی ما به پیروزی متفقین ما پایان یافت و اهریمن ددی و وحشگری از جهان رخت بر بست .

پیروزی و شجاعت ارتش ایران در قضاایای آذربایجان و خاتمه دادن بفائله آن سامان بمنصه ظهور رسد ما فقط با غلام یعبی و ارتش مجهز و مکمل دمو کرات‌های آذربایجان جنگ نکردیم بلکه بادستگاه و سیمی که غلام یعبی و خود مختاری ایالت آذربایجان را بوجود آورده بود جنگیدیم و بافتح تنگه شکرد قافلانکوه که تفصیل جنگ عظیم آن در همین کتاب برای ضبط در تاریخ مندرج است به پیروزی بزرگ نائل شدیم و میهن ما ایران و استانی را که آتشکده آذرگشسب شیز در آن واقع است از اهریمن بد کنش نجات دادیم .

پیروزی از آن ما گردید و ما را بجهانیان شناساند و مقام ارتش و مبانی قدرتش و یگانگی آنرا فهانده سفسطه‌گران بقدری منکر حقایق هستند که نفوذ آنها در جمیع شئون اداری و ملی و بین زمامداران مابعدی و سبع و پر رسوخ است که گاهی برخودما القاء شبهه مینمایند به سفسطه گران بین الملل میخواهند بین ما تلقین کنند که مادارای هیچگونه افتخاراتی نیستیم زیرا آنها بغوی بدک کرده اند و قتیکه این شهادت‌ها از ما منتزع گردید ما مجبور خواهیم شد خود را در دامان آنها بیفکنیم، قطعی است وقتیکه افتخارات از يك ملت گرفته شد اجساد و تنهائی بیروح و بی احساسات باقی میمانند که خیل خیل بهر طرف جریان آنها را سوق دهد رانده میشوند .

پس برای ما موجباتی که افتخارات ما را حفظ میکند و تبلیغاتی که ما را بهین عزیز خود علاقه مند میازد و محبت باب و خاک و توسعه دادن اقتصاد کشور را بوجود میآورد از هر چیز واجب‌تر و لازم‌تر است . دیگران چرا برای ما دایه‌های مهربان‌تر از مادر جلوه میکنند؟

غرض از اشاعه تبلیغات مرامی مرفه بودن و آسوده زیست کردن است پس در صورتیکه ما ولبت خود را استوار کرده دریناه وحدت ملی اختلافات خود را دور بربریزیم منابع سرشار کشور ما بجدی فراوان است که تمام افراد ملت ما را یکایک سعادتمند و ثروتمند میسازد مایمیتوانیم در اراضی وسیع خود براحت زیست کنیم در حالی که سایرین نیز بما احتیاج خواهند داشت .

پس قبل از همه و برای پیشرفت در راه جمیع این مقاصد و بدست آوردن شخصیت شایسته بین‌المللی و سرکوب کردن یاغیان و طغایان داخلی و بجای نشاندن اشخاص جاه طلب و خود خواه و طمعکار و مادی و درعین حال غرض ران و نالایق که هر لحظه برای ابقاء مقام خود مشکلات سیاسی جدیدی غیر مستقیم برای ما فراهم می‌آورند چاره‌ای جز این نیست که يك ارتش قوی با تجهیزات جدید و کافی و برق‌صدها هزار سرنیزه بوجود بیاوریم

باید این چنین ارتشی بوجود بیاوریم برای ما حتمی است.

پس از اینکه پشت ملت بانگه آن مستعکم گردید با خیال راحت بسوی اصلاحات می‌شنابد و از فضایای سیاسی نمی‌هراسد.

امروز روز نبرد بقای ملل است

جای نمارف نیست باید حقایق گفته شود. تا کی میتوان تقيه کرد.

اشتباه نشود! همیشه برای کشورها خطر از لحاظ پیش آمدهای عمومی بین‌المللی نیست امروزه در نقاط بسیاری از جهان اختلافات سرحدی و یا داخلی و مرامی و یابین دو دولت وجود دارد که رابطه زیادی باوضاع بین‌المللی ندارد هر يك از طرفین که نیروهای کافی داشته باشد پیشرفت میکند بدون اینکه سایر کشورها بتوانند مداخله کنند.

و از آن جمله است نبردهای موضعی و سرحدی که ارتشهای فرانسه و هلند در کشورهایی که آنها را مستعمره خود میدانند بعمل می‌آورند مخصوصاً در اندونزی و هند و چین و از آن جمله است وضعیت یونان فعلی و جنگهای داخلی چین که هم اکنون فقط در همین کشور اخیر بیش از ۵ میلیون نفر مشغول کلرزارند.

ما در دریائی زندگانی میکنیم که در حال حاضر بیش از دو میلیون سرباز در خارج از میهن‌ها و کشورها و مراکز اصلی خویش خدمت میکنند.

اکنون با اینکه بعد از جنگ جهانی و حشیانه گذشته دنیا در حالت صلح بسر میرود جهان را آفتابی پس از يك طوفان مدمش نورانی ساخته است معهذاً در هر گوشه و کناری تجاوز و مهاجمه و بالاخره آتش جنگ زبانه کشیده است.

نیروهای ویتنام مرکب از صد هزار نفر که در جنگ و کربز و جنگهای ایلاتی و بد طولانی دارند و با اسلحه‌های خود کلریکه ژاپونیا بجای گذاشته اند مسلح میباشند و توپخانه نیرومندی هم صفوف مقدم آنها را پشتیبانی میکند و يك میلیون نفر سرباز دیمی و جنگجویان غیر نظامی نیز که لاینقطع خرابکاری میکنند و تخم بیم و هراس می‌پاشند با آنها همدست میباشند.

این نیروها با فرانسه در جنگ هستند فرانسه با صد هزار نفر سرباز و دو تیپ چتر بازوسه گروه از سربازان داوطلب خارجی با آنها نبرد میکند در ماداگاسکار نیز اغتشاشاتی بین اهالی و نیروهای فرانسه وجود دارد که عده نیرو برای تقویت یادگان آنجا گسیل گردیده است.

در هند هلند نیز آتش جنگ زبانه کشیده و بین یکصد هزار سرباز هلندی و مستعمراتی اش با نیروی مرکب از صد هزار نفر از سربازان جمهوری اندونزی در شدیدترین جنگ مستعمراتی میباشند نیروهای هوایی هلند هواپیماهای طرف را سرنگون ساخته و طرفین تا حال تلفات شدید

داده اند و حتی وساطت کشورهای بزرگی چون انگلیس و آمریکا سوسی نبخشیده تا بعدی که سازمان ملل متفق مستقیماً بیانجی گری برخاسته حالت آنها را مورد رسیدگی قرار داده است .
 سربازان جمهوری اندونزی از طرف ۲۵۰ هزار تن جنگجویان غیرنظامی تقویت میشوند .
در فلسطین نیز اغتشاشات داخلی بعدی توسعه یافته که ۶۵ هزار تن سرباز انگلیسی مرکب از ۲ لشکر یاده ۲۰ بی‌هوائی و ۵ هزار سرباز نیروی هوائی سلطنتی که از طرف ۱۰۰۰ تن سربازان امیر عبدالله فرمانفرمای ماوراء اردن تقویت میشوند در آنجا آماده کارند .
در فیلیپین نیز ۲۵ هزار تن سرباز که هسته ارتش جدید دولتی آنجا را تشکیل میدهند با چندین هزار نفر شورشی آماده بیکارند .

اشغال اراضی دول معور سابق نیز مشکلات نظامی جدیدی است که بعد از جنگ جهانی اخیر برای دول بزرگ بوجود آمده است بطوریکه هم اکنون روسیه شوروی ۷۵۰ هزار سرباز در کشورهای بیگانه نگاهداشته است .

در آلمان ۲۲۰ تا ۳۵۰۰۰۰ سرباز در اطریش ۴۰ تا ۵۰۰۰۰۰ سرباز در لهستان ۴۰ تا ۱۶۰۰۰۰ سرباز در مجارستان ۱۰ تا ۳۰۰۰۰۰ سرباز در بلغارستان ۸۵۰۰۰۰ سرباز در رمانی ۱۲۵ تا ۲۲۵۰۰۰۰ سرباز در فنلاند ۵۰۰۰۰ سرباز در منچورستان و کره ۲۵۰۰۰۰۰ سرباز که ۱۱ لشکر از آنها در کره شمالی است هم‌چنین دولت اتحاد جماهیر شوروی در بعضی از کشورهای دست نشانده خود عده سرباز و درجه دار و آموزگار نظامی نگاه داشته است مثلاً در آلبانی ۳۰۰۰ نفر در چکواسلواکی ۵۰۰۰ نفر در یوگوسلاوی ۸۰۰۰ نفر .

کشورهای متحده آمریکای شمالی نیز برای اشغال نقاط زیر در جهان نیروهای نظامی نگاه داشته است در آلمان ۱۴۵ تا ۱۵۵۰۰۰۰ سرباز در اطریش ۹ تا ۱۲۰۰۰۰ سرباز در ایتالیا ۲۸۰۰۰۰ سرباز در ژاپن ۱۳۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰ سرباز هم‌چنین در چین ۶۲۰۰ سرباز آمریکائی و در کره ۵۰۰۰۰۰ نفر و در فیلیپین ۳۶ هزار که با ۴۲ هزار سرباز بومی تقویت میشوند از طرف کشورهای متحده آمریکای شمالی نگاه داشته شده است در کانال پاناما و آمریکای مرکزی عده افراد یادگان آمریکا تا ۱۰ هزار نفر میرسد هم‌چنین در گروئنلند که موضوع مورد اختلاف بین اتازونی و دانمارک است آمریکائیان یادگان مختصر و کوچکی دارا میباشند .

نیروهای نظامی انگلستان نیز بطوری که همه میدانیم در سراسر نقاط جهان پراکنده میباشند از آنجمله در آلمان ۱۷۵ تا ۲۵۰۰۰۰۰ سرباز مرکب از سربازان دانمارکی بلژیکی - نروژی - لهستانی که با یادگان انگلیسی متفقاً نمایندگی ارتش بریتانیای کبیر را در آلمان عهده‌دار میباشند در اتریش از ۱۵ تا ۲۵ هزار سرباز انگلیسی و در ایتالیا و ترکیه از ۲۰ تا ۳۰ هزار سرباز در ژاپن ۱۵ تا ۲۰ هزار سرباز که ده هزار نفر آنان استرالیائی میباشند در یونان ۶ هزار در هندوستان ۸۷ هزار در فلسطین ۶۵ هزار در عراق ده هزار نفر سرباز انگلیسی اقامت دارند (عده سربازان مقیم عراق در پائیز آینده باید خاک عراق را ترک نمایند و فقط دسته کوچکی از آنها باقی بمانند) .

در مستعمرات سابق ایتالیا در آفریقا نیز از ۵ تا ده هزار سرباز انگلیسی اقامت گرفته‌اند .
کشورهای کوچک هم مسلح شده‌اند!

علاوه برتر که که شرح آنرا دادیم یوگوسلاوی نیز نظیر آن میباشد قیتمو دارای سی تا

سی و پنج لشکر بیاده میباشد اما افراد این لشکرها قلیل است و بدو لشکر زره پوش تکیه دارد ولی اسلحه و تجهیزات و مهماتش کهنه و قدیمی بوده با اوضاع جنگی امروز وفق نمیدهد.

اسپانیا نیز مسلح گردیده و ارتشی برابر ارتش فرانسه دارا میباشد فرانکو شانزده لشکر در اختیار دارد که چهار لشکر آن کوهستانی و یک لشکر آن زره پوش است ولی یک چهارم این لشکرها اشغال مراکش اسپانیا را بمهدد دارند.

پس از اینها در میان قوای نظامی درجه دوم اروپا **فیروزی لهستان** است این کشور اگر چه ۱۶ لشکر دارا میباشد ولی این لشکرها مانند اسکلت میباشد سه لشکر زره پوش نیز دارند که هنوز وجودشان محرز و مسلم نیست.

از بین کشورهای امریکای جنوبی **آرژانتین** ارتش خود را بمیزان زمان پیش از جنگ نگاهداشته است.

کشور برزیل نیز که یکی از سیاهپوشان در جنگهای ایتالیا شرکت نمود کوشش میکند بکمک اتانزونی ارتش خود را سر و صورتی دهد چنانکه حکومت «ریو» بموجب طرحی که تنظیم کرده است، پنج لشکر بیاده اش دو برابر و چند واحد زره پوش نیز تشکیل می شود همچنین است فرانسه و سایر کشورهای کوچک که شرح آنها موجب اطاله کلام میگردد.

پس چرا کشورهای ارتش خود را تقویت نمیکنند؟

و نظریه ما چیست

بطوریکه می بینیم با اینکه بسیاری از کشورهای فوق الذکر جزء کشورهای بزرگ محسوب نمیشوند و نمیتوانند در سرنوشت کبیتی مؤثر باشند و در جنگها و مسائل سیاسی نقش فرعی را بازی میکنند معیناً اینهمه سرباز نگاه میدارند.

اگر چه علل حقیقی را در بالا متذکر گردیدیم ولی مهمترین دلیل آنستکه رقابت دول معظم و کشمکشهای سیاسی که از آن نتیجه گرفته شده و میشود کشورهای دیگر را ناگزیر ساخته است که هشیار و حاضر و آماده برای کلزار باشند حتی بعضی از آنها مانند ترکیه حس میکنند که مستقیماً مورد حمله و هجوم واقع شده اند.

همچنین کشورهای دیگر برای حفظ رژیم حکومتی خود و بعضی برای جلوگیری از طغیانهای داخلی و حفظ امنیت و بسیاری مسائل دیگر ناگزیر از تقویت ارتش و نگهداری تعداد بسیاری سرباز میباشد پس یکی از دلایل لزوم یک ارتش قوی تاسی باینهمه کشورها است که ایجاد آنرا لازم شمرده اند.

کشورهای بزرگ از لحاظ اینکه پای بند مقررات بین المللی هستند در حالت صلح کمتر دیده شده مستقیماً بکشورهای دیگر تجاوز و تمدی ملعانه بنمایند و قطعی است اگر بنمایند سبزه و جنگ در برابر ارتش مکمل آنها فایده تی جز فنا و سوختن ندارد.

ولی همین کشورها برای اینکه در میدانهای پر کشمکش سیاسی از رقیب عقب نمانند و مسائل و نیروهای گوناگون و مختلفی در اختیار دارند که بطور غیر مستقیم باسانی میتوانند مقاصد خود را انجام داده و کشورها را دست نشانده خود سازند.

علاوه بر وسائل تبلیغاتی و مداخلات سیاسی فرض کنید کشور ما بتحریر یکی از دول بزرگ مثلاً بوسلیه یکی از همسایگان یا نوعی از اردوهای ایلغار یا مهاجر و ایلاتی مورد مهاجمه فرار گرفت در اینصورت یگانه وسیله مورد اتکالی که ما را نجات خواهد داد يك ارتش پولادین و قوی ملی است حتی بعقیده اینجانب چون کشور ما را يك مساحت بزرگی بیابان و کوهسار پوشانیده است اگر يك ارتش مجهز و مویومکانیزه باتانك و مخصوصاً توپخانه کوهستانی و هواییم و توپهای ساحلی داشته باشیم در برابر ارتش یکی از دول معظمه نیز میتوانیم تا مدتی حکه توجه دنیا را بکمر خود معطوف داریم مقاومت کنیم (البته بمنزله معالجات مقدماتی پیش از رسیدن یزشك) اتفاقاً در اکثر شاهراههای کشور ما تنگه‌ها و قلاع کوهستانی بسیار مستحکمی بمنابیه بهترین مواضع طبیعی جنگی وجود دارد که با مختصر استحكامات جنگی و دفاعی و ایجاد سنگرهای نظامی میتوانیم برای مدتها جلو غدارترین ارتش‌ها را بگیریم و حتی عملیات هواییمهای دشمن را نیز در برابر کوهسارهای پوشیده از تخته‌های بزرگ صخره‌های سرسخت بی‌اثر و بی‌نتیجه بگذاریم.

ولی تمام این موفقیت‌ها محتاج بداشتن يك ارتش قوی با سازمان بسیار منظم و مجهز میباشد.

اخیراً در بین هم‌میهنان بوسیله تبدیلات مرتب و مدامی تلقین میشود که چون کشور ایران در بین دو قوه بزرگ و تا حدی متضاد واقع شده است لذا تشکیلات وسیع نظامی برای ما چندان ضروری بنظر نمیرسد و یا اینکه منتشر میکنند ما برای وجود رقابت بین همین دو قوه همیشه از خضرها سلامت خواهیم جست زیرا نظر هر يك از طرفین را طرف دیگر خشنی میکند.

اینها را باید يك سلسله (رؤیاهای خوش‌زیا) دانست در دنیائی که ما وضع آنرا هر لحظه بچشم‌می‌بینیم و اهمیت داشتن ارتش‌ها چه در نزد دول معظم و چه از حیث اثرات بین‌المللی می‌سنجیم و کشورهای هم‌وزن خود را ملاحظه میکنیم که با داشتن ارتش قوی سالم و مترقی مانده‌اند نباید باین تبلیغات خائنانه ترتیب اثر دهیم.

ما باید قائم با لذات باشیم برای ما ارتش قوی لازم است و بس ما با داشتن ارتش ملی و قوی میتوانیم قراردادهای و معاهدات سیاسی و نظامی مانند پیمان سعدآباد با کشورهای دوست و یا همسایه منعقد نماییم که در جهان سیاسی کنونی بسیار برای ما پراج است چنانکه امروزه دولت‌های اروپای جنوبی و مرکزی و دول‌بالکان بهمین ترتیب موجبات استحكام موقعیت و استقلال خود را فراهم کرده‌اند.

ما با داشتن ارتش ملی و توانا میتوانیم آثار با عظمت نیاکان خود و اسناد و مدارك بزرگی و عظمت خود و خلصتی که بتمدن جهان نموده‌ایم و مقامی که در عالم ادب و فرهنگ داریم حفظ نماییم و این افتخارات و مدارك جلال و برتری و فرمانفرمائی جهانی خود را که ملیت ما متکی و سرفراز بدانهاست از دست ندهیم.

ما با داشتن ارتش ملی و پولادین میتوانیم مستظهر بوده قانون خود را حفظ نماییم. آزادانه فکر کنیم. آزادانه بگوئیم. آزادانه بنویسیم. و بطرف تمدن و فرهنگ و صنعت شگرف امروز جهانی یعنی بسوی اکتشافات الکتریک و اتم و احداث کارخانه‌ها و لابراتورها بشناییم، متکی بارتش و مبانی مستحکم

سیاسی خود بوده در اقصی نقاط کشور فعالیت ابراز نماییم و خاک کشور را برای اصلاحات و آبادی زیر و رو کنیم بعالیترین مدارج علم و کمال و اختراعات و اکتشافات نائل گردیم .

خیال نکنید اختراعات و اکتشافات تابع عواملی است که فقط در بین ملل معدود و یامخصوصی بوجود میاید ملت ما چون در رأس نژاد آریانی قرار گرفته است صاحب عالیترین هوش و سرشارترین دهاء و استعداد فطری و جبللی و وسعت مغز بی نظیری است بمحض اینکه از نبوغ او شروع به بهره برداری شود و موجبات ترفیه خیال او فراهم آید باشد که جهانی را خیره و مبهوت هوش باطنی خود نموده خدمات گرانبھائی بدست جوانان او بعالم مدنیت و پیشرفت اختراعات جهانی انجام پذیرد که تا حال نظیری بر آن دیده نشده باشد یقین است در وراء آن هیجان و پیشرفت عظیمی نیز در مستحدثات کشاورزی - فرهنگی - بهداشتی - صنعتی با پشتیبانی از نیروها و محصولات خدا دادی و طبیعی مخصوصاً نفت و زغال ما بوجود خواهیم آورد که از هر حیث ملتی شایسته بزرگی باشیم .

همت ورزیم؛ همت ورزیم؛ این خاک از آن ماست آنرا رشك بهت برین کنیم باز خداوند نعمت صلح و رفاه و آرامش کشور با عطا فرموده است تا دنیا مشغول است ما بخود آئیم و در همین گیر و دار مقداری به پیش برویم .

هم میهنان از خواب گران بر خیزید سادت شما در عبور از این راه دشوار است پس از رسیدن به مقصد غرق در نعمت و سعادت و خوشبختی و طیبات خواهید شد و از فقر و برهنگی نجات خواهید یافت . فرصتی پیش آمده است ، این فرصت گرانبھارا از دست ندهید .

آنگاه میتوانید رخسار گلگون کودکن خود را که اکنون پژمرده هستند خندان و مسرور و مستغنی دیده بوسه های آبدار پر مهر بر گیرید و با عشق که عالیترین مظهر تجلیات صفات خداوندگار است بسر برید .

دسته گروه گروه داوطلبانه بسوی ارتش بشتاید اگر مقامات ارتشی نتوانند شما را بپذیرند در مقابل اقبال و کثرت هجوم و یابرداری شما مجبور خواهند شد تشکیلات خود را وسیع تر کنند و سازمان و اسلوب خود را مترقی تر سازند .



فصل دوم

و ظیفه

ارتش ایران و کسانیکه در سر شور عظمت و ترقی
ایران رامپرو رانند و میل بدخول در ارتش را دارند
مسئول حراست و دفاع از چه منافع مقدسی هستند؟

فصلی که آغاز میشود مهمترین قسمت این کتاب و مطالعه آن واجب
بر هر ایرانی است که آرزومند است فرزندان آیزده این سرزمین با سعادت و
سلامت در این فلات زندگانی کنند و از لذایذ طبیعی آن حصه و سود گیرند.
کشور ما ایران اگرچه چون وادی برهوت دارای بیابانهای اوت بسیاری میباشد
مساحت کنونی آن ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع یا برای سهوات (۱/۶۵۰/۰۰۰
کیلومتر مربع است) این مساحت $\frac{۱}{۳}$ یا تقریباً $\frac{۱}{۳}$ فلات ایران و $\frac{۱}{۲۳}$ وسعت زمین و
 $\frac{۱}{۲}$ تمام خاک آسیاست $\frac{۱}{۲}$ یا نصف ایران کوهستانی $\frac{۱}{۲}$ خاک ایران حاصلخیز و $\frac{۱}{۲}$ دیگرش
دریاچه های خشک و شور و بیابانهای لم بزراع و بی آب و علف است.

این فصل در ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۲۶ در دور از جنجال تهران در حالی که
مشغول خوشه چینی از حاصل قسمت اعظم مطالعات و تحقیقات سیاسی و نظامی و ادبی و اجتماعیم بوده ام
بصورت این اندرزهای گرانبها آغاز گردید برنامه عصر رادیوی با شکوه ایران با صدای
آواز دلنشین دختران مدارس که دسته جمعی سرود ایران را بنام استقلال و عظمت آن صلا میدادند
در هنگام شروع این فصل از درون دره های تنگ سر بند شیران بگوش میرسید موجباتی که این
فصل را بوجود آورد بیشتر آنرا بصورت الهام شباهت داده است امید است به صدق هر سخن کز
دل بر آید لاجرم بر دل نشیند در لوح ضمیر هم میهنان عزیزم نیز اثر عمیق و شایسته داشته باشد و با
عزم راسخ بدور مشعل فروزان اتحاد و یگانگی برای بدست آوردن استقلال و مجد غابر باستانی دست
بدست هم داده یک ملت بزرگ باملیونها دل ولی یک ضربان باسکوتی مدتش یکجا و آرام بسوی
عظمت و ترقی رهسپار شویم زیرا ما استعداد و استعداتی آنرا داریم . پینمبر اکرم (ص) فرموده است :
ان الله حیرتین من خلقه من العرب قریش ومن العجم فارس . و در حدیث است :
لو كان العلم معلقاً بالثريا لانا له رجال من فارس .

بنابر این بطوریکه می بینیم سطح حاصلخیز ایران بیشتر از تمام خاک فرانسه است و اگر سطح کوهستانی و لم‌بزرع فرانسه را مجزی کرده و فقط قسمت حاصلخیز کشور مزبور را مقایسه کنیم سطح حاصلخیز خاک ایران فزونی زیادی نسبت به سطح حاصلخیز خاک فرانسه خواهد داشت (وسعت خاک فرانسه ۵۵۵ میلیون هکتار است که از آن ۳۶ میلیون هکتار زبر کشت و ۱۱ میلیون هکتار آنرا جنگل تشکیل میدهد و بقیه که ۸ میلیون هکتار است زمین‌های بایر میباشد).

اگر توسعه در کشاورزی ایران داده شود و قسمتهای با استعدادی از سطح لم‌بزرع و کوهستانی این کشور تبدیل به سطح حاصلخیز و آبادان شود بهشتی بوجود خواهد آمد که استعداد سکونت میلیونهای کثیری از نژاد هم‌میهنان عزیز ما را در نهایت رفاهیت و عالیترین پرورش جسمانی خواهد داشت.

در صورتیکه همین مختصر سطح حاصلخیز فرانسه باید ۴۲ میلیون سکنه فعلی آن کشور را اداره نماید قطعی است بهمین تناسب در ایران میهن عزیز ما بیشتر میتوان جمعیتی را بر احتی بزندگان مشغول ساخت.

تمام مرزهای بری و دریائی ایران ۸۱۰۰ کیلومتر است ۵۰۵۰ کیلومتر مرز خاکی ۳۰۵۰ کیلومتر مرز دریائی و آبی است.

ارتش شاهنشاهی ایران و هم‌چنین سلحشوران دلیر و با شهامتی که هنگام احساس خطر احتیاطاً تشکیل‌دسته‌های چریک مسلح رامیدهند باید عهدہ دار حفظ این مرزها باشند.

میهن گرامی و مادر وطن ما در محیطی واقع شده که از حیث طول مرزها بدین قرار با همسایگان عزیز خود مشترك میباشد ۷۰۰ کیلومتر با قفقازیه - ۹۵۰ کیلومتر (از خلیج حسینقلی تا سرخس) با ترکستان روس - و از سرخس تا ذوالفقار نیز مرز خاور ایران با روسیه است - ۳۶۵ کیلومتر با جمهوری کشور دوست و هم‌دین ما ترکیه - ۱۰۰۰ کیلومتر با کشور هم‌مذهب و دوست ما عراق - ۸۱۵ کیلومتر با کشور هم‌دین و هم‌زبان ما افغانستان هم مرز است - ۱۸۳۰ کیلومتر نیز از گواتر تا شط‌العرب مرز دریائی جنوب ایران بحر ایران و خلیج فارس را تشکیل میدهد - ۹۹۳ کیلومتر از کناره‌ها و آبهای دریاچه بزرگ معروف خزر که سودهای فراوان برای ما در بر دارد متعلق بایران میباشد - کیلومتر نیز هم‌مرز بابلوچستان هستیم.

کشورما همعرض با دریای مدیترانه و الجزایر است درازای ایران از کوه آرارات تا گواتر ۲۲۱۰ کیلومتر و پهنای آن از سرخس تا دهانه ودلتای شط العرب ۱۴۰۰ کیلومتر است .

اختلاف ساعت مرزهای شرقی و غربی ایران قریب یکساعت و ۱۸ دقیقه است رودهای فرات و دجله و کارون و کرخه آب برفهای جبال زاگرس و ارمنستان را اخذ کرده هر ساله مقدار زیادی مانند رودهای جراحی و هندیان آبرفت بخلیج فارس وارد مینماید بطوریکه هر سال مقداری از دریا را خاک پوشانیده و تقریباً ۵۳ متر خشکی در طول ساحلها در دریا پیش میزود .

مرزهای دریائی ایران در قسمت بحر خزر بیشتر متغایر بوده چون این دریاچه مانند تمام دریاچه ها آبش زیاد تبخیر میشود و رسوبات بسیاری بوسیله رود های ولگا - کوروش - اورال - سفید رود و غیره بآن داخل میشود کرانه های آن مدام در تغییر میباشد بطوریکه فقط سفید رود سالی یک کیلومتر و نیم در طول ساحل در دریا پیش میرود و اراضی پر استعدادی بسبب باران ساحلها مجاناً هدیه میدهد .

طبق یک رشته تحقیقات و محاسبه های مهندسین و زمین شناسان شاید تا ۳۲ سال دیگر که وقت بسیار نزدیکی است قسمت اعظم دریای خزر از بین برود زیرا عمده واردات آب این دریاچه بوسیله شط بزرگ و ولگا است که بتنهائی نصف کلیه واردات آب دریای خزر را (اعم از نزولات جوی و تمام رودخانه هائی که در آن وارد میشود) میدهد ولی اکنون بمناسبت سدی که بر روی آن ساخته میشود آب این رود عظیم برای آبادی بیابانهای شمال دریای خزر بکار برده خواهد شد و بدین سبب در سال مقداری از سطح دریا یابین میرود و تا ۳۲ سال دیگر قسمت عمده این دریا خشک خواهد شد .

و چون در قسمت خزر شمالی که ژرفای آن بسیار کم و حد متوسط ۶/۲ متر میباشد آب زیادی تبخیر میشود اگر بمنظور تعدیل بین صادرات آب دریای خزر و واردات آن مدخل خلیج قره بغاز که آب در آنجا نیز بشدت تبخیر میگردد بسته نشود و رود جیحون از ارال بطرف دریای خزر بر گردانیده نشود قطعی است که محاسبات مزبور صورت وقوع پیدا خواهد کرد .

خزر این دریاچه بزرگ روی زمین بدر ازای ۱۲۰۵ کیلومتر و پهنای بین ۵۵۴ الی حداقل ۲۰۲ کیلومتر و سطح آن ۴۳۸۰۰۰ کیلو متر مربع بایک حجم ۷۹۳۱۹ کیلو متر مکعب آب میباشد طول کایه خطوط کرانه های آن ۶۳۷۹ کیلو متر است که ۹۹۲ کیلومتر آن متعلق بایران میباشد و سمت حوضه آن ۲۷۳۴۰۰۰ کیلومتر مربع و فعلاً ۲۶ متر از سطح اقیانوس پست تر است .

دریای خزر در قسمت جنوب و جنوب غربی که در دامنه های باصفای کوه های طالش و قفقاز واقع شده دارای ژرفائی از ۵۰۰ تا ۸۰۰ متر و در بعضی نقاط حداکثر ۹۴۵ متر میباشد عمق متوسط خزر مبان ۱۷۵/۶ متر و عمق متوسط خزر جنوبی ۳۲۵ متر است حجم آب خزر جنوبی $\frac{۱}{۳}$ حجم تمام دریا و حجم خزر مبان $\frac{۱}{۳}$ و خزر شمالی $\frac{۱}{۱۰}$ تقریبی تمام دریاست .

در شمال ایران (یعنی در سواحل خزر جنوبی) از برکت و جود این دریا جنگلهای سبز و خرم - ضید انواع ماهیها و موجودات دریائی و خاویار و هم چنین اهمیتی را که این دریا از لحاظ حمل و نقل بحری و غیره دارد يك وضع طبیعی بسیار بر استفاده بوجود آورده که از بزرگترین منابع خدادادی ایران برای ما ایرانیان محسوب میگردد .

از لحاظ نظامی و سیاسی چه در ادوار سابق و چه در جنگ جهانسوز بزرگ دوم بین الملل اهمیت این دریا برای ایران مسلم گردیده در ازمه تاریخی چون این دریا منظور نظر اقوام و مهاجرین کشورهای مجاور بوده است در حقیقت موجب جلوگیری از هجوم اقوام بادیه نشین خاوری شده و همچنین اقوام مختلف برای رفتن از آسیا بارویا و بالعکس مجبور شده اند که از جنوب و یا از شمال راه خود را منحرف نمایند بهمین جهت ایران و خطوط شمالی آن اهمیت نظامی فوق العاده حاصل نموده است بطوریکه ایران یگانه شاهراه معتدل میان آسیا و اروپا قرار گرفته است .

در قرون اخیر نیز وسیله ارتباط بازرگانی بین ایران و روسیه گردیده و در کرانه های آن شهرها و بنادر و مراکز مهم بازرگانی دایر گردیده است - پادشاهان صفویه اهمیت زیادی باین دریا داده و راهائی از نقاط داخلی تا کرانه های آن ساخته و بندری مانند بهشهر (اشرف) و فرح آباد (در شمال ساری) ایجاد نمودند پیوسته تا با امروز این کرانه ها در حال ترقی بوده اند نادر شاه افشار نیز اقدامات صفویه را تعقیب مینمود .

در سالهای اخیر ساختن راه رشت بتهران اهمیت زیادی بکرانه جنوب غربی دریای خزر داده باب بازرگانی و ارتباط جدیدی گشوده و راه بازرگانی دریای خزر که از گیلان شروع شده بیاد کوبه ختم میگردد و برای آهنهای اروپا متصل میشود وسیله بزرگ ارتباط بازرگانی و مبادله محصولات روسیه با ایران میباشد بقسی که اغلب کالاهای دول دیگر اروپائی که اجازه حمل از روسیه بآنها داده شده از این راه بایران وارد میگردد و همچنین محصولات ایران از همین خط بارویا برده میشود .

نظر با اهمیت سیاسی و نظامی و اقتصادی دریای خزر و استانهای شمالی ایران دولت ایران باید همیشه در صدد تهیه و تسهیل وسایل بازرگانی و حمل و نقل دریائی در

کرانه‌های دریای خزر باشد و به پیشنهادهایی که در این باره میرسد بیش از حد ترتیب اثر دهد و مخصوصاً وسایل انعقاد قرارداد کشتیرانی ایرانی را در دریای مزبور با کشور اتحاد جماهیر شوروی فراهم سازد چنانکه اعلیحضرت فقید سعید باین نکته بیش از تمام علاقمندان بترقی کشور پی برده و با ایجاد خط آهن سراسری ایران (بین بندر شاه و بندر شاهپور) برای پیشرفت کلی این منظور حداکثر خدمت بکشور ما را نمود هم‌چنین چند ناو کوچک جنگی نیز در دریای خزر تاسیس نمود که ما در قسمت نیروی دریائی شمال از آن بحث خواهیم نمود.

در جنگ بین‌الملل دوم ۱۹۳۹ - ۱۹۴۵ اهمیت نظامی و سیاسی این راه بخوبی ثابت گردید و از علل عمده پیروزی متفقین وجود همین خطوط بود .

علت بسطی که ما در این باره دادیم برای آن است که مدافعین استقلال ایران از همین پایه با اهمیت و وظایفی که ما در فصول آینده در باره سایر موضوعات مربوط بهمین عزیز خود خواهیم داد پی ببرند و بدانند که در انعقاد قراردادها و بخشیدن هر گونه امتیازی بسایر کشورها نسل آینده خود را که برخلاف وضع فعلی باید هم سطح با جهان بسیار متهدنی باشند دچار چه محظوراتی خواهند نمود .

هر ایرانی همین پرستی برای حفظ این مایملکی را که داراست باید خود را یکتفر سرباز فداکار حامی میهن بداند و وجب بوجب خاک مهنش را با مزایا و اختلافاتی که با سایر نقاط طبیعت دارد بشناسد .

تنها کرانه‌های شمالی و ثروت بی‌پایان دریای خزر برای سعادت مند کردن تمام ملت ایران کافی است .

اینهمه آبها و منابع ثروت چه میشود ؟

از لحاظ صید ماهی و شیلات که یکی از منابع مهم صادرات و ثروت طبیعی ایران محسوب میشود فعالیت هزاران ماهیگیر در رودهای ارس - استارا - گرگانرود - سفارود - و اهمیتی که مرداب پهلوی از لحاظ صید ماهی سفید و مخصوصاً از نظر جایگاه تخم ریزی ماهیان دارد باید همیشه مورد نظر باشد ماهیان شیلاتی در طبقه نازک بالائی دریای خزر بضخامت ۵۰ متر زندگی میکنند و در اعماق زیاد بنسبت فقدان اکسیژن و حرارت ذی حیاتی وجود ندارد .

دلتای وسیع و حوضه بزرگ سفیدرود (آماردی قدیم) که دارای ۲۸۰ کیلومتر درازی است از لحاظ مشروب کردن اراضی برنج کاری و صید انواع ماهی خاویاری یا ناس ماهی بقدری اهمیت دارد که فقط از یک شعبه اصلی این رود که (موسی چای) نام دارد بالغ بر ۶۰۰۰۰ کیلوگرم سالیانه خاویار بدست میآید که از نظر خوبی جنس و لذت مخصوصی که داراست در تمام دنیا نظیر ندارد در عین حال از سفیدرود به تنهایی سالیانه ۱۰۰۰۰۰ تن برنج بدست میآید در هر گوشه کشور ما نظیر همین ثروتها نهفته است .

فقط از رود کوچک چالوس در گذشته سالیانه بیش از ۱۰۰۰۰ ماهی آزاد صید میشد و اگر دولت مانع صید ماهی بوسیله کاهام بشود وجود این ماهی بوفور پیوسته و یکی از منابع

بزرگ تغذیه لذیذ ما را فراهم میکند (۱) و اگر توجهی باین موضوع نشود نسل این ماهی بسیار گرانها بکلی از بین خواهد رفت.

همچنین رود هراز از اعجاز اهمیت دره حاصلخیز و صید ماهی قزل‌آلا و غیره و رود فریدونکنار از لحاظ صید ماهی اسبله و بابل از اعجاز صید ماهیهای خاویاری- آزاد- ماهی سفید همچنین الی آخر تمام رودخانه های تالار- تجن- نیکایانکا- سیاه آب (فقط در همین رودخانه کوچک سالیانه بیش از ۵ میلیون دانه ماهی کلمه صید میگردد) گرگان- اترک و غیره هر یک رودهای گهرباری برای ما ایرانیان محسوب میشود و از همین نظر اسامی شعب این رودخانه‌ها را در اغلب نواحی گهر رود- گوهر باران و از این قبیل مینامند.

البرز ربانی، از همه مهمتر کوهسار البرز است که سرچشمه اکثر رودخانه های شمالی ایران میباشد و منبع بزرگ ذخیره آب کشور ما و دریای خزر ما است.

همین کوهسار است که حافظ طبیعی عظمت و استقلال ایران ما بشمار میآید و قسمتی از نمای دامنه دراز و پربرکت آن که بسوی بحر خزر است سرسبزتر جنگلها و خرم ترین و با صفا ترین کرانه‌ها را بوجود آورده است- درختهای همیشه سبز- یرتقال- نارنج- لیمو- نارنگی و اقمام دیگر مرکبات و گلها و ریاحین- و گیاهها- طبیعت سبز و خرم و هوای معتدل این کرانه‌های شمالی که از جهت مزایا و منابع بیشتر آنجا را نمونه کامل هندوستان کرده است از لحاظ محصولات کشاورزی حاصلخیزترین نقاط ایران میباشد فردوسی علیه الرحمه بزرگترین سخن سرای ایرانی درباره کرانه های شمالی فرموده است:

که در بوستانش همیشه گل است	بکوه اندرون لاله و سنبل است
هوا خوش گوار و زمین یرنگار	نه سرد و نه گرم و همیشه بهار
نوازشنده بلبل بیاغ اندران	گرازشنده آهو براغ اندران
کلابست گونسی بجویش روان	همی شاد گردد زبویش روان
دی و بهمن و آذر و فرودین	همیشه پر از لاله بینی زمین

البرز - با وضع دلپذیر طبیعی که کوهستانهای آن داراست برید گیاه و شکتهائی که در دستهای مختلف آن پدید آمده یکی از زیباترین نقاط است - و فور رطوبت کوههای آن وجود جنگلهای انبوه و با شکوه سرسبزی و طراوت و حاصلخیزی دره‌ها و کناره‌های ساحل پر از درخت و سبزه و گل‌های رنگارنگ آن که تمام این دامنه‌ها را مستور ساخته است و وجود و فور میوه‌ها - ریزش

(۱) کلهام یا شیل لغتی است که در گیلان و مازندران مصطلح است و آن عبارت از سدی است که از نی و چوب در بهنای رودخانه بنا میکنند و ماهیانیکه از دریا برای تخم ریزی و تولید نسل وارد آب شیرین رودخانه میگردند باین مانع برخورد صیادان فوراً آنها را صید میکنند - این طرز صید که از زمانهای بسیار قدیم معمول بوده است موجبات انهدام و نابودی نسل ماهی را فراهم میآورد چه ماهی‌ها را قبل از تخم ریزی صید میکنند این عمل در کشورهای متقدم اکیداً منع شده است (دریای خزر)

آبشارهای بلند - جریان وزمزمه جویبارها - غرشدردخانه‌ها و از همه باشکوه‌تر و عالی‌تر سطح نیلگون وسیع بحر خزر که در زیر این کوه‌سار گسترده شده و منظره زنجیر سفید آب عظیمی که بنام سفید رود دل این کوه‌سار عظیم را شکافته و بدریا میریزد ناحیه بی نظیر و بس زیبا و باشکوهی بوجود آورده است که در دنیا مانند آن کمتر یافت می‌شود.

دماوند عظیم که منظره مستور از برف دائمی قله آن در مقام ادبیات و شعر ایرانی روح داشته با یک ارتفاع ۵۶۷۱ متری وضع بسیار زیبا و خیره کننده‌ای در فلات ایران دارد که از نقاط و شهرستانهای دور میتوان قله مخروطی شکل آنرا مشاهده نمود در دامنه این کوه آب گرمهای کانی فراوان وجود دارد که از اعجاز طبیعت روزمیتواند سیاحت بسیار را برای معالجه بدخله ایران جلب کند از همه مهمتر کانهای آب گرم دماوند و رامسر و آب علی ولاریجان است که حرارت آن ۷۲ درجه میباشد در سایر کوههای ایران نیز آب گرمهای کانی پزشکی یافت میشود که مهمترین آنها در حوالی سهند و سلان و اردبیل و بسیاری از کوهسارهای غربی ایران است. مخصوصاً آب معدنی سادات محله تنکابن که گرم و گوگردی و مفید برای رماتیسم میباشد و همچنین آبهای صفادره که سرد و آهن‌دار و چشمه نیدشت رامسر که بنسبت رادیو آکتیو برای کم‌خونی و بیماریهای گوارش فوق‌العاده سودمند میباشد

آری - ای هم میهنان گرامی - وطن ما آنچه که تصور کنید . عظیم شگرف - و پر استعداد است و از همین جهات برای ما از جان عزیزتر است . نویسنده متعجب میماند که کدام یک از کوهستانهای ایران و کانهائی که در آنها بانواع و اقسام و بعد بسیار و فور همه مواد دست نخورده وجود دارد برای خواننده عزیز شرح دهد به هر یک از این کوهسارهایی که در اطراف فلات ایران مانند دیوارهای عظیم و صخره‌های هراس‌انگیز دل‌آسمان را شکافته و به ستارگان نزدیک گشته وارد شویم مزایا و کانهای آب گرمها و خصائص بسیار و منابع بیشماری در آن خواهیم یافت که حساب و آمار ندارد .

فقط اگر درباره نقاط سردسیری و بیلاتات ایران که در تابستان مانند بهترین روزهای بهار وزمستان سرد و خرم میباشد تبلیغات مؤثری بعمل آید از تمام نقاط جهان برای اصطیاف و گذراندن فصل گرما مانند موروملخ ملبونرها بدانجاها هجوم خواهند آورد و ثروت بی نظیر و یولهای گزافی بکشور ما ریخته خواهد شد. همین یک راه کافی است در آمد عظیمی را برای ملت ما تشکیل دهد و کشور ما را آباد ساخته دولت را مجبور به تسطیح راه‌ها و ایجاد وسایل ارتباط و تسهیل مسافرت و تأسیس مهمانسراها و مخصوصاً ایجاد موجبات تفریح و تفریح و استراحت کامل این فیصل مسافری را بنماید .

خلیج فارس یک منبع بزرگ خدادادی دیگر کشور ما -

کشور لهستان مانند کشور سوئیس و هم‌چنین تا حدی مانند روسیه شوروی از دریای آزاد محروم است اگر بغاظر داشته باشیم ابتدای حمله دولت آلمان به لهستان در جنگ اخیر بنا به بهانه بندر آزادانتزیک بود - در سال ۱۹۳۴ موقعیکه بندر دانتزیک دیگر برای بازرگانی خارجی لهستان مفید واقع نمیشد دولت لهستان تصمیم گرفت در خلیج کدینیا که در آن زمان بیلاق ماهیگیری بیش نبود بندر بزرگی بسازد - در عرض هفتی کمتر از ده سال بندر گدینیا را ساختند و آنرا بصورت یکی از بزرگترین بنادر اروپا پرداختند بطوریکه در سال ۱۹۳۵ ظرفیت این بندر به

۷۱۱۸۰۰۰ تن رسید و از آن خطوط کشتی‌رانی به بنادر دریای بالتیک و دریای شمال و انگلستان فرانسه - مدیترانه - خاور نزدیک - آمریکای شمالی - آمریکای جنوبی - آفریقا - بنادر دریای اژه کشیدند.

در سال ۱۹۲۵ در بندر گدینیا ۹۵۵۰ کشتی بظرفیت ۷۴۷۴۴۴۴ تن محمولات وجود داشت - جمعیت این شهر در سال ۱۹۲۲ - ۳۰۰ نفر ماهیگیر بود و امروز بندر تازه‌ساز بسیار مهمی با ۱۲۰ هزار نفر جمعیت می‌باشد به بین‌تفاوت ره از کجا است تا بکجا - پس در مدت ده سال میتوان در صورت دارا بودن دریای آزاد بندر بزرگی مانند گدینیا ایجاد نمود.

خوشبختانه کشور کهنسال ما ایران دارای مرزهای دریائی بسیار درازی می‌باشد که آنرا با تمام دنیا متصل ساخته است - از اینروست که موقعیت خلیج فارس از نظر جغرافیائی برای کشور ما بسیار مهم است تنها راهی است که ایران را بدریاهای آزاد مربوط مینماید کشور لهستان با داشتن ۳۲ میلیون نفوس فقط ۱۴۰ کیلو متر مرز دریائی دارد و حال آنکه ایران با ۱۶ میلیون نفوس ۱۸۳۰ کیلو متر مرز دریای آزاد در جنوب دارد.

شاد روان دریا دار غلامعلی باینس در کتاب خلیج فارس خود که در سال ۱۳۱۷ منتشر کرده و خود در سوم شهریور ۱۳۲۰ شربت شهادت نوشیده است مینویسد. بادر نظر گرفتن اهمیت مواد نفتی در زندگانی دنیا و زیادی آن در ناحیه خلیج فارس از طرفی و کم شدن مواد نفتی آمریکا آینه سیاسی و اقتصادی خلیج فارس از هر حیث در درجه یکم سرلوحه سیاست کشورهای می‌باشد که بمواد نفتی احتیاج داشته و در خلیج فارس از هر نظر ذینفع می‌باشد گذشته از موقعیتی که خلیج فارس از نظر سیاست بین‌المللی برای ایرانی دارد تنها از نقطه نظر ارتباط سریع بین نواحی جنوبی و بخصوص وجود فعلی بالشکاه‌های نفتی در این کرانه‌ها که تقریباً تمام مواد مصرفی داخله کشور را تهیه می‌نمایند و از راه بنادر سهولت و ارزانتر میتوان مواد نفتی را از ناحیه خوزستان تا کرانه‌های مکران و از آنجا به استانهای جنوبی و خاوری کشور رسانید اهمیت زیادی را آبهای خلیج فارس و بنادر جنوبی دارا می‌باشد.



فی الحقیقه اهمیت نامین ارتباط دایمی بین ناحیه کرانه‌های جنوب‌باختری ایران با داخله کشور و با سایر بنادر جهت رفع احتیاجات کشور از حیث مواد نفتی است که در سال فقط از ناحیه آبادان از راه صالح آباد و بنادر خلیج ۴۲۷۵۷۰۰۰ لیتر بداخله ایران می‌رود.

خلیج فارس حکم در کشور ایران را دارد که از آن بدون هیچگونه قیدی مبرا است با تمام دنیا راه داشت و یگانه دریای آزادی است که ایران دارد اهمیت آن باید بیش از سایر مرزهای کشور در نظر ایرانیان نمودار شده و قدر این دریای آزاد را که نخستین شرط زندگانی کشورهای معظم و درجه اول می‌باشد بدانند و در نظر بگیرند کشورهای که بچنین دریائی دست ندارند چگونه رسیدن باین هدف را سرلوحه سیاست نظامی خود قرار داده و زمامداران آنها یگانه آرزویشان دیدن روزی است که مستقیم یا غیر مستقیم مرز کشورشان بچنین آبهای کشیده شود بهترین شاهد این نکته وضعیت روسیه است که با تمام پهناوری و عظمت کشور خود چنین دریای آزادی را ندارد از زمانیکه دارای پیشوای مقتدری شد و تشکیلات اداری پیدا کرد رسیدن بدریای آزاد را سرلوحه سیاست خارجی خویش قرار داده است - بطور کبیر چون نتوانست در زمان خود

باین مقصود برسد در وصیتنامه خویش آن را گذاشته و اکنون هم که دولت شوروی جانشین دولت تزاری شده و تمام اصول سابق را از میان برده این اندیشه را در مغز خود بیشتر توسعه داده از هر گونه تلاشی در این راه خودداری نمی‌کند بطوریکه برای پیدا کردن راهی از وسط اقیانوس منجمد شمالی بطرف اقیانوس کبیر هزینه بسیاری مصرف نموده و تا حدی هم موفقیت یافته است .

در ظرف یکسال در بنادر چابهار - جاسک - میناب - هرمز - قشم - خمیر - عباسی - لنگه - بوشهر - بندر شاهپور - قصبه - آبادان - خرمشهر قبل از جنگ بین الملل دوم ۳۱۷۱۳۲۱۹ تن کالا رسیده و ۸۱۴۵۱۷۴۵۶۴ تن کالا فرستاده شده و مجموعاً ۶۸۵۷ کشتی با بارگیری ۶۶۰۸۸۰۱ تن خالص آمد و شد کرده اند بنا براین برای زندگانی ایران که بتواند بازرگانی خویش را آزادانه از بیش ببرد اهمیت مرز جنوبی کشور و آبهای خلیج فارس و عمان گرامی ترین سرمایه است که طبیعت بما سپرده است .

هر گاه این ارتباط مستقیم را ایران با دنیا نمی داشت همه این داد و ستدها بایستی بطور ترازیت از سایر کشورها بگنجد واضح است چه بدبختی بزرگی متوجه آزادی اقتصادی ما که فی العقبه آزادی سیاسی است میشد - در نتیجه ارتباط های دریائی در کرانه های خلیج فارس و بنادر ایران پرجم هجده کشور خارجی در ظرف یکسال دیده میشود - آمار گمرک ما نشان میدهد پنج دولت که تمهید کشتی های شان در یکی از سنوات قبل از جنگ از حیث مقدار بارگیری بیش از سایرین بوده است عبارتند از : انگلیسی ۵۰۳۶۹۹۲ تن آلمانی ۵۰۰۰۷۶ تن وروژی ۴۰۲۸۶۸ تن - ژاپنی ۲۱۳۶۱۰ تن هلندی ۱۱۶۹۸۴ تن (تنها در جنگ بین الملل دوم ایران متجاوز از ۸۰/۰۰۰/۰۰۰ تن نفت بجهت های جنگ رسانیده است و در حال حاضر میزان تولید نفت ایران متجاوز از ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ تن در سال است خلیج فارس بزرگترین مخزن نفت دنیا است - آبادان بزرگترین نصفه خانه نفت جهان و دارای ۸ لوله است که نفت را مانند رود بکام نهنک های عظیم الجثه دریائی یعنی کشتی های اقیانوس پسا میریزد و حتی بکوچکترین نقاط جهان و دورترین آنها میرسد ایران از برکت وجود همین خلیج پل پیروزی در جنگ گردید و جهان را آزادی بخشید در حدود ۷ میلیون تن مهمات عظیم جنگی از کشورهای آمریکا و انگلستان از راه ایران برای جبهه های جنگ شوروی فرستاده شد بطوریکه تهران فاروژی ۷۵ قطار یعنی ۱۳۶۸ واگون خارج نموده و بارگیری راه آهن ایران برقم شکر روزانه ۱۰/۰۰۰ تن رسید تنها در بندر آبادان روزانه ده کشتی و در خرمشهر ۲ کشتی و در قصبه ۳ کشتی و در بوشهر ۱ کشتی و در قشم ۲ کشتی - در چابهار و جاسک و عباسی هر یک روزانه یک کشتی آمد و شد دارند) .

هر چند که در کرانه های خلیج هنوز وسایل کامل جهت تهیله امور کشتی رانی فراهم نگردیده است مع هذا میزان کشتی هائی که با آنجا می آیند اهمیت موقعیت خلیج فارس را ظاهر میازد - زاوار آن است توجه بسیار زیادتری بآن بشود و ملت از عظمت کشور خود آگاهی حاصل نماید .

اهمیت این خلیج در زمانهای وقوع جنگ براتب بیش از دوران صلح است زیرا هنگامیکه احتیاجات از هر حیث چندین برابر میشود در دست داشتن این دروازه کشور و باز بودن آن بروی دنیا واضح است تا چه حد در سرنوشت ایران دخالت مؤثر و تام دارد .

توای ایرانی^۱ که در سرزمین خوش آب و هوای داخله کشور و نواحی شمالی در سایه درختان زیبا و باغ های مصفا تماشای طبیعت فشتنگ و روان آسای ایران را مینائی و از همه لذتهای زندگانی در این کشور سر تاسر زرخیز میتوانی کام خویش را شیرین سازی و باین جهت باندازه دلستگی به دهکده یا شهرستان خویش پیدا کرده که با سختی بدهکده یا شهرستان همسایه بهنگام ضرورت مسافرت میکنی .

باید بدانی که هرگاه روزی مرز دریائی را ایران از دست بدهد و یا با نیروی لازمه نتواند در آبهای آن حکمفرمائی کند در دهکده خودت مانده مرغی در قفس گرفتار شده همه شیرینی هائیکه امروزه در زندگانی داری بکامت تلخ میگردد و دسترنج سالیانه ات خواه دهقان باشی یا بازرگان از دست تو گرفته میشود و آن میوه شیرین و یا گندم سفیدی که همه سال جهت بدست آوردن آن تلاش میکنی و عرق می ریزی جز به تلخی و سیاهی بکامت در نخواهد آمد ناچار هستی آنچه داری بارزش کم از دست بدهی و آنچه بآن احتیاج داری به بهای جان بدست آوری ! . . .

پس هر وقت از این مرزیکه بچشمه آذر خیز است و آبش همه شور و تلخ میباشد میگفندی و یا از آن سخنی میشنوی بدان که این آذر مایه زندگانی ایران ماست و آن تلخی و شوری برای فرو بردن بکام دشمنان - آنکس که خواهان ایران است نغست باید این مایه زندگانی ایران را نگاهدارد تا بتواند ایران را بزرگ داشته و هر چه ایرانی در جلو مردم کشورهای دیگر بخود بیالد و سزاوار نام بلند ایرانی باشد .



برای حفاظت مرزهای دریائی ایران لاشک به نیروی عظیم دریائی و توبیهای ساحلی احتیاج داریم و باید این دنیروی عظیم را بوجود آورده توسعه دهیم .



شاه عباس کبیر که با اهمیت خلیج فارس بسیار پی برده بود با یرتقالیها جنگیده و آنها و دیگران را بکلی از خلیج راند و بندر کمرون را اصبحت فوق العاده داده بنام بندر عباس نامید و مرکز بازرگانی قرار داد - **همچنین نادرشاه افشار** دستور داده بود از جنگلهای مازندران مقدار کثیری تخته و الوار به بندر بوشهر حمل کرده در آنجا کشتی بسازند و قوای بحریه منظمی در خلیج فارس ترتیب دهند و بندر بوشهر فعلی را در شمال بندر قدیمی ریشهر مرکز نیروی دریائی قرار دهند ولی افسوس که افکار بلند و نظریات عالی آن سردار بزرگ ایرانی بعلت مرگ ناگهانبش عملی نشد و جانشینان وی نیز لیاقت و همت دنبال کردن کارهای او را نداشته زرفای خلیج فارس زیاده نیست . بخصوص کرانه های آن بسیار مسطح و در شمال آبرفت رودها کاهش زرفای آنرا سریعتر میکند زرف ترین نقاط آن در حدود ۱۰۰ متر درحوالی تنگه هرمز است - درازای خلیج از دهانه کلرون تا کرانه عمان قریب ۸۰۰ کیلومتر و پهنای آن از ۱۸۰ تا ۲۵۰ کیلومتر تغییر میکند باریکترین نقاط آن در تنگه هرمز فقط ۵۲ کیلومتر است وسعت خلیج فارس ۲۵۰ هزار کیلومتر مربع است مدخل خلیج فارس بین جزیره هرمز و دماغه مسندم که در عمان است بواسطه جریانهای دریائی بی اندازه خطرناک میباشد - بندر کیش و بندر هرمز از حیث بازرگانی کلبد خلیج فارس و جزیره هنگام و بندر باسعبو از حیث موقعیت نظامی و سیاسی مهمترین نقطه

حساس دریائی جنوب میباشد و کشتی ها از نزدیک آن مینگرند - یکی از منابع مهم عایدی ما از خلیج فارس ماهیهای آن است که بیش از دویست گونه انواع آنها را تعیین نموده اند و تقریباً شغل بیشتر اهالی جزایر ماهگیری و صید مروارید میباشد کلرخانه کنسرو ماهی بندر عباس و متخصصینی که دولت برای شبلات جنوب استخدام کرده بزودی صادرات مهمی که خود راه عایدی جدیدی است برای ما از این حیث بوجود خواهد آورد .

چگونه ممکن است جزایری خالی از سکنه داشته باشیم - جزایر خلیج فارس از شمال
 بجنوب عبارتند از : خارک دارای صد خانوار جمعیت ماهگیر و صیاد مروارید بطول ۸ و عرض متوسط ۴ کیلو متر - خارکو با جمعیت ۲ نفر طول ۴/۵ کیلو متر عرض متوسط ۷۰۰ متر - جزیره شیخ شعیب جمعیت ۶۰۰ نفر ماهگیر و صیاد مروارید طول ۲۴ عرض ۵ کیلو متر - جزیره شتور خالی از سکنه طول ۲ کیلو متر عرض ۹۰۰ متر - جزیره هندورابی جمعیت ۲۰۰ نفر ماهگیر و صیاد مروارید و زارع طول ۹ کیلو متر عرض متوسط ۴ کیلو متر - جزیره کیش جمعیت ۱۵۰۰ نفر صیاد مروارید ماهگیر و زارع بطول ۱۵ و عرض ۷ کیلومتر - جزیره فارور جمعیت ۵۰ نفر طول ۷ عرض ۴/۵ کیلو متر - بنی فارو خالی از سکنه - جزیره سیری جمعیت ۱۵۰ نفر بشغل ماهگیری و صید مروارید طول ۷ کیلومتر عرض ۴/۵ کیلومتر - جزیره بوموسی (معدن خاک سرخ) جمعیت ۱۰۰ نفر ماهگیر و صیاد مروارید طول و عرض ۴/۵ کیلو متر - جزیره تونب جمعیت ۱۰۰ نفر ماهگیر و صیاد مروارید و کمی زارع - جزیره بنی تونب خالی از سکنه - جزیره فشم (بزرگترین جزایر خلیج فارس) دارای آبادی های متعدد طول ۱۰۸ کیلومتر عرض متوسط آن ۱۸ کیلو متر میباشد فاصله نوك جنوب باختری آن بمسافت ۲۷ کیلومتر در خاور بندر لنگه و نوك شمال خاوری آن بمسافت ۲۲ کیلومتر از بندر عباس میباشد جمعیت آن ۱۲۰۰۰ نفر است که شغل آنها علاوه بر مختصر زراعت ماهگیری و کشتی رانی و صید مروارید میباشد ارتباط آنها بیشتر با بندر عباس است دارای معادن نوك و نفت میباشد - جزیره هنگام جمعیت ۷۵۰ نفر ماهی گیر و صیاد مروارید طول ۹ و عرض ۶ کیلو متر میباشد - جزیره لارک جمعیت ۲۰۰ نفر ماهگیر و صیاد مروارید طول ۱۱ عرض ۶/۵ کیلومتر - جزیره هرمز (دارای معادن خاک سرخ و نمک) جمعیت ۷۵۰ نفر بکارهای عملگی در معدن خاک سرخ و صید مروارید مشغول میباشد طول ۹ عرض ۸/۵ کیلومتر - مجمع الجزایر بحرین که مهمترین آنها محرق و بحرین میباشد جزیره محرق دارای چند آبادی جمعیت ۲۵۰۰۰ نفر بشغل صید مروارید و کمی زراعت طول ۷ و عرض ۶ کیلو متر میباشد - فرودگاه خط هوایی امپراطوری انگلیس در این جزیره میباشد - جزیره بحرین - جمعیت ۱۲۵۰۰۰ نفر دارای آبادیهای متعدد میباشد دهستانهای آن تمام آباد و دارای بازارها و کلروانراهای بسیار میباشد منابع نفتی آن فوق العاده مهم و استخراج آن بشرکت های امریکائی داده شده و یکی از پر ثروت ترین کانهای نفتی دنیا است طول ۵۰ و پهناى آن ۱۷ کیلومتر است مرکز و بندر آن فعلاً منامه یا میان آب میباشد (بحرین ترجمه عربی آنست) مجموع جمعیت جزایر بحرین به ۲۰۰۰۰۰ نفر بالغ است که اکثر در کلو صید مروارید و تجارت آن مشغول میباشد کمی نیز بزراعت مشغولند .

چگونه آبادترین و پرجمعیت ترین نقطه خلیج فارس که جزء لاینفک ایران است در اشغال یگانگان می باشد

تمام شرح فوق برای این گفته شد که خوانندگان ارجمند این سطور متوجه عظمت بحرین و جمعیت کثیر و تجارت صید مروارید آن باشند = بحرین از زمانهای تاریخی باستان از عهد هخامنشیان مانند سایر جزایر و سواحل جنوبی خلیج فارس و بحر عمان متعلق بایران بوده و بیشتر در اثر اهمال حلسه قاجاریه و ضعف حکومت مرکزی بعضی از رؤسای محلی بنا به دویتی که یگانگان در بین آنها بوجود آوردند بر اثر نفاق با آنها ارتباط یافته و اجانب در این جزایر زرخیز بطور غیرمشروع دست پیدا کردند دولت پهلوی هیچوقت آنها را برسدیت نشناخته به پیشگاه جامعه ملل چندین بار از این رویه اعتراض داده است .

شرحی که هر ایرانی باید آفراند - چون بسیاری از جوانان وطن پرست ایرانی را دیده ام که مایل بدانستن تاریخچه مختصر دخالت یگانگان در این جزایر می باشند خلاصه آن را بدین قرار برای ضبط در این تاریخ می نگارم در سراسر کرانه های جنوبی و باختری خلیج فارس نقطه ای مهمتر از بحرین دارای موقعیت نظامی و تجارتی نیست .

تا سال ۱۸۴۷ انگلیسها هرچه سعی میکردند نتوانستند پایگاه محکم و وسیله استقراری در جزایر بحرین بدست آورند مردم آنجا تحت ریاست یکی از شیوخ محلی زیر حکومت ایرانی بسر میبردند و یرجم پرافتخار ایرانی را با مباحث تمام در برابر آبهای خلیج برمی افراشتند از آن سال بعد یگانگان با تولید اختلاف بین اهالی سعی کردند وحدت ملی آنان را از بین ببرند بدین ترتیب بین شیخ محمد که با احساسات میهن پرستانه ایرانی خود همیشه دفاع بحرین را عهده دار بود با برادرش شیخ علی که مدت ۲۱ سال با یکدیگر با نهایت موافقت کار میکردند اختلاف تولید نموده از شیخ علی تقویت نمودند تا بالاخره در غیاب شیخ محمد حکومت را بدست گرفت و چون این عمل شیخ علی مورد تنفر عموم مردم واقع شده بود و علی هم چیز خود را ازدست داده بود در جنگی که بین دو برادر رخ داد زخمی گردیده شکست خورد و شیخ محمد دوباره برخلاف میل انگلیسها در بحرین مستقر گردید ولی دسبه هائی بر علیه او شد که بالاخره با دخالت رسمی نماینده سیاسی انگلیس که با چند ناو بانجا آمده بود محمد و سرعموهای او را از بحرین اخراج و شیخ عیسی پسر شیخ علی را جهت حکومت انتخاب کرد . (۱۸۷۰)

دولت انگلیس با اینهم فایده نمانده در سال ۱۸۸۰ بشیخ عیسی با اینکه تقریباً دست نشانده خود او بود قفسن نمود که حق ندارد با هیچ دولتی داخل ارتباط شده معاهده برقرار نماید مگر با اجازه دولت انگلیس در سال ۱۸۸۱ بشیخ عیسی تحمیل نمود که هیچ دولت نباید نماینده سیاسی یا کنسولی در بحرین داشته یا مرکز ذغالی برقرار نماید در سال ۱۸۹۲ نیز قفسن نمود نباید هیچ دولت دیگری در جزیره بحرین زمینی فروخته و یا اجاره داده شود مگر با اجازه نماینده انگلیس در سال ۱۸۹۵ بواسطه تحریک و نفوذ ترکها چون قبیله آل بوعلی از ناحیه قطر در صدد حمله به بحرین بر آمدند شیخ عیسی بعلت قراردادی که با انگلیسها داشت نماینده سیاسی آنها در بوشهر

خبرداد و او ضمن اینکه چند ناو مأمور مراقبت شورشبان نمود شیخ عیسی را مجبور ساخت که قبول نماید از این بیعت يك نفر نماینده سیاسی انگلیس در بحرین اقامت نماید که هم رسیده گی بکارهای اتباع انگلیس در آنجا بنماید و هم طرف مشورت شیخ بحرین در کلیه مسائل مربوطه باتباع خارجه باشد و شیخ عیسی ناچار هر دو شرط را قبول نمود از سال ۱۸۷۸ بر خلاف احساسات عامه کارگرمک بحرین نیز تحت نظر نماینده سیاسی انگلیس در آمد باین قسم بتدریج جزیره بحرین تحت اداره غیر مشروع حکومت هند انگلیسی وارد شد.

ما ایرانیان امیدواریم بادر نظر گرفتن روابط فوق العاده صمیمانه ای که با کشور بریتانیای کبیر داریم اکنون که دولت انگلستان به هندوستان استقلال عطا کرده است دخالت خود را از مجمع الجزایر بحرین مرتفع ساخته و آنرا بحکومت ایران واگذار سازد در این باره بمناسبت موقعیت فوق العاده شایان توجهی که پیش آمده است نظر وزارت امور خارجه را جلب میکنیم .

اکثر سکنه بحرین ایرانی و عده ای نیز از اعراب نجد و مسقط و کویت و هندوها در آن سکونت دارند بطوریکه تا سال ۱۹۲۳ تمام کارهای داخلی بمناسبت احساساتی که مردم آنجا نسبت بوطن خود ایران دارند با مشورت شیخ و یک نفر از محترمین ایرانی قطع و فصل میشد خود شیخ عیسی نیز با وجود آنکه دست نشانده انگلیس بود رعایت جانب ایرانیان را زیاد مینمود .

خارجیان دیگری که در بحرین بنگاه دارند شرکت های امریکائی برای استخراج نفت و يك هیئت مذهبی (کلبای هلندی) است که در سال ۱۹۰۲ نخستین بیمارستان را در بحرین گشودند از فروردین سال ۱۹۲۵ نیروی دریائی انگلیس مأمور خلیج فارس که تا این زمان از جزیره هنگام برای تکیه گاه خود استفاده میکرد هنگام را تخلیه کرده و بجزیره بحرین رفتند و مؤسسات لازم خود را از حیث وسایل آسایش و زندگانی از قبیل باشگاه افسران و افراد و وسایل ورزش و شنا و همچنین انبارهای ادوات و سوخت در آنجا فراهم ساختند و باین قسم علاوه بر تسلط سیاسی اشغال نظامی بحرین را نیز انجام دادند .

با اینکه جزیره هنگام و بندر باسعید و نیز موقتاً بدست بیگانگان افتاده بود ولی بر اثر پیدایش سلطنت پهلوی از سال ۱۳۱۴ پس از دو قرن پرچم شاهنشاهی ایران در جزیره هنگام و بندر باسعید و افراشته شد و راجع به بحرین نیز مکرراً بوسیله جامعه ملل که یگانه مرجع ملل متمدن بود اعتراض داده شد و هنوز هم وزارت خارجه اقدامات لازمه را مرمی میدارد .

فصل سوم

ای پرچم : همیشه در آسمانهای بلندقرین افتخار و در اهتزاز باش

در عرصه پهناور اینجهان ملت‌های زنده و پاینده هستند که
قوی و توانا باشند و با پشتیبانی ارتش‌های خود در شاهراه
تمدن پیش بروند

هم مبهتان عزیز گرچه رشته سخن بدرازا کشید. اگر ما بخواهیم ثروت‌های بی پایان
خدادادی کشور عزیز خود را شرح دهیم درخور هریک کتابی لازم است که هفتاد من کاغذوزن
هریک از آنها خواهد بود البته نقطه‌های یأس فراوان نیز در برابر داریم که مجبور خواهیم بود
شرح هریک از آنها را هم بدهیم این نقطه‌های یأس و ضعف چون ممکن است باعث برافروختن آتش
غیرت جوانان گردد در چنین کتابی که در دور ترین نقاط ایران آنرا خریده و صدها هزار نفر
خواهند خواند شاید از بعضی لحاظ سیاست داخلی و خارجی فعلا مناسب نباشد.

ما این تیر کبهارا (اگرچه در مقابل سعادت‌هایی که داریم و میتوانیم بهره‌مندی کامل ببریم
قابل جبران میدانیم) در کتاب مفصلتر دیگری بزودی منتشر خواهیم کرد و هم مبهتان را از آنچه
باید برای سرنوشت ایران از همه جهت تفکر کنند آگاه ساخته و فهرستی بدستشان خواهیم داد.
۵۰ میلیون نفر - باری اگر زمین‌های حاصلخیز ایران را ۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع
بدانیم و حد متوسط ۷۰ نفر برای زندگی در هر کیلومتر مربع حساب نمایم ایران میتواند به
آسانی دارای ۳۵ میلیون نفوس بشود که با سودگی در آن زندگانی نمایند اکثر محققین ایران
را حد اقل دارای استعداد ۵۰ میلیون نفر نفوس دانسته‌اند که میتواند بسیار براحت و سالم و
نیرومند در آن زندگانی کنند و وسایل آسایش فرزندان و سعادت و ترقی ایران را فراهم آورند علت
آمده نقصان جمعیت ایران مرگ اطفال است که بقول دکتر ژنرال کولونیه رئیس سابق بهداری
ایران که یک شخص فرانسوی بود ۹۵ درصد اطفال ایران بمیرند و این بدبختی بیشتر در اثر عدم
وسایل بهداشت کودکان میباشد.

جمعیت کنونی ایران ۳۴۸۳۰۹۳۰ نفر مرد و ۴۸۹۰۴۰۲۴۰ نفر زن مجموعاً ۸۲۷۰۴۹۰۱۶ نفر (شانزده میلیون و نیم) میباشد.

کشور ایران دارای ده استان و ده استاندار - ۶۲ شهرستان و ۶۲ فرماندار و ۲۲۹ بخش و
۲۲۹ بخشدار و ۴۱۵۲۱ ده و ۴۱۵۲۱ دهبان یا دهمدار است.

نگارنده خواستم بوسیله این کتاب علاقه‌مندی بخاک خود را در دل

هر ایرانی بوجود آورم بدانند که وارث چه میراث بی حساب و بی گرانهای هستند - بدانند که باید از وجب بوجب این خاک مشك نیز بهتر از زر و سیم باخون خود دفاع کنند - اینهمه نعمت‌ها و سرچشمه‌های بزرگ حیات بخش مال ما است باید برای سعادت میهن ما و افرادی که در آینده در آن زندگانی خواهند کرد یعنی برای فرزندان ما به نیکوتر وجهی از آنچه که خداوند باریتمالی جل و عز ببا بخشش فرموده است بهره‌مند شویم. تنها^۱ مساحت کشور ما را خداوند جنگل بما عطا فرموده که بزرگترین عطیه خدادادی

است و معادل ۲۰ میلیون هکتار تقریبی میباشد که از تمام خاک کشور بلژیک فزونی دارد و اگر طبق اصول جنگلبانی از آن بهره برداری شود در عین حالیکه موجبات ازدیاد آن فراهم خواهد شد میتواند سالیانه در حدود ۰۰۰/۰۰۰/۳۰۰ ریال بکشور ما عایدات خالص برساند این جنگلها شامل پسته - بادام - بادام وحشی - انجیر - انگور - گز و غیره و همچنین چوبهای صنعتی و تخته والوار است مقدار چوبی که محصول این جنگلها است به ۳۱۵ میلیون متر مکعب میرسد - اگر فقط موجبات ترقی محصول پسته و بادام این جنگلها را فراهم نمائیم با سالیانه ۰۰۰/۰۰۰/۱/۶۸۰ ریال عایدات این دو قلم را بدست خواهیم آورد .

همانطور که مکرر گفته شد ما آنچه را که داریم از آن اطلاع نداریم - ما اگر بخواهیم کوش هر يك از معادن خود را تکان دهیم حالت جنگلهای ما را خواهد داشت - کشور ما از این حیث نیز یکی از بر ثروت‌ترین کشورهای روی زمین و بی نیازترین آنها است زیرا انواع و اقسام کانهای مختلف در آن وجود دارد معادن عظیم ذغال سنگ (در ششک - زیراب - گلندرود - ایکا چشمه کل مشهد - و بسیاری از نقاط آذربایجان) - معادن آهن در (سنان - زنجان) - مس (در انارک - سبزوار - عباس آباد - بایچه باغ - زنجان - حوالی فروین بهر آسمان) - منگنز - (در رباط کریم - شهریار) - کانهای کرم (در حوالی میناب) - انتیمون (در پتیار انارک ترکمنی انارک) - نیکل و کبالت (حوالی انارک) - گوگرد (در بستانه لنکه - مشکین - افشار - سنان) - خاک سرخ - (در جزیره هرمز) .

و بالاخره کانهای وافر - نمک - سرب - زرنیخ - سنگ آهک - سنگ آسباب - زاج سیاه فیروزه - کالشور - زاج - کچ - واز همه مهمتر نفت در شمال و غرب و جنوب و همچنین معادن طلا و تفره و معدنی که اکتشاف نشده و در دل خاک نهفته است همه در اختیار ملت ایران است از معدنی که در بالا نام بردیم اکنون از قسمت اولی آنها دولت و از قسمت دومی ملت و اجاره داران مختلف در نقاط متعدد استفاده میکنند شك نیست با توسعه آن بهبودی شگرف در زندگانی مردم سامان ما پدید خواهد آمد .

اعلی حضرت همایون شاهنشاه محمد رضا شاه پهلوی بس از اینکه خاطرات

ذیقبتی از مسافرت آذربایجان تحصیل فرمودند در مراجعت میفرمودند مردم ایران فقیر و ما محتاج اصلاحات بسیاری هستیم ما همه چیز داریم ولی باید برای استفاده از آنها قوای خود را بکار انداخته با برنامه‌های منظمی بسوی ترقی و اصلاحات اساسی قدم برداریم والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی که یکی از بزرگترین بانوان خیراندیش و ملت دوست جهان امروز میباشد صبت نیک نفسی و شهرت نیکو کارهای خیریه ایشان در تمام دنیا انتشار یافته و بویژه در آمریکا طرفداران

بسیار برای ذات مبارکش تهیه دیده است یوسته در باز دیده‌هایی که از مساکین و فقرا و آسیب دیدگان میفرمایند این نکته را تذکر میدهند که ملت ما بسیار فقیر و مسکنت شگرفی سراسر ایران را فرا گرفته است .

پس باینکه ما اینهمه نعمت‌ها و طبیبات خدادادی داریم چرا کار و کوشش نمیکنیم باید یکدل و یک زبان بسوی اصلاحات سریع و با اساسی بشتاییم و بدبختی‌های گذشته را مرمت کنیم .

برای اصلاح این زندگانی سراسر ناملایم باید کار کنیم اشخاص لاابالی و بی‌عالم و مهمل و مردان راحت طلب نباشیم باید بیکار نشینیم بگویند روسها مردان پرکاری هستند در هنگام مسافرتشان بایران در جنگ اخیر دیده شد افسران ارشدشان وقتی بیکار میشدند کارهای نجاری میکردند. افراد یک ملت بزرگ و زنده باید زندگانی خود را بر آشوب و متلاطم سازند آنگاه برای انجام یک آرمان شریف و خدمت مقدسی تلاش کنند **هنگامیکه در زندگانی ما نقطه اصلاح شدنی و کار انجام نشده یافت نشود زندگانی ما بی‌پایان رسیده است و دیگر وظیفه نداریم زندگی و زیست کردن برای داشتن یک هدف عالی و آمال و آرزوی بزرگی است که هر فرد باید داشته باشد.** زندگی برای نبرد کردن و کار کردن و بطرف ترقی و هدف پیشرفتن است تاپس از آن از صفا و آرامش و آشتی و صلح بعد از جنگ و رفاهت حاصل شده برخوردار و متمتع گردیم و در آغوش شاهد عشق کامرانی کنیم .

تاریخ زندگانی اعلیحضرت شاهنشاه فقید باید نمونه سعی و عمل و سرمشق و همت و اقدام هر ایرانی باشد این پادشاه بزرگ بطفیل همت بلند و عزم متین از سربازی به تخت سلطنت کبان ارتقاء جست .

ما باید شب و روز مانند آنکه در جنگ گرفتار هستیم کار کنیم و فعالیت ابراز داریم اندرهمه‌موروا در کتاب چرا فرانسه شکست خورد (۱) مینویسد حرعت جاسوسان آلمان در فرستادن اخبار و اطلاعات از حدود عقل و توانائی انسان گذشته بود بعضی اینکه یکی از فرماندهان ما در دهکده‌ای اقامت میگرفت هو انوردان آلمانی فوراً بر آن دهکده حمله می‌بردند تا او را فراری دهند احیاء کامل کشور ما ایران فقط و فقط با قدرت اراده کار کردن میسر است و ما برای این اقدام قدرت و شهامت کافی داریم .

فژاد ایرانی قدرت و قوتی دارد که بوسیله آن می‌تواند از عمیق‌ترین ورطه‌ها خود را بیرون بکشد و از بلندترین قله‌ها بالا رود باید بلافاصله مشغول کار شویم تا قدرت و ثروت ایران را زیاد کنیم و مقام و مرتبه را که داشت باو بدهیم .

و آن میسر نیست جز اینکه قبل از همه برای ایجاد یک کشور آرام و امن و آسوده که افراد آن در حمایت قانون و امنیت و آزادی و عدالت علاقه بآب و خاک و آثار و مدنیت و خانواده خود پیدا کرده موجبات زیست کردن را فراهم به بینند یک ارتش شایسته ملتی بزرگ مانند ایران داشته باشیم .

(۱) این کتاب را هم آقای ابوالقاسم پاینده و هم آقای احمد فرامرزی هر یک جدا گانه ترجمه نموده اند .

آیا برای حفظ و حراست اینهمه ثروت های طبیعی که جان ما و فرزندان ما بدان وابستگی دارد و همچنین برای زحمتهایی که ملت ما در قرون و اعصار متمادی در راه صنعت و کشاورزی این کشور کشیده اند و برای برپا نگهداشتن و مرمت و تجدید کردن آثار با عظمت تاریخی که نیاکان پیراج و بلند آوازه ما بنام کانون ملت ایران ساخته اند و برجا گذاشته اند يك ارتش قوی و يك تشکیلات نظامی بسیار وسیع لازم نیست

و اگر نباشد آیا قانونی و عادلانه است که دیگران ارتش داشته باشند و تمام این افتخارات و ثروتهای ما بدون پشتیبان باشد و در نتیجه تدریجاً ما برده و مستعمره بیگانگان گردیده آنگاه آنها مریدی ما باشند و ماتحت قیومیت زندگانی کنیم و حتی اشخاصی مانند پیشه‌ورهای و غلام‌یعی‌ها و دیگر وطن‌فروشان و یاغیان و طاعیان و غاصبین غارتگر بیکر مادر میهن ما را قطعه قطعه نموده برادران و خواهران و فرزندان ما را طوق رقیبت نهند .

نه - هیچ عدالتی و هیچ مرام و قانونی چنین امری را نمی‌پسندد جز اینکه ما هر چه می‌خواهیم باشیم برای خود باشیم در جریانهای مختلف سیاسی وارد نشده گرفتار فریب جاسوسان نشویم .

امروز ملت‌ها و قوم‌های مختلف جهان برای سعادت و بقای ملیت خود نبرد جانبازانانه و فداکارانه میکنند ملت‌های بسیار کوچک در راه آزادی و استقلال و تمامیت ارضی خود همه چیز عزیز خود را از دست داده‌اند ولی ملیت و استقلال خود را حفظ کرده‌اند چه یقین دارند در پرتو آن دوباره بهمه از دست رفته‌های خود خواهند رسید .

زنده و پاینده ملت‌هاست که با نیکنامی و شجاعت و شهامت سعادت خود را بدست آورد نه اینکه مانند خس و خاشاک گاهی دریا دستخوش تلاطم امواج سهمگین دنیای امروزی گردیده از مظاهر مغوف تمدن ترسناک باشد چه در این دنیا عاقبت عدالت و انتظامی وجود دارد که تعدیل آن تابع شهامت و بزرگی روح ملت‌ها است .

ما اگر چه در فصل گذشته این کتاب شرحی در باره نیروهای زمینی دول دادیم مع هذا برای بیداری دولت و ملت خود مجدداً یاد آور میشویم دول مختلف دنیا برای احراز شخصیت بین‌المللی و ابراز شهامت و اهمیت ملی خود و بالاخره برای دلیلهائی که در بالا متذکر گردیدیم آنچه که قوه دارند برای تقویت ارتش خود بکار می‌برند - ارتش زمینی و نیروهای هوایی و دریائی نه فقط سه ضلعی هستند که در رأس بودجه سنگین دول قرار گرفته‌اند بلکه يك عنوان دیگری که بنام اعتبارات کلی دول جنگجوی سابق برای دول دیگری که احتمال دارد مورد استثمار آنها قرار گیرد معین کرده‌اند باید باین بودجه‌ها افزود .

اکنون جدول کاملی از نیروهای زمینی فعلی کشورهای دنیا طبق

صورتیهائی که مطبوعات موثق در تاریخ اول ماه ژوئیه سال ۱۹۴۷ منتشر کرده‌اند با يك ارقام تخمینی از نظر خوانندگان میگنرد :

افغانستان	۱۰۰۰۰۰ نفر	کانادا	۱۸۰۰۰
آلبانی	۶۰۰۰۰	شیلی	۲۳۰۰۰
عربستان سعودی	۴۰۰۰۰	چینقوای ملی	۴۰۰۰۰۰۰
آرژانتین	۱۰۰۰۰۰	چین قوای کونیت	۱۷۵۰۰۰۰
استرالیا	۳۵۰۰۰	کلمبیا	۱۱۰۰۰

۱۵۰۰۰	کوبا	۸۵۰۰۰	بلژیک
۱۰۰۰۰	دانمارک	۳۰۰۰۰	بلوی
۱۰۰۰۰	اکواتر	۱۳۰۰۰۰	برزیل
> ۱۶۰۰۰۰	مصر	۵۶۰۰۰	بلغارستان
> ۱۵۰۰۰	نروژ	۴۲۲۰۰۰	اسپانیا
> ۱۷۵۰۰۰	هلند	۶۷۰۰۰۰	اتازونی
> ۲۷۵۰۰	پرو	۳۴۰۰۰	فنلاند
> ۱۶۵۰۰۰	لهستان	۴۳۰۰۰۰	فرانسه
> ۸۵۰۰۰	پرتغال	۱۲۱۰۰۰۰	بریتانیای کبیر
> ۱۲۵۰۰۰	رومانی	۱۴۶۰۰۰	یونان
> ۵۷۵۰۰	سوئد	۶۵۰۰۰	مجارستان
> ۱۰۰۰۰۰	چکوسلواکی	۱۱۴۰۰	ایرلند
> ۶۷۵۰۰۰	ترکیه	۱۰۰۰۰۰۰	هندوستان
۳۸۰۰۰۰۰	اتحاد جماهیر شوروی	۲۵۰۰۰۰	ایتالیا
۱۰۰۰۰	ونزوئلا	۵۷۰۰۰	مکزیک
۳۵۶۰۰۰	یوگوسلاوی	۱۱۰۰۰	زلاند جدید

آنچه از ارقام بالا مسلم می‌گردد این است که با وجود توسعه و ازدیاد شکفت‌انگیز وسایل فنی و انقلاب عظیمی که در طی جنگ اخیر در فن جنگ و لشکرکشی پدید آمده است و با تحول فوق‌الماده‌ای که مخصوصاً در وضع نیروی هوایی و ساختمان کشتیهای هوانورد و ظهور کلوله‌ها و فشفشه‌ها و هواپیماهایی که بوسیله قوه برق پرواز می‌نمایند بوجود آمده است هواپیماهایی که سرعشان تا حدود هزار و صد کیلومتر در ساعت و یا مافوق سرعت صوت است اختراع گردیده است مع هذا اکثر دول اهم از بزرگ یا کوچک قسمت اعظم نیروهای نظامیشان سازمان ارتشها و نیروهای زمینی آنان است - بطوریکه اکنون ۱۹ میلیون سرباز مسلح مراقب صلح عجیب فعلی هستند.

هر ساله سه هزار و دویست و چهل میلیارد فرانک یا ۲۷ میلیارد دلار بمصرف بودجه نظامی چهل کشور دنیا میرسد.

دو دولت بزرگ اتازونی و اتحاد جماهیر شوروی تمام سعی و اهتمام خود را در راه حصول تفوق در تمام شعب تسلیمات بکار می‌برند و این ادها از مشاهده جدول مقایسه ذیل تأیید میگردد.

روسیه شوروی

۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰ تا ۳.۰۰۰.۰۰۰ نفر
 ۷ تا ۱۲ میلیون نفر
 ۸۰۰۰ تا ۱۶۰۰۰
 ۲۰۰.۰۰۰ تا ۳۰۰.۰۰۰

اتازونی

عده افراد ارتش حاضر بجنک ۶۷۰.۰۰۰ نفر
 عده افراد ذخیره تعلیم یافته ۶ تا ۸ میلیون نفر
 هواپیما ۷۰۰۰ تا ۵۵۰۰
 مجموع هواپیماها ۳۰۰.۰۰۰ تا ۴۰۰.۰۰۰

نیروی دریائی

عده کارکنان	۵۹۸٫۰۰۰ نفر
کشتی جنگی	۷۲۹
ظرفیت	۳٫۸۲۰٫۰۰۰
۳۰۰٫۰۰۰ تا ۴۰۰٫۰۰۰ نفر	
۲۹۱ تا ۲۱۱	
۳۹۶٫۰۰۰ تا ۴۸۷٫۰۰۰	

نیروی دریائی دو دولت بزرگ با تمداد کشتی‌ها وعده کارکنانشان در دو جدول بالا ذکر گردید - دو جدول زیر نیز یکی قدرت نیروی هوائی کشورها را در اول ماه ژوئیه سال ۱۹۴۷ باطلاع خوانندگان گرامی میرساند و دیگری تمهین میکند بودجه مخارج نظامی کشورها چنددر صد از بودجه کل مخارج آنها است :

نام کشورها	عده هواپیما	فنلاند	۶۰
اتازونی	۳۷۰۰۰	فرانسه	؟
بریتانیای کبیر	۱۵۰۰۰	یونان	۴
اتحاد جماهیر شوروی	۲۵۰۰۰	مجارستان	۹۰
ارژانتین	۱۵۰	ایرلند	۶۳
استرالیا	۴	ایتالیا	۳۵۰
بلژیک	۱۱۰	مکزیک	۲۵۰
برزیل	۱۱۰	هلند	۲۷۵
بلغارستان	۹۰	نروژ	۱۷۵
کانادا	۱۵۰	لهستان	۴۰۰
شلی	۱۵۰	یرتقال	۵۷۵
چین	۵۴۰	رومانی	۱۵۰
کلمبیا	۷۰	اسپانیا	۹۵۰
کوبا	۵۰	سوئد	۵۰۰
چکواسلواکی	۴	سوئیس	۴۰۰
دانمارک	۱۰۰	ترکیه	۱۰۵۰
اکواتر	۴۰	افریقای جنوبی	۳۰۰
مصر	۱۵۰	یوگوسلاوی	۱۰۰۰

میزان چند در صد از بودجه کل
صرف ارتش میشود

نام کشورها

اتازونی	۲۳	اکواتر	۲۰
اتحاد جماهیر شوروی	۱۸	فرانسه	۳۲
بریتانیای کبیر	۲۷	یونان	۳۳

۶	ایرلند	۲۸	آرژانتین
۲۲	مکزیک	۳۰	اسرئیل
۲۵	هلند	۱۰	بلژیک
۸	نروژ	۳۰	بلیوی
۲۰	یرو	۴۲	برزیل
۲۴	اھتان	۱۲	کانادا
۵۳	اسپانیا	۱۹	شیلی
۲۲	سوئیس	۸۰	چین
۱۹	ترکیه	۱۰	کلمبی
۱۰	افریقای جنوبی	۱۸	کوبا
۹	ونزوئلا	۲۰	چکواسلواکی
۲۲	یوگوسلاوی	۱۳	دانمارک

ارقامی که جنو نام آنازونی واتعداد جماھیر شوروی وبریطانیای کبیر ذکر گردیده اشتباه نشود این ارقام تمام هواپیماهای مبارز - حملونقل وتعلیماتی یا حاضر بخدمت یا ذخیره یا در انبار میباشد ولی ارقامی که جلو اسمی سایر کشورها نوشته ایم فقط نماینده هواپیماهای نظامی است که ممکن است در هر لحظه مورد استفاده قرار گیرد .

در قسمت بودجه مخارج نظامی کشورها نسبت ببودجه کل آنان مسلماً دولت اتحاد جماھیر شوروی بیش از ۱۸ درصد بودجه خود را بمصارف نظامی میرساند منتها بودجه او طوری تنظیم گردیده است که میزان مصارف نظامیش را بیش از ۱۸ درصد نشان نمیدهد و قسمت عمده مخارج نظامی بمنابین مختلف از مواد دیگر بودجه اش تامین میگردد در صورتیکه در حقیقت به ۴۰ تا ۵۰ درصد میرسد هم چنین است آرژانتین ویوگوسلاوی .

پس کشور ما نیز با توجه به مجد عالی گذشته اش نباید از سایر کشورها که بسیاری از آنها از حیث تمدن و شخصیت بین المللی بسی از ما کترند از لحاظ نظامی عقب بماند - آنچه با توجه به ترقیات سریع نیروهای هوایی و اختراعات اتمی دولتها استنباط میشود اکثر کشورهای معظم تمام پیشرفتهای خود را در راه تمدن با توسل بمقامات نظامی کرده اند یعنی امروزه عالیترین برنامه های اصلاحاتی و ترقیاتی اکتشافاتی و اختراعاتی دول از راه وزارت جنگ و بدست ارتش انجام می پذیرد وظیفه وزارت جنگ و اوساط نظامی کشورها فقط امور نیروهای سه گانه نیست بلکه عمده اهتمام آنها در مسائل بسیار عرمانه ایست که در راه پیدایش اختراعات جدید بکار برده میشود چه دول بزرگ درک کرده اند که از راه ارتش منظم تر و کامل تر و سریع تر در نهایت اختفاء میتوان مدارج نیروهای نهفته در کائنات را بیمود .

یکی از فواید مهم دیگر ارتش مخصوصاً برای ملت ایران آنست :

ولو اینکه اگر روزی قرار باشد نیروهای نظامی دول منحل شود تازه ما باید ارتش ایجاد نمائیم برای ما لازم است زیرا ارتش علاوه بر اینکه بخودی خود کاری است و جزء حرکت ملت یک

کشور محسوب میشود بلکه شرافتمندترین کلاها و سودمندترین حرکتهای فعاله است برای ملت ما که دچار تردیدها و پیش آمدهای بی مورد سیاسی بسیاری شده است جز توسل به نیروی نظامی هیچ راهی برای بیداری و جنبش سریع نیست در ارتش بهترین سرمشق فعالیت و فنون مختلف زندگی و تحصیل علوم و کسب آخرین ترقیبات و توجه و انتباه در راه اختراعات و تعلیمات مفید با افراد داده میشود افراد علاوه بر ورزیدگی و چالاکی در فنون هوانوردی - دریانوردی و زمین ییمائی بقدری منظم پیش میروند که بهچوجه در غیر سازمانی مانند ارتش پیش نخواهند رفت ما جز با انضباط مقدس نظامی نمیتوانیم جبران اینهمه تمویقهای تاریخی خود را بکنیم.

علاوه بر همه اینها چون ارتش روح نشاط و شادمانی تولید میکند برای ملت ما که قرنهای دماز با گریه و زاری بوده است عالیترین وسیله تعریک احساسات روحی بشمار میرود.

نگارنده بهترین فصل کتاب خود را با تمام این گفتارها بنا بمقیده و علاقه محکمی که بآب و خاک و مخصوصاً ملت با استعداد و ارجمند خود دارم با این جملات پایان میدهم.

مونتسکیو میگردد در دموکراسی ما يك اشتیاق داریم و آن این است که انسان بهتر از سایر هموطنان خود بسپهن خدمت نماید - هر کس در موقع تولد خود نسبت بوطن دین بزرگی پیدا میکند که هرگز از عهده ادای آن بر نتواند آمد.



هر وقت وطن فرمان میدهد هر چیز دیگر خاموش میشود و قتیکه وطن در خطر است برای فرزندان این مادر هیچ چیز وجود خارجی ندارد باید همه منافع شخصی - خانوادگی و عزیزان خود را ترك کنیم در این هنگام است که این وظیفه تمام وظایف را محو میسازد. سر بازان ساسانی این آوازا میخواندند « جانبازی در راه ایران با شادمانی بهترین سر نوشتهاست »

ما ایرانیها. ما. بقدری ملت بزرگ و سرفراز و ملت دلاور و واجد کاهاترین ملکات انسانی و عطایای الهی و هوش و دماغ سرمدی هستیم که استعداد نبل بعالترین مقامات بشری و فرمانروائی را دارا میباشیم.

مادارای همان مزایای بر تری و اولویت هستیم که روزگاری روزگار زمین را اداره میکردیم و جهان باعدالت ما با قوانین ما با سپاه متمدن ما با ملت بزرگ منش و متفکر ما در آسایش و لذت حقیقی حیات مستغرق بود بفرموده داریوش شاه - شاهنشاه بزرگ آسمانی ما بنا بانچه که در کتیبه بیستون نقر شده است ۴۴ کشور بزرگ از نعمت رفاهیت سازمان عظیم حکومت ما برخوردار بودند نام ایران کافی بود که در وراء نور آن زیباترینهای بی شماری احساس شود - ما در آینده نیز باید چنان باشیم و شك نیست که خواهیم بود. ایران. این ۵ حرف ۲ آهنگی چه شکوه و جلالی دارا میباشد چه غرور و وجد و سروری بوجود می آورد.

پاینده و جاویدان مانی ای پرچم سهرنگ شیر و خورشید ایران

همیشه در آسمانهای بلند قرین افتخار و در اهتزاز باشی



واقعا پرچم سه رنگ شیر و خورشید و شمشیر ما که در بالای آن نقش تاج مقدس شاهنشاهی کیانی مرتسم است بشاش ترین و مغرورترین بیرقها است در آسمان منظرة بس عالی و عشقک دارد رنگهائی روشن و ممشع فرحناک و پرافتخار می گستراند بر آنها نام مقدس ایران نوشته شده است - هر وقت امواج باد آنرا در اهتزاز می آورد بعدا درآمده نام ایران را فریاد میزند .

آنکس که مدتی دور از ایران مانده باشد میدانند انسان با چه هیجانی صمیمانه و در عین حال قوی و مسرور به پرچم ایران بر فراز سفارتخانه های خود سلام میدهد پرچم از وطن آواز عزیزانی که در وطن گذاشته از علائق او از یادگارها و عشق او از کانون خانواده و نژاد او و آنچه که مورد توجه مغز و قلب اوست صحبت میدارد گاه گاه اشک بچشمانش می آید یا هایش بلرزه می افتد میخواهد در برابر این قطعه پارچه که برای او دنیائی است بزانو در آید .

ای پرچم = ای پرچم مقدس سه رنگ ایران همواره با کمال عظمت در آسمانها در اهتزاز باش پیوسته مظهر بختندگی شرافت و افتخار باش هیچ لکه و هیچ ضعی رنگهای ممشع ترا تیره مکناد وقتی که خطر نزدیک شود به سر بازان ما بگویی که « روز افتخار فرا رسیده است » باید حساب تمام خون خود را بوطن پس بدهید .

فصل چهارم

نیروهای نظامی ایران

قبل از تأسیس ارتش شاهنشاهی

دوره قاجاریه را میتوان دوره انحطاط ارتش و قوای تأمینیه ایران دانست. پادشاهان ضعیف النفس و عیاش و بیحال قاجار هیچگاه در صدد برنیامدند با توسعه تشکیلات ارتش و نظام جدیدی که حتی با چشم خویش در کشورهای راقیه و ملل متمدن اروپا دیده بودند میهن عزیز ما ایران را به اوج ترقی و تعالی برسانند و در پناه امنیت داخلی اصلاحات اساسی و پیشرفت در راه تمدن را آغاز نمایند. محیط فکر و عمل ایشان هیچگاه از حدود حرمسرای پریوشان و ماه بیکران زندانی تجاوز ننمود. با اینکه در دوران سلطنت قاجاریه رجال بزرگی که دارای حسب و نسب ایرانی و پاک‌کی خون و اصالت نژادی بودند ظهور کردند و خدمات بزرگی هم بکشور نمودند متأسفانه چون محکوم بزندگانی در دوره سلطنت سلاطین قاجار بودند تا بود و معدوم گردیدند.

امیر کبیر و میرزا حسین خان سپهسالار دو نابغه بزرگ سیاسی ایران بودند که با دسائس اطرافیان و نیرنگهای سیاست بازان عصر افکار بلندشان در اعماق زمین مدفون گردید.

اگرچه ارتش همیشه در ایران مطابق اوضاع زمان و مکان وجود داشته است و بحالت چریک تحت نظر رؤسا و فرماندهان که در رکاب پادشاهان می‌جنگیده‌اند موفق‌بفتوحات بزرگی نیز شده‌اند و ما در مقدمه توانستیم مختصری از روح سلحشوری را در ایران باستان شرح دهیم ولی از لحاظ اینکه نخستین فکر توسعه تشکیلات ارتشی در مغز بزرگ مرحوم میرزا تقی‌خان امیرکبیر پرورش یافته بشکل بشیچه مقرراتی برای اخذ سرباز و وضع نموده بود باید برون یاد آن رادمرد بزرگ ایران دوست درود بفرستیم

طرز بنیچه بندی شهرستانهای ایران و اخذ افراد نظامی تحت اصول منظمی بوده است که ممکن بود با اجرای دقیق آن قشونی در حدود یکصد هزار نفر بوجود آورد - سازمان و تومان بندی واحدهای کوچک و بزرگ نظامی مزبور بقرار زیر بوده است.

هر ده نفر توسط يك وکیل باشی و هر ۱۰۰ نفر توسط يك نائب یا سلطان هر ۵۰۰ نفر بوسیله يك سرهنگ - هر هزار نفر توسط يك سرتیپ هر ۵ هزار نفر تحت فرماندهی يك امیر پنجه - هر ۱۰ هزار نفر زیر فرمان يك امیر تومان - هر ۵۰ هزار نفر تحت امر يك سردار یا امیر نوبان اداره میشده اند.

در آن هنگام قوای مزبور بده تومان تقسیم میگردد و واحدهای نظامی عبارت بودند از جوخه - دسته - گروهان - هنگ - تیپ و لشکر و سپاه و من حیث المجموع قشون مرکب بود از ۶۸۸۷۸ نفر پیاده - ۱۷۶۲۵ نفر سوار - ۱۰۷۲۶ نفر توپخانه (به مجموع ۹۷۲۲۹ نفر).

برای جلوگیری از فرار سربازان و تولید علاقه بخدمت سربازی و نظامی و عشق بفداکاری در راه میهن طبق مقررات مخصوصی اهالی محل بخانواده سرباز و برای تأمین زندگانی او پس از انقضاء خدمت کمک میگرفته اند.

با اینکه اسلحه و مهمات و توپ و تفنگ بحد معتنابه در اختیار ارتش آن دوره بود هیچگاه بر اثر عدم کفایت زمامداران وقت و اختلاف نظر همسایگان اصلاحات اساسی ارتشی در ایران صورت عمل بخود نگرفت از عده فوق ممکن نبود - البتاه بیش از نصف (یعنی در حدود ۴۵۰۰۰ نفر) را احضار و بخدمت جلب نمود.

دو کشتی کوچک جنگی یکی بنام جهاز پرسپولیس و دیگری بنام شوش مأمور مراقبت بنادر خلیج فارس بودند.

نخستین تشکیلات ارتشی قاجاریه تقریباً در دوره فتحعلیشاه بوجود آمد و در تهران و تبریز برای اولین بار تحت اداره افسران فرانسوی و بعداً انگلیسی سازمانی داده شد.

در دوره مظفرالدین شاه این سازمان راه انحطاط بی نظیری رای نمود بطوریکه پس از گذشته شدن ناصرالدین شاه (در سال ۱۳۱۳) مظفرالدین شاه پس از ۴۲ سال ولایت عهدی بسلطنت رسید و بمناسبت ضعف و کسالتی که داشت زمام امور از کفش

خارج در اوایل بدست اتابك و سپس بدست امین الدوله افتاد بمناسبت عدم وجود قوای نظامی عایدات دولت وصول نمیشد و آنچه که وصول میشد نصف مخارج بل کمتر را کفایت نمیکرد حتی برای پرداخت ربع قرض و هزینه مختصر ارتش و قره سورانهای محلی و حقوق وزیران کافی نبود بعداً نیز مخارج مسافرت های فرنك و خرید اشیاء لوکس بجای اسلحه های جنگی مزید بر علت گردید.

در سال ۱۳۱۵ هجری هفت فوج توپخانه که عمده قوای نظامی کشور را تشکیل میدادند دیناری برای حقوق خود در یافت، نمیکردند خزینه کشور بکلی خالی بود افراد و افسران مدتها برای اخذ حقوق انتظار میکشیدند.

در سال ۱۳۱۶ هجری با افراد و افسران مدت هشت ماه چیزی پرداخت نشد فقط فوج مختلط قزاق که مخارج آنها از در آمد گمرکات شمال بوسیله بانک روس پرداخت میشد حقوق خود را گاهی مرتب دریافت میداشتند. حتی مستخدمین شاهی و سواران خاصه که ۱۲۶ سوار تبریزی بودند گاهی سه ماهه ماه حقوقشان بتعویق می افتاد. اصول مالیات و تشکیلات کشوری و گمرکی مانند بدترین ادوار فئودالیت بود در خلال این مدت دو دولت همسایه که به وضع داخلی و خرابی کشور و نبودن قوای ارتشی کامل ایران پی برده بودند.

میهن عزیز ما را بدو منطقه نفوذ تقسیم کردند.



در سال ۱۲۹۷ بریکاد قزاق بوسیله يك گروهان پیاده و يك آتشبار صحرائی تأسیس یافت این بریکاد بعداً به يك دیویزیون دارای ۵۶ افسر روسی و ۲۰۲ افسر ایرانی و ۶۶ درجه دار روسی و ۷۸۶۶ افراد ایرانی و ۳۱۴۱ اسب توسعه یافت. فرمانده این دیویزیون يك افسر روسی بود که او خود را حافظ قدرت امپراطور روس میدانست نه ایران.

سازمان این دیویزیون تشکیل یافته بود از يك ستاد مرکزی و نه آترباد بنام (آتربادهای تهران - اصفهان - مشهد - همدان - کیلان - اردبیل - مازندران - ارومیه) که ملبس بلباسهای قزاقان روسی بودند بودجه تمام قوای انتظامی دیویزیون قزاق به ۲۰ میلیون قران بالغ میگردد.

در برابر دیویزیون قزاق پلیس جنوب نیز وجود داشت که انگلیسها در خلال جنگ ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ آنرا تشکیل داده بودند و آمار آن بدینقرار بود - افسر انگلیسی ۴۷ درجه داران انگلیسی و هندی ۲۵۶ افسر ایرانی ۱۹۰ افراد و درجه داران ایرانی ۵۴۰۰ اسب ۱۱۸۷ قاطر ۸۸۶ الاغ ۱۰۰۰.

اعضای ستاد این قوا را ۸ نفر انگلیسی و سه نفر ایرانی در تحت فرمان يك ژنرال انگلیسی بنام (اینسپکتر) تشکیل میداده است و به دو بریکاد (نیپ) تقسیم میگردد. بریکاد فارس که مرکز فرماندهی آن شیراز و بریکاد کرمان که مرکز فرماندهی آن کرمان بود پیاده نظام پلیس جنوب دارای تفنگهای بلند و سوار نظام دارای کارابین بوده اند این قوا دارای يك بودجه سالیانه بمبلغ ۳۵ میلیون قران بودند که تماماً از طرف دولت انگلستان پرداخت میشود و برای اجرای منظورهای آنان بود. علاوه بر قوای مزبور قوای ژاندار مری نیز که از سال ۱۳۳۰ بتوسط افسران سوئدی تاسیس یافته بوده در کشور وجود داشت.

این قوا در ابتدا توسعه بسیاری یافت ولی بعداً بمناسبت پیدایش انقلابات جنگ بین المللی دچار ضعف فوق العاده گردید بطوریکه آخرین آمار بدینقرار بوده است - سه نفر افسر سوئدی - ۲۴۲ نفر افسر ایرانی و ۸۱۵۸ ژندارام و ۲۳۴۰ اسب با هزینه سالیانه ای در حدود ۳۰ میلیون قران.

علاوه بر قوای مختلف مزبور که عموماً بر روی مقاصد و نظریات سیاسی تشکیل یافته بود قوای چریک متعددی نیز وجود داشت که عمده آنها قوای چریک خراسان و قوای چریک سیستان بود و دولت انگلستان در جنگ بین الملل در مشرق ایران تشکیل داده و در این قوا شامل ۸۸ افسر انگلیسی و ایرانی و ۲۲۸۰ درجه دار و نفر و ۸۴۰ اسب و ۱۰۵۰ شتر بوده است سازمانها و پرداخت حقوق افراد بتوسط قونسلگریهای محلی انگلستان در ایران صورت میگرفت فرمانده نظامی آنان نیز يك نفر ژنرال انگلیسی بود هزینه سالیانه این سازمان بالغ بر ۵ میلیون قران میگردد است.

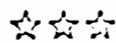
ارتش با قوای بنیچه ولایات ایران بالغ بر ده هزار نفر سرباز و افسر و ۳۰۰۰ اسب بوده است که بهیچوجه دارای سازمان منظمی نبودند.

اسلحه این افراد از تفنگ‌هایی بیستم‌های مختلف تشکیل یافته بود که اغلب سیستم‌های ۳۰۳ انگلیسی بود لباس‌های این افراد با هم متفاوت و متباین و پیاده و سوار و توپخانه‌های علامتی برای امتیاز بکار می‌بردند.

این افراد وقوا بهیچوجه دارای ارزش ارتشی نبودند و بیشتر بامور استحفاظی اشتغال داشتند بودجه در حدود ۹ میلیون قران در سال مصرف می‌کردند.

بطور کلی وضع هرج و مرج غربی برپا بود و اکثر اوقات اختلافات بین شقوق مختلف این چند قوا در کشور بقدری اوج می‌گرفت که بیم وقوع جنگ‌های شدید داخلی محسوس می‌گردید.

همه ناجور و مختلف کشور را دچار بدبختی و بلا تکلیف عجیبی کرده بودند.



میهن عزیز باستانی ما ایران در ورطه مخوف و هائلی یکباره به پرتگاه‌های سوق داده میشد که نام و نشانی از وی باقی نماند استقلال ایران وطن عزیز ما در معرض خطر و نابودی قرار گرفته بود چنگال‌های ژخیمان اجنبی در رگ و ریشه این سرزمین چون خلد برین بطوری فرو رفته بود که هیچ روزنه امیدی را نوید نمی‌داد.

میهن پرستان دانشمند و رجال کهن سال ایران دوست که کشورهای اروپا را دیده و سر نوشت و شور میهن پرستی آنان را شنیده و مشاهده کرده بودند این احوال را میدیدند و دست بر روی دست سائیده‌آه اسف و حرمان از نهاد بر می‌آوردند هیچ چاره برای نجات ما در وطن نمیدیدند خون دل می‌خوردند از اینکه میهن عزیزشان دیری نخواهد پایید از هم متلاشی و تجزیه گردیده هر قسمتی از آن بکام نهنگی خونخوار فرو خواهد رفت.

کار از کار بگلی گذشته بود.

در چنین احوالی خون پاک ساسانی در عروق يك فرد ایرانی پاک نژاد و اصیل که در ماوراء البرز با گونه‌های گلگون سلامت زیسته در گردش بوده و داستانهای شاهنامه فردوسی و میهن پرستی آنتی‌ها و دوره عظمت روم و کشور (گول) در دوره سلطنت ورسن ژنوریکس را خوانده در آفتاب زرین و کوه‌ها و دامنه‌های دریائی

جبال بلند البرز پرورش یافته بود بر این اوضاع اسف بار و بیحالی هم میهنان مینگریست .
 دشت و دمن کوه و دریا و سبزه و چمن هر بهار بیهار عزم راسخ او را در نجات
 میهن تأیید میکرد تا بالاخره دست از آستین ساسانی بر آورده خشمگین و دمان مشکلات را
 بقدری ناچیز شمرد که یکباره برای نجات میهن عزیز خود ایران قیام کرد - روح
 بزرگ او از کنج قزاقخانه برای تسلط بر بیگانگان و محو و نابودی میهن فروشان
 و نجات بیچارگان باحتجاج برخاست .

دل رمیده ما را انیس و مونس شد

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد

کز و یافت ایران جهان نوی
 همه روزها چون شب تیره تار
 نه کسی نام نیکی از ایران بخواند
 بی سرکشی و جیاوی گری
 شب و روز دزدان کمر بسته سخت
 و با گسر زره آید آواره
 بریزند خونی بروی زمین
 نه در مملکت لشکرو نی سپاه
 نه کسی سر بفرمان کشور بدی
 یکی خود سری بود فرمان مدار
 که نام نکورا از ایران زدود
 همی شد زمانها بدینسان سپر ۱۱

بدوران بیش از شه پهلوی
 چنان بود برگشته بک روزگار
 که دیگر نه نامی ز ایران بماند
 بهر سوی بودی یکی خود سری
 به بیرون دروازه بابتعت
 که تا گسر ببینند بیچاره
 بتازند بروی به بیداد و کین
 نبودی بکشور کسی را پناه
 نه دولت غم ملک و ملت شدی
 بهر گوشه زمین کشور نامدار
 چنان روزگاری نکوهیده بود
 همه روز از روز پیشی بشر

•••

بلرزه در آمد دل مهر و ماه
 کز آن روی خاموشی آورد مهر
 به نیروی فرخنده پهلوی
 کزو شد چنین کشور جم نکوی
 بر این تیره ویران خوار و نژند
 همی باز برس و همی بازجوی
 چنین دارد از او نشان خاک ری
 همان جایگاه شهان زمین
 بر آنجا که گویند ایران کجاست
 همه جای را رشک مینا کشید
 بهر بی نوائی یاشید یار

چو شد سومین روز اسفند ماه
 چنان اندر آمد بفرش سپهر
 سباهی در آمد بفر نوی
 جهاندار با دانش و جنگجوی
 درخشید چون آفتاب بلند
 بطهران بر از شور آورد روی
 که آبا همین است ایران کی
 همان سرزمین جو خلد برین
 که ویرانه است این نه ایران ماست
 بکویید و از سر بناها کشید
 بر آرید بنیاد بیداد کار

فصل پنجم

سبب و نسب سر دودمان خاندان پهلوی

کاوس پدشخوار شاه برادر خسرو کواذان

شاهزاده ساسانی (باو) فرزند شاپور فرزند کاوس
(برادر خسرو انوشیروان دادگر) فرزند قباد

نیاکان باارج و شوکت اعلیحضرت فقید سعید رضاشاه پهلوی

مؤسس ارتش پیروزمند و پولادین و دلاور ما و موجد مجد و عظمت
و استقلال ایران پهلوی

بعد از حمله ناگهانی عرب بسوی میهن ما ایران، ایرانیان پیوسته پادشاهان
و سلسله‌هایی بیشتر افتخار میکردند که از نژاد پاك ساسانیان داستانی باشند.

در زمان سلاطین بزرگ ساسانی هر وقت شورش اتفاق می‌افتاد یکی از بزرگان
ایران بجای یکی از پادشاهان می‌نشست سران سپاه و ارتیشتاران سالار و بزرگان
و مؤبذان مؤبذ با او مخالفت میکردند چنانکه خسرو یکی از خویشان بزد گرداول
و بهرام ششم و بیستام و شهر بر از نتوانستند بجای ساسانیان با ورنک شاهی بنشینند
زیرا صنادید ایرانیان ساسانی عقیده داشتند که فقط ساسانیان میتوانند بجای هخامنشیان
بتخت سلطنت ایران جلوس کنند.

مورخین دوره ساسانی نسب آنان را بهخامشی‌ها (بکیانیان داستانی) میرسانند

که نتوان از او خوی بد راز دور
ندارد در او سود اندرز و بند
مه جای غم شادمانی کنید
بدان گونه بینند بوران خود

ز بالا بر آید خائن فرود
مه بند گانند از او در گزند
از این بس نوبن زندگانی کنید
که نتوان به بینم نیاکان خود

...

کزین بس بکام تو شد روزگار
همیشه بهار و همیشه جوان
قدیمی

تو هم باش ای میهن ابدوار
ز بهت تو باد ای شهشه جهان

موافق روایات پارسی نسب ساسان (جد پادشاهان ساسانی) باردشیر دزادست میرسد، اشکانیان نیز نسب خود را به اردشیر دوم هخامنشی می‌رسانیدند.

این نکته برای ایرانیان باستان و داستان بسیار اهمیت دارد که نژاد کسی که برایشان سلطنت میکند بدانند که آیا از نژاد پاك ایرانی مخصوصاً از ایرانیان ساسانی است یا غیر آن! چه یاد شاه ایران و کسی که تاج پرافتخار و باشوکت کیان را بر سر میگذارد بقدری بلند مرتبت و با جبروت است که تا از نژاد صحیح و پاك ایرانی نباشد نباید و نمیتواند بچنین مقام و رتبه منبع و پایه رفیع نایل گردد.

بعد از نهضت عرب بسوی ایران تا سال ۲۰۶ ایران در تحت قدرت و خلافت خلفا بر میبرد ساکنان بومی ایران با وجود قبول اسلام هیچوقت از تکلم زبان فارسی و احیاء آداب و سنن ایرانی و تکرار سرگذشت سلاطین باستانی دست بر نمی‌داشتند. مخصوصاً در پشت جبال البرز (طبرستان مازندران و گیلان) و نقاط دوردست سیستان و خراسان و ماوراءالنهر که باز دست برد عرب محفوظ مانده و یا از دارالخلافه دور بود این روح شاداب قومیت ایرانی زنده تر و قوی تر مانده بود و بسیاری اوقات از این قوم مردم غیرتمندی که از استیلای عرب و حکام جور پیشه ایشان باطناً دلی خوش نداشتند به محض یافتن فرصت برایشان شوریده تاخته و دمار از روزگارشان بر میآوردند و زنده بودن ایرانی را بجهان مینمایانیدند کار ایرانیان پیوسته همین جدال و نبرد ملیت با اجانب بود تا بالاخره با تأسیس سلسله ظاهری در سال ۲۰۶ سلسله‌های ایرانی از نژاد ساسانی یکی بعد از دیگری بوجود آمد و از عهد مأمون بتحصیل استقلال حقیقی توفیق حاصل شد و بالاخره سیادت و سلطه خلفای عباسی بغداد بتدریج از بین برده شد ولی يك تیره اصلی از ساسانیان و نژاد پاکیزه ایرانی که تمام مورخین بر آن همداستانند در پشت جبال البرز بنام باوندیان و پهلویان و اسپهبدان و نامهای دیگر که خواهیم دید سلسله بلاانقطاعی داشتند که از همان ایام انقراض ساسانیان در مازندران و سایر ولایات شمالی امارت میکردند و هیچوقت فرمان خلفا را کردن نمی‌نهادند و حتی خلفا و دیگر کشورگشایان از عهده دفع این سلسله نتوانستند بر آیند. سلسله ظاهریان که بدست طاهربن حسین تأسیس یافت (۲۰۶ - ۲۰۷)

نخستین سلسله ایرانی بعد از اسلام است طاهریان خود را از نسل رستم پهلوان معروف ایرانی میدانستند ولی بعضی از مورخین آنان را از اعقاب یکی از شاهزادگان ساسانی میدانند.

دیالمه آل زیار - بمناسبت کوهستانی بودن ماسکن دیالمه و صعوبت دسترسی بآنجا این قوم همیشه مستقل میزیستند مردانی بودند دلاور و جنگجو، با وجود تمام لشکر کشیهای سرداران اسلام ماسکن دیالمه بر روی ایشان گزوده نشد و این طایفه سر تسلیم فرود نیاوردند بهمان کیش قدیم و آداب باستانی باقی ماندند.

دیالمه آل بویه سه تن برادر از فرزندان ماهی گیری کیلانی بنام بویه بودند که بقول برخی از مورخین بهرام چوبینه و بقولی دیگر به یزدگرد سوم ساسانی نسب میرسانیده اند.

سلسله صفاریان که با قیام امیر دلاور رو بگر سیستانی یعقوب بن لیث صفاری آغاز میشود نسب از خسرو پرویز ساسانی برده اند، این همه فتوحات که نصیب این سردار عادل جنگجو گردید از آنجهت بود که ایرانیان از لحاظ اصل و نسب و تبار این شمشیر زن فداکارانه در التزام رکاب او میجنگیده اند.

نسب سامانیان از تمام این سلسله ها پاک تر و صحیح تر است سامانیان که از ایرانیان پاک نژاد زردشتی بودند در قریه سامان (از آبادیهای نزدیک سر قند) بارث امارت میکرده اند از فرزندان بهرام چوبینه سردار معروف هرمز چهارم و خسرو پرویز پادشاهان ساسانی بوده اند.

از این سلسله به بعد دوره انحطاط نژادی سلسله های سلطنتی ایران شروع میشود. **سلاطین غزنوی** که جدشان ابواسحاق البتکین بود غلامی بود ترك و بتوسط امیر شهید احمد بن اسمعیل سامانی خریده شده بود. **سلاطین غیور** از فرزندان شتیب و بقول خودشان نسب از ضحاک میبرده اند.

سلاجقه طایفه از ترکمانان غزو خزر بوده اند. **اتابکان** از غلامان قباچاقی و اولاد سفقری بودند **خوارزمشاهیان** فرزندان انوشکین غرجه و از غلامان بلکانکین (از امراء سلطان ملکشاه سلجوقی) بوده اند.

بعد کشور آسمانی و عزیز ما ایران گرفتار بزرگترین و بدترین حوادث تاریخی که وصف آنرا بقلم نمیتوان آورد گردید یعنی گرفتار حمله و استیلای مغول و اقوام ترك و گورکانیان و ترکمانان و تترها گردید.

سلسله صفویه در بین این تیرکیها و تاریکیها بعد از ۲۹۰ الی ۳۰۰ سال طوفن (اگر چه در خلال این مدت امراء و انا بکانی از بزرگان و سرکشان و طوایف و عشایر ایرانی حکومت میکرده اند) بوجود آمد صفویه از ایرانیان حقیقی و صحیح النسب بودند که مورخین آن عهد بغلط آنان را از طرف پدر با امام موسی کاظم (ع) منتسب نموده و نسب نامه نیز ساخته بودند. و این موضوع گر چه بهیچ وجه صحیح نیست بیشتر از این جهت انتشار داده شد چون ایرانیان از لحاظ علاقه ای که بمذهب حقه و مقدس اثنا عشری شیعی داشتند خواستند محبویت سلاطین صفویه را در دل مردمان ایرانی بحدی نفوذ و رسوخ دهند که با جان و دل سلطنت ایشان را منت گذارند همین امر نیز موجب اعتلاء کار صفویه شد زندگیه نیز از طوایف لر ایرانی بودند.

قاجاریه نیز متأفانه طایفه بودند اصلاً از نژاد مغول و از قبایلی که همراه کشور گشایان تانارد در عهد چنگیز غاصب و غارتگر و اخلاف بدوی او از مغولستان بیلاذ اسلامی آمدند و در قسمت بین شام و ایران مخصوصاً در حدود ارمنستان مقیم شده بودند شاه عباس کبیر قسمتی از آنان را برای جلوگیری از ترکمانان باستر آباد و کرکان هجرت داد و همین طایفه بودند که در اواخر عهد صفویه قدرت و اهمیت بهمرسانیده و بالاخره بدست آغا محمدخان سلسله ای را تشکیل دادند که از سال ۱۱۹۳ که خان بلند نظرزند بمرض سل در شیراز مرد تا سال ۱۳۴۳ که آخرین سال سلطنت احمد شاه بود دزست ۱۵۰ سال بر این آب و خاک باستانی بانهایت بی همتی و عدم کفایت و لیاقت سلطنت کردند. بطوریکه آقا محمدخان قاجار تنها پس از تخریر کرمان و قتل عام مردم آنجا امر کرد که ۲۰۰۰۰۰ جفت چشم از اهالی کمنده و باو تحویل دادند این شخص بدست خود دو چشم جوان زیبای رشید زند لطفعلیخان را از حلقه بیرون آورد و بعداً نیز او را با آنهمه مهر و رافتی که کریمخان نسبت باو کرده بود بقتل رسانید. آری ۱۵۰ سال این سلسله بر ایران عزیز کیانی سلطنت کردند و عمر گرانبهائی

از ملت ما را که دیگران در خلال آن باوج ترقی و اقتدار و عظمت و افتخار رسیدند با باطلیل و گمراهی تلف کردند در دوره سلطنت همین سلسله قسمت عمده از میهن عزیز ما از دست ما رفت و ایران کوچک شد.

چه نیکو سعادت می داشتیم ما که در این دوره و عصر بسر بردیم و انقراض قاجاریه را بچشم خود دیدیم و دیدیم که بالاخره پس از قرون متمادی مذلت های تاریخی دوباره آفتاب درخشانی از وزراء جبال بلند البرز بر این فلات تابیدن گرفت و دستی از دودمان حقیقی ساسانی از آستین بدرآمد. تاج کیانی از سرهائی که بناروا بر میگذاشتند برداشته شد و سری سپرده شد که شایستگی جلوس بر تخت شاهنشاهان هخامنشی را داشت.



حب و نب شاهنشاهان پهلوی - کواذ (قباد) که تحقیقاً یکی از بزرگترین

پادشاهان ساسانی و پدرا نوشته روان بود چون در سال ۵۳۱ میلادی رخت از جهان گذران بر بست و بديار دیگر شتافت از وی سه پسر بازماند بنام کیوث (کوس) - جام (زم) - خسرو. در سر تخت بین این سه برادر منازعه در گرفت اما چون ماهبذ (مهبود) که وزیر بود وصیتنامه قباد را که بمهر او بود در انجمن بزرگان، که علی الرسم بایستی نسبت بجانشینی پادشاه رأی بدهند ارائه نمود دغاوی کوس را باطل کرد بعداً گویا کوس بر برادرش ورید و متوسل به تیغ و تیر شد ولی توفیق نیافت و بعد از اندکی از جلوس خسرو کوس بهلاکت رسید. زام نیز که در بین ناراضیان سلطنت خسرو طرفدار داشت با دیگر برادران و پسرانشان و عم خسرو هلاک شدند.

کوس فرزند ارشد کواذ بود بعد از اضمحلال خاندان گشنپ داد (جسنفشاء مورخین اسلامی) که از آخر عهد اشکانیان بر ولایت پندشخوار که طبرستان ناحیه کوهستانی (از جبال البرز بین ساری و دامغان) تسلط داشتند. کواذ حکمرانی این ولایت را بکوس داد و او ملقب به پندشخوار شاه شد پروفور ارتور کریستن سن دانشمارکی مستشرق ایران شناس بزرگ و نویسنده تاریخ ایران در زمان ساسانیان، کوس را بنا بگفته ثوفانس از دخترش سمبوك میدانند ولی مرگ او را از زن نخبه تین که وی را در فرار از زندان فراموشگاه یاری کرده بود میدانند.

در هر صورت کیوس مردی بسیار شجاع و با مهابت بود پسر کیوس شاپور نام داشت که در اوان سلطنت هرمز وفات یافت و از وی پسری باز ماند بنام (باو) که مؤسس سلسله باوندیان مازندران و باوندیان کیوسی و باوندیان پهلوی است و مادرزیر شرح این سلسله ساسانی را که قرن‌ها بدون اینکه دست تطاول روزگار بتواند آسیبی بر خاندان سلطنتی آنها وارد سازد مشغول امارت و حکمرانی در مازندران بودند تفصیلاً خواهیم نگاشت.

نگارش تاریخ ارتش شاهنشاهی ایران يك امر ساده و آسانی نیست و با این قبیل کتابها نمیتوان این مقصود را بر آورد آنچه که نگارنده حدس میزنم اگر قرار باشد تاریخی برای ارتش فعلی ایران نوشته شود باید کمیونی مرکب از رؤسای ادارات بزرگ و وزارت جنگ و رؤسای ارکان ستاد ارتش بکک چند نفر از افسران ارشدیکه سابقه در ادبیات و تبلیغات داشته باشند تشکیل شود تا این کمیسیون بتواند در ظرف مدت ۲ سال (لا اقل) کتابی در باره تاریخ ارتش شاهنشاهی ایران تدوین و منتشر نماید .

کاری است فوق العاده مشکل . راه دور و رنج بسیاری دارد این کتاب نیز خود شاهکاری بوده و با نشر آن خدمت بزرگی بایران شده است دوره تألیف آن با جدیت فوق العاده ۸ ماه بطول انجامید و متجاوز از ۵۶۰ جلد کتاب و رساله مورد استفاده در آن قرار گرفت معیناً آنچه که در این کتاب نگارش یافته مجموعه ایست از دورنمای این کار که هنوز آن مقصود بزرگ (یعنی تاریخ مفصل ارتش ایران) در آن بر آورده نشده است چه مجهولات بسیاری دارد و هر يك از نبردهای که شده است در خور کتابی جداگانه میباشد بقیه اینجانب فقط وزارت جنگ و یا ستاد ارتش تقریباً بگانه مرجع صلاحیتداری میباشد که میتواند این عمل را انجام دهند و جز این دو مقام از احدی شایستگی این کار بزرگ ساخته نیست .

امیدواریم انتشار این کتاب نیز که از حیث عظمت و تعداد چاپ و ابتکار مطالب تا حال در ایران سابقه نداشته و بکلی بی نظیر است و زحمت تألیف و رنج بسیار در آن تحمل شده و هزینه گزافی برداشته است و سببه تحریکی هرده شود که روزی ستاد محترم ارتش شاهنشاهی این منظور مقدس را در برنامه خود قرار داده و در صدد انتشار تاریخ ارتش ایران برآیند . قدیمی

فصل ششم

سرزمینی که سپاه چنگیز هم در آن راه یافت

ولادت شاهنشاه پهلوی کبیر - اعلیحضرت رضا شاه فقید در روز ۱۶ مارس ۱۸۷۸ میلادی مطابق ۲۴ اسفند ۱۲۵۵ شمسی در ربیع الاول ۱۲۹۵ قمری در یکی از بلوک‌های مازندران (الته سوادکوه) تولد یافتند.

جد اعلیحضرت فقید سعید مرحوم مرادعلیخان معروف بیاوندی پهلوی بود که سرکرد فوج سوادکوه بود و در جنگ هرات شرکت کرده از اشخاص شجاع و مدبر و دارای شهامت فوق‌العاده بوده است. فوج سوادکوه نیز فوجی تاریخی در ارتش قدیم ایران است که در اکثر تواریخ و سرگذشت‌های معاصر مربوط بمازندران ذکر این فوج رفته است و از هنک‌های مخصوصی بود که عهده‌دار حفظ پایتخت ایران و دربار تهران بود. لفظ پهلوی پس از استیلای عرب و قبل از آن تغییرات بسیاری درافت حاصل نمود، بدین ترتیب.

اصل کلمه پهلوی یرتو بوده که اسم دودمان‌های ایرانیان قدیم مخصوصاً اشکانیان است، مرحوم پیرنیا مشیرالدوله بزرگترین مورخ ایران در تاریخ ایران باستان نگاشته است زبان‌شناسان را چنین عقیده است (که پرتو) نام اشکانیان موافق موازین علمی به (پرهو) و بعد به (پلهو) و (پهلو) مبدل شده (بافتح پ و ل و سکون و و) نجبای یارتی از این جهت خود را پهلوی و پهلوان نامیده اند که منسوب بقوم یارت بودند بنابر این پهلوی و پهلوانی یعنی منسوب به یارته‌ها (از نجیب‌ترین و اصیل‌ترین ایرانیان).

دکتر رضا زاده شفق در کتاب تاریخ ادبیات ایران چنین مینویسد رمبدل به ل شده بشکل پلثو و ث مبدل به ه شده و پلهو گشته بعد قلب بعمل آمده پهلوی شده که با الحاق بای نسبت پهلوی گردیده است.

باری خط پهلوی از آرامی که از خطوط سامی بود گرفته شده و از راست

بچپ نوشته میشود و بحکم آنچه که از سنگنبشته‌های ساسانی و کتب زردشتی دانسته میشود خط مذکور بر دو نوع بوده است خط کلدی و خط ساسانی یا پهلوی.

زبان پهلوی از زبان پارسی باستان مشتق است یعنی در کلمات و ترکیب کلام پارسی باستانی بمرور زمان تغییراتی رویداده و بصورت زبان پهلوی در آمد چنانکه پهلوی نیز بتدریج بفارسی کنونی تبدیل یافته است از اینرو این زبان را بجای پهلوی پارسی میانه نیز مینامند.

ادبیات پهلوی نیز عمده آن عبارت از کتابهای دینی زردشتی است که قسمتی از آن متن اوستا و قسمتی در شرح اوستا یاد دیگر مسائل مذهبی است و غیر از اوستا دینکرت و کتاب بندهش و غیره را میتوان نام برد.

از معروفترین کتابهای غیر دینی یکی کار نامک اردشیر بابکان و دیگر داستان خسرو کواذان و یادگار زریران و داستان خسرو و ریدگی و غیره است.

اشعار پهلوی نیز مقام مهمی را داشته و دارای وزن هجائی بوده است بالاخره بطوریکه دانشمند محترم آقای نوبخت نگاشته (کلمه پهلوی در لغت پارسی بمعنی متمدن و شهری مقابل (دری) میباشد .)

ساسانیان نیز بزرگترین سلسله پهلوی ایران بوده اند.

زبان پهلوی یکی از زبانهای مهم پارسی و آنرا شاری نیز نامیده‌اند زبان مذکور مرکب از دزی پارسی باستانی (فرس قدیم) بوده است .

خط پهلوی که مخصوصاً در زمان اردشیر بابکان رونق و رواجی بسزا داشته است هنوز هم در بین يك قسمت از پارسیان مرسوم است و حروف آن دارای ۲۰ شکل بوده است .

اما درباره مرحوم مرادعلیخان باوندی پهلوی جد اعلیحضرت فقید = بموجب نگارش میر ظهیرالدین و مولانا اولیاءاله مؤلف کتاب تاریخ رویان و بموجب تاریخ جبل شروتین نگارش مرحوم اعتمادالسلطنه که کاملاً اجداد اعلیحضرت فقیدسعید را معرفی مینماید سالها قبل یعنی در دوره قاجاریه نگارش و چاپ یافته و همچنین سایر تواریخ مهم قدیمی و موثق سر سلسله این طوایف بزرگ را به بهترین سندی ضبط و معرفی نموده اند .

باو که بمنزله ابوالبشر و اول شخص این سلسله بوده فرزند شاپور پسر کیوس شاهزاده ساسانیان است و لفظ وند در لغت بومی ایران علامت نسبت است: مانند الوند و نهاوند و دماوند و سگوند و بیرانه‌وند و دبر کوند و خواجه‌وند و حتی خداوند هم اصلاً با این ترکیب مطابق است.

باو مؤسس سلسله باوندیان مازندران است که از سنه ۴۵۰ هجری و پنج تا سنه هفتصد و شصت هجری در قسمت سواد کوه مازندران و گیلان و دیلم و ری و آمل شهریاری کرده‌اند و ایشان معروف به (ملك الجبال) بوده‌اند این اقوالی است که جلگی تواریخ برآند. پسر باد سرخاب نام داشت که پادشاهی رشید و شاهزاده‌ای بی‌نظیر بود. ششمین پادشاه باوندی کیوسی شروین است که مورخین سواد کوه را بنام او شروین یا شلفین خوانده‌اند (محمّل است ساتراپ بمعنی شروین باشد).

باوندیان کیوسی از سنه ۴۵۰ الی ۳۹۷ هجری و باوندیان سپهبدی از سنه ۴۶۶ تا ۶۰۶ هجری و باوندیان کینخواری از سنه ۶۳۵ تا ۷۵۰ هجری شهریاران پرداختان این شهرستان بوده‌اند.

بطوری که مورخین قدیم از قبیل محمد اسفندیاری و سید ظهیر الدین بن سید نصیر الدین و مولانا اولیاء الله آملی و علی بن جمال الدین رؤیانی نوشته‌اند طبرستان داخل فرشوادگر بوده است و فرشوادگر شامل آذربایجان و گیلان و طبرستان و ری و قومس می‌باشد و گفته‌اند که معنی فرشوادگر «عش سالمأ» (باش خور) می‌باشد یعنی عیش کنی به سلامت و نیز می‌گویند بلفط طبری فرش هامون و صحرا و واد کوهستان و گر دریا پس فرشوادگر صحرا و کوهستان و دریا معنی دارد متقدمان نیز گفته‌اند که جر بلفط قدیم کوهستانی موضعی را گویند که ممکن است در آن کت نموده و نیز دارای بیشه و درخت باشد و از این سبب سوخرایان را که ملك الجبال بودند جر شاه می‌گفتند و در مازندران سلطنت می‌کردند. مرحوم اعتمادالسلطنه در تاریخ جبال شروین مینویسد هر کسی که از خلفای عباسی روگردان میشد پناه بیادشاهان بهلولی نژاد مازندران می‌آورد و آنها او را بخوبی می‌پذیرفتند وضع این ناحیه کوهستانی چنان بود که حتی شکر قیامت اثر چنگیز خان هم در مازندران و گیلان چندان پیشرفتی نکرد.

بالاخره در اوان سلطنت کسری شاپور پسر کیوس وفات نمود. باو پسرشاپور است که در خدمت پرویز بود.

کیوس پسر قباد است و انوشیروان پسر کهر قباد.

باو بروم هم رفته و در جنگ بهرام چوبینه مصدر کار بود.

نسب اعلیحضرت شاهنشاه فقید باین ترتیب بایک استحکام بی نظیر و اسناد موثق و کتابهای تاریخی بطور وضوح بساسانیان میرسد و در تواریخی مانند رویان و التدوین و غیره ذکر تفصیل آن رفته است موجب افتخار تمام ملت ایران و مردان میهن پرست و شاه دوست این سرزمین است که وارث حقیقی تاج و تخت نیاکان ماهمان سرپر افتخاری است که از دوده ساسان برآمده و حق بحق دار رسیده است.

طوایف باوندی منشعب به خانواده‌ها و تیره‌ها و سلسله‌های مختلفی گردیدند که منجمله آنها باوندیان پهلوی بودند و بطوری که قبلاً گفتیم کلمه پهلوی در لغت تغییرات بسیاری یافته است این طایفه را از آن جهت باوندیان پهلوی یا باوندیان پهلوانی گفته اند که صحیح ترین نژاد باوندیان است که نسب آن‌ها مستقیماً بساسانیان میرسد و حتی بسهولت ممکن است نسب نامۀ برای تمام اجداد آنها بدون فاصله یا افتادگی یا بی اطلاعی ترتیب داد. کلمه پهلوی نیز در هزاران تاریخ مورد بحث قرار گرفته است.

در ضمن شهداء میدان محاصره هرات در الوغی نام جد اعلیحضرت شاه فقید سعید یعنی مرحوم مراد علیخان باوندی پهلوی که ذکرش در بالا رفت ضبط است که در سنه ۱۸۵۴ مقارن ۱۲۷۳ هجری در راه میهن شهید میگردد لاشک سندی از این معتبر تر مورد لزوم نخواهد بود. بطوریکه ذکر شد ملك الجبال یا سلاطین باوندیه مازندران از ۶۶۵ میلادی مطابق ۴۵ هجری شروع بسطنت کردند باوندیان کیوسی در سال ۱۰۰۶ میلادی بواسطه آل زیار منقرض شدند و سلاله دیگری از باوندیان سیهبدیه از ۱۰۷۳ تا ۱۲۰۹ و سپس باوندیان کینخواری از ۱۲۳۷ تا ۱۳۴۹ مطابق ۷۵۰ هجری سلطنت کرده و بدست کیا افراسیاب چلابی منقرض شدند و رویهم سی سلطان نسل بعد نسل بافواصل سلاله در مازندران سلطنت نمودند. بعد از انقراض نیز سران باوندی در بعضی از آبادیهای کوهستانی زیسته و گاه

بگام متعرض جلگه های مازندران میشدند و طبق مدارک تاریخی مخصوصاً کتاب التدوین که در ۵۳ سال قبل چاپ شده تا ۱۰۰۶ هجری که شاه عباس کبیر بر این نواحی استیلا یافت و حاکم مأمور هرناحیه کرد (صفحه ۱۴۰) بساط ملوک الطوایفی در مازندران برپا بود.

طوایف باوندی در مازندران بسیار و سلاله آنها نسل بعد نسل بشعب مختلف و خانواده های مختلف منقسم بودند منجمله آنها باوندیان پهلوی یا باوندیه فهلویه است. پدر اعلیحضرت فقید سعید عباسعلیخان فرزند مراد علیخان باوندی پهلوی است که با درجه سرگردی فرمانده اول سوادکوه «فوج هفتم» بود بنا برجه و نگارش تواریخ مختلفه خارجی و داخلی چنانچه در آثار موجود ادبی ضبط است در ۲۶ نوامبر ۱۸۷۸ «اول ذی الحجه ۱۲۹۵» وفات یافته است. عباسعلیخان از افراد دلیر و رشید مازندران بود و فوج اختصاصی سوادکوه (که عده ای آنرا هنگ نوشته اند) برای حفظ تهران و مازندران و سرحدات شمالی میهن از افراد همان حدود تشکیل یافته بود. آنچه که مسلم است این خانواده همه سپاهی و رشید و همه دارای اصالتی بوده اند که ازمنشأ پاکی خون و نژاد حقیقی اجدادشان سرچشمه میگرفته است حتی مردان بزرگی که شخص پهلوی را قبل از کودتا دیده اند بسالت و بلندی فکر و نبوغ را از همان وقت در او سراغ دارند.

در بیوگرافی و شرح حال نیمساز سرلشکر امان الله جهانبانی نوشته شده (قبل از عزیمت به پتروگراد برای تحصیل در آکادمی نظام در ۱۹۱۷ اولین ملاقات با سرهنگ رضاخان پهلوی رئیس پیاده نظام آتریاد در همدان با ایشان دست داد و تذکر داده اند که از همان موقع این شخص را بزرگتر و نجیب تر از آنچه که بعدها بدان مقامات نائل شد دریافتند).

باری پس از وفات پدر تربیت شاه بعهدده عمویش نصرالله خان که او نیز بنوبه خود فرماندهی هنگ سوادکوه را داشته محول گردید.

بالاخره خود شاه در ۱۳۰۷ قمری وارد فوج سوادکوه گردید و طرز کار و شجاعت او مورد نظر واقع شده در قزاقخانه تهران نیز در فن شصت تیر امتحان های بسیار خوب داد تا بعدی که در عهد سرلشکر «بارن مایدل» روسی عبدالله خان

ماژورسرهنگ فرمانده گروهان شصت نیرمرد و رضا خان پهلوی فرمانده گروهان شد کار شصت نیر وی بقدری خوب بود که معروف به «رضاخان شصت نیر» گردید و همینطور باشصت نیر خود در بسیاری از محاربات داخلی شرکت جست و بطوری که شرکت کنندگان این جنگها گفته‌اند شجاعت و رشادت فوق العاده از وی ابراز میگردد است که در نظر همگان اعجاب و شگفت بسیار مینمود.

در جنگ مهمی که با رحیم خان چلبیانلو در اردبیل رخ داد شرکت جست با اینکه جعفر قلیخان سردار بهادر پسر بزرگ سردار اسعد بختیاری و یفرم خان ارمنی رئیس شهربانی و عده بسیاری چریک و قزاق شرکت داشتند اعلیحضرت فقید سعید گوی رشادت و دلاوری را از همه آنها ربوده بود.

در دو جنگ بزرگ و مشهور دولت بر علیه سالارالدوله و چهل هزار سوار از طوایف کلهر که بحمايت سالارالدوله تا ساوه پیش آمده بودند اعلیحضرت فقید باشصت نیر خود بقدری شجاعت و شهامت و تهور ابراز داشت که یگانه عامل عمده شکست تمام آنهاه اشرا و عشایر گردید در اوقات جنگ بین الملل رضا خان پهلوی در همدان جزء دسته نیر اندازان و با ماژور محمد تقی خان صاحبمنصب ژاندارم در ۱۴ محرم ۱۳۳۴ در جنگ بود و بالاخره بادرجه سرهنگی فرمانده گردان پیاده آترباد همدان گردید و سپس در ۱۳۳۷ رئیس فوج نیر اندازان همدان شد و بعداً باز برتبه سرتیپ سومی و ریاست فوج گارد نیر انداز ارتقاء یافت.

در ۱۳۳۸ درجه و نشان و حمایل سرتیپ دومی گرفت در محاربات کیلان برتبه امیر پنجه رسید.

عمده مطالب نسبی و تاریخ اعلیحضرت شاه سابق قبل از کودتا بدینوسیله برای خوانندگان گرام این تاریخ گرانبها روشن تر میشود پس از آن در سوم حوت ۱۲۹۹ کودتای تاریخی تهران را بعمل میآورند.

تاریخ خدمات درخشان و بزرگ شاهنشاه فقید بایران پس از کودتا محتاج درج کتابهای مفصل و بزرگی است.

اعلیحضرت فقید سعید بنا بدست خطی که در بازه املاک و اموال و دارائی منقول

و غیر منقول و کارخانه های خود بعنوان اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی مرقوم داشت تصریح نمود که بمصارف خیریه و فرهنگی باید برسد و دستخط دیگری هم که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بمعهد نخست وزیر وقت صادر فرمودند چنین تأکید فرموده اند (املاک و مستغلات و کارخانجات بمنظور ترقی کشاورزی و اوضاع شهرها و ترقی صنایع کشور و بهبود حال کارگران و ترقی فرهنگ و بهداری بدولت و مات اعطا گردیده است).

عین این متن ها در روز سی ام شهریور ۱۳۲۰ از طرف وزیر دادگستری وقت بجای مرحوم فروغی بااطلاع مجلس رسید و در صفحه ۶۰ سالنامه تاریخی آریان ۱۳۲۱ نیز مندرج است.

مرحوم اعلیحضرت فقید بر سراسر کشور ایران امنیت بی نظیری بخشید - سیاست ایران را در جهان با سر بلندی حفظ نمود - خائنین و یاغیان و طاعیان را مجازات کرد - کشور را آباد نمود.

تاریخ بدروود زندگانی اعلیحضرت فقید - امید در تاریخ ۴ مرداد ۱۳۲۳ اتفاق افتاده است - شرح احوال ابن راد مرد بزرگ مشرق زمین و سردار تاریخی ایران در تاریخ مفصلی از طرف مؤلف این کتاب نگاشته شده است و بزودی بزور طبع و انتشار آراسته و منحلی خواهد شد.

از خدمات او ایجاد ارتش توانا و نیرومند کنونی ایران است و بیدهای خون خود استقلال ما را خرید. و اکنون در صفحات آینده این کتاب مورد بحث و داستان ما است.

این قطعه در ضمن نامه های وارده هنگامیکه کتاب در تحت طبع بود از طرف آقای حامد برای درج در این تاریخ حدیث و گرانها فرستاده شد اینک عیناً بااطلاع خوانندگان گرامی مبرسانیم

۱۳۲۳

شد پهلوی روان سوی فردوس از این دیار

هر دیده ای که بینگرم هست اشکبار
هر دل نوده ز آتش اندوه داغدار
هر جا گلی است میکند از باد فتنه خوار
هر جا که یونسی است نهنگش کند دوجار
از فرقتش بجان خلابق زند شرار
کس خود ندیده تانی او چشم روزگار

از گردش زمانه و این چرخ کجمدار
هر قامتی نوده ز بار الم حکمدار
هر جا که گوهر بیت نهان میکند بغض
هر جا که بوسفی است بزندانش افکنده
هر جا که هست نابغه ای دهر بی وفا
مهر سپهر عدل رضا شاه پهلوی

نظام وظیفه - ساختمان راه آهن سراسری ایران - استقلال گمرکی - اعزام محصل باروبا - متحد الشكل نمودن البسه - ایجاد بانک ملی و الغای امتیاز طبع اسکناس بانک شاهی - ایجاد دستگاههای بی سیم - ایجاد دستگاه پخش صدا و رادیو اعزام ولایتعهد باروبا - ایجاد کارخانه های عظیم صنعتی و بافندگی و ریسندگی و قند سازی و غیره - ایجاد بحریه - ایجاد بانک کشاورزی - ایجاد راههای شوسه با ۱۸ هزار پل - تأسیس دانشگاه - برپا ساختن جشن هزاره فردوسی - توسعه بازرگانی و افتتاح نمایشگاه - ایجاد فرهنگستان - تحدید حدود مرزهای ایران - رفع حجاب و بیدار کردن بانوان و عضویت بخشودن آنان که نصف جمعیت فعال کشورند در اجتماع ایجاد نیروی هوایی ایران - عمران و آبادان شهرها و آغاز بنیان ساختمانهای بسیار بزرگ در سراسر ایران مانند دادگستری و دارائی و کشاورزی و وزارت خارجه - شهربانی - بانک ملی - بیمارستانها - دانشگاه و مدارس و میدانهای ورزش و رژه و غیره و بسیاری کارها که اکنون در نظر نیست و تأثیر شایسته در جمع شئون ملی و اجتماعی و سیاسی ما داشته است همه بدست او انجام گرفته است چنانکه بهمدان شهربور با اینکه مجلس و دولت بموجب امتیاز و برخورداری که از نعمت دموکراسی حقیقی بآنان داده شده بود کوچکترین شهادتی از خود برای اصلاح یکی از امور ضروری و مفید مهم با مرمت یکی از خرابیها نشان ندادند و اگر هم میتوانستند بکنند نکردند .

ما ایرانیان از صمیم دل شاه خود را دوست داریم . اصلاح و ترقی جمیع شئون اجتماعی و ملی و سیاسی خود را نیز در این میدانیم .

مخصوصاً فداکاری در راه شاهنشاهی که نسب از دودمان ساسانی میرند افتخار

زندگانی میدانیم .

آباد کرد ملک از رای و اقتدار
مظلوم پایدار و سنگر به پای دار
پرواز کرد از قفس تن فرشته وار
از این جهان بسوی جان گشت رهسپار
شد پهلوی روان سوی فردوس ازین دیار
بر نو نهال او که بود رشک افتخار
این شاه نو جوان ز شهنشاه تاجدار
در سایه عطوفت این شاه کامگار
رئیس فرهنگ هر سین تو گل حاهد

گلزار کرد کشور ایران بدست خویش
از رافت و عدالت آزاد مرد شد
روحش با شیانه قرب جوار حق
صبح چهار شبه چهارم ز ماه پنج
تاریخ سال خامه حامد چنین نگاشت
مارا پس از دروغ و تأسف دلی خوش است
حمد خدای را که همی بادگار ماند
هنیم ابد وار که ایرانیان شوند

فصل هفتم

قیام

کودتا

موضوع مهم کودتا در دسترس اقدام هر کسی نبوده اشخاصی میتوانند مبادرت باین اقدام نمایند که ظلم خارجی و بی‌لیاقتی زمامداران داخلی را از روی قلب و عقیده تشخیم داده باشند . کسانی مسبب این اقدام میشوند بشوند که تمام عمر خود را در جزو صف و قشون صرف کرده امراض حقیقی مستشاران خارجی را از هر طریقه و صنقی بودند در خرابی بنیان این مملکت عملاً استنباط کرده باشند :

اشخاصی میتوانند در مقام اجرای این مقصود برآیند که مدت العمر در کوه و بیابانها جان خود را در راه این مملکت بر کف دست گرفته و تشخیم داده باشند که زمامداران نالایق بست فطرت تمام آن فداکارها را بهیچ شمرده و تمام زحمات صاحب‌نصبان و افراد قشونی را فدای صد دینار منفعت خود نموده اند :

آری هر کس نمیتوانست برده این شامت کاربهارا دریده دست‌های خارجی را از گریبان این مملکت بیچاره قطع و بخودسری و بی‌لیاقتی و منفعت طلبی مزدوران داخلی خانه دهد این يك فکری نبود که از اثر گردش در باغ و گلستان و اطاقهای گرم انشاد شده باشد کسی را در این مورد یارای اقدام و عمل بود که بدبختی و بیچارگی نفرات زحمت کش قشون را در جلوی چشم بطور عبرت دیده و تمام آن بیچارگیها را با تمیشات لاابالیانه و هیولاهای غریب و عجیب کرسی نشینان تهران موازنه کرده باشد با کمال انتخار و شرف بشما میگویم که مسبب حقیقی کودتای منم و با رعایت تمام معنی این راهی است که من پیسوده ام اگر علی‌الظاهر یکی دو نفر را دیدید که چند صباحی عرض اندام کردند و سطحاً راهی پیسودند نه این بود که اعماق قلب آنها در نظر من مضی و مستور باشدهم را می‌دانستم و استنباط کرده بودم فقط احتیاجات موقع مرا ملازم میکرد که موقتاً دست خود را برسینه آنها آشنا نسازم تا زمایکه ابران را آینه فداکاری‌های خود قرار داده و نامهرمان را از محفل انس خارج سازم چنانکه دیدید و شنیدید :

چنانکه گزتم اثرات دوره انحطاط مناسفانه الفاظ و لغات را قائم مقام معانی و حقایق قرار داده و کمتر کسی است که بخواهد وارد در مرحله حقیقت گشته سپس در مقام تثبیت عقیده خود برآید ولی باید دانست که بیک سلسله الفاظ مجوف چسبیدن و از محیط فکر و حقیقت دوری جشن کار خردمندان نیست .

اگر اندکی قوه مخیله خود را حکم قضیه فرار دهید میدانید که اضمحلال وطن داریوش بر اثر حرکات ناخلفان داخلی و اعمال قوود خارجی در شرف تثبیت و فقط مشیت خداوند متعال بود که هویت ناخلفان و زمامداران بی‌عرضه

دون همت را در پیشگاه عموم ملت آشکار و باز با مشیت خدای ایران است که در تحت تأثیر همین اقدام میرویم حیات از دست رفته خود را بجهانیان اثبات نماییم .

این يك فکری نبود که فقط در سوم حوت سال گذشته در دماغ من تأثیر کرده باشد این يك عقیده ای نبود که در تحت تأثیر افکار دیگران بمن تحمیل شده باشد بدبختی نوع ایرانی مخصوصاً نقرات قشونی را من از چندین سال قبل احساس کرده بودم و اشخاصی که لیاقت شنیدن آنرا از من داشتند هم میدانستند که تحمل شقاوت کاری خارجیان و مملکت فروشی پست فطرتان داخلی برای من امری بس صعب و دشوار بود در تمام میدانهای جنگ دفاع سرا در مقابل این شدائد میدیدند .

من نمیتوانستم تحمل نمایم که نفوس بیچاره ایرانی و هموطنان بدبخت من بمرضیع و فروش اجانب درآمده و پست فطرتان نهران هم اسناد این مایه را امضاء مینمایند . من نمیتوانستم مشاهده کنم که يك ایالت مهمی مثل گیلان در آتش بیداد جمعی یغماگر مشغول سوختن است و زمامداران مرکز تمام این خانه خرابیها را اسباب تفریح خود در هیئت و سایر مجالس فرار داده و بجای قلع و قمع و سرکوبی آنها در مشارکت باعمال یغماگران نیز بر وجاهت ملی خود افزایند .

برای من طاقت فرسا بود که این ملت بیچاره سالی ده کرور تومان مخارج قشون را از یوه زندهای فقیر کرمان و بلوچستان دریافت و تأدیه نموده و آنوقت بکنفر دزد ده سال در اطراف قم و کاشان و تا دروازه نهران مشغول شرارت و راهزنی و بسبب بعضی از مرکزبان را هم در تمام دزدیها شریک و انباز بینم .

هیچ ذیبعسی تصدیق آنرا نمیکرد که اشکریان بیچاره از صاحب منصب و نایب در تمام جنگها لگد کوب خارجی و داخلی گشته فوج فوج قربانی بدهند و در مرکز دولت بلع حقوق آنها را اولین وظیفه خود فرار داده برای مناصب و درجات باشرف نظامی چوب جراح در دست گرفته و هرروز بکمند سردار و صاحب منصبان خود را بیرون بیندازند آبروی دوات و ملت را در نزد اجانب ریخته و خون هر نظامی فداکاری را در عروق آنها منجمد نمایند قشون برای هر مملکتی لازم و همه این حرف را من باب هوس و برای کسب وجاهت ملی میسرودند ولی در همان حین با تمام قوا بانفاه واضعلال قشون کوشیده جیب خود را بروقلب هر نظامی و وطنپرستی را میشکافت و دنیا را با کمال بی آزر می و بی شرمی بجائی مستدر کردند که کلمه قشون همان کلمه که در تمام عالم با قید شرف و افتخار تلقی میشود و به باستانی حقیقی ملت و مملکت معرفی میکرد جز تعذیب صاحبان آن رسم دیگری را متضمن نبوده و در مقابل تمام صنوف و طبقات مطلوب الاعتراف شده بودند .

آری تحمل این شدائد و مظالم برای من و هر کس که خود را پرورده این آب و خاک میدانند کمر شکن و طلاق فرسا بود و بالاخره با حقوق بشریت من مغالف بود که بهینم و مشاهده کنم يك جمعی پست فطرت دون همت نالایق رشته ارکان مملکت را گسته و در صدد آن هستند که بجای استقلالی مملکت و ملت خانه داده و در تمام موارد مختصر نفع شخصی را بر ارکان يك مملکت سه هزار ساله ترجیح و مرجع سازند .

سبب حقیقی کودتا همین عواملی هستند که هزار يك آنرا در ضمن این ابلاغیه ملاحظه میکنید و در تحت تأثیر همین عوامل بود که من بلطف خداوندی پناه برده و با عقیده راسخ و هزم جازم در صدد بر آمدم که بآن دوران سیاه خانمه داده آبروی از دست رفته نظام را هودت و با شہامت همان ما حیات مملکتی را تجدید نمایم .

من به پیشرفت منظور و مقصود مقدس خود مطمئنم و در تمام موارد از خدای ایران و روح ملیت خود استمداد میجویم زیرا غیر از این دو نقطه انکساک، بهیچ نقطه ای متکی نبوده و نخواهم بود .

باز هم اشتباه نکنید بعضی از اشخاص کوچکتر از آن بوده و هستند که يك اراده منتظم نظامی را با اراده و عقاید خویش مربوط ساخته و بعلاوه مقام نظامیان فداکار نیز والا تر از آن بود که با اراده‌های خفیفه متحرک باشند .

قطعاً بدانید که اشخاص آلوده بفرض و عناصری که بدست دیگران متحرک باشند در دنیای تاریخ مرکز دوام و بقائی را همراه نبوده و حقایق منوی را حتماً به القای شباهت نمیتوان برای همیشه مستور و مکتوم داشت .

از نوشته های اعلیحضرت شاهنشاه فقید
در دوران وزارت جنک دویم برج حوت
۱۳۰۰ (برابر ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۴۰ ق)

کابینه مرحوم حسن پیرنیا چون نتوانست جلو سیلاب بدبختی ملت را بگیرد و قدمهای اساسی برای سعادت کشور بردارد بر اثر فشاری که در موضوع افسران روسی قزاق از ناحیه بیگانگان داشت مستعفی گردید (سوم آبان ۱۲۹۹) و مرحوم فتح الله اکبر (سپهدار اعظم رشتی) کابینه را تشکیل داد. یکی از مقاصد بروی کار آوردن سپهدار برای این بود بلکه بوسیله او بتوانند متجاسرین کیلانی را از لحاظ هم ولایتی بودن سپهدار بر سر جا نشانده و بر حسب تمایلات مختلفی که در بین بود جنگ داخلی قزاقان را با آنان ادامه ندهند .

در این موقع اعلیحضرت فقید سمید بدرجه سرنیپی بر اثر ابراز لیاقت هائی که در جنگها از خود بروز داده بود فرماندهی آترپاد تهران را عهده داشت و هم چنین بنا بشہامت و تهور فوق الاماده ای که در جنگهای شمال ابراز کرد بدرجه امیر پنجه رسید .

متجاسرین حتی به آقا بابا نزدیک قزوین نیز رسیدند . لشکر قزاق در آنجا جنگی نمود که در نتیجه آن شکست سختی متوجه متجاسرین گردیده عقب نشینی کردند هنگ سوار بتعاقب آنها تا رشت رفت و پس از گرفتن رشت تا حسن رود نیز تاخته موفقیت شایان توجهی حاصل نمود .

مهر و فاست‌اعلی حضرت فقید سمید در اواخر بهمن ماه ۱۲۹۹ در حالی که با درجه امیر پنجه فرماندار آتریاد تهران بود برای افسران نطق مفصلی ایراد کرد که این نطق را چندین تاریخ که در موضوع اوضاع اخیر ایران و تحولات آن نگاشته شده اشاره کرده‌اند. بر خلاف عده‌ای که تعمداً انتشار میدهند اعلی حضرت فقید در آن هنگام قدرت انشاد مطالب و معلومات بحد کافی نداشته‌اند مدارك متقن در دست است که دارای معلومات بسیار وسیعی بوده تمام بیانیه‌ها و ابلاغیه‌ها را خود انشاء میفرموده و نطقهای بسیار پر حرارت و آتشینی که ایراد میفرموده‌اند و از سرچشمه علاقه فوق‌العاده او نسبت به مین و ایرانی‌مایه میگرفته است مؤید این دلیل است هم شمیر و هم قلم و هم بیان سحرآسا داشته که هر يك در ترقیات و پیشرفتهای او اثرات شایسته داشته است.

هنگامیکه تهران جنایتکار قلعه زمامداران بیلیاقتش قرار گرفته بود و مرکزی برای بروز فتنه و بدبختی ملت ایران بشمار میرفت يك مغز متفکر و بزرگ نقشه سعادت - ایران را ترسیم مینمود او ظلم خارجی و عدم کفایت دولتهای داخلی را بطور حقیقی تشخیص داد او که تمام عمر خود را جزء قشون و در صف صرف نهوده بود اغراض حقیقی خائنین را در ویرانی این کشور استمدیده و بخوبی نظاره میکرد کوه‌ها و بیابانهای وطن او بانماس دائمی که با او داشته او را وطن پرست و علاقه‌مند بمین‌بار آورده بود. قوای ژاندارم ساخلوی تهران که تعداد بسیار قابل ملاحظه بودند - هم‌چنین سربازان برنگاد مرکزی و پاسانهای شهربانی و سایر قوایی که در تهران بودند همه مسلح شدند و کلاترپها را آماده مقاومت نمودند.

بانمام این احوال در این عزم مین پرستانه و قیام بزرگی که بعدها بسعادت ملت ایران و استقلال و اقامی کشور تمام شد هیچگونه خالی وارد نیامد و موجبات نجات این سرزمین از گرداب منلتی که بدست بیگانگان برای او فراهم آمده بود و روز بروز ره فنا و دبار نیستی را می‌سپرد و بکلی حیثیت و شرافت خود را از دست داده و قراردادهای تنگینی باو تحمیل میشد فراهم آمد کشور ما میرفت که یکباره تقسیم شده سرنوشت چندین هزار ساله خود را با آنهمه افتخارات و اعتلا و موقعیتی که داشت از دست بدهد ولی يك اراده آهنین او را نجات داد.

از قزوین با پیشوائی و فرماندهی عده از دیوبزیون قزاق : فوج پیاده تهران ، با طالبان اراک ، فوج سوار کار ، باطری سوار ، باطری کوه-تانی که او را می پرستیدند و دمامد سردست بلند کرده سردار خود مینامیدند بسوی تهران حرکت کرد .
تهران : تهران - شب فرا رسید .

در نیمه شب سوم اسفند ۱۲۹۹ وارد شهر شدند قوای حاضر در مرکز با اینکه عده کافی بودند تسلیم گردیدند زدو خورد در بسیاری از نقاط تا صبح ادامه داشت از میدان مشق شلیک توپ بگوش میرسید در توپخانه (میدان سپه) جنگ سختی در گرفت بالاخره بهر قیمتی بود تا صبح تمام مقاومت ها درهم شکسته شد و نظمی نیز تسلیم گردید رئیس حکومت قبل بمقامات خارجی پناهنده شد .

بنا بحکمی که از قصر فرح آباد احمد شاه قاجار صادر شد اعلیحضرت فقید سعید از آنروز ببعده بریاست و فرماندهی دیوبزیون قزاق منصوب گردیدند و آقای سید ضیاء الدین مدیر روزنامه رعد نیز بریاست وزراء انتخاب شدند .

مقدمات کار و مشکلات بسیار

از این روز ببعده اعلیحضرت فقید سعید شب و روز اهتمام خود را مصروف بر آن میداشت که قوای نظامی ایران را سر و سامانی داده و قشون متحد الشکلی برای ایران تحت قیادت و سرداری خود تشکیل دهد شب و روز در میان سربازان بر میبرد و دقیقه ای از ابراز ماعی در اینکار غفلت نمی ورزید در آن روزگار متجاسرین تا نقله ور (بین قزوین و رشت) پیش آمده بودند . اوضاع گیلان دچار آشوب آذربایجان - کردستان - خراسان - فارس در آتش نا امنی و ملوک الطوائفی و دستبرد یاعیان و عشایر و گردنکشان میسوخت و خوزستان بکلی در حال تجزیه بود و اسپیار (پلیس جنوب) نیز فرمانروائی میکرد .

اعلیحضرت فقید سعید با فعالیت و عجله فوق العاده عده های پراکنده و افراد متفرق را که پیش از این نهضت در زیر فشار بیگانگان بودند و بدبختی و فلاکت دست از گریبان آنان بر نمیداشت و در سیاست هر آن مورد مصالحه این و آن بودند جمع - آوری نموده و با محبت و تولید احساسات اعتماد آنان را نسبت بخدمت بوطن جلب

نموده در راه تشکیل يك سپاه نیرومند و قوای متحد الشکل تنها بنا بر اراده مستقیم خودش و با ابداع و ابتکار و جدیت فوق العاده ای که در کار داشت موفقیت شایان یافته و چنین نیروئی را رفته رفته بوجود آورد.

اولین عده ای که از لحاظ نظامی تجهیز شده بودند برای نخستین بار رژه رفتند و عبارت بودند از هنگ باغشاه . سه گروهان ژاندارم به ارشدیت سلطان تورج که پیش رو و جلودار يك اردوئی بود که به تبریز میرفت روز شانزدهم فروردین ۱۳۰۰ خورشیدی در قسمت شرقی و خارجی باغشاه صف بسته بودند در پیشگاه سردار سپهر رژه رفتند در این نخستین سان ماژور ممدو دخان کیهان (استاد فعلی دانشگاه تهران) ماژور حبیب الله خان شیبانی (سرلشکر شیبانی که از خدمت ارتش خارج و فعلاً در اروپا می باشد) - سلطان کاظم خان سیاح (این عناوینی بود که در آن موقع با فرمان ژاندارم اطلاق میشد) و هم چنین آقای سید ضیاء الدین طباطبائی حضور داشتند و اولین مرتبه بفاصله یکماه و ۱۴ روز بود که چنین فعالیت بی نظیری در شخص پهلوی دیده شد -

آری او برای تأسیس ارتش ایران باین سرعت پیش میرفت .

این عده دو روز بعد یعنی صبح ۱۸ فروردین ۱۳۰۰ خورشیدی بطرف تبریز حرکت کردند^۱ .

پس از ورود بقزوین برای سهولت در امر حرکت هر واحد علیحده بزنجان رهسپار شد و بعداً در زنجان يك اسواران سوار و يك آتشبار توپخانه صحرائی و يك دسته توپخانه کوهستانی و يك گروهان مسلسل تحت فرماندهی ماژور محمود خان فولادی باین عده که از تهران اعزام شده بودند ملحق گردید . تمام این عده تحت فرماندهی کلنل لبرک سویدی ب معاونت ماژور لاسن دانمارکی بطرف تبریز حرکت کردند - (در این بین کابینه سید ضیاء الدین سقوط کرد و در صبح چهارم خرداد ۱۳۰۰ نیز بطرف سرحد ایران و اروپا از راه خرمشهر روانه شد)

اعلیحضرت فقید با مراقبت فوق العاده هدایت نظامی قوای فوق را از مرکز

بعهدہ داشتند

۱ - این قضایا را يك نفر از افسران ارشد ژاندارم که ذمیدخل در قضایای مخالفت با کودتا

در تبریز بود نگاشته است آنابان بهار و مکی نیز آنرا نقل کرده اند .

اهالی تبریز از ورود عده ژاندارم که در آن روزها دارای وجهه ملی فوق‌العاده از لحاظ اینکه بنا بر دستور سردار سپه برای تعالت ایران در سراسر کشور می‌جنگیده‌اند بودند مطلع گردیده و تجلیل فوق‌العاده بعمل آوردند حاج مخبر السلطنه هدایت که در آنموقع والی آذربایجان بود خوش آمد گفته از آنان میهمانی نمود.

در این هنگام خطه آذربایجان را شهرت و عصبان اسمعیل آقای سمیتقو فرا گرفته بود و چنان مردم آنسامان از ترس او وحشت داشتند که هیچکس مالک جان و مال خود نبود قوای اعزامی پس از چندین روز استراحت و تکمیل نواقص ساز و برگ با قطار راه آهن بطرف شرفخانه حرکت کردند و پس از الحاق قوای چریک مرحوم ساخان سردار عشایر قره داغی که خدمتگزار دولت بود بخوی رهسپار شدند و با اشتراك مساعی قوای قره داغی چند ضربه سخت بسمیتقو زدند که مورد قدردانی دولت واقع شد و در آذربایجان تأثیر بسیار شایسته نمود.

در این احوال یاور ابوالقاسم لاهوتی که جزء افسران سابق ژاندارم بود و بگناهی قبل از جنگ بین الملل مورد تعقیب دولت و بقول خودش مورد حسد دشمنان واقع شده بود از ترس و قبل از بازداشت ضمن تعقیب باسلامبول فراری و بعدها با جنگ بین الملل مصادف و جزو میسیون آلمانی بکرمانشاهان آمد، پس از شکست مؤتلفین مجدداً روزگاری را در ترکیه میگذرانید.

بالاخره از راه تبریز وارد و مورد توجه و وساطت حاج مخبر السلطنه قرار گرفت و با همان درجهٔ یابوری وارد ژاندارمری شده بسمت معاونت عده سرهنگ تائب سرهنگ یولادین منصوب شد.

در این بین جنگ با سمیتقو با شدت در گیر بود و زد و خورد هر روز ادامه داشت تا اینکه بر حسب خیانت اطرافیان سردار عشایر (با سردار ارشد فرمانده قوای چریک) بدست نوکرهای خودش کشته و اردوی او مأمور حفظ جناح چپ اردوی ژاندارم بود در یک روز متواری و حتی جسد سردار عشایر بطور ناشناس یک روز در دست تصرف اتباع سمیتقو بود!

کرد هامینکه وقتی قوای سردار عشایر را درهم شکستند ناگهان باتمام قوای

خود بر سرعه ژاندارم ناخته‌کار آنها را ساختند (اوائل دلو ۱۳۰۰) قوای ژاندارم با شکست سخت مجدداً بخوی مراجعت نمودند.
 ضمناً تحریکاتی در بین عده مزبور (فوج نمره ۱۴ - ژاندارمری) بعمل می‌آمد که منجر بحرکت آنها از خوی بشرفخانه گردید.

اعلیحضرت فقید که با آرامی ناظر جریان آذربایجان بود و با منانت بفکر سعادت آنسامان دائماً اوقات خود را متوجه ومصروف میساخت دانست که باوضع فوق ممکن نیست موفقیتی نصیب نیروی آنجا شود لذا ماژور حبیب‌الله خان را بدرجه سرتیپی ترفیع داده و او را با سمت فرماندهی کل قوای آذربایجان مأمور قلع و قمع اکراد آذربایجان مینماید و قوای زیادی نیز همراه مشارالیه اعزام میگردد (بقیه این مطلب در فصل مربوط به خاتمه غائله سمیتقو و لاهوتی درج خواهد گردید).

...

با اینکه اغلب نقاط کشور مانند آذربایجان که مقدمه آن گذشت دچار عصیان و تاخت و تاز گردنکشان بود مع هذا اعلیحضرت فقید بدون توجه بمظاهر سیاسی که هر لحظه در مرکز ثقل کشور یعنی تهران موجبات سقوط کابینه‌ها را فراهم میساخت و بدون توجه بمشکلات بسیاری که در کارهای او عمداً فراهم می‌آوردند با پشتکار خستگی ناپذیری که همراهِ از میدان بیرون ساخته بود برای ایجاد یک ارتش قوی شب و روز فعالیت میکرد و ضمناً شورش‌های ولایات را فرو می‌نشاند اکثر افراد نظامی که در جنگهای متجاسرین کیلان شرکت کرده بودند بطوریکه خواهیم دید موجبات پیروزی و امنیت را در آنسامان فراهم ساخته بودند از نبردهای سواحل شمالی مراجعت کرده با پیشانی فاتحانه و باز بسوی میدان‌های غائله شمال غرب و آذربایجان سر وقت سمیتقو و لاهوتی رفتند در مرکز نیز قدم بقدم پیشرفت‌های سرعی نصیب اجرای این برنامه عالی یعنی تأسیس ارتش شاهنشاهی میگردد چند رژه از قوایی که بسرعت خود را برای حفظ استقلال ایران آماده میساختند داده شد لباس نظام جدیدی برای افراد ارتش بنا بفکر و ابداع شخص سردار سپه در نظر گرفته شد که تمام افراد نظامی اتحاد شکل حاصل نموده آنرا در بر کردند این لباس بقدری با ابهت و جاذب بود که خود احمد شاه و محمد حسن میرزا ولیعهد نیز آن را پوشیده و درجه سرهنگی برای

خود قرارداد و سردوشی آنرا زده بودند رژه روز ۲۷ دیماه ۱۳۰۱ در میدان مشق و همچنین رژه روز ۲۴ فروردین ۱۳۰۲ بقدری دل‌های دوستداران عظمت ایران را به تپش آورده بود که کسی سراز یا نمی شناخت سان نظامی بعد از ظهر ۲۷ جدی اثرات بهت آور بخشیده بود قبلاً قوای نظامی حاضر در مرکز در میدان مشق (باغ ملی) احضار و سوار - پیاده - توپخانه و غیره عموماً در اطراف میدان در محلهای خود قرار گرفته تمام بزرگان کشور برای مشاهده پیشرفتهای و ترقیاتی که در این مدت کم بدست سردار سپه انجام پذیرفته بود حاضر گردیده بودند در خارج چادرها جمعیت بسیار کثیری از طبقات مختلف تهران قرار گرفته بودند در خارج میدان نیز پشت نرده‌ها بالای بامها - و روی دکان و عمارات ازدحام بقدری زیاد بود که مقیاس و معیار نداشت از طرف اعلیحضرت فقید که در آن هنگام وزارت جنگ و فرماندهی کل را بعهده داشتند فرمان اجرای مراسم سلام صادر گردید صدای «هورا» از تمام قوای نظامی بر آسمان برخاست بدو نمایشهای نظامی و سوار کاران بعمل آمد و سپس رژه باشکوهی آغاز گردید و انجام یافت انضباط و ترتیب بی سابقه این دفیله و نمایشهای سوار کاران بطوری شایان توجه بود که در دیده بینندگان اثرات خاصی بخشید مردم از دیدن این منظره امیدواری و ایمان غیرقابل وصف و تزلزل ناپذیری بخدمات منجی خود پیدا نموده و از او بانظواهرات دمام قدردانی مینمودند چه حقیقتاً در نظر دوست و دشمن عیان گردید که خدمات برجسته و قابل قدردانی انجام داده است.

رژه روز ۲۴ حمل ۱۳۰۲ نیز از حیث شکوه میدان و انتظام نظامیان چشم همه را خیره و قلب هر ایرانی وطن پرست را شاد نمود قدرت و عظمت قشون را بر همه نمودار ساخت و لیاقت موجد و بانی این سپاه را آفتابی کرد.

روز بعد یعنی در ۲۵ حمل نیز در خارج دروازه دوشان تپه مراسم اسب دوانی باشکوهی که تا نزدیک غروب ادامه داشت صورت گرفت و اثرات خاصی در بینندگان بوجود آورده بود و خود را می دیدند که ایرانی صاحب هزاران سرنیزه شده و با استقلال و پشتیبانی قوای ملی زندگانی میکنند از اینرو مراجعت کنندگان از میدان بر خود می بالیدند و از جان و دل بموجد و بانی این قوای عظیم یعنی اعلیحضرت فقید تحسین و آفرین میگفتند.

فصل هشتم

تأسیس ارتش شاهنشاهی ایران

اعلیحضرت فقید سعید پس از اینکه در سال ۱۳۰۰ تا حدی موفق با اجرای نیات بلند خود گردید و يك امنیت و تسکین موقتی برای میهن بوجود آورد برای آغاز اصلاحات و دفع غائله‌های داخلی و تهاجم خارجی قبل از هر چیز فکر ایجاد يك ارتش منظم با تجهیزات و ساز و برگ و اسلحه‌های جدید درمخيله او خطور یافت.

میتوان گفت پس از اتخاذ این تصمیم پایه‌های عظیم سازمان يك ارتش بزرگ و کامل در خور کشور باستانی و تاریخی وسیع ایران از سال ۱۳۰۱ بنا نهاده شد. شاهنشاه فقید بی‌درنگ سازمان لشکرهای - تهران - تبریز - اصفهان - مشهد - همدان را پیش بینی و شروع بتأسیس نمود.

فقدان افسران تحصیل کرده مانع بزرگی برای توسعه ارتش و ترقیات آن بنظر میرسید و چون هنوز موفق بتأسیس دانشکده افسری و آموزشگاههای نظامی نشده بود از نظر تسریع در پیشرفت مصمم گردید عده‌ای از بهترین جوانان تحصیل کرده و علاقه مند بنظام را برای طی دانشکده‌های افسری کشور های اروپا خصوصاً فرانسه انتخاب و بفرنگستان اعزام نماید.

نخستین کاروان نظامی که عده آنها متجاوز از ۵۰ نفر افسران و درجه داران مختلف بود تحت سرپرستی سرتیپ حبیب‌الله خان شیبانی برای عزیمت تعیین گردیدند در این مسافرت شاهزاده سرتیپ امان‌الله جهانبانی که ریاست ارکان حرب کل را عهده‌دار بودند نیز بسمت ریاست هیئت اعزامی ایران در فرانسه برای بازدید مانورها و خرید اسلحه‌های جدید جنگی معین گردیده رهسپار شدند.

قبل از عزیمت این هیئت جوان نظامی که دلهاشان آکنده از مهر و علائق خدمتگذاری بود روز ۶ خرداد ۱۳۰۲ که روزرژه و بازدید این افسران و دانشجویان

بود اعلیحضرت فقید سعید نطقی در کلوپ صاحبمنصبان ایراد فرمودند که خلاصه آن چنین بوده است:

فرزندان رشیدم امروز که شما برای رفتن بملکت فرانسه انتخاب شده اید یکی از فیروزترین ایام تاریخی دوره آینده حیات فثون بشمار میرود شما را برای تحصیل بسر زمینی مبلرستم که علاوه بردارا بودن منظم و معظم ترین قشونهای عالم از قطعه نظر عرق ملیت - حس فداکاری پرستش و پاسبانی وطن علیات خود را سر مشق سایر ممالک قرار داده اند و در راه استقلال و تمامیت ارضی خویش در همین جنگ بین المللی اخیر با دادن هزاران قربانی حق حیات و موجودیت خود را بکرتبه دیگر بمال ائبات نمودند شما در آن محیط که موظف بشکبیل معلومات علمی و فنی خود هستید باید قوای دماغی و روحی خویش را نیز تنویر داده و از همان احساسات عالی و فنا نا پذیر بارمغان آورید :

شما نباید تصور کنید که اعزام پنجاه نفر صاحبمنصب محصل بارو با برای دولت برایگان تمام میشود بلکه باید بغاظر بیاورید که تا چندی پیش دولت حتی بجمع آوری پنجاه نفر سرباز برای جاوگیری از کوچکترین سرفتنهای پشت دروازه قادر و توانا نبود فقط در نتیجه علیات دلیرانه و فداکاری شما بود که در اندک مدتی قشون جوان بخت ایران نختین وظیفه خود را که عبارت از قطع ریشه کهن سال شرارت - استقرار امنیت - انقیاد ایلات انجام و اینک در صدد تکبیل تشکیلات برآمده و شما را بانجام این مأموریت معین و نامزد نموده است :

فرزندان عزیزم البته میدانید که مملکت ما فاقد وسائل و ولد نروت از قبیل راه آهن و کارخانه و غیره بوده و یگانه محل عایدات آن منحصر بمنابع زراعتی است این وجهیکه دولت برای مخارج مسافرت و دوره تحصیل شما میپردازد از قرضه های کسر شکن که سابقاً بهمین عنوان از خارجه بمل میآمد و صرف لهو و لعب و هوسرانی عده ممدودی میگردد فراهم نشده بلکه از فیت گندم و جو حاصل دسترنج زارعین آن طبقه زحمت کش و زنجیر ایرانی تهیه گردیده است بس باید همیشه بغاظر آورید که برای فراهم نودن هر يك قران آن زارعین غیرتمند ایرانی روزهای متادی - دقابق عمر عزیز خود را در مقابل اشنة سوزان آفتاب صرف زبر و زبر کردن زمین و کشت و زرع نموده اند اینک برزگران ایرانی نمره سعی و عمل خود را بشما میدهند کدر مقابل بدون فوت دقیقه از وقت با کمال جدیت بتحصیل و تکبیل معلومات نظامی پرداخته و با يك توشه و سرمایه بزرک علمی بوطن خود مراجعت و با تمام قوا و معلومات خود به نگهبانی و حراست جان و مال و ناموس آنها اشتغال ورزید :

بعد از تمام شدن نطق اعلیحضرت فقید سعید رئیس ارکان حرب (تیمار سر لشکر جهانبانی نعلی) نطقی ایراد نمودند که خلاصه آن از این قرار است :

(در این چند روزه که فدوی با صاحبمنصبان محصلین برای ترتیب امتحانات آنان مستقیماً طرف مذاکره بوده است از نیات و افکار آنها راجع بتحصیلات ایشان کاملاً مستحضر و از طرف آنان افتخاراً بحضور بندگان حضرت اشرف را بورت و اطینان میدهد که فرد فرد صاحبمنصبان محصلین با نهایت صمیمیت و جدیت حاضر شده اند در این مدت بدون فوت دقیقه از اوقات خود لیللاً و نهاراً بتحصیل علوم و تکبیل فنون نظامی پرداخته و در ادای این وظیفه مهم از هیچگونه مجاهدت

وفداکاری دریغ ننمایند که در مراجعت بتوانند در تحت او امر عالی یگانه فرمانده معظم کل قشون بانتخار انجام خدمات مفید و عمده در راه حفظ عظمت و شوکت وطن مقدس و دولت متبوع خود موفق گردند).

در روز ۱۳ خرداد ماه ۱۳۰۲ این هیئت نظامی از طهران حرکت کردند شاهنشاه فقید آنها را شخصاً تا مهرآباد بدرقه نمودند.

بعد از اعزام نخستین هیئت مزبور هیئت های نظامی مختلف دیگری نیز برای صنوف مختلف پیاده - سوار - توپخانه - بحریه - هواپیمائی و همچنین خرید کارخانه های ارتشی مرتباً اعزام گردید.

و ضمناً برای جلوگیری از این نیازمندی دائمی بدانشکده های اروپا اعلیحضرت فقید مصمم بایجاد عالیترین دانشکده های نظامی و دبستان ها و دبیرستانهای نظام در داخل کشور گردید.

که شرح آنها در فصول آئینده داده خواهد شد.



از سال ۱۳۰۱ بنیان تأسیس ارتش پولادین و دلاور شاهنشاهی ایران که تا امروز مرتباً راه موفقیت آنرا بچشم دیده ایم گذاشته شد.

قبل از کودتا در سراسر ایران تجهیز ۳ تا ۵ هزار سرباز منظم غیر ممکن بنظر میرسید يك مشت گرسنه و لغت و عور بنام های مختلف و شکل های مختلف بنام قوای دولتی در کشور پخش بودند.

از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴ که دوره های مختلف فرماندهی و وزارت جنگ و زمامداری اعلیحضرت فقید سعید بود و هنوز بتخت سلطنت جلوس نکرده بودند سازمان وسیع و آبرومند زیرین بجای دوران پر ادبار نوپ مروارید برای ارتش شاهنشاهی جدید ایران داده شد.

سازمان ابتدائی ارتش ایران از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴

وزارت جنگ

- ۱ - کابینه ۲ - شورای عالی قشون ۳ - قسمت فرماندهی ۴ - مدارس نظام
- ۵ - تشکیل لشکرها ۶ - اداره انبه

۲۰۱

کابینه و شورای قشون

کابینه وزارتی مخصوص وزیر و شورای عالی قشون در تحت ریاست عالی و وزیر جنگ (سردار سیه) و معاونت یک نفر از اعضاء که بقرعه انتخاب میشوند.

۳

قصدت فرماندهی

بطور کلی اداره ارتش با این قسمت بوده است زیرا همین قسمت بود که برای ترتیب و تنظیم و نگاهداری پنج لشکر و یک تیپ مستقل ارتش مزبور معین و برقرار گردید و سازمان آن مرکب از چهار قسمت گردید.

الف - اداره ارکان حرب کل ب - ادارت عالی کل ج - اداره قورخانه د - اداره تلگراف بی سیم

(الف)

ارکان حرب کل که ریاست آن بعهده سر تیپ امان الله میرزا برقرار گردید دارای یک کابینه و هشت دائره بود.

- (۱) دائره تنظیمات کل مرکب از سه شعبه
 - ۱ - شعبه سجل احوال ۲ - شعبه محاکمات ۳ - شعبه سرباز گیری .
- (۲) دائره عملیات کل مرکب از سه شعبه .
 - ۱ - شعبه تسبیقات ۲ - شعبه نقشه برداری ۳ - شعبه هواپیمائی .
- (۳) دائره مباشرت کل مرکب از ۸ شعبه .
 - ۱ - شعبه تدارکات ۲ - محاسبات ۳ - تفتیش ۴ - تلفونخانه ۵ - مطبعه ۶ - صباغی ۷ -
 - چرم سازی ۸ - مخازن اسلحه و مهمات قشون .
- (۴) دائره صعبه کل .
- (۵) دائره انطباعات مرکب از سه شعبه .
 - ۱ - شعبه مجله ۲ - شعبه دارالترجمه ۳ - شعبه کتابخانه
- (۶) دایره بیطاری .
- (۷) دائره موزیک .
- (۸) دائره نقلیه کل قشون مرکب از ۲ شعبه .
 - ۱ - شعبه فنی ۲ - مصادر کار ۳ - ساختمان ۴ - نعلبند خانه ۵ - ایلخی ۶ - چراغ برق
 - ۷ - اسکورت عشایر .

(ب)

دومین قسمت اداره فرماندهی اداره مالی کل بود که بریاست سر هنگ علانی اداره شده و منقسم بدو قسمت میگردد .

(۱) اداره مرکزی مابله دارای ۶ شعبه

- ۱ - دار الانشاء ۲ - تفتیش محاسبات ۳ - دفتر داری کل ۴ - صدور حواله‌جات
- ۵ - کمیسیون تفتیش محاسبات معوقه ۶ - اداره محاسبات کل که آن نیز دارای چهار شعبه بود.

قسمت خزانه داری کل مرگب از عهد شمعیه بود

۱ - دفتر داری ۲ - ضبط اسناد ۳ - تحویلخانه

(ج)

۳ - سومین قسمت از اداره فرماندهی قورخانه بود که بریاست نایب سرهنگ اسماعیل‌خان شفائی اداره میشد و چون این اداره مهمی بود از همان بدو سردار بهلوی بواسطه باز دیده‌های بیایی و اهتمامی که بدان معطوف میداشت تحت نظر مخصوص خود قرار داده و بالاخره قورخانه جدیدی تشکیل و ساختمان آنرا بوسیله متخصص آلمانی انجام داد بعد از آن یکنفر سرمهندس آلمانی که متخصص اسلحه و ماشین آلات بود از آلمان خواسته امر مزبور را به‌شارالیه محول نمود سرمهندس مزبور شروع بترتیب و سازمان جدیدی نمود و بناه یک قورخانه تازه را باتمام مؤسسات جنگی از قرار ذیل طرح ریزی کرد.

- ۱ - کارخانه بزرگ ماشین مختلف برای کلیه تعمیرات توپ و غیره .
- ۲ - کارخانه تفنگ‌سازی برای تهیه تفنگ و مسلسل طرز جدید و عموم تعمیرات تراجم بانها
- ۳ - کارخانه فشنگ‌سازی برای تهیه تمام فشنگ‌های لازمه فشون و نوار مسلسل .
- ۴ - کارخانه باروت کوبی جهت ترکیب باروت‌های جدید کم‌دود و اجزای شیمیائی .
- ۵ - کارخانه ریخته‌گری و آهن نوب‌کنی و فولادسازی برای تهیه گلوله توپ مثل گرناد شربل و نارنجک‌های دستی .

۶ - کارخانه ارباب‌سازی دارای شعبات تعمیرات و تمیل - ارب کشی - نجاری بامشین و سراجی بطرز جدید ۷ - کارخانه ایجاد قوه الکتریک .

- ۸ - مدرسه فنی برای تربیت اسلحه‌سازان قابل و کارگر جهت آتیه قورخانه .
- ۹ - محل تیراندازی مطابق معمول اروپا برای امتحان تیراندازی تفنگ - مسلسل و توپ طرز ریزی فوق‌کاملاً پسند خاطر اعلیحضرت فقید واقع گردید و باوجود مشکلات گوناگون در حدود وسائل موجوده بتکمیل قورخانه اسر داد جهت انجام این مقصود ماشین آلات و مصالح لازمه از آلمان ایتباع و پنج نفر متخصص آلمانی هم برای ریخته‌گری - ماشین - ترمیم توپ تعمیر تفنگ و مسلسل و تهیه فشنگ استخدام شدند .

سرمهندس آلمانی با کمک آنان تأسیسات اداره قورخانه را بسبک جدید تبدیل و تحت انتظامات و قواعد طرز کارخانه‌های اروپا درآورد بطوریکه اداره مزبور میتواند کلیه احتیاجات فشون را از بهترین طریق باسرع اوقات مرتفع نماید .

روبه‌م رفته اداره قورخانه تا سال ۱۳۰۴ دارای این کارخانه‌ها گردید :

- ۱ - کارخانه اسلحه سازی و قنداق سازی ۲ - چرخکاری ۳ - سوهانکاری ۴ - ریخته‌گری

۵ - حدادی ۶ - نجاری ۷ - شمشیر و سر نیزه سازی ۸ - سراجی ۹ - آتش بازی ۱۰ - باروت کوبی ۱۱ - فشک سازی ۱۲ - نقاشی ۱۳ - تعمیرات مسلسل ۱۴ - رنک کاری آلات اسلحه ، حاصل کار اداره قورخانه که یکی از بزرگترین کارخانجات ایران بود مرتباً رو بترقی مینهاد، اشیائیکه سابقاً ساختن آنها در ایران غیرممکن و از اروپا خریداری میشد در خود قورخانه تهیه و از انتقال ماله مملکت بخارج نایک اندازه جلوگیری بعمل آمد ،

اداره مزبور از حیث اوضاع اقتصادی و رنج دست کارگران ایرانی فوق العاده مورد توجه و ملاحظه بود و برای ایجاد اسلحه سازان قابل و ترقیات آتیه مدرسه فنی نیز تأسیس گردید که محصلین در شبانه روز مشغول فنون اسلحه سازی بوده و تربیت نظامی میشدند ،

پروگرام مدرسه مزبور بامدارس متوسطه فنی آلمان مطابق گردید و تعداد شاگردان مدرسه مذکور بر یکصد و پنجاه نفر بالغ می گردید جهت تربیت علمی کارگران قورخانه مدرسه با اسم مدرسه اکابر شبها در خود قورخانه تشکیل گردید که پس از ختم کار هموفاکارگران بتحصیل فارسی و حساب و غیره مشغول میشدند این مدرسه نیز از نظر اقتصاد واحداث کارخانجات در آتیه برای مملکت فوق العاده نافع و قشون را از هر حیث بهره مند و مستفنی ساخت .

(د)

۴ - چهارم قسمت اداره فرماندهی - تلگراف بی سیم بود .
۸ دستگاه تلگراف بی سیم خریداری شد دو دستگاه آن در مرکز برفرار و شش دستگاه دیگر در مراکز لشکرها نصب گردید مراکز مزبور عبارت بودند از ،

مشهد - بوشهر - کرمانشاهان - تبریز - کرمان - شیراز

(۴)

مدارس نظامی

سازمان مدارس نظامی نیز بدین فرار تأسیس یافت ،
۱ - مدرسه ابتدائی ۲ - مدرسه متوسطه ۳ - صاحبزنبان ۴ - مدرسه و کلاه بیطاری
۵ - مدرسه نیابت ۶ - مدرسه صاحبزنبان بیطار - موزه قشون نیز ب مدرسه ملحق گردید .



فصل نهم

تشکیل لشکرها

در مرکز و شهرستانها

توسعه تأسیسات ارتش به نیروی فکر و ایمان و دست توانای اعلیحضرت شاهنشاه فقید سرعت ادامه مییافت عناصر غیرصالح از ارتش نو برکنار میشدند تأسیس يك ارتش با انضباط و قوی که آرزوی هر فرد ایرانی بود بطرف کمال میرفت و يك نیروی متحدالشکل و منظم در ابتدا با توأم شدن تشکیلات ژاندارمری و بریکاد مرکزی و قزاقخانه بوجود آمد .

در چهاردهم قوس سال ۱۳۰۰ واژه های ژاندارمری و بریکاد و قزاق بکلی از بین رفت و نیروهای ارتش ایران بنام نظام و افراد آن بنام نظامی خوانده شدند کلروب رئیس ژاندارم نیز از کار برکنار گردید و تمام نیروهای مزبور مستقیماً در تحت اداره اعلیحضرت فقید درآمد .

سازمان وزارت جنگ با وسعت تأسیسات کامل نظامی بقراری که شرح داده شد جایگزین تشکیلاتی که آشیانه متزلزل عده بنام قزاق و صاحب منصب و ژاندارم بود گردید روح سپاهی گری در بین علاقه مندان بنظام و سلحشوری پدیدار گردید مردم پایتخت گاهی اوقات که صف هائی از جوانان جنگجوی خود را که از گونه های سرخ رشیدشان آثار شجاعت و وطنخواهی درخشان بود در حال تردد در خیابانها میدیدند مدتی ایستاده و بانحنین و اعجاب مینگریستند .

کم کم محبت بارتش و نظام در دلها بوجود آمد

ملت حق شناس ایران احساس کرد ارتشی که در حال تأسیس و بوجود آمدن است ربط و شباهتی بقزاق و قزاقخانه ندارد و آن اوضاع پوشالی و نیرنگ بازی که

جز خرج تراشی برای ملت و انجام و اجرای اعمال و اغراض سیاسی چیز دیگری بیش نبود دیگر در این دستگاه ملی نو رخنه و رسوخی ندارد بهمین نظر مردم گروه گروه و انبوه انبوه بطرف سردار بزرگ ملی اعلی حضرت فقید سعید روی آوردند و او را در آغوش گرم خود تقویت نموده و در راه پیشرفت نظریات و منویات پاک و میهن پرستانه او فداکاری نمودند.

شاهنشاه پهلوی وقتی که در باطن جانب دلها را معطوف بسوی خود دید سرعت فکر ایجاد يك سازمان وسیع ارتش ملی را در مخیله خویش طراحی کرده و توسعه داد و لباس عمل پوشانید.

بلافاصله سازمان وسیع لشکرهای تهران - تبریز - اصفهان - مشهد - همدان و تدریجاً سایر نقاط حساس کشور و هم چنین تپ مستقل شمال ایجاد و ره کمال را پیمود و مانند بهترین تأسیسات نظامی کشورهای جهان وسعت یافت.

افراد زبده ای که از بقایای قسمتهای مختلفه منحل شده سابق عاطل و بیکار مانده بودند سرعت روی بنظام جدید آوردند و جوانان علاقه مند بخدمت میهن نیز رغبت نشان داده سازمان لشکرها را تکمیل نمودند.

اداره جدیدی نیز در هر يك از لشکرها تأسیس گردید که بنام (دائرة جدید گیری) موسوم بود این دائرة شروع باخذ نفرات مورد لزوم طبق مقررات جدید و مقررات بنیچه ازین داوطلبان نمود.

در این هنگام نکته ای که جلب توجه سردار بزرگ تاریخ را نمود وجود پلیس جنوب (اسپیار) بود که بقوت خود باقی و تحویل ارتش ایران نگردیده بود در این باره نیز حکم الفای پلیس جنوب صادر و آن سازمان غیر منطقی کم کم از بین رفت و بدست مؤسین آن منحل گردید.

تأسیسات سازمانی و فرماندهان لشکرهای تأسیس یافته بقراری است که در زیر ضبط تاریخ مشع ارتش شاهنشاهی ایران میگردد.

لشکر ۱ - بفرماندهی مستقیم سردار سپه (اعلی حضرت فقید سعید) در تهران تشکیل گردید و ریاست ستاد آن بمعهد سرهنگ ۲ اسماعیل شفائی تفویض گردید سازمان این لشکر عبارت بود از ۱ - تپ نیرانداز گارد ۲ - تپ نیرانداز عراق

۳ - نیپ سوار گارد ۴ - نیپ توپخانه ۵ - قسمت مستقل کیلان و تنکابن و قسمت مازندران .

لشکر ۲ - شمالغرب بفرماندهی سرلشکر اسماعیل فضل‌ی در تبریز تشکیل یافت و ریاست ستاد آن بعهده محمدحسین میرزا فیروز تفویض گردید .

سازمان آن شامل ۱ - بریکاد مختلط قزاق ۲ - نیپ مختلط (آتریاد) اردبیل ۳ - هنگ ۱۴ ژاندارم تبریز ۴ - باطالیون مستقل ۱۳ ژاندارم‌ری زنجان بود .

لشکر ۳ خراسان - بفرماندهی سرلشکر حسین خزاعی در مشهد تشکیل یافت و ریاست ستاد آن بعهده سرهنگ ۲ محمد حسین میرزا جهانبانی تفویض گردید .

سازمان این لشکر عبارت بود از : ۱ - قسمت مختلط (آتریاد) قزاق خراسان ۲ - هنگ ۱۰ ژاندارم‌استرآباد ۳ - هنگ سرباز سده و هنگ سربازقاین و قسمت توپخانه سیستان .

لشکر ۴ - بفرماندهی سرلشکر محمود آیرم در اصفهان تشکیل یافت و ریاست ستاد آن بعهده سرهنگ حیدرقلی پسیان تفویض گردید .

سازمان این لشکر عبارت بود از : ۱ - قسمت مختلط (آتریاد) قزاق اصفهان ۲ - هنگ شماره ۶ ژاندارم اصفهان ۳ - باطالیان مستقل کاشان .

لشکر ۵ - بفرماندهی سرلشکر احمد امیر احمدی در همدان تشکیل یافت و ریاست ستاد آن بعهده سرهنگ عبدالرزاق افخمی تفویض گردید .

سازمان این لشکر عبارت بود از : ۱ - آتریاد همدان و آتریاد قزاق بروجرد ۲ - هنگ شماره ۱۱ ژاندارم کردستان ۳ - هنگ شماره ۱۲ کرمانشاهان ۴ - هنگ شماره ۷ عراق ۵ - هنگ شماره ۸ ژاندارم بروجرد .

بنابراین بنیان ارتش شاهنشاهی ایران بترتیب فوق از ۱۵ جدی ۱۳۰۰ تا اواخر ۱۳۰۴ بنا باراده و زحمات شبانه روزی اعلیحضرت فقید سعید با استحکام بی‌نظیری که از سرچشمه ایمان افراد فدائی نسبت با او و ایران منشعب میگردد بوجود آمد و آرزویی که ایرانیان میهن پرست در طول يك مدت درازی از تاریخ

متوالیاً با خود بدیاز عدم می‌بردند، بتحقیق پیوست .

ارتشی که ما امروز بدان فخر و مباهات میکنیم و ما را در سیر شاهراه تمدن و ترقی یشتیبانی مینماید و از نابودی قطعی نجات بخشیده است بر روی پایه‌های مستحکم و مشروح فوق بنیان گذاری شده است .

جمیع شئون وزارت جنگ در کف با کفایت اعلی حضرت فقید سعید قرار گرفته بود و دائماً اهتمام او در توسعه ارتش مصروف میگردد شورای عالی جنگ نیز بعهده سردار مقتدر محول گردید .

ولی این شوری که وظائف آن بررسی مسائل مربوط بتوسعه ارتش و تنظیم لوایح قانونی و تدوین آئین‌نامه‌ها و رسیدگی به پیشنهادهای مفید بود چون جلسات آن بطور نامرتب و وقت لزوم تشکیل میگردد و کارمندان آن نیز هر يك بمشاغل خارجی که داشتند بیشتر اهمیت میدادند پس از چهار سال در خرداد ۱۳۰۵ بدون اینکه پیشرفتی در انجام مقصود نهائی خود بنماید منحل گردید .



فصل دهم

آغاز استفاده از نظام جدید

سیاست‌های استعماری و تحریکات مادی داخلی و حالت مفشوش و اسف‌آور سالهای نکتت بار اخیر عده‌ای متجاوز و خود سر در گوشه و کنار کشور بوجود آورده بود که هر لحظه باقوائی که در اختیار داشتند حکومت مرکزی را متزلزل و پیشرفت کشور را متوقف کرده بودند.

این مشکلات از سال ۱۳۰۰ در شاهراهی که اعلیحضرت فقید سعید بسوی ترقی دادن میهن خود می‌بیمود پیش‌یای او یکی بعد از دیگری مانند کوه‌های سنگی بزرگ پیدا میشد.

مهمترین این وقایع در ابتدای کار واقعه امیر مؤید سواد کوهی و حملات متجاسرین در گیلان و غارتگری سمیتقو در آذربایجان و طغیان لاهوتی و بروز هرج و مرج در جنوب و اغتشاش‌های که کیلویه و قزایای خوزستان و جنگ‌های لرستان و وقایع خراسان و هم‌چنین طغیانها و شرارت‌ها و سرکشیدها در تمام شهرستانهای ایران میباشد مابطور اختصار برای اینکه از اهمیت محاربات داخلی خوانندگان این تاریخ را مستحضر نمائیم و ضمناً فداکاریهای ارتش نو ایران را که پیروزی همین محاربات آنان را مستعد برای پیروزیهای بزرگتری نمود و افرادی شجاع و سلحشور و ورزیده ذخیره گذاشت شرح هر یک از وقایع فوق را بطور اختصار می‌نگاریم.

اهتمام ارتش در فرونشاندن طغیان‌های مازندران

و شکست متجاسرین گیلان

در همان اوان که گیلان در زیر یوغ غارتگری متجاسرین شانه زخمین مبرکرد امیر مؤید و پسرانش در سواد کوه مازندران در صدد برآمدند بهمدستی خوانین و متجاسرین گیلان بر علیه تهران قیام نمایند در بدو امر معرکین امیر مؤید که از خانواده راست‌پی مازندران بود مرحوم

حاج آقا شیرازی و مرحوم **مستعان‌الملک** لیدرهای اعتدالی و اتفاق و ترقی بودند که به‌ازندران رفته و امیر مؤید ویران رشید او را بقیام برانگ‌بختند .

هنگامیکه احسان‌الله‌خان و ساعدالدوله رؤسای متجاسرین گیلان بطرف تنکابن در ۱۰ تیر ۱۴۰۰ حمله کرده بودند از طرف اعلیحضرت فقید نیروئی تحت فرماندهی امیرینجه احمد آقاخان و عده از فوج گلارد پهلوی بفرماندهی یاور صادق‌خان بسواد کوه و فیروز کوه اعزام گردیدند و چون نصیحت بدوی دریاغیان مؤثر واقع نگردید در طی معاربات شدیدی که از ۵ مرداد تا ۲۶ شهریور ماه ۱۴۰۰ بطول انجامید تمام سنگ‌های طبیعی و مواضع استحکاماتی متردین را درهم شکسته و قلعه (خرچ) یا (خرش) بدست نیروی دولتی افتاد و با گرفتن اسلحه و مهمات آنان بمرکز حرکت نمودند .

امیر مؤید که به‌علی‌آباد عقب‌نشسته و در جنگ‌ها متواری بود به‌منان آمده تلگرافی ندامت‌آمیز به اعلیحضرت فقید مغایره مینماید که در نتیجه آن تأمین یافته بسواد کوه بازگشت میکند .

احسان‌الله‌خان . ساعدالدوله . معز‌السلطنه . اسعدالسلطنه . حاج محمد جعفر کردستانی رؤسای متجاسرین برای گرفتن (تنکابن) و کجور و کلارستان و سپس حمله به‌تهران از راه شهرستانک قیام نموده و در نظر داشتند با امیر مؤید که در همین اوقات درمازندران طفیان نموده بود همدست گردند .

در اوائل اردیبهشت ۱۴۰۰ بفرموده اعلیحضرت فقید پنج گروهان از فوج یولادین بریاست سرهنگ محمدخان شاه‌بغتی به‌زورین اعزام گردیدند در آن هنگام قسمتی از متجاسرین از دیلمان به سلمبار وارد گردیدند و شهر قزوین را تهدید مینمودند .

از سوی دیگر سرهنگ فضل‌الله‌خان که در آنوقت حاکم نظامی تنکابن بود با قوای خود شروع به نبرد با اشرار نمود این نبردها و محاربات گاهی بقدری شدید بود که منجر به عقب‌نشینی قوای نظامی میگردد و در نتیجه نقاط مهمی بتصرف اشرار درمی‌آید .

بالاخره قوای دولتی کم‌کم بیکدیگر نزدیک و اشرار محاصره میشوند با اینکه متجاسرین عده زیادی از افراد در اختیار داشتند و در هر نقطه اهالی را نیز بسرعت مسلح مینمودند مع هذا نیروهای نظامی در نتیجه یک سلسله حملات فوق‌العاده شدید مجالی با اشرار نداده در دوم مرداد بکلاردشت که محل توقف احسان‌الله‌خان بود حمله‌ور گردیدند و آنجا را اشغال نمودند و دشمن در طویر (تویر چهار فرسنگی کلاردشت است) محاصره گردید .

قوای سرهنگ محمدخان و سرهنگ فضل‌الله‌خان متحداً بخرم آباد ورود و حمله نموده دشمن را مغلوب و تویر را متصرف گردیدند .

چون قوای نظامی دولتی مرتباً به پیروزی‌های جدیدی نائل میگردد و متجاسرین مرتباً شکست خورده و منهزم میگرددند (سردار کبیر) برای تأمین ساعدالدوله که با احسان‌الله‌خان و سایرین طفیان کرده بودند با دولت مشغول مذاکره شد . ساعدالدوله نیز در فرونت موافقت خود را بادولت نشان داد و در موقع عقب‌نشینی به (شهسوار) عده از روسها را خلع سلاح نموده دو-عزاده مترالبوز و یک عزاده توپ کوه‌نانی آنها را گرفته و با قسمت خود بطرف (دوهزار) رهسپار شد متجاوزین نیز پس از اینکه خلع شدند بسوی (درازدالان) و (دوهزار) حرکت نمودند

شش روز بعد موضوع تأمین ساعدالدوله بفرماندهان قوای (تنکابن) و (سلمبار) واردوی قزوین از طرف اعلیحضرت فقید مغایره و اعلام گردید و در روز ۱۷ مرداد قوای تنکابن (شهمار) مرکز متجاسرین را متصرف شد. سه روز بعد اسمعیل افندی باینجاه نفر عده صلح خود که از جمله اشرار و متجاسرین بود به قوای تنکابن تسلیم شد قوای سلمبار و تنکابن مأمور به پیشرفت بجانب (لاهیجان) گردیدند.

پس از این موضوع در ۲۴ مرداد قوای سلمبار بریاست سرهنگ حبیب‌الله‌خان شیانی بسوی الموت و دیلمان به پیشرفت شروع نموده ۶ روز بعد وارد (دیلمان) گردیدند در همان وقت قوای سرهنگ محمدخان و سرهنگ فضل‌الله‌خان نیز بطرف (رودسر) رهپار و در ۲۸ وارد آنجا شدند و از آنجا به (لنگرود) رسیدند در این وقت قوای دشمن درخانه‌ها بالباس زنانه مستور شده همیشه شب فرار سید باهمان لباس زنانه خارج و حمله به اردوی دولت نموده جنگ سختی وقوع یافت و دوباره لنگرود بدست دشمن افتاد و قوای دولتی در (کلاچای) تمرکز یافت اما سه روز بعد (۳ شهریور) قوای تنکابن به (سلمان) وارد و دو روز بعد از آن (۵ شهریور) از نولنگرود را از دشمن باز پس گرفته و بفاصله ۹ روز (۱۲ شهریور) هلس (وراه) (بلوردکان) را متصرف شده مرکز قوا را در (سلمان) فرار دادند.

در این موقع بنا بامر اعلیحضرت فقید سعید بدو مرتب مرتضی خان یزدان‌نانه رئیس بریکادگارد تبرانداز و چند نفر دیگر از صاحب منصبان برای سرکشی و بدست آوردن حالات و روحیه افراد مأمور تنکابن گردیده در ۶ مهر ۱۳۰۰ حرکت نمودند و تارودسر رفته یک گردان نیز در آنجا مستحفظ قرار دادند و مرکز مراجعت نمودند در آن اوقات بواسطه امر مرکز جنگ متار که شد زیرا کوچک‌خان با دولت در مذاکره تسلیم شدن بود ولی گویا کوچک‌خان مقصودش اغفال بود زیرا بعداً بواسطه العاق ۴۰۰ نفر روس و ارمنی بقوای او در صدد حمله بزنجان برآمد لذا عده کافی بریاست کلنل لندبرک سوئدی برای جلوگیری او اعزام شد - در همان موقع متجاسرین سیاه رود و امامزاده قاسم و لاهیجان را تخلیه نمودند و بطرف رشت عقب نشستند و قوای دولتی نقاط مزبور را تصرف نموده در روز ۱۲ و ۱۳ مهر زدو خورد های چندی وقوع یافت در اواخر مهر اعلیحضرت فقید شخصاً برای سرکشی قوای اعزامی و خاتمه غوغا و اغتشاش و شورش جنگل بسمت کیلان حرکت نمود و در همان اوان ورود ایشان به جشید آباد خالو قربان با عده اکراد تسلیم گردید و از اعلیحضرت فقید تأمین خواسته برای جنگ با کوچک‌خان خود را معرفی نمود و فرار براین شد رشت را که در تصرف او بود بقوای دولت تسلیم نماید اما از رشت خارج و به بندر پهلوی رفته مجدداً فریب کوچک‌خان او را از تسلیم باز داشت در آنوقت قوای دولتی برای تصرف شهر رشت تحت امر سردار بزرگ ایران حرکت و در ۲۱ مهر وارد (دوشنبه بازار) گردیده در ۲۴ مهر بشهر رشت وارد گردیدند ولی این ورود مصادف وقتی بود که متجاسرین از سه طرف رشت را محاصره کرده بودند از اینرو جنگهای سختی در اطراف و در خود شهر رشت ادامه یافت ولی بالاخره به شکست متجاسرین و پیروزی ارتش نیرومند ایران که در بندر تاسیس بود منجر گردید در ۲۳ مهر قوای دولت به (ماسوله) هجوم برده قسمتی بریاست سرهنگ شیخ لیسکی از راه (هزار کوه) وارد (ماسوله) شده قسمت مهمی از متجاسرین آنجا تسلیم

و بقیه فرار کرده و دوروز بعد نیز جنگ سختی در (پسی خان) وقوع یافت که در نتیجه پسی خان و جمعه بازار بتصرف نیروی ارتش درآمد دوروز بعد از آن (۲۷ مهر) قوای ساخلو در (پیره بازار) - (کفترو) و (نوخانه) را از متجاسرین پس گرفته و دشمن بکلی شکست خورده عده زیادی فراری و عده تسلیم شدند و در نتیجه میرزا کوچک خان دونهز نماینده بهمنور اعلیحضرت فقید فرستاد و اظهار تسلیم و درخواست تامین کرد - اعلیحضرت فقید از لغات احساسات وطن پرستی و رشادتی که از میرزا کوچک خان شنیده بود مجدداً او را تامین داده و قرار شد حاکم رشت و عده‌ای از افسران در موقع ورود میرزا کوچک خان باستقبال او بروند ولی باز معلوم نیست چه پیش‌آمدی بوقوع می‌پیوندد که مجدداً میرزا کوچک خان پس از دو روز به ماسوله با قوای خود حمله برده تلفات سنگینی بسمت اردبیل‌یادگان ماسوله وارد می‌آورد در نتیجه در ۸ آذر عده‌ای از قوای دولتی از جمعه بازار به (زیدق) حمله برده بعد از دو روز جنگ زیدق را متصرف و متجاوز از صد نفر اسیر و چندین متر البوز بدست قوای دولت مبادت میرزا کوچک در صدد برمی‌آید بکوه‌های خلخال رفته بامیر عشار معروف ملحق شود ولی قبل از رسیدن بمقصد در قلعه رودخان محصور میشود و با اینکه قوای نظامی نتوانستند آنجا را تصرف نمایند میرزا کوچک خان آنجا را تخلیه و عقب نشینی ادامه میدهد در نتیجه این شکست قوای میرزا متلاشی و عده زیادی از رؤساء و سرکردگان آنها از قبیل خالوقربان (که بعداً داخل ارتش میشود) و غیره تسلیم گردیدند و سید جلال چمنی نیز دستگیر میشود و چون فائله جنگل خاتمه یافت اعلیحضرت فقید سید (وزیر جنگ) بطهران مراجعت نمود و قوای دولتی تحت ریاست امیر موثق به تعقیب دسته‌های پراکنده دشمن و برای دستگیری میرزا کوچک خان معین گردیدند قوای دولت در شهرهای گیلان تمرکز پیدا نموده عده زیادی از متجاسرین را دستگیر و عده از سرکردگان آنها شخصاً تسلیم و اسلحه خویش را تعویل ارتش دادند .

در ۱۵ آبان ۱۳۰۰ احسان‌الله خان و چند نفر با ممرالسلطنه بطرف بادکوبه فرار کردند حیدرخان و قره خان که با عده خود از سفیدرود عبور کرده و بطرف سیاه‌کلب فراری و در ۲۶ آبان بقوای دولتی تسلیم شده بشهر رشت وارد و جزء ارتش پذیرفته میشوند او بدرجه سرتیپی و چند نفر دیگر از سرکردگان بدرجه افسری داخل ارتش گردیدند .

اما کوچک خان از محلی بمحلی دیگر متواری بود در آخر بکوه‌های (ماسال) پناهنده شد عده‌ای از قوای دولتی او را تعاقب میکرد اطرافیان او نیز از هم یاشیده شده بودند بالاخره بمیت (کائوک) آلهانی در گردنه (گیلوان) از سرما یخ‌زده و در ۱۴ آذر تلف میشوند و قبل از رسیدن فزاق‌های سوارهای طالش سر او را بریده و برشت میفرستند - بعداً بتهران فرستاده شده در محل اطفا بیه فعلی مدنی مدفون بود اخیراً بوسیله احرار رشت بسلیمانداراب گیلان منتقل و در آنجا مدفون میگردد و مورد احترام اهالی گیلان قرار میگیرد - پس از پایان کار جنگل قسنت‌های مهم قوای گیلان بر سر کز احضار و از طرف اعلیحضرت فقید بطرف آذربایجان فرستاده میشوند و بجهه‌های ساوجبلاغ - اردبیل - و غیره برای فرو نشانیدن طغیان اسمعیل آقا سمیت و اعزام میگردد در نتیجه رشادتی که نفرات و افسران فوج پولادین در جنگ‌های تنکابن از خود بروز داده بودند بنام فوج پهلوی نامیده گردیدند (۱)

(۱) تاریخ فوت میرزا کوچک خان روز دوم ربیع الثانی ۱۳۴۰ برابر با زدهم دلو ۱۳۰۰ خورشیدی میباشد .

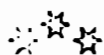
مرحوم میرزا کوچک خان جنگلی از افراد وطن پرست و صالح و باتهور گیلان بود در بین گیلانیان نام نیک و بزرگی از خود بیادگار گذاشته است که هیچگاه فراموش نمیشود قیام او نیز بر اثر عشق و علاقه مفرط با استقلال ایران و برای جلوگیری از نفوذ روسها و سایر طاغیان و یاغیان نقاط شمالی بود و فی الحقیقه اثرات نیکوئی نیز بخشید برای چون ایران میرفت که بدست اعلیحضرت فقید سعید استقلال حقیقی و واقعی خود را بدست آورده و از ملوک الطوائفی برای ابد دور بماند جز اینکه بایستی میرزا کوچک خان تسلیم شده و با از بین بردن چاره و راه دیگری در میان نبود و چون اطرافیان میرزا اغلب اوقات از کثرت جهالت باو در مشاوره خیانت میکردند پایان کار او بنابودی کشید.

مرحوم میرزا کوچک خان جنگلی نسبت به پدر اینجانب (مؤلف این تاریخ) مرحوم (ترجمان الملک قدیمی) میرزا داودخان رضوانی یاس احترام فوق العاده داشت و در اوایل کار در جمیع امور باوی مشاوره های طولانی مینمود ولی در اواخر بر اثر مسافرت ها دوری واقع شد و دیگر یکدیگر را نمیدیدند.

اخیراً عده ای از گیلانیان آزادیخواه در صدد برآمده اند تاریخ نهضت جنگل را مفصلاً برشته تحریر در آورند امید داریم در این کار توفیق یابند.

تخلیه رشت از قوای روس

در تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۰۰ دو فوج از قشون روسیه در شهر رشت اقامت داشتند فوج اول موسوم به ۲۴۴ بالغ بر هشتصد نفر بودند و فوج دوم موسوم (بیادگار ۲۶) بود که بیادگار ۲۶ نفر مقتولین در تاریخ مظفریت سردار دنیکنین نامیده میشد بر اثر اقدامات دولت در چهار ساعت بعد از ظهر چهارم ژوئیه ۱۹۲۱ بکلی شهر رشت از قوای روسیه تخلیه و پس از نطق کیکانو کماندان عمومی در سبزه میدان رشت که عنبرخواهی کرده و میگفت ممکن است بار دوم نیز بکمک شما بیائیم در حضور خالو قربان و عده ای از سواران وی بسوی بندر پهلوی حرکت کردند.



در حکومت مرحوم میرزا کوچک خان وضعیت اداری بسیار خوب بود و

مأمورین او با مردم حسن سلوک فوق العاده داشتند حکومت وی از پل کسما شروع میشد و بر تمام جنگل تا نزدیکی رود بار امتداد مییافت و در حدود ۵ هزار سوار داشت با قوای ژنرال دنسترویل انگلیسی و ژنرال چی چراخوف و بارانوف روسی مکرر جنگیده و مانع از دستبرد و چپاول و انارشی آنها بود.

خالو قربان حدود حکمرانی او عبارت بود از شهر رشت - امامزاده هاشم تا پل کسما و از آنطرف تا زنجیر (بندر پهلوی) که آنموقع بندر انزلی نامیده میشد امتداد مییافت عده قوای خالو قربان در حدود هشتصد نفر بود و دو ارابه توپ صحرائیکه روسها باو داده بودند با شش مسلسل دستی نیز دارا بود.

احسان الله خان - عده قوایش بالغ بر ۳ هزار بود ولی توپخانه نداشت حدود حکومت وی شامل لاهیجان و لنگرود - رودسر - بود و خودش لامکان بود بعضی عقیده داشتند در بادکوبه یا مسکو میباشد سپس در اطراف این حکومتهاى خودسر از یکطرف حکومت خودسرمازندران که شرح آنرا دادیم و از سوی دیگر حکومتهاى خودسر آنذربایجان و گردنکشان و یاغیان و نیروهای سمیتقو قرار داشت که شرح آنرا خواهیم داد همینطور در تمام نقاط ایران وضع بدین منوال بود که منجمله آن قوای تجزیه طلب خوزستان خزعل بود که وقایع آن در این تاریخ ضبط است.

اوضاع مالی این حکومتها با دریافت مالیات منطقه حکمرانی خود تأمین میکردند و بعلاوه از مال التجاره هائیکه از تهران و قزوین و گیلان حمل میشد هر يك از ۳ حکومت فوق در منطقه نفوذ خود عشریه اجباری میکردند! ...
آتش تمام این ملوک الطوایفی های مختلف و فؤدالیت که در هر گوشه کشور خودسری فرمان مداری میکرد بهمت والای اعلیحضرت فقید فرو نشانیده شد و فتح و پیروزی از ابتدای تأسیس نصیب ارتش ظفر نمون شاهنشاهی ایران در همه جا گردید این است نقطه های حساس که روشن میشود و خدماتی که بملت ایران بوسیله ارتش آزادی بخش و بانی استقلال کشور بعمل میآید.



فصل یازدهم

پیروزمندی درخشان ارتش

در فرونشاندن غائله اکراد آذربایجان

بطوریکه در فصل کودتا شرح دادیم سر تپ حبیب‌الله خان با سمت فرماندهی کل قوای آذربایجان با نیروی کافی بسمت تبریز برای قلع و قمع اکراد عازم گردید. کردها در اثر تحریکات بیگانگان در نظر داشتند آذربایجان را مستقل کرده و حکومت خود مختار کردی را در آن‌امان تشکیل دهند نیدمار امان‌الله میرزا جهانبانی که در آن موقع ریاست ستاد ارتش را دارا بود نیز بسوی آذربایجان حرکت کرد.

اسمعیل آقای سمیتقو با بی‌رحمی و قساوت فوق‌العاده قلعه مستحکم چهریق را مرکز عملیات و مسکن خود قرار داده با سواران شقاوت‌پیشه خود تمام شهرهای آذربایجان را لگد کوب سم ستوران خود کرده بود در تمام نقاط آذربایجان ناامنی و اغتشاش و شورش حکمفرما و این قطعه زرخیز ایران که سر ایران را تشکیل میدهد بتدریج میرفت که بدامان اسمعیل سمیتقو جنایتکار معروف افتاده و با تحریک اجنبیان مجزی از حکومت ایران گردد.

امیر لشکر اسمعیل امیرفغلی که فرمانده لشکر شمال غرب بود از یکطرف و خالو قربان با چهار هزار نفر چریکهای خود و مختصری نظامی - از سوی دیگر سرهنگ روح‌الله میرزای جهانبانی (سراشکر کیکاوسی) رئیس ستاد این قوا - مدتها در صدد اشغال استحکامات چهریق برآمدند ولی بر اثر وقایعی که منجر بعقب‌نشینی قوای لندبرک و لاسن و نایب سرهنگ یولادین گردیده بود عملیات بارزی انجام نیبگردید.

ضمناً لاهوتی که از افسران سابق ژاندارمری بود که دو باره استخدام گردید موقع را غنیمت دانسته ژاندارمه‌ها را اغوا و نایب سرهنگ یولادین را زندانی میکند و خود بر علیه دولت قیام کرده علم طلبان برافراشته شهرستان تبریز را دچار اغتشاش گردانید.

سرتیپ حبیب‌الله شیانی پس از بازدید فوای تبریز جهت سرکشی به چریک‌های خالوقربان باوجبلایح حرکت نمود و ورود او مصادف باورود لاهوتی به تبریز و ترمرد فوج نمره ۱۴ لاهوتی بود سرتیپ شیانی فوراً دوساعت از نصف شب گذشته با کلبه فوای فزاق و فوای چریک سریمآ بطرف (میاندواب) آمده و در آنجا فوای پیاده و توپخانه را بریاست ظفرالدوله فرمانده فوای چریک واگذار کرده و خود باعده سوار بایک حرکت نظامی خیلی سریمی بجانب تبریز رهپار گردید و به سرتیپ ظفرالدوله دستور داده بود که فوای پیاده و توپخانه فوراً در عقب او حرکت نمایند .

لاهوتی با فوای ژاندارم و مجاهدین تبریز را متصرف و کلبه ادارات دولتی را اشغال نموده و والی ایالت نیز در ژاندارمری زندانی میشود .

سرتیپ حبیب‌الله خان بعمارت قزاقخانه وارد درضمن عمارت قزاقخانه را نیز متصرفین محاصره مینمایند و چون نصیحت قبلی در لاهوتی مؤثر واقع نمیشود عملیات نظامی آغاز و از صبح ۱۹ بهمن ۱۳۰۰ جنگ شروع گردید متصرفین تا ظهر حملات سختی مینمودند اما از بعد از ظهر عقب‌نشینی آغاز کردند در این هنگام فوای پیاده نیز بکمک فوای دولت رسیدند و تا ساعت ۸ عصر کلبه شهر تبریز بتصرف فوای دولت درآمد - لاهوتی با چند نفر از اشرار ملحق بسوی روسیه فرار کردند و بقراریکه تاریخ مختصر احزاب سیاسی مینویسد (او بغاک آذربایجان ففقا ز رفت ومدنی باهمان حال بود ولی بالاخره اسلحه را تحویل داد و در شمار رفقای که ونیست داخل شد و اکنون در تاجیکستان خدمت میکند .)

سرعت عمل و اداره عملیات سرتیپ شیانی تبریز را از اغتشاش و یغماگری نجات داد و عملیات مزبور مورد توجه واقع گردید سرتیپ شیانی رسماً بسمت فرماندهی نیروی آذربایجان مشغول ندارک و تهیه قوا بر علیه سمیتگو گردید و سر لشکر امیر فضلی بهران فراخوانده شد .

در این اثناء سید طه پسر شیخ عبدالله از همکاران سمیتگو شبانه با ۸۰۰ نفر سوار بتصدیقار بطرف اردوی خالوقربان مینمایند خالوقربان که از اکراد بی‌اندازه رشید و ازیاران مهم و عمده میرزا کوچک خان بود هنگام رفتن سردار سیه بگیلان تسلیم شد و بعداً باعده اش مأمور زنجان و تبریز گردید در این نبرد پیش پای سرهنگ روح‌الله میرزا کبکوسی رئیس ستادش تیری بقلبش خورده و نقش زمین میگردد و چریکهایش متفرق میگرددند .

سرهنگ کبکوسی و بهادرالسلطنه برادرزن فرمانفرما و سرهنگ شهاب (سرتیپ شهاب فقید که در زمان فرماندهی دانشکده افسری مقتول گردید) بهیچوجه موفق به جمع‌آوری نیروی چریک نشدند و در نتیجه شکست نیروی خالوقربان اطمینان همه را از ختم‌غائله سمیتگو سلب نمود اغلب حضرت فقید که باتوجهات دقیقانه وضعیت را بررسی میفرمود رئیس ستاد خود سرتیپ امان‌الله میرزا جهانبانی را باسنت فرماندهی کل نیروی آذربایجان مأمور ختم‌غائله سمیتگو نموده و سرتیپ شیانی را بهران احضار فرمودند .

از عهدی عتیق اشرار کرد مانند « شیخ عبیدالله » و « حمزه آقای شکائی » و « شیخ طه » و سایر افراد قبیله مانند اسمعیل آقاسمیتقی سر طغیان برداشته و خیالاتی خام در سر می یغتنند فتح ارتش شاهنشاهی در آذربایجان و ختم غائله سمیتگو یکی از کارهای بسیار درخشان اعلیحضرت فقید سمید بود که بهیچ روی امید انجام و پایان آن نمیرفت - سرتیپ جهانبانی

بامهارت و ممارست نظامی فوق‌العاده شروع بعمل نمود قلعه بسیار مستحکم چهریق که در مغرب سلماس (شاهپور) واقع است بامر ز کشور ترکیه بیش از چند فرسنگ فاصله ندارد دارای وضع مهمی است که باسانی ممکن نیست از دشمن گرفته شود در اطراف قلعه چهریق شهری بوده است از بناهای ساسانی موسوم به شهرک که بعدها چهرک و کم کم چهریق شده است یکی از مورخین قدیم آنرا چهره و منسوب به یکی از شاهان ایران دانسته است.

در حوالی وجوار قلعه قدیم چهریق که جای مرتفعی ساخته شده و مشرف بر کلبه تپه‌ها و قتل اطراف میباشد ورودخانه زولاچای نیز از دامنه آن میگردد سبکو قلاع و قصور مستحکم برای خود ساخته و بخیال استقلال و سلطنت روزگاری خوش میگفرا نید و نیز قصری زیبا از سنگ سماق و مرمر سیاه و سفید با باقی دلگشا که اطراف آنرا فرا گرفته بود برای خود ساخته بود و آرزوی روزگار سلطنت با اقتدار بر کردستان متقلرا دردل میرورانید.

سرتیب جهانبانی پس از مطالعه اوضاع، نقشه عملیات جنگی خود را طرح میکرد.

فخستین جنگ مهم نظامی آذربایجان.

تعداد قوای اکراد - بطور کلی از تعداد قوای اسمعیل آقا سبتکو اطلاعات کافی در دست نیست ولی میتوان عظمت نیروی او را از همین جا قیاس نمود که تمام شهرستانهای بزرگ سلماس - رضایه - تمام سواحل غربی دریاچه رضایه و کلبه کوهستانهای مرتفع آن استان در اختیار قوای عظیم اسمعیل آقا سبتکو بود.

جمع کثیری از سربازان فراری عثمانی که از سلاحهای مختلفه اطلاع داشته و با انواع سلاحهای خود ملحق باین قوا شده بودند همچنین اکراد که بایک تفنگ همیشه قوای دولتی را از پای در میآوردند اکنون با چندین عراده توپ و چندین مسلسل سبک و سنگین و اسلحه هائی که از غارت قوای دولتی بدست آورده بودند مجهز بودند و آشنائی کامل هم بوضع محل داشته و خوب میجنگیدند قوای دشمن را تشکیل میدادند و دارای روحیه بسیار قوی بودند.

تعداد قوای دولتی - از هشت هزار بیاده و یک هزار سوار و پنج هزار چریک و هزار نفر جنگجویان غیر نظامی مجموعاً تقریباً ۱۵ هزار نفر بودند.

بدواً کشتی‌های دریاچه رضایه بر حسب دستور تیمار جهانبانی مجهز و تحت‌السلاح درآمدند و عملیات بر علیه سبتکو شروع گردید از ۴ مرداد ۱۳۰۱ در نتیجه حملات شجاعانه ارتش کلیانخانه و سپس سلماس و دیلمقان یکی بمداز دیگری بطوری که خواهیم دید از دست اکراد خارج و بتصرف ارتش درآمد.

بتمام قوای مختلط دولتی بندرسنگ کاظم دستور داده شد از جاده‌های کوهستانی ناحیه ارسباران بسمت قلعه چهریق عزیمت نمایند سپس بکلبه قوایی که با اقدامات سریع دربندر شرفخانه متمرکز گردیده بودند دستور داده شد از شمال دریاچه ارومیه (رضایه) بطرف قلعه چهریق حمله نمایند و آنجا را که قلب نیروی اکراد بود تسخیر نمایند.

بدین ترتیب قلعه چهریق بوسیله دو ستون نیروی دولتی محاصره گشت و امید میرفت که در کمترین وقتی سقوط نماید.

حکم عملیات جنگی.

الف - ستون گارد (هنگ بیاده پهلوی - هنگ بیاده رضایور - یک اسواران اکتشاف -

یک آتشبار - چهار ارا به کوهستانی) تحت فرماندهی سرتیپ فضل‌الله خان زاهدی (بمیردیوان) بایستی از روی ارتفاعات قزل‌داغ و میشوداغ بسمت قلعه جهریق پیشروی نمایند .
 ب - ستون شمال غرب (هنگک ییاده لشکر آذربایجان - یک اسواران اکتشاف یک آتشبار چهار ارا به روسی کوهستانی) تحت فرماندهی سرتیپ حسین مقدم (سرلشکر مقدم فلسی) بایستی از روی ارتفاعات شکر یازی بطرف قلعه جهریق یا چهرک عزیمت نماید .
 ج - جنگجویان غیر نظامی که تحت سرپرستی افسران آرامنه تشکیل شده بود وظیفه داشتند در جدار مسطح شمالی بین دریاچه ارومیه پیشرفت نموده خود را به قلعه مستحکم جهریق برسانند .
 د - عملیات ستون مترکز در بندر سنگک کاظم تحت فرماندهی سر هنگ ابوالحسن یورزند (مرحوم سرلشکر یورزند) بایستی با عملیات نیرو در بندر شرفخانه کاملاً هم‌آهنگ بوده و هر دو در یک روز انجام پذیرد .

پس از شروع حکم عملیاتی مزبور از طرف تیمار جهانیانی و ارسال آن برای کلبه فرماندهان فستها در روز عاشورای سال ۱۳۴۱ عملیات کلی با نهایت سرعت و شدت برضد اکراد شروع گردید - در بمبوحه کارزار به تیمار جهانیانی فرمانده کل خبر رسید که سنگینی جنگ متوجه ستون گارد که بایستی در روی ارتفاعات قزل‌داغ و بزداغ پیشرفت نمایند گردیده است و هنگهای ییاده ستون مزبور در ارتفاعات قزل‌داغ با اکراد تلافی و اکراد که با سرسختی و رشادت فوق العاده می‌جنگند موفق با ایجاد شکافهای تقریباً عمیقی بین قسمت‌های ییاده شده و در حال پیشرفت میباشند ضمناً اطلاع رسید که آتش شدید مسلسل‌های توپخانه خصم جناحین دو ستون گارد و شمال غرب را تهدید نموده و بیم آنست که ارتباط ستونهای مزبور قطع و جدا جدا در روی ارتفاعات قزل‌داغ . محاصره و نابود شوند .

تیمار جهانیانی فوراً پس از کسب این اطلاعات بتون سوار که در احتیاط فرماندهی بود دستور داد فوراً بین دو قسمت ییاده با حرکت سریع پیشروی نموده و تا آنجا که ممکن است اکرادی را که مبان خطوط قوای دولتی نفوذ یافته‌اند بمقب برانند ضمناً باران گلوله‌های توپخانه نیرو و آتش مسلسل بیاری را بروی اکراد متوجه و دستور داد مواضع آنان را با نهایت شدت درهم کوبند .

یک شبانه روز ۲۴ ساعت نبرد بسیار سختی در گرفت و اکراد با ازجان گذشتگی و رشادت زاید الوصفی بمکوشیدند که مواضع خود را حفظ نموده و شکافها که در بین خطوط قوای دولتی ایجاد نموده اند حتی المقدور در دست نگهدارند ولی سرانجام قدرت آتش و شدت حمله سواره نظام که در موقع بسیار مناسبی شروع گردیده بود آنانرا پس از یک نبرد خونین و مدتها شکست داده و مجبور نمود که بطرف شهر سلساس و قلعه جهریق عقب نشینی کنند در روز بعد شهرستان سلساس نیز به علت سرعت حرکت نیروی اعزامی پس از مختصر زدو خوردی سقوط نمود و اکراد ناچار بقلعه جهریق یعنی آخرین پناهگاه خود رو آوردند در این موقع بکلبه نیرو امر داده شد بمنظور استفاده از موفقیت بدون کوچکترین سستی بقلعه جهریق حمله ور گردند .

نیروی ارتش پس از هشت فرسنگ راه ییمانی مهجول در جاده‌های کوهستانی جنگ کنان

خود را با طرف قلعه جهریق رسانیده و آنجا را محاصره نمودند اگراد که از سرعت عملیات نیروی دولتی فافلگیر شده بودند در جهریق نیز مقاومتی ننکرده و پس از نبرد کوتاهی منکوب و متواری گردیدند .

سبتگو و نزدیکانش با عده کثیری سوار بترکه فرار و بلافاصله از طرف تبسارجهانبانی برزداران کشور مزبور پیشنهاد گردید که یاغی معروف ایران را گرفته و تعویب ارتش شاهنشاهی دهند اما چون ترکه‌ها شنیده بودند که همراه قوای شکست خورده اسمعیل آقا سبتگو تعدادی فاطره‌های بار شده از لیره یافت میگردد برای تصرف لیره‌های مزبور شبانه باو ناخته و گروهی از همراهانش منجمله خانم و پسرش را مقتول و بنه سبتگورا قارت کردند ولی خود سبتگو موفق بفرار گردید و چون چاره‌ای نداشت وسخت دچار اضطراب خاطر گردیده بود بوسیله مکرم‌السلطان ده هزار لیره ترك فرستاد و از سرتیب امان‌الله جهانبانی تقاضای تامین کرد سرتیب جهانبانی در جواب پیغام داد که جز تسلیم چاره نداشته و هیچگونه تامینی باو داده نخواهد شد .

با این فتوحات ارتش در آذربایجان و فتح قلعه مستحکم جهریق بافتشاش و گردنکشی اگراد یاغی و طاعنی آن سامان خاتمه داده میشود و ناامنی بزرگی که در آن سامان وجود داشت بدست نیروی ارتش پایان یافته و آذربایجان مستعد اصلاحات میگردد = چند نفر از نزدیکان اسمعیل آقا منجمله عمر آقا و غیره بکلی اسمعیل سبتگو متواری گردیده و پس از چندی باز مجدداً بخاک ایران بر میگردد و از نو یاغی‌گیری را شروع مینماید ولی در این دفعه بکلی قلع ماده گردیده و در سال ۱۴۰۷ کشته میشود و ریشه فساد قطع میگردد ۱ (توضیح اینکه یکدفعه دیگر نیز قبل از این وقایع اخیر با ۷۰۰ نفر سوار و پیاده ناگهان وارد ایران میشود ولی باز شکست خورده مجدداً بترکه می‌رود)

در روز ۲۰ مرداد ۱۴۰۱ که قلعه جهریق گشوده شد و سبتگو بخاک ترکه فرار کرد تلگراف زیر از طرف سرتیب امان‌الله میرزا جهانبانی بوزیر جنگک مخابره گردید = از جهریق نمره ۶۴۱ مقام منبع بندگان حضرت اشرف وزیر جنگک و فرمانده کل فشون دامت عظمت ، تعقیب راپرت نمره ۱۷۱ بعرض حضور مبارک میرساند ، قوای ما در تعاقب دشمن امروز یستم برج اسد ساعت ۱۱ صبح قلعه جهریق را متصرف توپ و مسلسل‌هایی که در اینصمت از قوای دولتی بدست آورده بود مسترد دشمن منکوباً فراری و متواری گردید قوای ما در تعقیب دشمن سریعاً پیش می‌روند فرمانده قوای آذربایجان - سرتیب امان‌الله

این پیروزی درخشان بطوری در تمام نقاط ایران منعکس گردید که صیت شهرت آن همه جا رسید و از هر طرف سیل تلگرافات تبریک متعددی بنام قائد و بانی بزرگ استقلال و ارتش ایران مخابره میگردد تمام بزرگان شهرستانها این فتح عظیم را باعلیحضرت فقید سعید باقلما و جلات رسا و صمیمانه‌ای تبریک گفتند و در

تمام نقاط ایران چراغانی و جشن و سرور برپا گردید همه جا نمثال سردار سپه وزیر جنگ را به گل و ریاحین آراسته و با چراغهای الوان زیب خیابانها کردند امراء لشکر و سربازان ارتش شاهنشاهی نیز در تمام نقاط جشن و سرور و شادمانی نمودند و از طرف ریاست مجلس شورای ملی ایران مرحوم مؤمن الملك نامه تهنیت و تبریکی خطاب به سردار سپه ارسال میگردد که در تاریخ پارلمانی اهمیت شایان توجهی دارا میباشد .

در تهران نیز روز ۲۸ مرداد ۱۳۰۱ طبقات مختلف ملت جشن بسیار مجللی در میدان مشق (باغ ملی) بافتخار فتوحات نظامیان در آذربایجان برپا نموده و در آن جشن تمام افسران ارتش و رجال و بزرگان را دعوت نمودند و جمعی کثیر نیز بمنزل سردار فاتح و بزرگ ایران اعلی حضرت فقید سعید شتافته او را روی سر و دست بمیدان آوردند .

همینکه آن سردار رشید و فرزند برومند مام میهن پای بمیدان نهاد فی البدیهه زبان بر گشوده خطاب بملت و افرانیکه مانند امواج خروشان سراسر میدان را مزین کرده بودند نموده با بیانی بس پر هیجان و فصیح که بلاغت آن مدتها در تهران زبان زد خاص و عام بود چنین فرمود .

صاحب منصبان و فرزندان رشید من !

بی بیراه از من بشنوید و در ضمیر خود بیارید که ظهور این شب جشن و ترانه هائی که از اثر این محفل انس در آسمان ایران طنین انداز است يك فصل جدیدی است که در دیباچه افتخارات شما دارد شروع میشود .

من در مقابل لطف کردگار و قدرت خداوند توانا زانو زده و در همان حینی که ذرات وجودم عظمت تاریخ وطن و افتخارات ابدی شما را استقبال میکند در همان حال یکقدم فراتر گذاشته انمقاد این مجلس جشن را بفرد فرد شماها تبریک میگویم .

انمقاد این جشن مقدس باآحاد و افراد صاحب منصبان رشید و نفرات دلیر خود که در لشکرهای ایالات و ولایات مشغول جانبازی هستند مخصوصاً بآن سلعشوران با تمصبی که درزواپا و اطراف آذربایجان پرده دشمن را ازهم دریده و بیرق مقدس وطن را برزبر اجساد خاتنین مملکت افراخته اند تهنیت میگویم .

فرزندان من . قبه بارگاه سیروس و کنگره های عظمت و کبریائی وطن نور و فروغ خود را در کنگره شما تجدید نمود بای بگوید و از دل و جان نعره نشاط و شادی بر آید که جانبازیهای

شما در راه وطن افتخار آیندگان شما است بکوشید که گذشتگان وطن را بابر از لیاقت و اهلیت خود دلشاد و آیندگان وطن را بظهور تجلیات خود سربلند و مفتخر سازید .

من جمال مقدس وطن را باقامتگاه شهادت و شجاعت شماها مراجعه و تجلی داده از خلال همین انوار مقدس است که شما را بقربا نگاه افتخار و سعادت دعوت کرده و فتوحات دلیرانه شما را بفرد فرد شما تبریک میگویم .

آری برای من جای بسی خوشوقتی است که با اطمینان خاطر و قلب مملو از امید بذکر تبریکات مفتخرانه خود مبادرت مبورزم زیرا می بینم که تهیجات وطن پرستی پیشانی شما را روشن و باتمام معنی در سیای شما عرض وجود کرده است .

من در پایان همین تبریک و در ضمن آنکه از خدمات شما قدرشناسی میکنم خود داری از این اظهار ندارم که لشکرهای ما در تمام ولایات صمیمی ترین درجات فداکاری و لیاقت خود را بمرض افکار عمومی گذارده و در پیشگاه با عظمت و جلال وطن موجبات سرافرازی و افتخار خود را فراهم ساخته اند من رضایت خاطر خود را نسبت بخدمات تمام آنها اظهار و فداکاریهای آنها را در راه وطن در حراست و نگاهبانی مملکت تمجید میگویم من بآن صاحبمنصبان رشید و افراد فداکاری که چهره های ملالت خیز برادران آذربایجانی خود را به تبسم های امید و نشاط تبدیل کرده و باتمام علائم مردی و مردانگی صفوف سنگین دشمن را از هم دریده و سلاسل اقتدار آنها را درهم شکسته اند تعجب میفرستم . من بآن دستجات شجاعی که از آتش توپ و اسلحه مکمل دشمن نهراسیده تارو بود آنها را از هم گسته و قلعه های متعکم ولانه و آشیانه آنها را با خاک یکسان کرده اند تهنیت میگویم و بالاخره بآن دست و بازوهائی که میتوانند در وطن خود و بنام استقلال و عظمت مملکت خود انعقاد جلسات جشن و شادمانی را آئین سازند از صمیم قلب تبریک و تمجید میگویم .

صاحب منصبان و فرزندان رشید من !

اکنون با آنکه تمام رفتار و اقدام و اعمال شما در مرکز و ولایات حاکی از احساسات وطن پرستانه شما است و پیدایش این جشن کنونی نیز بر اثر جانبازیهای شما متکی است ممهذای و جاهد بوده از من بشنوید و بلم یقین بدانید که افتخار شما فقط و فقط در وطن پرستی شماست زیرا آن ملتی که برخلاف جهات وطن پرستی طی طریق نمایند نه تنها از مراحل سعادت و افتخار ابدی محروم بلکه در دنیای حیات و زندگی حق زندگی و حیات را از او مملوب خواهند نمود و در عالم استقلال و انسانیت هم او را بایستی و دون همتی و عدم رشد و لیاقت ذکر خواهند کرد .

بعزم خود جازم و بمقیده خود راسخ بمانید که حس وطن پرستی بر طبق تشکیلات امروزه عالم طبیعی اولاد بشر است و محرومین از این احساس محرومین عالم حیات شمرده خواهند شد اینک در مراحل قطعی نشو و ارتقاء تازمانی افتخارات و سعادت و نیکنامی شما باقی است که از همین شاهراه مستقیم وارد شوید و اگر بفسلفه تاریخ ملل و دول عالم مراجعه کنید قطعاً خواهید دید که بقاء هر ملتی منوط به بقاء اخلاق آنها و اخلاق هیچ ملتی نیز ثبات و دوام نخواهد گرفت

تا زمانی که مشغول بمقامات وطن پرستی نباشد پس از این جا و از همین مراحل است که من بحکم تاریخ و فلسفه تاریخ با تمام قلب شما را دعوت بوطن پرستی مینمایم و بطور قطع و یقین گوشزد میکنم که زندگانی جاویدانه شما باتوسل بدامان وطن پرستی توأم و این لباس زیننده و باهر فبستی که هست باید باندام رسای خود استوار و برقرار سازید .

من خدای متعال و قادر ذوالجلال را شاهد گرفته و بمضی از شما ها را نیز که اختصاراً بمقاید درونی من واقف بوده اند بشهادت می طلبم که من از روز اول و در پایان سالیان دراز بهمین عقاید وطن پرستانه معتقد و متکی بوده کمتر شب و روزی بر من میگذشت که زهر تلخ نفوذ خارجیان از یکطرف و بی بافی زمامداران امور از طرف دیگر قلب من و قلب هر صاحب دلی را مجروح و مکدر سازد و بالاخره از همین جراحت و یاد عظمت از دست رفته و جلوگیری از ایران کشی خارجیان بود که رازهای نهفته خود را آشکار و بتأییدات الهی و عزم راسخ خود تکیه داده مکنونات قلبی را علنی و اظهار کردم و برای تعقیب همین عقیده مقدس بود که امتزازات لوای شیر و خورشید را نصب العین خود فرار داده قوای نظامی را در دست گرفتم و از هیچ اندیشه ای نهراسیدم .

من تمام مشکلات و سدهای سدی که در جلو من بانواع و اقسام کشیده میشد درهم شکست خدای ایران را درهمه جا ناظر و بمقاید قلبیه خود تکیه دادم فقط باین نیت که اقتدارات از دست داده را بکف آرم و حق حیات ایران را در جامعه بشریت تثبیت نمایم .

اینک روح حقیقی کائنات را شاکر و سیاستگذارم که باصول عقاید مقدسه خود نائل گشته و بیشتر الطاف قلبیه را شاکرم که در نیت و احساسات چندین ساله خود بقدر خردلی رخنه های تغییر و تبدیل را راه نداده برهزم خود راسخ و هیچ رادع و مانعی نتوانست مرا از انجام مقاصد عاری از آلابیش خود منحرف سازد .

جمال وطن در هر آن و هر دقیقه جلو چشم من مجسم و مرتسم و افتخارات آن سرلوحه سعادت ماست آری من در عزم و نیت خود ثابت و هیچ عایقی قادر نتواند بود که مرا از حب وطن و استقلال مملکت مانع گردد زیرا ایران خانه ماست و بایران عزیز خود دعوی علاقه مندی مینمائیم ما وطن خود را دوست میداریم و به این عقیده مفتخریم ما در همان حین که بادنا در دوستی و صدق و صفارا گوئیده و میل داریم خود را ملت صلح جو و صلح طلب معرفی کنیم در همان حال بهیچ دست نامحرمی هر که باشد اجازه نخواهیم داد که نوامیس ملی و مملکتی ما را به هیچ شمرده و تجاوزات بمصالح اجتماعی ما را وسیله استفاده های نامشروع خود فرار دهند ما همان اندازه که درهای مملکت خود را برای قبول آثار تمدن و مدنیت باز گذارده ایم بهمان اندازه سوء استعمالهایی که از این کلمه مقدس در نظر هر کسی متصور باشد منفور میشماریم و جلوگیری از آثار مششوم آنرا مقدس ترین وظیفه ملیت و ایرانیت خود میدانیم .

چون در خط مشی و طریق روش من از سنوات قبل باینطرف ابدأ تغییری حاصل نگشته و در هر حال و هر مقام مرا ما منحصر بفرد و حفظ حیات و استقلال وطن یگانه فائده ماست اینک همانطور که در راه استقلال وطن شمشیر کشیده بر آن شدیم که افتخارات از دست رفته خود را بچنگ آوریم امروز هم باید به پای خود بایستیم و بشمشیر توانای خود تکیه کنیم .

صاحب منصبان من باید وطن خود را مقدس شمرده از نفوذ اجانب و طریق سوء استعمال آن با هر لباس هست جلو گیری نمائیم این وظیفه سربازی ماست این مرامی است که حقیقت سپاهی گری در جبین مامقوش ساخته است ما باید حفظ اساس قانون و احترام قوانین اساسی وطن را سرسلسله مکنونات قلبی خود قرار داده اجرای تمام مواد آنرا از دل و جان تصدیق و تقدیس کنیم ما باید اساس مقدس مشروطیت و حریت و آزادی ملی را مقدس ترین دیباچه مرام و درخشنده ترین دفتر آرزو و آمال خود بدانیم در مقابل شورای حقیقی ملت پیوسته با نظر احترام نگریسته اجرائیات احکام حقیقی ملت را بچشم تقدیس و تکریم تلقی نمائیم و از حالا مستعد آن باشیم که خدمات مهمتری را از خود آشکار ساخته و مفاد آن را نیاز راه ملت و وطن مقدس و برادران اسلامی خود نمائیم

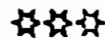
بالاخره صاحب منصبان رشید من آن عواطف و احساس و آن ملکات فاضله‌ای که از چندین سال باینطرف در ضمیر مامنور بود و شما را بنمقیب دستور و مقررات من وادار کرد کماکان بعال خود باقی و ابداً تغییر لاون و صورتی بخود نداده و نخواهد داد ما از عواطف و احساسات وطن پرستانه خود سوء استفاده نکرده و اقتدارات نظامی خود را وسیله منفعت طلبی و استفاده‌های شخصی قرار ندادیم ما با تمام قیافه و معنی خدمت سربازی را خدمت بمملکت و وطن تشبیس داده امیدواریم که ایران خود را در مرصه پهنای مدینت و استقلال یک ایران مصفا و مستقی مرفی نمائیم اشعه یرجم شیر و خورشید نورچشم ماست و لوای مقدس ملی ما پیش آهنگ نجات ماست این احساسات مقدس و این عقاید بی آرایش همان قسم که دیروز سرنوشت ما را معین و بدست ما سیرد و ما هم خوشبختانه همان راهی را که حقیقت وطن پرستی برای ما مقرر کرده بود تعقیب نمودیم امروز هم ما را مجبور میسازد که اساس مقدس مشروطیت و مواد قانون اساسی و جلو گیری از نفوذ خارجیان را نقش ضمیر خود ساخته از دل و جان بکوشیم و حفظ این آثار را ثبت دفاتر ابدی خود نمائیم

اینک بشنوید و بهوش باشید که آسمان ایران اقدامات یکساله شمارا تا به ابد منعکس خواهد داشت اینک چشم دختران ارومیه و سلساس که ناله حسرت خیز گیلان و گیلانیان ضحهای جاننزای خراسان و مازندران ضجه‌های دلغراش خطه غرب و کردستان و لرستان و عراق و همدان آه‌های سوزناک کشور جنوب و شمال و شرق و غرب پیش آهنگ افتخارات شما است

دیروز اگر این ناله‌های حسرت خیز چشم شما را گریان و قلوب باشهامت شما را مجروح میساخت امروز بر اثر تبسم‌های جانبخش و نغمات دلغریب آنها آغاز جشن و شادکامی و اظهار انبساط و سرور نمائید و هوشیار باشید که خدای ایران و رب النوع عظمت و استقلال ایران باشهامت پیش بروید و مطمئن باشید آن دستهای خائن که در اثر اقدامات خائنه خود بر ضد شما بلند میشود منتطح و مقطوع خواهد شد آثار شهامت و رشادت شما در همه جا باقی است و دنبای افتخار و سعادت باستقبال شما قدم برداشته است پیش بروید

آفتاب عظمت کشور باستان طلوع خود را بشما مژده و نوید میدهد جای تردید و تفکر نیست روح شهادهای شما و نظامبان عزیزم که در میدانهای جنگ بخون غلطنده اند افتخارات

اعتاب شما را منتظرند من از بعبوحه همین مجلس جشن بارواح شهید و خونهای پاک و شجاعت فنا ناپذیر آنها سلام میفرستم آنها زنده جاویدند از شما نیز انتظار دارم که بامن همصدا شده به آن خونهای عزیز که در راه عظمت و استقلال وطن جاری شده سلام کنید عواطف قلبی من بیوسه متوجه شما است خدمات هیچیک از شماها در مرکز و ولایات از نظر من مستور نیست جبران خدمات و فداکاری و رضایت هر یک از شماها را بقدر شناسی خود و روح شهدای وطن واگذار میکنم و اقتدارات نظام را از یزدان پاک آرزو دارم .



این بود بیانات گرانها و طلائی اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی که جمله بجمله آن با کف زندهای ممتد حاضرین قطع میگردید جشن حالتی داشت که مدعوین از فرط مسرط سرازیا نمی شناختند .

پس از پایان غائله مهیب آذربایجان سرتیب امان الله میرزا جهانبانی که رئیس ستاد ارتش بود بطرف مرکز رهسپار و در ۲۲ شهریور ۱۳۰۱ مرحوم سرلشکر عبدالله طهماسبی بامارت لشکر شمال غرب و توجه بمشایر و ایلات آنجا معین گردیده عزیمت نمود .



فصل دوازدهم

ارتش نیرومند پهلوی شورشهای بزرگ دیگر را نیز فرو می نشانند

فرار چمنی و شورش مجدد - یکی از اتباع میرزا کوچک خان سید جلال چمنی بود که در تهران تحت نظر بسر میبرد در اوایل اردیبهشت ۱۳۰۱ از تهران فراری و در جنگل با عده ای از قوای سابق خود شروع بطغیان و شرارت مینماید و ۵ ماه تمام آن نقطه را دستخوش آشوب کرده بود تا بالاخره بوسله ارتش توانای ایران دستگیر و بمجازات رسیده و گیلان از شر او ایمن و آسوده گردید .

هرج و مرج و انقلاب در جنوب - اکثر نقاط جنوب ایران مدتها بود که روی نظامیان سلحشور ایرانی را بخود ندیده بودند در آن نقاط قشون اجنبی تشکیل دسهائی داده و حکمفرمائی میکردند و از طرفی ایلات و عشایر و دزدان و راهزنان و قطاع الطرق های مسلح با دسته های سوار برای مردم آنسامان شب و روز خوشی باقی نگذاشته بودند .

در ۱۹ فروردین ۱۳۰۱ عده ای از افراد دلیر ارتش برای سرکوبی - بویراحدی و باوی

و کهم و امام قلیخان که علم شورش و طغیان برافراشته بودند بطرف ممسنی اعزام میگرددند .
 برای سرکوبی اشرار کازرون نیز يك عده از نظامیان لشکر جنوب در ۱۷ خرداد ۱۲۰۱ اعزام گردید هنگام عزیمت قوا برای سرکوبی اشرار چهارراهی واقعه شلیل از طرف اشرار کوه مروارید رخ داد که منجر باعزام قوای کافی بخوزستان در ۲۷ تیر ۱۲۰۱ گردید .
 سبب نفر نظامی از راه کوه کیلویه عازم بهبهان و رامهرمز گردیدند در آنجا قربانگاهی بز آنها بوجود آمد که در تاریخ موسوم به واقعه شلیل گردید يك نفر رئیس ایل بنی خیس (خزعل) که سالهای متدای برخوزستان مسلط بود و آزادی خواهان را در عجب خود که بنام قلیبه بود در غل و زنجیر مینگارد با اشرار کوه مروارید شرکت جسته و نظامیان را قتل عام کردند .
 این قضیه که خاطره حزن آوری در روح يك افراد وطن پرست ایران بوجود آورد برای ارتش ایران بسیار گران بود .

خزعل

خزعل که رئیس طایفه کوچکی در خوزستان بود مدتها بر عشاير آنجا تسلط یافته و علناً تلگرافی متجاسرانه مبنی بر طغیان و شرارت خود نخبیره کرد و عنوان افعال خود را در لباس قانون جلوه داد و تقاضاهائی را پیشنهاد کرده بود (مانند تمام تجزیه طلبان) .
 بالاخره از طرف اعلیحضرت فقید سبب فرمان داده شد ارتش پهلوی برای قلع و فمع او اقدام نمایند قوای جنوب از طرف بنادر بوشهر و دیلم و بهبهان بطرف خزعل حرکت کردند سر تیب فضل الله خان زاهدی (تیسار سر لشکر زاهدی رئیس کل بازرسی ارتش) فرمانده جبهه گردید در نتیجه چند شبانه روز حملات در مهرماه ۱۲۰۲ منمردین منکوب گردیدند و سپس ارتش بطرف زیدون که امراب در آنجا دارای استحكامات فوق العاده بودند و روز بروز بر عده آنان افزوده میشد حرکت نمود (۹ آبان) و در جنگهای شدیدی که رخ داد منمردین بطرف هنديجان فرار نموده فنائم بسیاری نصب نظامیان گردید .

در مرکز از طرف اعلیحضرت فقید يك حکم عمومی بشرح زیر منتشر گردید
 بانصیحت هر قدر خواستم خزعل را متنبه نمایم غافل ماند لذا بکلیه قشون امر میدهم که تمام قوای مادی و معنوی خود را برای معدوم و نابود ساختن آخرین سدی که در مقابل نمو و ترقی قشون و بالنتیجه تعالی و عظمت مملکت عرض اندام نموده است حاضر و مهیا سازند .



خود نیز برای رفتن به جبهه جنگ عزیمت نموده و گفت میروم یا آخرین نغمه ملوک الطوائفی را از میل بردارم و یا در زیر خرابه های شوش مدفون شوم ضمناً فرمان داد .

- ۱ - قوای اصفهان از فلارت - بهبهان بطرف رامهرمز پیش بروند .
 - ۲ - قوای شیراز از راه خشکی و دریا - بندر دیلم - زیدون - بطرف ده ملا حرکت کنند .
 - ۳ - قوای لشکر مرکز از خرم آباد - گردنه کیاتون بجانب دز فول و شوشتر رهسپار شوند .
 - ۴ - قوای آذربایجان از کردستان - کرمانشاهان - بسمت منصور آباد برای سرکوبی والی پشت کوه حرکت نمایند .
- این لشکر کشی و سوق الجیشی مهم که نظیر آن در دوره اخیر ایران دیده نشده بود اشرار و متمر دین و سرکشان را بوحشت انداخت و از هر طرف خود را در محاصره دیدند .

از طرف دیگر نیز ابلاغیه‌های شدید و بسیار جالب توجه بنام آزادی خوزستان و نجات ایران بزبانهای فارسی و عربی بوسیله هواییهای ارتش در تمام نقاط خوزستان بین عشایر و طوایف آنجا ریخته شد که دفعتاً روجه جنگجویان بدوی عرب های خزعل را تغییر داد و مشایخ بنی طرف هو یزه قصر اورا در حیدیه آتش زدند بالنتیجه خزعل تلگراف عجز و ندامتی در موقع ورود اعلیحضرت فقید بشیراز مخبره نمود که خطای خود را تعریک مفرضین و خائنین دانسته و استعای عفو و تأمین نمود از طرف اعلیحضرت فقید دستور تسلیم او داده شد و چون تا اول آذر پاسخی نیامد شخصاً بطرف بوشهر و محرمه حرکت نمود از آنجا با کشتی به بندر دیلم و سپس به زیدون وارد گردید و چون خزعل وحشت زده دوباره تلگرافی مخبره نمود باو امر شد که به جبهه مقدم بیاید و حضوراً تأمین بخواهد .

اعلیحضرت فقید در این هنگام به مرکز ارتش اعزامی در لنکیر رسیدند خزعل یکی از یسران خود را بحضور فرستاد و تقاضای تأمین نمود در ۱۱ آذر ماه ۱۳۰۴ اعلیحضرت فقید به ده ملا مرکز قوای خزعل وارد شد خزعل خود و پسرش باستقبال شتافتند و با این بیت خیام طلب عفو و بخشش نمود .

من بد کنم و تو بد مکافات دهی پس فرق میان من و تو چیست بگو؟

ارتش بطرف رامهرمز و ناصری دوشهر مهم خوزستان پیش میرفتند .

قوای شمال غرب نیز قلعه منصور آباد محل والی پشت کوه را اشغال نموده خود او بطرف بینالنهرین فرار کرد - در روز ۱۴ آذر ماه اعلیحضرت فقید سمعید که در آنموقع نضت وزیر ایران بود در میان هلهله و احساسات مسرت آمیز مردم وارد شهر تاریخی ناصری گردید و قضایای خوزستان پایان پذیرفت - سرتیب فضل الله خان زاهدی فرمانده جبهه را بعکومت و فرماندهی

قوای اعزامی خوزستان مفتخر فرموده از راه ناصری به عمره و مسجد سلیمان و نفتون و آبادان مرکز طلای سیاه ایران (نفت) عزیزت فرمود .

در این شهرها ازدحام و اجتماع ملت برای دیدار اعلیحضرت فقیه سعید بعدی زیاد بود که اطرافیان نمیتوانستند ممانعت از نزدیک شدن دسته‌های چند هزار نفری که برای بوسیدن دست و پای او بریکدیگر سبقت میکردند جلوگیری نمایند بعد از کابوس وحشتناک خیزل که مردم دفعتاً بزرگترین و شریفترین فرزندان میهن و ناجی خود را بیچشم میدیدند از احساسات جلوگیری نمیتوانستند کرد مخصوصاً کارگران شرکت نفت یش از سایرین سبقت می‌جستند .

اعلیحضرت فقیه باخاطره‌هایی که بر اثر دیدن زوال عظمت و آثار ایران باستان از آن حدود در مغیله بزرگ او خطوط یافت و بجای آن مجد و بلندی خرابه‌ها و ویرانه‌های جفدنشینرا مشاهده نمود ینهايت متاثر گردید . پس از آن برای زیارت عتبات از راه بصره بیفداد و کربلا و نجف اشرف مشرف گردید احساسات ایرانیان ساکن عراق زايد الوصف میباشد تمام بازار بین‌الحرین (میان صحن حضرت امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) از طرف اهالی بافرشهای قیمتی مفروش و بر سر هر فرشی کوسفندی قربانی میکردند .

یک نفر از کسبه ایرانی دوفرنزند خود را بقدم سردار فاتح ایران انداخته و کاردی از کمر کشید و اظهار داشت : (چون من استطاعت قربانی کوسفند ندارم اینک دوفرنزند خود را قربانی شما سردار نامی که وطن مرا پاینده کرده و مرا در انتظار خارجیان آبرومند کرده اید میکنم) در اینحال کارد را بطرف گلوی فرزندان خود برده بود که اعلیحضرت فقیه دست او را گرفته و فرزندان او را می‌بوسد و قطرات اشکی از دیده‌اش جاری گردیده میگوید : (من بایستی قربانی ملت ایران شوم) در ورود بعمر مطهر حضرت عباس - سردار رشید کردستانی معروف که شرح طفیان او در این تاریخ مندرج گردیده و بسمت بین‌النهرین فرار کرده بود موقع را مفتنم شمرده در يك دست قرآن شریف و با يك دست دامان اعلیحضرت فقیهرا گرفت و استدعای عفو نمود و تاملین گرفت که بایران مراجعت نماید .

اعلیحضرت فقیه در حالی که تمام ایران غرق در مسرت و جشن و سرور او بود و هنگامیکه طیارات غرنده بر فراز آسمان تهران اوراق تبریک بر بام و برزن منتشر میکردند در چراغان و شادمانی بی نظیر اهالی از زیر طاقهای نصرت فراوان تهران وارد گردید .

در مقابل استقرار امنیت در قطعه زرخیز خوزستان مجلس شورای ملی ایران بنام تجلیل از خدمات يك سردار فاتح و بزرگ باتفاق اراء (باسئمناء دونفر) ریاست عالی کل قوای ایران را که از زمان ساسانیان مرسوم و معمول بوده است به اعلیحضرت فقیه سعید اختصاص دادند و ملت ایران تلگرافات تبریک متعددی نسبت

باین عمل مجلس بمرکز مخبره نمودند .

جنگهای شدید ارتش در لرستان

۱ - از خاک فریدن (گلبایگان و خونار) تا نزدیکی بروجرد بوسله طوائف زلفی و خواجه مکوئی از طوائف چهار لنگ . ۲ - از بروجرد تا قم تمام جلگه وسیع سیلاخور بدست ایران و ندها و سکوندها . ۳ - تمام ولایات سه گانه نهاوند - تویسرکان - ملایر بدست الوار شریح حسن وند . ۴ - کنکاور و صعنه و طرق و شوارح بدست طوائف کاکاوند و چواری . ۵ - از کرمانشاه تا سرحد ایران تحت شرارت ایل سنجایی و کورانها . ۶ - تمام کردستان بدست قوای سردار رشید که با سبتگو ارتباط داشت و دارای اسلحه ممتاز با اتفاق اشرار کلبافی تاشش فرسنگی سنج . ۷ - تمام سقز و بانه و گروس در تحت تصرف (سید طه) و مریوانیها . در آتش شرارت و تطاول و تمدی و تمرد و قتل و غارت و نهب اشرار و الوار که با دسته های ۵۰۰ نفری و هزار نفری و ۲۰۰۰ نفری مجهز و مسلح و مکمل بودند میسوخست الوار خطرناک ترین دشمنان داخلی بودند که از روی جهالت پرچم طغیان برافراشته بودند در فروردین ۱۳۰۱ با اینکه لشکر غرب در ابتدای تأسیسات نظامی خود بود و حتی عده ای از افراد لشکر بالوار ملحق شده بودند مشغول منکوب کردن طاغیان و یاغیان و باغیان گردید .

الوار بهترین تفنگها و اسلحه ها را با معاوضه یشم و کشک بدست آورده بودند فرمانده کل نیروی غرب تیمار سیهب احمدی بود که آنموقع بنام امیرلشکر احمد آفاخان نامیده میشد . بنا بامر اعلیحضرت فقید سعید عده مکفی از نظامیان مسلحشور مرکز برای سرکوبی قطعی الوار اعزام گردیده و با قوای غرب از ۲۳ تیرماه ۱۳۰۱ جنگهای بسیار سختی وقوع یافت که بواسطه حمالت شجاعانه قوای دولت تحت فرمان تیمار امیر احمدی قلعه کوره و جلگه سیلاخور بتصرف ارتش درآمد در این جنگها متردین بشکست فجیمی دچار گردیدند .

معهدالوارزلفی از تنگه خونار گذشته بنواحی گلبایگان بایبرق و علائم انتظام کامل و ترتیب هجوم آور گردیده یکماه تمام به تاخت و تاز و قتل و غارت و بردن احشام تا حدود اراک مشغول شدند . تبیب پیاده لشکر غرب چندین بار بالرها زدو خورد خونینی نمود و آنها را منکوب و متواری ساخت و نزدیک بروجرد شکست سختی بر آنها وارد ساخته اموال را پس گرفت .

تجاوز و طغیان الوار مخصوصاً از فروردین سال ۱۳۰۱ تا شهریورماه شدت فوق العاده داشت در ۱۸ خرداد یکمده ۸۰۰ نفری از الوار به لرهای کمره و گلبایگان و خوانسار کمک و امداد رسید و شرارت شروع شد در ۲۶ خرداد لشکر غرب دست آنها را از تجاوز کوتاه نمود .

در این اثنا مهر علی خان امیر منظم بطغیان و تمرد برخاسته در شمال غرب ایران غوغای مهیبی برپا ساخت ولی طولی نکشید که مجدداً قوای غرب به پیروزی نائل گردیده آنها را مغلوب و سرکوب ساخت ایستادگی و شجاعت قوای غرب و شهامت مسلحشوران سر دار جنگی سیهب امیر احمدی که از فرماندهان خوب ارتش ایران است در این جنگها باعث تسلط بر الوار گردید و مشوق آنها اوامر اکید و دستورهای اعلیحضرت فقید سعید بود .

تأثیر عظیم فتوحات ارتش در کشورهای خارجه

آوازه نهضت اعلیحضرت فقید و فزونی سپاه و فتوحات پیاپی ارتش ایران که تا آن موقع نامی از آن نبوده و در بحث جراید کشورهای متمدن قرار گرفت و تاریخ و جغرافیای ایران را با تمثال اعلیحضرت فقید منتشر کردند.

همسایگان بخود آمدند دوات افغانستان تلگراف تبریک در باره پیروزی های ارتش بوزارت خارجه مخابره نمود و در آن تلگراف آوازه وصیت شهرت سپاه ایران را در افغانستان و هندوستان و بین النهرین گوشزد نمود. از آسیای صغیر و هند نیز تلگرافات مفصلی با اظهار مسرت و شادمانی سربلندی ایرانی را در انظار خارجه گوشزد کردند.

روز فزونی سپاه ایران و اهمیت آن در انظار دنیا بحدی بزرگ آمد که استقلال ایران را در تمام کشورها بادیده احترام نگریستند.

طغیان در بلوچستان - بلوچستان هم که يك جزء لاینجزای زرخیز ایران بشار میبود نیز گرفتار غارت و آتش بود در اوائل امر دماه ۱۴۰۲ در فسنهای نهرود - و ناصرآباد و بلوچ در حوالی کرمان افتشاشات دامنه داری بوقوع پیوست که در نتیجه ارتش به آن نقاط اعزام و در ۱۴ آبان ماه ۱۴۰۲ با عده ای از اهالی بلوچستان که داخل نظام شده بودند از قبیل کچی خان بلوچ و فیض محمد خان بلوچ تا اواسط خاک بلوچستان اشرار را تعقیب و با فاصله ۵۵ روز در ۱۰ دی ماه ارتش پهلوی وارد دزداب (زاهدان) گردید اهالی لز وجه و سرور نمیتوانستند خودداری نمایند و گریه میکردند نجار و مردم تلگرافاتی مبنی بر تشکر و قدردانی بتهران مخابره نمودند و در همان اوقات قشون خارجی که مدتها بلوچستان را اشغال نموده بود خارج گردید.

فرار سردار رشید از هرگز

در اول اردیبهشت ۱۴۰۲ قوای از کرمانشاه بروانسر برای سرکوبی قطعی سردار رشید اعزام گردید او و خوانین سنجابی در این معاربات سرکوب گردیدند تا موقعیکه صفعات غرب آرامش و سکونت یافت ۲ ماه تمام جنگ در آن حدود بطول انجامید سردار رشید به شیخ محمود کرد پناهنده شد و تسلیم قوای لشکر غرب گردید نعت الحفظ به تهران اعزام گردید ولی در موقع کناره گیری اعلیحضرت فقید فرار کرده مجدداً در کردستان علم طغیان و شورش برافراشت ولی بالاخره قوای غرب او را سرکوب کرده بخاک عراق فراری شد و بعداً در حرم مطهر حضرت عباس چنانکه دیدیم از اعلیحضرت پهلوی تأمین طلبید.

سفر و بانه نیز پس از بیکرشته معاربات بنصرف نیروی ارتش درآمد.

امیر لشکر غرب احمد آقاخان پس از اینکه در نتیجه جنگهای سخت نتوانست برود و

خرم آباد را از دست شرارت الوار نجات دهد قلمه فلك الانلاك را در لرستان منصرف میگردد و آنجا از آن پس بنام قلمه سپه نامیده میشود. در ۱۷ دی ادارات دولتی رسماً در خرم-آباد مفتوح و سیم تلگراف آنجا مرکز و سایر نقاط متصل شده لرستان قرین امن و آرامش میگردد.

بالاخره مانند این بود که در تمام نقاط طایغان و باغیان و متمرذین و سرکشان برای شرارت و ایجاد هرج و مرج و ملوک الطوائفی برخاسته بودند و همه یکباره بر علیه تمدن و لهزنتی که بایستی بسوی ترقی و تعالی در ایران شروع شود قیام و جنبش نموده بودند ولی تمام این طغیانها و شرارتها و نغمههای ناهنجار بانبروی عزم و لیاقت سردار بزرگ تاریخی ایران یعنی اعلیحضرت فقید سعید و بهمت ارتش توانا و نیرومند ایران که بدست او بوجود آمده و تأسیس یافته بود خاموش شد و استقلال حقیقی نصیب ایران گردید.

در این هنگامه هاسر کشان و اشرار و رؤسای دیگری از الوار و عشایر و کردها و بلوچها و اعراب و طوایف جنوب و عشایر فارس و آذربایجان مانند اقبال السلطنه ماکوئی و کاظم توپچی و شاهسونها و همچنین در خراسان و بسیاری نقاط دیگر رایت شرارت برافراشته و طغیانها و شرارتهای وسیع آغاز کردند که بهمت سردار توانا و ارتش دلیر ما تمام آنها مغلوب و سرکوب و منکوب قوای رشید ایران گردیدند ما در این تاریخ شرح قسمتی از این عملیات را منتشر ساختیم چه برای درج تمام این وقایع کتابها باید نگاشته شود بالاخره بتدریج تمام صفحات شرق و غرب و شمال و جنوب قرین آرامش گردید و پرچم سهرنگک پرافتخار ایران در اقصی نقاط کشور باهتر از در آمد.

امنیت که مهمترین نعمت اجتماعی و سیاسی است بملت ایران اعطا گردید در پی آن چرخهای مادی و معنوی کشور بگردش درآمد و جامعه ما با شتاب زدگی ره اصلاحات و تمدن و ترقی و تعالی را پیمود و متحدانات عظیمی با عزم و نیروی آهنین شخص اول بوجود آمد که مادر تاریخ جداگانه و مفصلی بشرح آن خواهیم پرداخت.

پیدایش سلطنت پهلوی و آغاز ایجاد ارتش شاهنشاهی - چون نیروهای سپاهی و جنگی ایران بنام ارتش شاهنشاهی خوانده میشوند ارتش ایران نیز در یرنو نیروی ذاتی و عزم و اراده قهرمان سترگ ایران ایجاد گردیده است تا کزیریم برای ارتباط این تاریخ با اساس موضوع مختصراً وقایع بعد از کودتارا تا اعلام سلطنت شاهنشاه پهلوی که خود از لحاظ اهمیت بسیار شایان توجه است بنگاریم.

بعد از کودتا اعلیحضرت فقید سعید بیاس خدمات بزرگی که در راه تأسیس ارتش و آغاز امنیت و نظم در سراسر کشور متحمل شدند در ۵ اردیبهشت ۱۳۰۰ علاوه بر دارا بودن فرماندهی نیرو بمقام وزارت جنگ رسیده و در دومین کابینه طباطبائی بعد از کودتا شرکت نمودند تا روزیکه بر اریکه سلطنت جلوس نمودند یعنی مدت چهارسال و شش ماه و پنجروز این شغل را دارا بودند.

در ۳ آبانماه ۱۳۰۲ (برابر ۲۷ اکتبر ۱۹۲۳) بیاس قلع و قمع دشمنان و سرکوبی طاغیان و یاغیان و اشرار داخلی و سرحدی و غائله‌هایی که شرح آنها در این تاریخ بتفصیل آمده است و بیاس امنیت عدیم‌النظیری که در سراسر کشور برقرار کرد بمقام ریاست وزرائی با حفظ شغل وزارت جنگ نایل گردیدند.

(وزرای این کابینه عبارت بودند از: ۱ - سردار سپه رئیس الوزراء و وزیر جنگ ۲ - ذکاء الملك فروغی وزیر خارجه ۳ - سلیمان میرزا وزیر فرهنگ ۴ - جم (مدیر الملك) وزیر دارائی ۵ - معاضد السلطنه پیرنیا وزیر دادگستری ۶ - خدایار خان وزیر پست و تلگراف ۷ - عزالمالك اردلان وزیر فواید عامه).

در ۲۵ بهمن ماه ۱۳۰۳ مجلس شورای ملی ایران تحت ریاست مرحوم مؤتمن الملك^۱ پیرنیا تشکیل و پس از ذکر مقدمه‌ای درباره خدمات آقای سردار

(۱) موفبکه مؤلف بنگارش همین جنه رسبدم اتفاقاً رادیو تهران خبر داد که امروز بامدادوشبه ۹ شهریور ۱۳۲۶ جناب آقای مؤتمن‌الملك فرزند پاك و برومند ایران پس از يك عمر جلال و بزرگی و خدمت بوطن دارفانی را بدرود گفتند و بنا بامر اعلیحضرت هایون شاهنشاهی تعجیل کلاماً بی سابقه‌ای برای تشریفات وفات ایشان بعمل خواهد آمد وزارتخانه‌ها و ادارات و بنگاه‌های دولتی سه‌شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۲۶ تعطیل خواهد بود - مقدر چنین بود که روز مرگ ایشان نیز نام جاویدش ضبط این تاریخ که از لحاظ عظمت و کثرت انتشار مقام بزرگ و شایسته‌ای تحصیل کرده است مغذد بماند.

سپه در سرپرستی و زمامداری قشون و جدیت ایشان در ترقی و انتظام قوای مسلح مملکتی بطور غیر مترقب و بوجود آمدن امنیت کامل در تمام مملکت و تحت يك ماده واحده ریاست عالیہ کل قوای دفاعیہ و امنیہ مملکتی را با اختیارات تامہ بنام ایشان باتفاق آراء تصویب نمودند .

خدمات و فداکاریهای اعلیحضرت فقید سعید در مدت کوتاه سالهای نخستین زمامداری باعث آن شد که یکباره مردم حق شناس و وطن دوست کشور را متوجه فجایع اعمال و رفتار شاهان قاجاریه کرده و یکباره بر علیه این سلسله که در مدت یکصد و پنجاه سال زمامداری ایران را به ننگین ترین روزگاری دچار کرده بودند در تمام اطراف و اکناف کشور طغیان‌هایی بنمایند .

تلگرافاتی که درباره خلع شاهان قاجاریه و تفرز آفان مرتباً از تمام نقاط کشور و مخصوصاً از کشورهای خارج و ایرانیان مقیم ممالک دنیا بمجلس و مقامات عالیہ کشور میرسید و ضمناً تقاضا میشد که سپاگزاری نسبت بخدمات سردار تاریخی میهن بعمل آید یکباره نمایندگان مجلس را که معمولاً گاهی گوش شنوایی برای شنیدن حقایق ندارند بخود آورده و متوجه بحران شگرف و قیام عمومی ملت و نفرت از قاجاریه گردیدند .

(متن اکثر این تلگرافها در جلسات مجلس مخصوصاً جلد ۷ آبان ۱۳۰۴ خوانده شد) .

بر اثر همین نهضتها و جنبشهای فراوان که برای ابراز نارضایتی و شکوه از فجرها در همه جا بوجود آمده بود و جلسات پردامنه تشکیل میشد بطوریکه نزدیک بود کشور را بمخاطره کشاند بالاخره مجلس شورایملی بنا بفشار افکار عمومی و تمایل خود نمایندگان در ۹ آبان ۱۳۰۴ ماده واحده زیرین را با کثرت قریب باتفاق (عده حصار ۸۵ نفر رأی دهندگان ۸۰ نفر) تصویب نمودند :

ماده واحده - مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی بشخص آقای رضاخان پهلوی واگذار مینماید تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر

مجلس مؤسسان است که برای تغییر اصول ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود.

قدرت و قوه دست ملت بایک اراده زندگانی یک سلسله دور از عاطفه و عدالت را که مدت یک قرن و نیم در کاخها و نقطه های پریچ و خمی نشسته و دربروی ایرانیان بسته بودند درهم پیچید و این تومار دراز را در نوردید و والاحضرت پهلوی را بنام مظهر قدرت و اراده باطنی خود معرفی نمود تا در آن طغیان عصبانیت ملی با عطوفت و قدرت هول و هراس ملتی عظیم را تسکین داده دست مام مین را گرفته و از گرداب هائل و مدھش بساحل خوشبختی و سعادت آرام برساند.

آخرین شخص قاجار که منتظر بود روزی بر اریکه سلطنت شاهنشاهان کیانی جلوس نموده و تاج نبیل مارا ملعبه هوا و هوس خود قرار دهد از ایران رفت و درعالم سیاست بدریای نیستی غرق شد و امواج حوادث از سرش گذشت اثری از آنان نماند چونکه اثری نداشتند و بعدم رهسپار شدند.

از طرف کشورهای انگلستان - دولت اتحاد جماهیر شوروی - آلمان - ایتالیا بلژیک - مصر - لهستان - تا روز ۱۲ آبان ۱۳۰۴ مطابق دوم نوامبر ۱۹۲۵ و از بقیه دول تا روز ۱۶ آبان مطابق ۷ نوامبر الی روز های بعد حکومت والاحضرت پهلوی فرزند رشید و سزاوار ایران برسمیت شناخته شد.

در تاریخ یکشنبه ۱۵ آذرماه ۱۳۰۴ مجلس مؤسسان ایران در تهران باعضویت متجاوز از ۲۶۰ نفر نمایندگان و وکلای منتخبه از طرف ملت از تمام نقاط ایران برای تعیین مقدرات ایران افتتاح یافت و در پنج جلسه که از ۱۵ تا ۲۲ آذر ماه بطول انجامید بموجب تجدید اصلهای ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ قانون اساسی سلطنت مشروطه ایران را از طرف ملت بوسیله مجلس بزرگ مؤسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض نموده و در اعقاب ذکور ایشان نسل بعد نسل برقرار نمودند.

مواد این قانون باتفاق آراء بتصویب ۲۵۷ نفر از نمایندگان مجلس مؤسسان ایران رسید و با کف زدنهای ممتد و شادمانی بیحد و وصف نمایندگان و

نمایش چنان مجلس پایان یافت نمایندگان در ضمن تصویب قانون بیاناتی میگفتند که حاکی از احساسات درونی ملت ایران بود چنانکه نماینده ای گفت من از طرف ایلات خمه فارس آمده ام و در اینجا رأی داده ام بسلطنت اعلیحضرت پهلوی این مسئله اسباب افتخار من و خانواده من است باید این شرف و افتخار در خانواده من باقی بماند رئیس مجلس مؤسسان اظهار داشت در این دوره ترقی و تکامل که دنیا سیر مینماید ملت ایران در تحت تأثیر و فشار مقتضیات وقت قدم بلندی بطرف سعادت خود برداشت (نمایندگان - صحیح است) و علت العلل بدبختی خود را از سر تشخیص داد و بحمدالله با سعادت و میمنت مطابق اصل ۳۶ قانون اساسی سلطنت مشروطه ایران باعلیحضرت شاهنشاه پهلوی بیاس خدمات بزرگی که با اراده توانا بمملکت نموده اند تفویض شد اینک باید هیئتی بقرعه برای تقدیم چهار اصل و تبریک انتخاب شده بحضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه شرفیاب شوند.

این نطقها بسیار مفصل است و چنانکه نگارنده وعده دادم مشغول نگارش تاریخ مفصل ایران میباشم لذا علل و جریان واقعی تغییر سلطنت ایران را در آن تاریخ خواهم نگاشت باری - اعلیحضرت پهلوی در ۲۵ آذرماه ۱۳۰۴ رسماً براریکه سلطنت جلوس فرمودند و اورنگ و دیبیم کوروش و انوشیروان بعد از سالیان دراز وارث والا گهر و بالاستحقاقی یافت در روز جلوس که در طالار تخت مرمر منعقد شد تمام واحدهای اداری و جنگی و ایلات و طوایف بسلام رفتند و خطبه سلام بوسیله ادیب الدوله ایراد گردید.

در ۴ اردیبهشت ۱۳۰۵ ملت ایران جشن باشکوه تاجگذاری نجات دهنده خود را در سراسر کشور برپا نمود و شاهنشاه پهلوی برای نخستین بار تاج پهلوی کبانی را بر سر نهاد و بر سریر خروید جلوس کرد.

این بود جریان پیدایش سلطنت شاهنشاه پهلوی و ایجاد ارتش شاهنشاهی که در این تاریخ ضبط برای آیندگان و فرزندان برومند این فلات با عظمت باستانی و تاریخی گردید تا بدانند این شخص اگر واقعا خدمت ننموده و داهی و بزرگ نبود پس چگونه تمام ۴۵۷ نفر از بزرگان کشور حاضر در مجلس مؤسسان باو رأی مخفی دادند؟ پدر ملت ایران - از خلق باید نیک و بد اعمال و رفتار و پندار و گفتار هر کسی را

پرسید بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ از هر کسبکه در ظرف این سالهای اخیر که ایران در آتش اوضاع داخلی و جنگ جهانی میسوخت ستمی دیده بود سؤال میکردید چرا این ظلم و ستم بر تو رفت میگفت برای اینکه ما ملت پدر و صاحب نداریم سر ما رفت و ما بی پدر شدیم این است که حالا باید بر سر ما بزنند.

این نکته قابل کتمان نیست - حالا هم هر کس برای اینکه عقیده حقیقی ملت ایران و توده واقعی این کشور را بداند از مردم طبقه سوم سؤال کند دوره پهلوی چطور و خود او چگونه پادشاهی بود مجموع پاسخهایی که باین پرسش داده خواهد شد قضاوت حقیقی درباره آن پادشاه بزرگ و ملت دوست است مؤلف مکرر سؤال کرده ام جواب شنیدم «پهلوی پادشاه بزرگی بود خدا رحمتش کند در عهد او ماطبقه سه راحت بودیم بایران خدمت کرد حالا اگر یک چند نفر را مجازات کرده است اینکه دلیل نمیشود حتماً آنها برای راحت مردم بود لابد بد کرده بودند».

این جواب یکنفر ایرانی است.

و چنانکه گفته اند:

از رعیت پرس حال پادشاه زانکه دین شاه دین مردم است

حقیقتاً آنچه او گفت نگارنده یادداشت کردم همین نمونه قضاوت تمام ملت ایران است قهرمان بزرگ عالم بشریت او بود که در این کشور پر آشوب و بی تمدن بظهور رسید و تا این حد پیش رفت. و گرنه نوابی که در آمریکا با آلمان یا ترکیه با غیر بظهور رسیدند بهیچوجه مواجه با اینهمه مشکلات و بدبختیها نبودند.

اداره کردن این مملکت مشکل است.

اعلیحضرت فقید سعید رضاشاه پهلوی حقیقتاً پدر ملت ایران بود.

فصل سیزدهم

توسعه سازمانهای ارتش در جمیع شئون

وقایع و تشکیلات بعد از سال ۱۴۰۵

سیر تکاملی تأسیسات ارتش شاهنشاهی تا سال ۱۴۲۰

ستاد ارتش در سال ۱۴۰۵ - به چهار رکن و دفتر ستاد و امور اداری تقسیم شده بود که بترتیب زیر انجام وظیفه میکردند = رکن یکم = عهده دار امور کارگزینی - سازمان - ساز و برگ ارتش - تدوین قوانین مربوطه بقوای کشوری !

رکن دوم - کسب اطلاعات از سازمان و تاکتیک ارتش خارجه - مسائل مربوط به هیئت ها و افسران دانشجوی اعزامی - نمایندگان نظامی مأمور خارجه - تجسس و کسب اطلاعات مربوط از داخله و خارجه - نقشه برداری : رکن سوم - تدوین آئین نامه های مربوط بعملیات جنگی - تعیین اسلوب و طریقه آموزش درآموزشگاههای نظام - تربیت بدنی و تهیه آئین نامه های مربوط بان - آماده ساختن جوانان بوسیله تربیت جسمانی برای نظام : رکن چهارم - عهده دار اقدامات درمورد تهیه و تأمین احتیاجات مادی ارتش از هر قبیل - تهیه وسائل حمل و نقل و پیش بینی های لازمه و تأمین آنها درموقع بسیج عمومی - تشکیل منازل و خطوط عقب - رسیدگی بامور دریائی .

نظام وظیفه - اغلب حضرت فقید سعید برای اثبات مبانی استحکام ایران بایجاد و توسعه تشکیلات دو مسئله مهم اهمیت میداد یکی نظام وظیفه و دیگری تعلیم و تربیت عمومی = و از ابتدای کار برای افزایش قوای ارتش در نظر گرفت نظام وظیفه عمومی تأسیس کرده و قوانین آنرا از مجلس بگذراند منتها چنانکه در این تاریخ دیدیم چون اهم اوقات خود را مصروف فرو نشانیدن انقلابات وسیع و طغیان ها و شرارت های داخلی نموده بود در چهار سال اول زمامداری خود توفیق انجام این کار را نیافت بالاخره در دوره ریاست وزرائی خود در ۱۶ خرداد ۱۳۰۴ شمسی هنگامیکه کشور

از آشوبهای داخلی رهائی یافت لایحه نظام اجباری که با دقت و تعمق تهیه شده بود از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و فرمان اجرای آن صادر گردید بموجب این قانون جوانان ذکور ایران در اول سن ۲۱ - الکی بانجام خدمت سربازی دعوت شدند و تهیه مقدمات اجرای عملی آن از ۱۳۰۵ شروع گردید و متولدین سال ۱۲۸۵ بخدمات احضار و با مسرت بانجام اعمال مقدس سربازی در سربازخانهها اشتغال ورزیدند.

تغییرات سازمانی در لشکرهاى غرب و شمالغرب - لشکر غرب از دو تیپ مختلط مستقل در لرستان و کردستان تشکیل گردید تیپ اول لرستان مرکب از يك هنگ مختلط در خرم آباد بنام هنگ گارد سپه بعلاوه يك گردان سوار و يك گردان مختلط در بروجرد = تیپ دوم کردستان شامل يك هنگ مختلط در سنندج بنام هنگ مظفر با دو گردان مختلط بترتیب در سقز و دزفول و يك هنگ مختلط در کرمانشاه بنام هنگ منصور استقرار یافتند .

وسعت سازمانهای ارتش در سال ۱۳۰۶ لشکر مرکز - در سال ۱۳۰۶ فرماندهی لشکر مرکز منحل گردید و تیپ های تابعه آن تشکیل تیپ های مستقلی را دادند ۱ - تیپ گارد سوار بضمیمه آموزشگاه گروهبانی و اسکورت درآمدند ۲ - تیپ اول گارد پیاده بضمیمه واحدهای مستقل مهندس و گروه زره پوش و دسته تانک - ۳ - تیپ دوم گارد پیاده بضمیمه آموزشگاه گروهبانی پیاده . ۴ - تیپ توپخانه بضمیمه آموزشگاه گروهبانی توپخانه .

لشکر شرق - از يك تیپ مختلط در مشهد و يك هنگ مختلط در سیستان تشکیل گردید تیپ مختلط مشهد عبارت از سه هنگ پیاده - سوار - توپخانه و هنگ مختلط سیستان مرکب از يك گردان پیاده و يك گردان جواز سوار و يك آتشبار توپخانه بود .

لشکر جنوب - از يك تیپ مختلط در فارس و دو هنگ مختلط در خوزستان و کرمان و پنج گردان مختلط بترتیب در اصفهان - یزد - بهبهان - بوشهر - عباسی تشکیل گردید :

قسمت شمال - بطوریکه قبلاً ذکر شد واحدهائی در کیلان و تنکابن و مازندران

استقرار داشتند که ضمیمه ترکیبات لشکر ۱ مرکز بودند بعداً در سال ۱۳۰۶ در تشکیلات آنها تغییراتی بشرح زیر داده شد :

- ۱- يك هنگ مختلط در گیلان .
- ۲- يك هنگ مختلط در پهلوی دژ .
- ۳- يك هنگ مختلط در استرآباد .

سه قسمت نامبرده بالا نیپی را بنام تیپ مختلط مستقل شمال تشکیل دادند مجدداً در همین سال هنگهای مختلط کرمان و خوزستان بدو تیپ مختلط مستقل تبدیل و دوگردان مختلط بزد و اصفهان هر دو ضمیمه یکدیگر شده يك هنگ مختلط مستقل اصفهان را تشکیل دادند واحدهای مزبور در امور خود بوسیله مرکز لشکر ارتباط داشتند :

در سال ۱۳۰۷ در سازمان لشکر جنوب بعلت عدم وسائل ارتباط کامل با مرکز لشکر و وسعت منطقه مستحفظی اداره نمودن امور واحدهای تابعه لشکر بختی انجام می گردید بدین لحاظ در مرداد ماه ۱۳۰۷ لشکر مزبور منحل و قسمت های تابعه آن یعنی تیپ های مختلط فارس - کرمان - خوزستان - هنگ مختلط اصفهان هر يك مستقل شناخته شدند و ارتباط خود را مستقیماً با مرکز حاصل نمودند بملاوه در تیپ های مستقل مرکز هم تغییراتی بشرح زیر بوجود آمد :

تیپ مستقل سوار - مرکب از سه هنگ (فاتح - حمله - پهلوی) .
 تیپ مستقل توپخانه مرکب از سه هنگ (سوار - کوهستانی - پیاده) .
 تیپ یکم کارد پیاده مرکب از سه هنگ (پهلوی - آهنین - بهادر) ضمناً يك گردان مهندس نیز ضمیمه تیپ نامبرده بوده که بعداً توسعه یافته و هنگی را بنام هنگ مهندس تشکیل داد :

تیپ دوم کارد پیاده - عبارت از چهار هنگ (نادری - رضاپور - هنگ ۷ - هنگ ۲۱) .

يك گردان مستقل در ساری نیز ضمیمه ترکیبات تیپ مزبور بوده است - ضمناً دو هنگ مختلط مستقل استرآباد و پهلوی دژ هر دو ضمیمه یکدیگر گردیده و تیپ

مختلط مستقل استرآباد را تشکیل و هنگ مختلط گیلان که قبلاً جزو ترکیبات تیپ مستقل شمال بود هنگ مختلط مستقل گیلان را تشکیل داد :

در سال ۱۳۰۸ چندان تغییرات مهمی در ارتش روی نداد .

در سال ۱۳۰۹ لشکر شمال غرب توسعه یافت بطوریکه لشکر مزبور از سه تیپ بنام تیپ یکم و دوم و سوم تشکیل گردید که ترکیبات هر کدام بشرح زیر میباشد :

تیپ مختلط یکم - مرکز آن تبریز شامل يك هنگ پیاده (سپه بان) يك - هنگ سوار (نصرت) .

تیپ مختلط دوم - مرکز آن رضایه مرکب از يك هنگ پیاده (اخگر) يك هنگ پیاده (باوندپور) .

و يك هنگ سوار آذر بود و بعلاوه دوگردان مختلط مستقل آتشین و ماکو ضمیمه ترکیبات تیپ مزبور بوده است :

تیپ مختلط سوم - مرکز آن اردبیل شامل يك هنگ پیاده (قهرمان) باضافه دو گردان مختلط و يك هنگ سوار در اردبیل (هنگ سوار تیپ سوم) و یکدسته مستقل و توبخانه هم چنین يك هنگ مختلط سیستان که در سال ۱۳۰۹ جزو ترکیبات لشکر شرق بود در سال ۱۳۰۹ به تیپ مختلط سیستان تبدیل و بعداً با اسم تیپ مختلط بلوچستان موسوم گردید بطوریکه تیپ مزبور امنیت ناحیه بلوچستان را عهده دار و امنیت ناحیه سیستان با لشکر شرق بوده بعداً تیپ سیستان هم از لشکر مجزی و تیپ مستقل گردید بهمین طریق تیپ های مختلط مستقل کردستان - لرستان - خوزستان و هنگ مختلط کرمانشاه (منصور) از لشکر غرب منتزع و هر يك مستقل گردیدند ضمناً در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ قسمت های زیر که ضمیمه ترکیبات قوای غرب و جنوب غربی بودند هر کدام از نیروی های نامبرده منتزع و مستقلاً اداره می گردیدند :

- ۱ - هنگ مختلط منصور .

۲ - تیپ مختلط کردستان (هنگ مختلط مظفر - گردان هـ - متقل سقر) .

۳ - تیپ مختلط لرستان (هنگ مختلط کارد سپه - گردان مستقل بروجرد -

گردان مستقل دزفول) .

۴ - تیپ مختلط خوزستان (هنگ مختلط ناصری - گردان مستقل بهبهان)
در واحدهای پادگان مرکز هم تغییراتی بشرح زیر حاصل گردید .
تیپ توپخانه بدو تیپ سوار و کوهستانی تقسیم که هر کدام از تیپهای مزبور
از دو هنگ توپخانه تشکیل گردیدند :

قسمت سوار نظام پادگان مرکز از دو تیپ سوار تشکیل گردید بدین ترتیب
که هر يك از دو هنگ سوار ترکیب می گردید :

ولی بعداً نظر به عدم پیشرفت امور در تیپ های مزبور مجدداً تیپ های سوار پادگان
مرکز منحل و هر يك از هنگ های تابعه آن مستقلاً اداره شدند هم چنین لشکر شمالغرب
بدولشکر تقسیم گردید بطریقی که مرکز لشکر اول در رضایه و منطقه مستحفظی
آن آذربایجان غربی و لشکر دوم در تبریز و منطقه مستحفظی آن آذربایجان شرقی
بوده است ضمناً يك منطقه سردشت که جزو لشکر شمال غرب بوده ضمیمه منطقه
تیپ مختلط مستقل کردستان گردید در سازمان سایر قسمت های ارتش نیز تغییرات
جزئی روی داد . در این سال بود که قسمت های ارتش مطابق شرح بالا سازمان وسیع
و قابل توجهی را بخود گرفت در جریان سالهای ۱۳۱۰-۱۳۱۱ تیپ مختلط استرآباد
منحل و بيك هنگ مختلط مستقل تبدیل گردید هم چنین هنگ مهندس تیپ اول
کار دیپاده منحل و تبدیل به ۳ گردان استحکامات - پل ساز ارتباط شد و سازمان لشکرهای
۱ و ۲ شمالغرب توسعه یافته هر دو لشکر تشکیل چهار تیپ مختلط را در رضایه - ماکو -
اردبیل - تبریز دادند بهمین ترتیب در سازمان سایر واحدها هم تغییراتی حاصل گردید :

بنابر این قسمت های مختلفه ارتش شاهنشاهی در سال ۱۳۱۱ که در مناطق
مختلفه استقرار داشتند عبارت بودند از دو تیپ پیاده دو تیپ توپخانه (صحرائی -
کوهستانی) چهار هنگ سوار در مرکز - دولشکر در آذربایجان يك لشکر در خراسان
و هم چنین قسمت های دیگری هم نیز بشرح زیر تشکیل پادگانهای مستقلی را دادند :

- ۱ - تیپ مختلط لرستان (در خرم آباد) ۶ - تیپ مختلط خوزستان (در اهواز)
- ۲ - تیپ مختلط کردستان (در سنندج) ۷ - هنگ مختلط مستقل استرآباد (در گرگان)
- ۳ - تیپ مختلط فارس (در شیراز) ۸ - هنگ مختلط مستقل کیلان (در رشت)
- ۴ - تیپ مختلط کرمان (در کرمان) ۹ - هنگ مختلط مستقل اصفهان (در اصفهان)
- ۵ - تیپ مختلط بلوچستان (در خاش) ۱۰ - هنگ مختلط بنادر (در بندرعباس)

بدین ترتیب ارتش شاهنشاهی ایران بتمام معنی با وسعت شایان توجهی در تمام اکناف کشور شهر شکوه و جلال خود را گسترده

در سال ۱۳۱۴ تبی های مستقل گارد پیاده پادگان مرکز تبدیل بدولشگریکم و دوم پیاده گردید:

در سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ فقط دو آتشبار ضد هوایی که قبلاً به ترکیبات هنگ ۱۰۵ صحرائی اضافه گردیده بود در سال اخیر هنگی را بنام هنگ ضد هوایی تشکیل داد. سازمان ارتش در سال مزبور بهمین منوال باقی بود تا سال ۱۳۱۸ که تبی مختلط مستقل کیلان - کرکان - کرمانشاه - اصفهان - کرمان - اردبیل تبدیل به لشکرها گردیده و بدین طریق ارتش شاهنشاهی ترکیب شد از هیجده لشکر بشرح زیر:

لشکر یکم پادگان مرکز تهران	لشکر دهم	کرمان
لشکر دوم پادگان مرکز تهران	لشکر یازدهم	کیلان
لشکر سوم شمالغرب تبریز	لشکر دوازدهم	کرمانشاه
لشکر چهارم شمالغرب رضایه	لشکر سیزدهم	اصفهان
لشکر پنجم غرب کردستان	لشکر چهاردهم	کرمان
لشکر ششم خوزستان	لشکر پانزدهم	اردبیل
لشکر هفتم فارس	لشکر شانزدهم	لرستان
لشکر هشتم مکران	لشکر هفدهم	خوی
لشکر نهم خراسان	لشکر هیجدهم	تربت جام

سازمان قسمت های مختلف ارتش شاهنشاهی با این وضع تا سال ۱۳۴۰ استقرار داشت.

این بود نتیجه يك عمر زحمت و پشت کار و میهن پرستی - و ملت دوستی و فداکاری شبانه روز يك فرد - يك نابغه - يك نجات دهنده و يك داهی بزرگ مشرق زمین و تشکیلات دهنده یعنی اعلیحضرت فقید سعید رضاشاه پهلوی که تا مادام دنیا در حالت صلح و عادی بسر میبرد يك ملت از دست رفته را از حضيض ذلت باوج ترقی و قدرت رسانید و در جهان سربلند کرد. بطوریکه ملت و کشوری مستقل و آزاد شناخته شدیم و دنیا پاس احترام ما را بجای آورد.

تاریخ نویسان این عصر که اکثراً در نوشته هایشان عمداً یا سهواً ره خطا و ناصواب پیموده اند باید هر وقت قلم بدست میگیرند قبل از هر چیز وجدان پاک و بی آلابشی را حکم خود قرار دهند و توجه کنند که آیا این رادمرد

ایرانی جز اینکه شب و روز برای سعادت ایران کار میکرد و ما يك رشته از آنرا در این کتاب مخصوصاً در فصل فعلی میخوانیم آیا غرض دیگری هم داشت ؟ اعمال بزرگ و مهم - تحولات او که بچشم ناظر آن هستیم و اینک آثار آن در سراسر کشور و در تمام شئون حیاتی و اجتماعی ما هویدا و نمایان است و ما از آن سود ولذت میبریم و سرمایه های جاودانی کشور ما را تشکیل داده است . پاسخ این نکته را میدهد تا ابد محو و نابود نمیشود همیشه پایدار و مخلص است .

آمار جالب توجه

برای اینکه مجموع خدمات و فعالیتها، یک در راه پیشرفت شایان توجه ارتش شد در این تاریخ ضبط گردد يك مقایسه کلی بین سال ۱۳۰۰ تا شهریور ۱۳۲۰ با در نظر گرفتن تحولات ارتش بین فاصله دو تاریخ مزبور ذیلاً درج میشود تا نکات مهمی روشن گردد . در سال ۱۳۰۰ مجموع نفرات ارتش ایران که در ابتدای تأسیس بود و به منتهی شاهنشاه فقید بزرگ رو با اصلاحات میرفت ۲۲۸۰۰ نفر بود و حال آنکه ارتش شاهنشاهی در مرداد ۱۳۲۰ طبق آخرین آمار دارای ۱۸۳۸۶۳ نفر و افسر بود بدین ترتیب در بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ارتش شاهنشاهی پس از ۲۰ سال هشت برابر شد و این رقم با توجه باوضاع و احوال این کشور يك رقم برجسته است و چون ترقی این ارتش از حیث تمام شئون بود و بخودی خود ترقیات تمام رشته های مختلف تمدن در آن مجتمع بود یعنی قسمت هندسی - فرهنگی - اختراعات - اکتشافات همه چیز تحت يك انتظام بسوی ترقی راه میسپرد ممکن بود برای آتیه کشور که از سایر جهات بسیار عقب بود فواید و محسنات زیادی در برداشته باشد .

مجموع ارقام ۱۵ سال سربازان و افسران احتیاط و ذخیره متولدین از سال ۱۲۸۴ تا ۱۲۹۸ بالغ بر ۴۰۸۲۱۹ گردید .

ارتش ایران اگر چه از لحاظ تعداد ترقی میکرد ولی بمناسبت تغییرات دائمی سازمانی هنوز يك ارتش کاملی نگردیده بود مثلاً بعضی هنگهای سه گردانی فقط دارای گردان ۱ بودند و از حیث اسلحه بعضی یادگانها مانند لشکرهاي ۱ و ۲ مرکز دارای سلاح جدید از قبیل (مسلسل - توپ - خمپاره) توپخانه ۷۵ کوهستانی و ۱۰۵ ضد هوایی - زره پوش (ارايه جنگی) بودند ولی در بعضی لشکرهاي دیگر هنوز توپخانه

صحرائی انگلیسی و یا روسی وجود داشت و بجای سلاح خود کار جدید نیز ازینجمله تیرهای سابق استفاده میشد.

هم چنین در طرز تعلیمات افراد بین افسران اختلاف وجود داشت زیرا بعضی از فرماندهان از تحصیل کردگان سابق و بعضی از افسران دانشگاه دیده دارد یا رفته بودند بنابراین هر يك از این دو طبقه در آموزش سربازان روش مخصوصی داشتند.

ولی رویهم رفته این نواقص با برنامه وسیعی که ارتش داشت ره کمال را طی میکرد و ارتش ایران با اینکه تا شهریور ۱۳۲۰ نواقص بسیار داشت رفته رفته در مدت قلیلی ممکن بود در ردیف ارتشهای درجه اول قرار گیرد مخصوصاً اینکه به موضوع زیر که در رفع نواقص اهمیت شایسته داشت توجه کامل میشد.

۱ - کادر افسری ۲ - سازمان کامل ۳ - اسلحه متناسب سازمان.

ضمناً موضوع مهمی که لازم است در این تاریخ تذکر داده شود سوء جریان نظام وظیفه و اعمال مفسده انگیز مأمورین احضار بود که موجبات نقصان افراد حائز شرایط را فراهم مینمود وضعیت نظام وظیفه با جریاناتیکه در ادوار مختلفه داشت چنین بنظر میرسید که بمنظور از بین بردن افراد کشور ایجاد گردیده است مخصوصاً از سال ۱۳۱۳ بعد که مسئولیت سربازگیری بدو قسمت تقسیم گردید با کمال وضوح روز بروز از قدرت نظامی کشور کاست چنانچه سربازان وظیفه سنوات بدوی افرادی سالم و مردمانی با روح و علاقه بودند و رفته رفته نه تنها علاقمندی خود را از دست دادند بلکه سلامتی آنها ساعت بساعت نقصان می یافت تا بحدی که ۹۵ درصد مشمولین بکلی غیر قابل خدمت تشخیص داده میشدند و اکثر آنها در حین خدمت تلف میشدند.

فقر عمومی کشور و عدم بهداشت و همچنین عدم تطبیق سازمان و قانون خدمت وظیفه با اوضاع کشور و جریان احضار و مزاحمت متمادی مشمولین از طرف مأمورین احضار مهمترین عوامل مسبب انحطاط نظام اجباری بود.

فصل چهاردهم

نیروی دریائی ارتش شاهنشاهی ایران

دریا های خروشان ما و عظمت موقعیت آبهای ما با این وسعت و کرانه های طولانی وجود يك بحریه نیرومندی را با سازمانی عظیم لازم می‌شمارد .
وصف موقعیت بحری ایران چنانکه باید و شاید در فصول اول و دوم سوم این تاریخ مذکور رفته است .

برای کشور ما بدون تردید بحریه قوی و توانائی لازم است تا بتواند علاوه بر جلوگیری تهاجم خارجی منافع بسیار عظیمی که در آبهای خلیج فارس و دریای عمان و هم چنین بحر خزر داریم تأمین نماید اهمیت کرانه های خلیج فارس و لزوم بحریه را در آبهای آن چهار نکته زیر روشن می‌سازد ۱ - منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی .
۲ - ارتباط بازرگانی بین المللی و ترانزیتی ۳ - مسائل مربوط با ارتباط های کشورهای جنوبی آسیا مخصوصاً هندوستان ۴ - اهمیت منابع و فرستاده های نفتی - بالاخره آزادی ایران بستگی به بحریه توانای آن دارد زندگانی اقتصادی و بالنتیجه سیاسی و نظامی ما مرهون خلیج فارس است و گرنه حرکت امور میهن ما فلج خواهد شد - سیاست دست یافتن بمنطقه تنگه ها و راههای شرق نزدیک و دهنه خلیج که کشور ما را بکعبه آمال دول نفع جو تعبیر کرده است از لحاظ منافی که کشور های بزرگ در دست یافتن بمنابع کشور های آسیای جنوبی و بازارهای با رونق جمعیت ها و توده های انبوه بشری در چین و هند و سایر نقاط آسیا دارند بی پیرایه در سر لوحه سیاست و آمال ملل بزرگ دنیا قرار گرفته است و موضوع استخراج مواد نفتی که امروزه روز افزونی آن وضع اولویت کشور های نفت خیز را در حال بهم زدن است پیرایه زیباتری است که باین معشوق دلفریب یعنی خلیج فارس بسته شده است .
هم مبهنان - از خلیج فارس غافل نباشید امروز خلیج فارس عرصه پهناور حیات اقتصادی ملل شده است .

از اینهمه منافع بزرگ سودی که صاحب آن میبرد همان نام خلیج فارس است با اینکه فعلاً کشورهای بزرگ چه از لحاظ راههای مستمراتی و تجارتی و چه از حیث موقعیت سیاسی و کانهای نفت خلیج فارس را مورد نظر قرار داده اند معیناً انگلیسها بر سر این مزایا تا حال بطور انحصار و پیروزمندانه مقاومت نموده اند و با تشکیل حکومت های بوشالی و بابدست آوردن امتیازات و عقد قراردادهای در نقاط مختلف آن کامیابی و بهره مندی کامل حاصل کرده اند و خود میگویند بهیچوجه نمیتوانند از منافع خلیج فارس و معادن نفت آن صرف نظر نمایند و در صورت لزوم سایر منافع خود را فدای منافع آسیائی خواهند کرد .

برکت بزرگ دیگر کرانه های خلیج فارس و بحر عمان که هنوز در کتابها ابدأ از آن بحث نشده و شاید در کمتر جا مورد توجه قرار گرفته است مسئله فوقالعاده مهم و موقعیت بینهایت شایان دقتی است که ما برای نخستین بار هم میهنان عزیز خود را در این تاریخ متوجه آن میسازیم و آن موقعیت نقاط کرانه های آبهای جنوبی ما از لحاظ فرودگاه های هوایی بین المللی است از این حیث نقاط کرانه های جنوبی ما در معرض تمام شاهراه های هوایی جهان اعم از نظامی و اقتصادی قرار دارد . تمام هواپیماهاییکه از جزایر اقیانوسیه و آسیا بخواهند باروفا پرواز کنند . تمام هواپیماهاییکه بخواهند از اروپا باسیا و اقیانوسیه پرواز کنند تمام هواپیماهاییکه بخواهند دور جهان را در نوردند مجبور و ناگزیرند برای بارگیری سوخت و آب و اغذیه و مرمت در یکی از فرودگاههای هوایی کرانه های آبهای جنوبی ما فرود آیند .

کدور بی نظیر ما شاهراه زمینی - هوایی - دریائی جهان است^(۱)
 منظره عظمت و ابهت و شکوه يك ناو ایران را که پرچم سه رنگ
 شیرو خورشید و شمشیر و تاج بر بالای دگل آن در دریا های مواج نیلگون

(۱) هم میهنان عزیز با تالیف این کتاب از مؤلف آن راضی باشید که مانند موزه ای جواهرات گرانبهای شما را که شاید اکثراً تلك قسمتهائی از آنرا از یاد برده اید بشما خاطر نشان بسازد و این نخستین کتابی است که با این ابتکار با تفکر بسیار و زحمت بیشار و بطور جامع و کامل در این باره نگارش یافته و خدمت بزرگی انجام پذیرفته است که جز از يك روح پاک و ضبیر نابناکی تراوش نمیکرد ولی باید بس از آن هزاران کتاب در باره جزئیات این گنج ها منتشر شود و کتابهایی که قبل از این نیز جداگانه در هر يك از این شئون نگارش یافته مطالعه شده مورد قدرشناسی قرار گیرد

دراهنتر از باشد و پرچم کشتی‌های دیگر در حال احترام باو سلام میدهند بنظر
بیاورید خود را حاضر برای هر گونه فداکاری در راه ایجاد يك بحریه نیرومند
شاهنشاهی بنماید .

بامدادان که شیپور (صبح شد) بر عرشه کشتی نواخته میشود و ناویان
از خواب ناز در دریای متلاطم برخاسته بسرعت منظره کوه‌های نیلی دریا
و آسمان تیرخونی و فلق را هیئنگرند و لباس سفید برتن میکنند تمام احساسات
و عشقها را جز عشق با ایران از یاد میبرد .

نیروی دریائی مانند سایر نیروهای ارتش مظهر قدرت و استقلال
وطن است .

ای ایرانی که این صفحات را میخوانی ارتش شاهنشاهی ایران را که
خودت هم در آن مقامی معین داری دوست دار سپاهیان و ناویان افراد
خانواده نانوی ما هستند ما باید بایکدیگر معاونت کنیم باهم بجنگیم و شاید هم
با هم بمیریم . با حس برادری مشقت با برادری شهامت و با برادری مرگ
باهم متحد باشیم .

ای جوانی که این سطور را میخوانی خدمت نظامی را با کمال بشاقت
قبول کن خود را مهیا داشته باش - هم چنانکه صفات مردانگی روح خود را
توسعه میدهی قوت و چالاکی بدن خود را نیز نشو و نماده .

سرباز قوی و مطیع و شجاعی باش که ایران تقاضا دارد صدای بزرگ
ایران را هنگامیکه ترا میطلبند عزیز دار و مقدس شمار و با آغوش باز
استقبال کن .

قدیم ترین عظمت و وسعت نیروی دریائی شاهنشاهی ایران که بحد اعتلای
خود رسیده بود در زمان شاهنشاهان هخامنشی بود منجمله عظیمترین نیروی دریائی
ما در زمان خشایارشا هنگام جنگ با یونان در جدالهای آرتیمیزیوم بود که بحریه
یونان را مغلوب کرد با وجود اینکه سرداری مانند میستوکل در آن جنگ از طرف
دشمن وجود داشت و فرماندهی مانند اوری بیاد اسپارتی ریاست بحریه آنان را بعهده
داشت و با اینکه طوفانی مهیب به نیروی دریائی شاهنشاهی ایران خسارت وارد آورد
معهدنا بحریه ایران سفاین یونان را در آرتیمیزیوم مغلوب کرد و آنها را بسالامین فراری
داد و بعداً در آنجا نیز نبرد دریائی مدهشی بوقوع پیوست که در باره حقایق آن از
نظر منابع ایرانی مدارك تاریخی در دست نیست .

هرودت مینوید :

عده کشتیهای تری رم ایران (یعنی کشتیهایی که سه صف پاروزن داشت) ۱۲۰۰ فروند بود نیروی عظیم بحریه ایران را این مال که اتباع شاهنشاه بودند میراندند فنیقیها و سریانیهای فلسطین ۳۰۰ فروند - مصریها ۲۰۰ فروند - اهالی قبرس ۱۵۰ فروند - اهالی کی لیکه ۱۰۰ فروند - پام فیلان ۳۰ فروند - لیکه ۵۰ فروند - دربانهای آسیائی ۳۰ فروند - کاریانها ۷۰ فروند - ینیانها ۱۰۰ فروند اهالی جزایر ۱۷ فروند - االیانها ۶۰ فروند - هلس پوتی ها ۱۰۰ فروند و هم چنین بقیه از سایر ملل تابعه ایران بود .

عده کشتیهایی که سی یا ۵۰ پاروزن داشت و کشتیهای دراز برای حمل اسبها و کشتیهای سرکور (کشتی دراز) تقریباً به / ۳۰۰۰ فروند میرسید .

سپس هرودت تمجید از زنی بنام آرت میز ایرانی میکند که برای رفتن بجنگ یونان با شجاعت بی نظیری حاضر شد او ملکه یکی از حکمرانان ایران یعنی هالی- کارناس بود که شوهرش مرحوم شده بود این ملکه با ۵ کشتی که پس از کشتیهای صیدائی بهترین کشتیهای بحریه ایران بود بجنگ رفت .

نیروی دریائی شاهنشاهان ساسانی نیز عظیم و شگرف بود نیروهای دریائی شاپور اول و شاپور دوم بر اعراب مهاجم تاختند و آنها را منهزم و منکوب نمودند .

انوشیروان دادگر نیز بقصد تسخیر عربستان در امولیه نزدیک بصره نیروی دریائی تجهیز کرد و از رأس العبد در کرانه عمان گذشت و بیشتر عدن رفت و ناحیه بن را تسخیر کرده ضمیمه ایران نمود اقتدار شاهنشاهی خود را در سراسر شبه جزیره تاریخی عربستان بسط داد .

شاه عباس کبیر صفوی نیز بحره بزرگی در خلیج فارس ایجاد کرد و جزیره بحرین را که در سال ۹۱۲ بدست فرنگیان پرتغالی افتاده و آنها در آنجا قلعه و استحکامات ساخته و اقتدار بهرسانیده بودند بدست اللهویردیغان ییکلریکی فارس تصرف و تسخیر نمود .

نادر شاه افشار نیز در صدد بر آمد نیروی دریائی در خلیج فارس ایجاد نماید چند کشتی از هلندیها و انگلیسها خریداری نمود و بحکمران جدرآباد دکن فرمان داد که ۲۰ کشتی بزرگ ساخته روانه خلیج فارس نماید هنگامیکه مشغول تسخیر داغستان بود کشتیهای مزبور از بندر سورت بخلیج فارس رسیدند بملاو آن بادشاه فاتح امر کرد که از جنگلهای مازندران نخته و الوار بکرانههای خلیج فارس آورده و کشتیها ساخته و بندر بوشهر را مرکز نیروی دریائی خود قرارداد «هانورد جانس بریدج» انگلیسی مینوید در سال ۱۷۸۴ میلادی که وارد بوشهر شدم سه کشتی از کشتیهای نادرشاه بزرگ که هر یک ۵۰۰ تن ظرفیت آنها بود در لنگرگاه بوشهر در خور نادری باتیسانده بود تعداد کشتیهای نادرشاه در خلیج فارس ۳۰۰ فروند بود و تا چند سال پیش آثار و بقایای این

کشتیها و لوله های توپ در بنادر و بعضی جزایر خلیج فارس وجود داشت نادرشاه با این نیروی دریائی توانست بسواحل عربستان لشکرکشی کند و کلب علیخان افشار را که سردارگرمسیرات بود مأمور تسخیر کرانه عربستان نمود و شاید با همین نیروی بحریه و توسعه آن قصد جهانگشائی بسیاری داشت.

ای ایرانی بزرگ - نیاکان خود را بدیده تحمین و عبرت بنگر و از کرده آنان سر مشق برتری خود را طرح ریزی کن بحریه ای قادر و توانا برای فرمائتمانی در آبهای وسیع اقیانوسها ایجاد کن نادر پناه آنها کشتیهای عظیم بازرگانی ایرانی بوجود آمده کالاها صادراتی ما و فرزندان ما را بتمام کرانه های ۵ قطعه جهان برسانند و ایران کبیر را با سراسر دنیا مربوط سازند این است شاهراه ترقی و تعالی که ما تا حال بدان توجهی ننموده ایم .

بالاخره اعلیحضرت فقید سعید نیز بنا به همان رویه ای که پادشاهان بزرگ فوق الذکر ایران رفتار کرده بودند پی برد که برای بسط عظمت ایران باید بتدریج نیروی بحریه بزرگی ایجاد نماید فلذا هر چیز نگهبانی و حفظ بنادر خلیج فارس و جاوگیری از کالای قاچاق و همچنین حفظ مرزها و سکرانه های دریائی ضرورت ایجاد نیروی دریائی را ایجاب میشود با اینکه منافع بعضی از دول استکاک با هلیات مأمورین خرید کشتیهای بحریه ایران در اروپا داشت مهمنذا بنا بکوشش اولیای وزارت جنگ ایران و فعالیت مرحوم ارفع الدوله چند کشتی بکارخانه های کشتی سازی ایتالیا سفارش داده و خریداری شد اگرچه اولین فکر تهیه ناو جنگی در حدود سال ۱۳۰۴ یا ۱۳۰۵ بخاطر اعلیحضرت فقید خطوط کرد و يك ناوچه مین جمع کن آلمانی بظرفیت ۱۴۹ تن خریداری شد و بخرمشهر آورده بدو بنام پهلوی و بعداً بنام شاهین نامیده شد ولی چون بعلت نداشتن وسائل تعمیر زیر آبی و نبودن حوضچه برای بالا کشیدن بدنه آن مدت ده سال توقف در خرمشهر و بندر بوشهر و بندر شاپور باک شده بود در زیر آب بوسیده و قابل اطمینان نبود و فعلاً نیز قابل استفاده نباشد (۱)

در سال ۱۳۱۱ نیروی دریائی شاهنشاهی جنوب بفرماندهی افسر رشید و پاک ایران شادروان شهید دریا دار بایندر تشکیل گردید و ناوها از ایتالیا وارد شد پس از دستگیری خزعل و پایان هانله او چند کشتی از او بتصرف ارتش در آمد که فقط یکی از آنها بنام هما با ۱۰۰۰ تن ظرفیت نگهداری شد و بقیه از قبیل کشتیهای خزعلیه و کارون و غیره بطور مزایده بمصرف فروش درآمد تا سال ۱۳۱۱ فقط دو کشتی هما و شاهین در خرمشهر جزو نیروی دریائی شاهنشاهی موجود بود و افسری بنام سر پرست بحریه جنوب مأمور سر پرستی دو ناو مزبور گردید ناو هما نیز قسمت زیر آبی آن بوسیده و فقط استفاده اقامت در آن بعمل میآید .

در مهرماه ۱۳۱۰ بنا بامر اعلیحضرت فقید سعید يك عده ۲۵۰ نفری از افراد وظیفه

(۱) ناصرالدینشاه نیز يك کشتی ۸۰۰ تنی آلمانی بنام برس بلیس که مجهز به ۴ توپ کروپ و ۲ توپ کوچک بود خریداری کرده بود که در سال ۱۳۰۴ هجری قمری بوسیله افسران دریائی آلمان در بوشهر تسلیم مأمورین دواتی ایران گردید و دیگر کشتی شوش در کارون بود این هردو کشتی خراب و ازین رفت مظفرالدینشاه نیز برای جلوگیری از قاچاق و سرکشی بگمرکان جنوب چند کشتی خرید که اکنون اثری از آنها باقی نیست .

خرمشهر و آبادان و بوشهر به‌راهی ۷ افسر دریائی برای آوردن ناوهای جدید سفارشی و تشکیل نیروی دریائی جنوب بستان ابطالیا رهسپار شدند.

بنابراین تاریخ تشکیل نیروی دریائی شاهنشاهی و سازمان آن در پایان سال ۱۳۱۱ بوده است و تشکیلات نیروی مزبور در ابتدا بدین قرار بود.

ارکان دفتر فرماندهی - بهداری - آموزشگاه مهناری (جایگاه آن در ناو های که بهر يك نوب ۴۷ میلیتری بود) به‌لاوه دو ناو ۹۵۰ تنی و چهار ناو ۳۶۰ تنی .

ارکان دفتر رسته سوم در بندر خرمشهر و واحدهای آن عبارت بودند از :

سه ناوچه ۷۵ تنی مازندران - آذربایجان - گیلان که هر کدام به یک نوب ۳۷ میلیتری بودند که بعداً در سال ۱۳۱۶ جزو اسقاطی بنزاید فروخته شد ، - و کرجی موتور چلچله و ۷ کرجی موتوری .

در سالهای ۱۳۱۲ - ۱۴ و ۱۵ بتدریج تعمیرگاه ثابت - بنگاه فانوسهای دریائی - کشتی بیدک بر بخاری - دو نفت دان - حوض شناور . تعمیرگاه متحرک و در سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ بندر شاهرور سازمان نیروی دریائی جنوب اضافه گردید .

هنگام ورود نیروی دریائی ایران از ابطالیا اعلیحضرت فقید شخصاً بر اثر علاقه برای باز دید آنها ببوشهر رفتند و همراه ناوهای جنگی بخرمشهر حرکت کردند و مرکز پادگان و فرماندهی نیروی دریائی در آنجا مستقر گردید انبارها - تعمیرگاهها - بیمارستان - آموزشگاه نیروی دریائی و اداره بندر خرمشهر یکی پس از دیگری بسرعت ره کمال را پیمود .

سازمان نیروی دریائی شمال و جنوب در شهریور ۱۳۲۰

۱ - نیروی دریائی شمال تشکیل میشد از الف - ارکان نیرو - فرماندهی - امور اداری مستحفظین و تعمیرگاه . ب - ناوچه‌ها و کرجی‌ها .

۱ - ناوچه نهنک دارای ظرفیت ۷۰ تن بدون وسائل فقط بنظور باربری استفاده میشد :

۲ - ناوچه های بابلسر - سفید رود - گرگان هر یک از ناوچه های مذکور دارای ظرفیت

۶۰ تن و هر یک دارای یک دستگاه فرستنده و گیرنده و یک نوب ۴۷ میلیتری اشکودا و یک مسلسل سنگین ماکزیم بوده اند :

۳ - کرجی رامسر و نوشهر (مخصوص سواری اعلیحضرت هایبونی بود) .

۴ - ناو سلطنتی شهوار دارای ظرفیت (۶۰۰ تن) دارای دستگاه فرستنده و گیرنده

ولی بدون اسلحه :

۵ - کرجی نمره ۱ و کرجی نمره ۲ موتور و مخصوص سواری افسران و افراد بوده :

تصرفه ۱ - ۷۶ تفنگ برنو در گروهان مستحفظین موجود بوده است :

۲ - در قسمت شمالی ایران (در کرانه جنوبی بحر خزر) سازمان سه آتشبار ساحل ثابت

و دو آتشبار ساحلی متحرک ماشینی در محلهای زیرین بتصویب رسیده بود :

الف از سه آتشبار ساحلی ثابت (يك آتشبار در آشور آده خلیج گرگان - يك آتشبار

در بندر پهلوی - يك آتشبار در نوشهر) ولی بعداً مقرر شد که يك آتشبار جزو ترکیبات لشکر ۱

در نوشهر و دو آتشبار دیگر جزو لشکر ۱۱ گیلان در بندر پهلوی تشکیل شوند متنها آتشبارهای

مذکور تا شهریور ۱۳۲۰ جزو ترکیبات لشکر های نامبرده منظور ولی به نیب مستقل مکاتیر

مأمور بودند :

ب - دوآنبار ساحلی متحرك ماشینی عملاً وجود نداشته و محل آنها در مرکز نیروی دریایی شمال در نظر گرفته شده بود :

۴ - نیروی دریایی جنوب تشکیل می‌شد از :

الف - ارکان نیرو ۱ - فرماندهی و ستاد نیرو ۲ - بهداری دریایی ۳ - آموزشگاه میناوی (کشتی ۵.۱ ای) ۷۰۰ تن ۴ - تعمیرگاه ثابت ۵ - کشتی یدک بر ۶ - دو نفت دان - حوض شناور و تعمیرگاه متحرك حوض ۷ - بنگاه فانوسهای دریایی ۸ - مراکز چهارگانه تدارکات بنادر ۹ - پاسگاههای فانوس دریایی بوشهر و فانوس دریایی جزیره کیش ۱۰ - دفتر بندری خزعل آباد ۱۱ - اداره بندری بندر شامبور .

ب - دسته یکم

۱ - ناو بزرگ ۹۵۰ تن دارای دستگاه دهنده و گیرنده (موج بلند و متوسط و کوتاه) و ۲ توپ ۱۰۲ دریایی و ۲ توپ ۷۶ دریایی و ضد هوایی و ۲ مسلسل سنگین ماکزیم و ۴۰ قبضه تفنگ برنو .

۲ - دو ناو (شهباز و سبرخ) هر یک بظرفیت ۳۳۰ تن و هر کدام دارای دستگاه دهنده و گیرنده (موج بلند و متوسط) و ۲ توپ ۷۶ دریایی و ۲ مسلسل سنگین ماکزیم و ۲۰ قبضه تفنگ .

ج - دسته دوم

۱ - ناو بلند بظرفیت ۹۵۰ تن دارای دستگاه دهنده و گیرنده (موج بلند و متوسط و کوتاه) و ۲ توپ ۱۰۲ دریایی و ۲ توپ ۷۶ دریایی و ضد هوایی و ۲ مسلسل سنگین ماکزیم و ۴۰ قبضه تفنگ برنو .

۲ - دو ناو (کرکس و شاهرخ) هر یک بظرفیت ۳۳۰ تن و هر کدام دارای دستگاه دهنده و گیرنده (موج متوسط و بلند) و ۲ توپ ۷۶ دریایی و ۲ مسلسل ماکزیم و ۲۰ قبضه تفنگ :

د - دسته سوم

۱ - ارکان دست ساحلی و بندر خرمشهر .
 ۲ - دو گروهان پیاده مستظفی جزایر مرکزی (مرکز آن در خرمشهر و بوشهر) .
 ۳ - ناوچه شاهین بظرفیت ۱۵۰ تن ضمناً بنظور باربری و حمل و نقل خواربار و آب و قط و راهنا استفاده می‌شد .

۴ - کرجی موتوری چلچله - ۵ - کرجی باری کارون - ۶ - کرجی کلهف - ۷ - کرجی چنگر - ۸ - کرجی های موتوری خلیج پیرا شماره ۱ الی ۱۰ از ده کرجی های موتوری هفت فروند بدایره سابق بحریه گمرکات جنوب تعلق داشت که از دایره نامبرده نیروی دریایی جنوب انتقال یافته بودند هر کرجی دارای یک قبضه مسلسل بک - سینم هوئیچکس بوده است کرجی موتوری بندر سسک کرجی سواری فرماندهی .

تیسره - ۱ - اغلب کرجیهای نامبرده که در بنادر تمرکز داشته و بأمورینهای ساحلی می‌رفتند دارای اسلحه بودند .

۲ - کشتی یدک بر بظرفیت ۳۷۵ تن دارای دستگاه دهنده و گیرنده (امواج کوتاه متوسط و بلند) و ۲ مسلسل سنگین و ۲۰ تفنگ بنظور یدک کشیدن ناو ها از آن استفاده می‌شد .

۳ - محل نیروی دریایی شمال بندر پهلوی و محل نیروی دریایی جنوب خرمشهر بود .

افول خورشید جوان سازهان نیروی دریائی جنوب

سوم شهریور ۱۳۲۰ - چون نگارنده تصمیم گرفته‌ام در این تاریخ وقایع شهر بور را شرح و توضیح بدمم باینکه مدارک این وقایع را کلیتاً جمع‌آوری نکرده‌ام معیناً آنرا برای موقع مناسب‌تر و فرصت شایسته تری موکول می‌سازم که بتوانم حقائق را برخلاف آنچه که اشتباهاتاً شایع است بنگارم بهین جهت در قسمت نیروی دریائی ناگزیرم فقط تذکار فاجعه عظیم نابودی نیروی دریائی ایران را تا آنجا که سیر تاریخ نویسی مرا مجبور میکند از تاریخ نظامی بدمم و شرح آنرا ببعده موکول مینمایم. **اینک داستانی که هر ایرانی باید آنرا بخواند.**

نوشتن و شنیدن شرح فاجعه دریائی شدن ناگهانی نیروی دریائی جنوب ایران که دچار بلیه شدیدترین غفلت‌گیریهای جنگی گردید در حالیکه افسران و افراد آن هنوز سر از بالش خواب دوشینه بر نداشته بودند از لحاظ تعسر و شدت اندوه و کثرت رنجی که بنویسنده و خواننده و شنونده دست می‌دهد غیر ممکن است. کلبه عملیات جنگی که در آبادان و خرمشهر در روز سوم شهریور اتفاق افتاد تا ظهر همانروز بیابان رسیده بود و قسمتی تا غروب باتمام رسید یعنی نیروی دریائی بغیر از قسمتی که از بین‌رفت بقیه بدست نیروی نظامی انگلستان افتاد و از نیروهای زمینی آبادان و پل نو هم که موفق بقب نشینی بسمت اهواز نشده بودند کشته یا اسیر گردیدند.

باینکه ایران کشور بیطرفی بود و بیطرفی خود را از هر حیث حفظ کرده بود معیناً دول معظمه سبیه این بیطرفی را هیچ شمرده بیهانه‌های بی ارزش از قبیل وجود ستون پنجم آلمان در ایران و غیره از قبل از مرداد ماه انگلیسها جداً مشغول سوق قوا چه از هندوستان و چه از کشورهای شرق نزدیک و تمرکز آنها در مرزهای ایران بودند و همواره فرودگاههای تازه در جوار مرزهای ایران می‌ساختند و برقع نوافض خطوط مواصلاتی و تأسیس خطوط مخابراتی و مصادره و اجاره وسایل حمل و نقل زمینی و آبی و جمع‌آوری بترین وروغن و خواربار و غیره می برداخته رادیوهای لندن و مسکو نیز مآذیر ساختگی را اعلام میکردند باینکه جای تردیدی در قصد مهاجمه دول مزبور بایران باقی نیگذاشت و طبق گزارشهای مبرهن و مرتبی که از تمام پادگانهای مرزهای زمینی و دریائی میرسید قطعی بود که این دودولت بیطرفی ایران را بهیچ شمرده و ارزشی برای آن قائل نیستند و بزودی از هر سو بکشور عزیز ما حمله بسیار شدید و آتشزایی خواهند کرد معیناً اقداماتی از طرف مرکز برای درک این قضایا بعمل نیامد و وزارت خارجه سرعت عملی بخرج نداد و دولت وسایل دفاعی در مقابل وقایع مدهشی که او را بنا بودی تهدید میکرد بیدیشید کاملاً به اعلان بیطرفی خود و روابط دوستانه همسایگان و تبلیغات سحرآسانی که در رفع القاه شبهه دوستی خود با میکردند مستظهر بود.

ناگهان در ساعت ۴ بعد از نیمه شب سوم شهریور ۱۳۲۰ بدو با آبادان و تقریباً بفاصله ۲۰ دقیقه بعد از آن بخرمشهر غفلتاً از طرف ناوهای جنگی انگلستان ب نیروی دریائی و زمینی ایران حمله میشود.

آمار نیروهای انگلستان عبارت بود از: ۲ الی ۳ لشکر موتوریزه که همه آنان در بصره و تنومه استقرار داشتند و بملاوه تعداد کافی زره پوش و توپهای کالیبر بزرگ و ۱۵۰ هواپیمای اکتشافی و بباران در فرودگاههای مارکبل و شعبه و فار با همه مزبور بوده است.

نیروی دریایی مهاجم عبارت بود از ۲ ناو توپدار ۱۲۰۰ تنی با یک دسته مسلسل ضد هوایی ۱ ناو توپدار ۱۰۶۰ تنی و یک دسته مسلسل ضد هوایی ۳ ناوچه با تجهیزات و ۲ ناو ۶۰۰ تنی با یک دسته مسلسل ضد هوایی ۷ کرجی موتوری مسلح مخصوص گشت شبانه در شطالرب .
 ۲ رزم ناو ۷ هزار تنی بنام کنبیلایارا - یک کشتی فرماندهی و چند بدک شناور مین جمع کن .
 نیرو های ایران عبارت بود از : تمام بحریه ایران که شرح آن در سازمان دریایی داده شد و فرماندهی آن با دریا دار با یندر بوده است .

و نیرو های زمینی منطقه (آبادان و بل نو)

جریان حوادث جنگی وارده بر نیرو های هنگ آبادان - گردان بل نو - نیرو های مرزی معا بر خرمشهر - گروهانهای قصبه و خسرو آباد گروهان ۷ بریم و گروهانها و نیروی های بوارده و جبرفت بقدری بر استان واسف انگیز است که مخصوصاً از لحاظ شهامت سربازان ایرانی باید در اطراف آن کتابها نگاشته شود قبلاً فرماندهی نیرو های زمینی بمده سرهنگ نخجوان بوده است ولی بعداً طبق پیشنهاد فرمانده لشکر ۶ بمده فرمانده نیروی دریایی یعنی دریا دار با یندر محول و سرهنگ نخجوان بمعاونت ایشان منصوب میگردد .

ابتدا از طرف کشتی لورنس و کشتیهای جنگی انگلیس در آبادان دو موشک سبز رنگ که در حقیقت اعلان خطر بود بهوا رفت در همان لحظه چراغهای برق مؤسسات شرکت نفت خاموش شد و تلفونهای بادگان ایران در آبادان که از سیم های شرکت نفت استفاده مینمود از کار افتاد و ارتباط بادگان بانام نقاط و با مرکز لشکر در اهواز قطع گردید و این عامل بسیار مهمی برای برهم خوردگی و عدم انتظام گردید زیرا هیچگونه گزارش تلفنی یا تلگرافی بایستی از فرمانده نیروی دریایی جنوب و با فرمانده نیروی پیاده لر سید .

از چندی پیش عده کثیری سرباز هندی بعنوان کارگر از طرف مهاجم با آبادان و نقاط دیگر وارد گردید و در (بار های) بست شرکت نفت که هیچوقت کنترل نمیشد مقدار بسیار زیادی اسلحه وارد گردید در میان کارمندان انگلیسی شرکت عده افسر وجود داشت که دز لباس معمولی کار میکردند - بعداً نیز معلوم شد در ساختمان (جنرال افس) و کارخانه هندیاها و گاراز بریم مسلسل و در اغلب عبارات قبلاً تفنگچی وجود داشت که عده های مدافع ارتش و واحد هاییکه برای تقویت اعزام میشدند از عقب آنها را هدف گلوله قرار میدادند و قبل از رسیدن بمقصد از بین میبردند .

ساعت ۴ بعد از نصف شب بناگهان با شلیک توبخانه حمله نیروی مهاجم آغاز میگردد سر نوشت ناو پلنگ مأمور پاسداری پالشگاه شرکت نفت انگلیسی - ناگهان صدای فریاد توپ از یک ناو انگلیسی که در ۲۰۰ متری ناو پلنگ متوقف بود بلند شده و یک گلوله در بالای ناو پلنگ متلاشی و باره های آن افراد را که در روی بل فرماندهی مشغول ورزش روزانه بودند مجروح میازد .

ناخدا ۴ میلانیا فرمانده ناو بلا درنگ بافران و افراد دستور میدهد در محل های جنگی خود آماده باشند و بدین فرمان نوبچیان مشغول برداشتن روپوش توبها که مدتی وقت آنها را تلف میکند و همچنین بیرون آوردن فشنگ و حاضر ساختن مسلسلها میگردد .

بناگاه یکدفعه تمام صحنه ناو روشن شد و یک رگبار شدید مسلسل ناو پلنگ را با آتش

خود احاطه مینماید این آتشها بعدی سخت و جان‌گداز بود که در همان لحظه اول قدرت هر عملی را از افسران و افراد سلب و اغلب کشته یا زخمی میشوند.

در این بین هواپسای دشن در اوج کمی با بسب و مسلسل بنا و پلنگ حمله‌ور میگرددند و قسمت فوقانی بل فرماندهی که محل مسلسلها بود مشتعل میشود و آتش بگلوله‌های توپ و فشنگهای مسلسل سرایت میکند در نتیجه انفجار مدهشی رخ میدهد از طرفی گلوله‌های رسام دشن همفها را نمایان ساخته شدت و تاثیر آتش کک میکند بطوریکه مجال هر گونه عملی از کف باقی مانده کارکنان ناو خارج شده دیگر قادر با استفاده از وسائل جنگی خود نیگرددند.

ناخدا ۳ میلانیان تا آخرین دقیقه با شهامت و مردانگی افراد خود را تشجیع مینمود و سر انجام در اثر اصابت چندین گلوله و باره‌های خمپاره به پا و شکم و خارج شدن خون بتدریج ضعف بر او منولی میگردد ولی هیچگاه بفکر خروج از ناو و رها ساختن بست فرماندهی خود نی افتد اما چه سود که منظره فجیع اطراف رسته امید او را بکلی قطع میکند از طرفی مشاهده میکند ناویان یکم ریاضی مقتول گردیده و ناو پلنگ در اثر ضربت یک گلوله توپ سوراخ و بماشین‌خانه آب نفوذ مینماید ناچار فرمان میدهد هر کس برای نجات خود اقدام نماید چند لحظه بفرق شدن بیشتر باقی نبود که چند نفر از باقیمانده افراد ناو پلنگ جد ریاضی و کهنومی و سایر کشتگان و مجروحین را از ناو خارج و در روی اسکله قرار دادند کهنومی افسر جوان بر حرارت و غیوری بود که بیش از همه از این غفلت‌گیری و حمله ناگهانی خشکین بود و با شجاعت بینظیری تا آخرین دقیقه در بست خود میجنگید سر انجام یک گلوله توپ شکم و برا متلاشی کرد ناو پلنگ مانند افسران و افراد باوفا و دلیر و فداکار خود در اعناق آبهای شطالعرب فرق شد. **و با عظمت و جلال بقهر دریاها فرو رفت برای آخرین مرتبه در حالیکه کلمه مقدس ایران را مخابره می نمود چنین میگفت.**

ای فرزندانیکه در روی این فلات وسیع و رفیع که در قلب جهان گسترده شده است زندگانی میکنید ما بقربانگاه جاودانی عشق رفتم آب از سرحدیث آرزومندی ما در گذشت ولی وظایف بسیاری بر عهده شما محول ساختیم اگر میخواهید مانند ما در بهشت افتخار وارد شوید باید در راه ایران نقد جان را بیازید یا پیروز شوید یا بهترین مردن‌ها را که مرگ بر روی سیر و نوشیدن شربت گوارای شهادت است و هزار مرتبه بهتر از مردن بگمنامی و زبونی است استقبال کنید.

ما دین خود را با تعصیل بهترین درجات افتخار ادا کردیم ...
ای آب عظیم زمانی ما بر تو حکمفرمایی میکردیم اکنون تو ما را در آغوش خود بگیر ...

ناخدا ۳ میلانیان در بهداری ارتش بر اثر جراحات وارده فوت نمود و بدین ترتیب تمام افسران پلنگ بجز سنوان ۳ و هاب زادگان که در مرخصی بود شهید شده و از میناویان و ملوانان نیز بیش از چند تن باقی نماندند.

پس از چند روز هنگامیکه فرمانده ناوانگلیس بدین بیمارستان آبادان میرود از میناوی رفیمی سؤال میکند بچه علت گاهی با مسلسل و توپهای خود فرار لروی میکردید و چرا در مقابل شلیک توپهای

ما ناو پلنگ جواب نداد مهنای مزبور پاسخ می‌دهد از موقعیکه بنگاه‌های نفت بحرین بباران شد مأمور شدیم باآبادان بیانییم تا اگر احیاناً هوایا های خارجی بنایع نفت آبادان حمله نمایند بفتح شرکت شما دفاع کنیم و هیچوقت تصور ابراز دشمنی و خصومت از طرف شما نمی‌کردیم حمله شما بقدری ناگهانی و آتش‌هواپیماها و توپخانه و مسلسل‌ها بعدی شدید بود که در همان وحله اول افسران و ملوانان ماکشت و با بکلی از کار افتادند و مجالی برای ما باقی نماند.

ناوهای کرکس و شهباز و حمله ناگهانی بندر شاهرور (۴ شهریور)

ناوهای مهاجم سرعت بسوی آنها بیش آمده در تاریکی و وجود مه از فاصله ۵۰ تا ۱۰۰ متری ناگهان دیده شدند و این فاصله را هم در مدتی کمتر از ۳۰ ثانیه پیموده با ضربه شدیدی ناو شهباز را که پیچیده به ناو کرکس بود پهلو گرفتند بلا فاصله بدون اینکه افسران و ناویان بتوانند عملی ابراز کنند نعت حمایت آتش مسلسلها ۱۵۰ نفر سرباز مسلح به ناوها وارد و بادسته‌های ۱۰ - ۱۲ نفر در ظرف چند ثانیه تمام نقاط مهم ناو و منجمله توپها و اسلحه و مهمات و مخزن نفت و غیره را مثل آنکه قبلاً از محل آنها اطلاع دارند اشغال نمودند عده‌ای هم از سربازان مهاجم بدستگیر ساختن افسران و افراد مشغول شدند - اشغال و تصرف دو ناو مزبور بکمترتبه و در اقل مدت متصوره انجام یافت.

سروان رسالی گزارش می‌دهد يك نفر افسر انگلیسی چنین اظهار نمود (ما ممکن نبود این راه را بتوانیم بدون راهنما به بیانییم ما با استفاده از بلك كشهای شرکت نفت آبادان و راهنمایی خود ایرانیان توانستیم خط سیر ناوهای خود را پیدا کرده خورموسی را طی کنیم روشن بودن چراغهای خور نیز بما کمک کرد در نتیجه در ساعت بیش بینی شده توانستیم بدون کوچکترین خطر در چند متری ناوهای ایران برسیم)

تمام جدیت مهاجمین این بود که بندر شاهرور را با ناوهای ایرانی و کشتیهای پناهنده آلمانی و ایتالیایی با آبهای ایران را صحیح و سالم بدست آورند و برای پیشرفت کار خود قبلاً نقشه های مرتب و وسیعی را طرح کرده بودند که عیناً اجرا شده است - در همان لحظه اول دو کشتی آلمان را اشغال نمودند کشتی سوم آلمانی موفق شد قبل از آنکه بدست دشمن بیافتد با سرعت موتورهای خود را منهدم سازد کارکنان کشتی چهارم آلمانی که در عقب ناو شهباز و کرکس لنگر انداخته بود فوراً خود را آتش زده و غرق نمود.

کشتیهای ایتالیایی که دورتر از سایرین لنگر انداخته بودند اگرچه موفق بنور خود نهب شوند ولی بانخرب مونسورها نامدنی آنها را از حیز انتفاع خارج می‌سازند بلك كشتی آلمانی هم به گل زده میشود.

غرق ناو ببر و حمله به خره شهر.

فرمانده نیروی دریایی خره شهر ناوسروان آهنین بمحض حمله ناگهانی نیروی مهاجم که نفر بیست و دو دقیقه بعد از حمله باآبادان شروع گردید برخاسته دستور می‌دهد افراد اسلحه بگیرند پس از چند دقیقه ۵۰ نفر از آنها را که مسلح شده بودند به سرپرستی ناوی سنگرگیر بمحل تلاقی کارون و شط العرب (در محلی که مجسمه بود) می‌فرستد که وضیت شط را مراقبت نمایند (از فرار معلوم این عده چون در آنوقت چیزی در آنجا مشاهده نمیکنند مراجعت مینمایند) در این میان ناگاه ناوسروان زند سرنگهبان نیروی دریایی باتفاق ناخدا ۳۱ مشکین نفس باوحشت و عجله رسیده اظهار مینمایند تسرب نماید زود زود به ناو دشمن تیر اندازی کنید . در این موقع ناو دشمن که در بالای ملتقای کارون

متوقف بود با نورافکن خود معوطه سربازخانه و ناوها را که در کنار ساحل کارون مقابل سربازخانه لنگر انداخته بودند روشن نمود و بلافاصله ناو پیر را زیر آتش شدید توپخانه و مسلسل‌های خود قرار داد - ناو مزبور مشتعل گردید در این هنگام دریادار بایندر نیز بسربازخانه رسیده چون ناو پیر را بحال اشتعال می‌بیند فوراً دستور میدهد در آتش‌نشانی آن اقدام و تاملراجت ایشان دست از مقاومت بر ندارند و بعلاوه به ناویان یکم صدوی که در روی ناو شاهرخ بود دستور تیراندازی بطرف ناو دشمن میدهد دریادار بایندر پس از صدور دستورهای بالاسوار فایز شده با نظرف کارون میرود در این بین به ناوسروان سراج و ستوان ۲ وظیفه دگر رفیعی بر خورده بوسیله آنها بسرهنگک نخبه‌ان فرمانده تیپ پیاده بیغام میدهد تا مراجعت ایشان باید قسمتهای زمینی ایستادگی و مقاومت نمایند .

ناو مهاجم بنام یارا لابنقطع بطرف نارها و سربازخانه مآتش‌نشانی کرده افراد واسلحه‌خانه در مرض آتش دشمن واقع میشود یارا وارد کارون گردیده پیش می‌آید ناخدا ۳ تقدی دستور میدهد نگذارند دشمن با بخشکی بگذارد .

افراد بیلاکه نیروی دریائی کم و بیش بطرف ناوهای دشمن تیر اندازی میکنند ولی تأثیری نمی‌بخشد ناخدا ۳ تقدی در ضمن انجام وظیفه و تشجیع افراد بمقاومت و یا فشاری متأسفانه غفلتاً هدف یکی از نیرهای مسلسل واقع شده می‌افتد او را به بیارستان نیرو میرند با اینکه زخم این افسر مستلزم مراقبت عمل فوری بود تا از خطر مرگ رهایی باید ولی چون رئیس بهداری وسایرین نبودند چندین روز بدون مراقبت و عمل باقی میماند تا اینکه تب شدید که علامت مسمومیت خون بود عارض و درآبادان فوت می‌نماید .

در عقب ناو یارا ناو حامل افراد مهاجم وارد کارون میشود وشلیک شدید این ناو بباری از افراد نیروی دریائی را بظاک هلاک می‌اندازد دشمن با سرعت عجیبی با کمک نارنجک و مسلسل هواپسرها پیاده میشود و افراد نیروی دریائی را بکلی متناصل می‌سازند در این ضمن از نخلستانهای عقب ابنیه نیروصدای تیر بلند میشود معلوم میگردد عده‌ای از عقب نیز به نیروی دریائی حمله نموده‌اند . طبق گزارش ناوسروان آهنین در پست امنه بهر جا که تاملن شد قطع بود جواب ندادند . هنگامیکه دریادار بایندر با اتومبیل بسمت بی‌سیم کشوری میرفت و سروان مگری نژاد فرمانده قسمت توپخانه نیز با او بوده است زره پوشهای دشمن را می‌بیند که آتشبار حصار بهت آنها تیر اندازی می‌نماید ناوسروان مزبور از کارون عبور نموده خود را بحفار میرساند .

منظور از رفتن دریادار بایندر بسمت میدان بی‌سیم برای سرکشی بواحدهای بل نو و گزارش شرح وقایع بمقامات عالییه بوده است ولی بناگاه در نزدیک ابنیه بی‌سیم خود را در مقابل زره پوشهای مهاجم که از بل نو و پشت نخلستانها ظاهر میشوند می‌بیند و در موقعیکه با سروان مگری نژاد از اتومبیل خارج میگردد به اند ناگهان بطرف آنها شلیک شده هر دو شهید میشوند در هر حال روز بعد از این واقعه انگلیسها بانشریفات نظامی و باحضور افسران و افراد ایرانی که اسیر بودند جسد او را دوتزدیکی مجسمه بظاک می‌سپارند .

عبور عده دشمن از روز چهارم شهر یور در مقابل مارد کارون شروع و چندین روز ادامه داشت . افرادی که از نیروی زمینی و دریائی خرمشهر و آبادان بسمت اهواز عزیمت نمودند در حدود ۹۰۰ نفر بودند ولی بیش از ۲۷۰ نفر آنها باهواز نرسیدند عده بواسطه تشنگی در راه جان می‌سپارند

عده هم برای بدست آوردن آب و نان با طراف منواری میگردند و عده را هم اعراب وحشی بطمح ربودن تفنگ و فشنگ بقتل میرسانند .

قوای مهاجم پس از تصرف نیروی دریائی آنچه تفنگ و فشنگ و وسایل جنگی در سربازخانه و انبارها و ناوها بود میبرند .

ناو بیرونز آتش گرفته و فرق شد . فرمانده این ناو در مرخصی تهران بود و افسران آن هم با عده از افراد برای نیر اندازی قبل از ساعت حمله از ناو خارج شده بودند .

ناوبلنگ هم بطوریکه گفتیم غرق شد . ناوشهباز که مأمور حفاظت بندر شاهرور بود بواسطه اطعمه که به پروانه و سایر قایقهای آن وارد آمد بکلی از حیز انتفاع خارج گردید . بقیه ناوها را نیروی مهاجم برد . یعنی کرکس . همای . سیرخ . شاهرخ . و کشتی بدک بر و کشتی های بناننده آلمانی و ایتالیائی و غیره افسران زیراز نیروی دریائی جنوب شهید شده اند . دربادار بایندر . ناخدا ۳ نقدی . ناخدا ۳ میلانیان . ناوبان یک کمپونی . ناوبان یک ریاضی . ناوبان یک هریسچی ناو . روان بایندر (که مأمور نیروی دریائی شمال بود در موقع بباران هوائی کشته میشود) .

باین ترتیب قبل از ظهر سوم شهریور ۱۳۲۰ اثری از نیروی دریائی ایران باقی نماند آنهمه تأسیسات و تشکیلات که باهزینه هنگفت و خون دل تهیه شده بود و بقای آن منتهای آمال و آرزوی ایرانیان بود از بین رفت .

نیروی دریائی خاصه ناوهای بیرون و بلنگ بجزا بر هنگام و قشم و سایر بنادر جنوبی ایران سرکشی میکردند اعراب سکنه ساحلها خاصه قاجاقچیان از آمد و رفت این کشتیها در خلیج فارس فوق العاده خائف و یسناک بودند بملاوه از نظر پرورش فکر دریا نوردی و روحه بحر پیمائی اثرات بسیار شگفتی در پرورش نبوغ و دهاء و برتری ایرانیان داشت .

ولی در این جایگاه نکتته راجع بنیروی مهاجم باید گفته شود آنها با این خبرگان نظامی که داشتند و میدانستند که میتواند فوراً نیروهای خود را پیاده کرده و ناوها را تصرف کنند و شاید با مقاومت همی هم روبرو نخواهند شد و با اینکه قبلاً از طریق شرکت نفت تمام مواضع را اشغال و از همه طرف وسایل پیشرفت خود را فراهم کرده بودند حتی بعداً رادیوها و وسایل تبلیغاتی آنها اقرار کرد که همه گونه تدابیر را در برابر مقاومت احتمالی ایران اندیشیده و از هندوستان نیز قوای معظمی در مرزهای خاوری ایران تمرکز داده بودند .

با این اعتقاد که بوضع خارق العاده نیروی خود داشتند چرا بحیره ایران را با ملوانان و ناویان جوان و افسران رشید فداکارش با فبیح ترین وضع غافلگیر ناگهانی تلف و نابود کرده و در زیر آتش مسلسلها و توپها و بباران و خمپاره های خود محو و خاکستر نمودند .

آیا این عمل بیک عمل خصمانه ای نبود ؟ تاریخ بشریت در آینده این فاجعه و بی عدالتی دول دموکراسی را کاملاً قضاوت و بررسی خواهد نمود . صدماتی که در وقایع شهریور بر اثر توقف نیروهای بیگانه در شمال و جنوب باین ملت وارد آمد و در هیچگونه مزایای بعدی سودی بهره ما نشد بقدری زیاد و خارج از حد و فزون از شمار است که هیچ مورخی یارای شرح آنرا ندارد .

عهد

نیروی دریائی ایران بلافاصله پس از شهریور ۱۳۲۰ یعنی در اوایل مهر منحل شد ولی از آنجائیکه هیچ آتشی که از سرچشمه ایمان و عشق بوطن پرستی افسران ایرانی مایه میگردد خاموش نیگردد بهمت افسران با شهامت نیروی دریائی ایران مجدداً در آذر ۱۳۲۵ تشکیل و تأسیس یافت ۴ تا ۳۶۰ تنی را که انگلیسیان برده بودند بنا بتخیز ارتش ایران سه عدد آنها را در ۱۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۵ مسترد داشتند و ناو کرکس را ادعا کرده اند که بمصرف تعمیر و مرمت و لوازم یدکی ۳ ناو دیگر قطعه قطعه و خراب کردند در صورتیکه بعضی از مطلقین اظهار عقیده میکنند ممکن است در جنگم غرق شده باشد ناوهای شهباز و سبیرغ و شاهرخ فعلاً در نعت اختیار نیروی دریائی ایران است ولی این ناوها در ابتدا ۲ توپ ۷۶ دریائی ساخت کارخانه آنساله و ایتالیا داشتند و الان با یک توپ ۷۵ کانادائی تعویض داده شده اند و بعلاوه بسیار فرسوده شده اند زیرا علاوه بر کثرت کاریکه در جنگ از آنها گرفته اند اساساً این ناوها دوره خدمت خود را تمام کرده در ۱۰ ساخته شده در سال ۱۸ دوره ضمانت آنها طبق تعهد کارخانه تمام شده است مهذا اکنون از آنها استفاده شایانی در خلیج میشود تقریباً در حدود ۵۰۰ نفر از نیروی دریائی جنوب در وقایع شهریور تلف شده اند.

ناوچه های شمال را هم روسها بردند و اخیراً مسترد داشتند اکنون ۴ ناوچه در شمال بعلاوه ناوهای جنوب و یک یدک بر بندر شامبور نیروی دریائی ما را تشکیل میدهد ناوها بطور مایل غیر استفاده افتاده و شاهین را هم در نزدیکی حصار غرق کردند گاهی که آب کم میشود دودکش آن پیدا است فرمانده کل نیروی دریائی جنوب ناخدا یکم ظلمی و فرمانده شمال ناخدا یکم دفتری و رئیس دایره امور دریائی ستاد ارتش ناخدا یکم بایندر میباشند.

ما ایرانیها دگر باره نیروی دریائی خود را شگرف تر و وسیع تر عظیم تر و صدها برابر فزونتر و با ابهت تر از پیش ایجاد خواهیم نمود و بر اقیانوسهای جهان کشتی خواهیم راند کشتی های بازرگانی ما در پناه ناوهای جنگی و زره دارهای دریائی ما و ناوشکن ها وزیر دریائیهای ما صادرات نمین و محصولات کهرین ما را بجهانیان عرضه خواهند نمود و ثروت های دنیا را برای ما خواهند آورد ما در راه عظمت ایران فاجعه های وارده گذشته خود را تحمل خواهیم نمود ما با نیروی پر شری که در نهاد هر یک فرد فرد ایرانی نهفته و مانند آتش فشان خاموشی منتظر فوران است جبران گذشته را با فداکاریهای حماسه خواهیم نمود جاویدان مانی ای ایران کبیر و سراسر معدلت آسیا . پاینده باشید ای ملت قاهر و توانا

ابن است همان ایوان کز نقش رخ مردم خاک در او بودی دیوار نگارستان
این است همان دژ که کاور از شهبان بودی دیلم ملک بابل هندو شه ترکستان
پندار همان عهد است از دیده فکرت بین در سلسله در که در کوکبه میدان

جلد دوم

از وقایع شهریور ماه ۱۳۲۰ تا شهریور ۱۳۲۶

و تاریخ یکساله خونین آذربایجان

فصل پانزدهم

شب زنگی و تیره سوم شهریور

شبی چون شب روی شسته بقیر	نه بهرام پیدا نه کبوان نه تیر
دگر گونه آرایشی کرد ماه	بیج گنر کرد بر پیشگاه
شده تیره اندر سرای دورنگ	میان کرده باریک و دل کرده تنگ
ز تاجش سه بهره شده لاجورد	سیرده هوا را به زنگار و گرد
سیاه شب تیره بر دشت و راغ	یکی فرش گسترده چون پر زاغ
چو یولاد زنگار خورده سهر	تو گفتمی بقیر اندر اندوده چهر
نمودم ز هر سو بچشم اهرمن	چو مار سه باز کرده دهن
هر آنکه که برزد یکی باد سرد	چو زنگی برانگبخت زانگشت کرد
چنان گشت باغ و لب جویبار	کجا موج خبزد ز دریای قار
فرو مانده گردون گردان بجای	شده ست خورشیدرادست و یای

شب سوم حوت ۱۲۹۹ برای تاریخ درخشان ایران شبی بود شب سوم شهریور ۱۳۲۰ نیز برای سیاه پوشان تاریخ ما شبی ما کشور بیطرفی بودیم مقررات بیطرفی ما را متفقین نقض کردند بدون اینکه ارتش ما حاضر بچنگ باشد بدون هیچگونه علائم و مقرراتی بر علیه دوستی ناگهانی چهار ساعت بعد از نیمه شب این شب منحوس دو کشور قوی پنجه که با آلمان فاشیست می جنگیدند و همان دو کشوری که با کمک ما آلمان هیتلری نازیسم را از یای در آوردند با سپاه بی آمار و شمار غدار خود از دوسو بر ما کوفتند و شهرهای بی دفاع ما را آماج بمبهای آتش زای آخرین اختراع خود نمودند ملت ما را زیر آتش بیدریغ خود سوختند و کشور ما را که بر اثر سیاستهای شرقی ویران بود ویرانه تر کردند مانند مور و ملخ سپاهیان مجهز

آنان از تمام مرزهای شمالی و جنوبی بخاک ما ریختند و مردم ما را بخاک و خون کشیدند صدمات و لطمات بی حد و حصری و بی شمار و حسابی بر سر ما وارد ساختند قحط و غلاء و فقر و بلا بر ما روا داشتند کردند آنچه را که با دشمنان خود میکردند روزان و شبان متمادی نیروهای جرار و بی عداد و آمار شان از مرزهای دریائی از راههای خشکی با هوا پیمای باراه آهن و با کشتیها با انواع وسایل از هر سو ناگهان بکشور ما هجوم آوردند نیروی دریائی ما را در حله اول بفاصله چند دقیقه با نفرات ناربان ما بقصر دریاها سرنگون ساختند و آتش شردبار - الاحهای مخوف بر رخ نفرات و افسران ما باریدند و شهداء زیادی از کسانی که آمل و آرزوهای بسیاری در راه عظمت ایران در سر می پروراندند بتاریخ ما دادند . تاریخ این فاجعه عظمی و فاجعه های بعدی آنرا هیچگاه از یاد نخواهد برد و عالم بشریت و ابدیت این جهان در ستارگت خود نقش این وقایع خوین را ضبط ساخته است میتوان روزی تمام میادین این قتالها را از اختران آسمان فیلمبرداری نمود و برای یادبود و یادگار تمدن دموکراسی غربی در روزگاری که بهبودی حیات جایگزین ناهنجاری های امروزی خواهد شد برای عبرت بینندگان متمدن و اخلاقی آینده نو بمعرض نمایش گذاشت .

مردم باشهامت و سلحشور کشور ما مخصوصاً افراد و نفرات سربازان و افسران ارتش شاهنشاهی ما همه باید غیرت و همت و شجاعت بی نظیری نسبت باین مهاجمه بطوری عصبانی بودند که اگر اراده زمامداران بجمع آنها تعلق میگرفت و فرمان دفاع و جهاد صادر میگردد با وضع طبیعی که کشور ما از لحاظ مدافعه داشت و شرح آنرا در فصول مقدمه و جغرافیائی این تاریخ داده ایم ممکن بود نیروهای مهاجم را ماهها و مدتها با همین فقر و وسایل دفاعی که داشتیم در بیابانها و غار کوهستانها سرگردان و عاطل و باطل بگذارند و تلفات سنگین و مدهشی بدشان وارد سازند .

برای اینکه احساسات ملت ایران تشریح شود این اعلامیه که حاوی مطالب مهمی است و از طرف ستاد ارتش صادر گردیده بود برای جمله ای که در آخر دارد ضبط در این تاریخ میگردد .

۱ - ساعت ۴ روز سوم شهریورماه ارتش شوروی در شمال و ارتش انگلیس در باختر و جنوب باختری مرزهای کشور را مورد تجاوز و تعرض قرار دادند .

۲ - شهرهای تبریز - اردبیل - رضایه - خوی - اهر - میاندوآب - ماکو - مهاباد - بناب - رشت - حسن کیاده - میانه - اهواز - و بندر بهلوی مورد بمباران هوایی واقع و تلفات وارده نسبت به مردم غیرنظامی زیاد و نسبت بنظامیان با وجودیکه سربازخانه‌ها را بمباران می‌نمودند معذک تلفات نسبتاً کم بوده است .

یک هواپیمای مهاجم در ناحیه تبریز در نتیجه تیر اندازی توپخانه ضد هوایی سرنگون شده است .

۳ - نیروی موتوریزه و مکابزه شوروی در محور جلفا - مرند - یل دشت - ماکو - قره ضیاءالدین و نیروی موتوریزه و مکابزه ارتش انگلیس در محور خانقین - قصر شیرین - نفت خانه گیلان - آبادان - بندر شامپور - قصر شیخ بتمرض پرداخته اند .

۴ - نیروی دریائی شوروی در کرانه های دریای خزر و نیروی دریائی انگلیس در بندر شامپور و خرمشهر تعرض نمودند .

۵ - واحدهای ارتش شاهنشاهی که غافلگیر شده‌اند در حدود امکان باستقبال آنها شتافته و در نقاط مختلف با آنها تماس حاصل نموده و بدفاع پرداخته اند دو اراه زره پوش مهاجم در منطقه باختر مورد اصابت و از کار افتاده و پیشروی مهاجمین را متوقف ساخته اند .

۶ - در کبهه مناطق شمالی و باختری روجه اهالی بسیار خوب و عموماً تقاضای دخول در صفوف ارتش و حرکت بجبهه را برای دفاع از میهن می‌مایند . آری روجه اهالی تمام نقاط کشور ایران برای دفاع از میهن خوب بود .

در تهران از روز اول شهریور رایحه مخوف و منحوسی استشمام میشد ملت ایران پیر و برنا در صدد بودند اگر کوچکترین اتفاقی بر علیه استقلال میهن رخ دهد سر و جان خویش را نثار نموده در راه میهن جانباری و فداکاری نمایند شبی که افسران جدید از دانشکده افسری بمنازل خود شتافته خویش را مهبای حرکت بسوی جبهه های جنگ مینمودند یکی از افسران وظیفه در (وقایع شهریور) نقل میکند .

سوار درشکه شده بست منزل میرفتیم در بین راه با رفیق خویش که داخل درشکه بود صحبت نموده میگفتم صبح زود با آنکه خانام دور افتاده از شهر است از کجا درشکه پیدا کنم که اناهام را براه آهن برسانم .

سحر هنوز از خواب بیدار نشده بودم که صدای در از خواب بیدارم کرد برادر کوچکم رفت به بیدند کیمت آمد گفت داداش درشکه چی آمده و چمدانها را میخواهد تعجب نموده شخصاً بیرون آمدم من درشکه نخواسته بودم این از کجا آمده است معلوم شد این همان درشکه چی دیشب است صحبت ما را شنیده اکنون

آمده است بمحض اینکه مرا دید گفت سرکار من از دیشب تا بحالا نخوابیده‌ام که مبادا خوابم ببرد و شما در زحمت بیفتید .

درشکه چی میهن پرست بهم خود از این راه خدمت نموده با خوشروئی ائانه را داخل درشکه گذارد و باشش نفر اهل خانه مارا بایستگاه رساند . منم برای این محبت او صد ریال خواستم انعام دهم پائین آمده دستم را بوسید و گفت بگذارید تا منم از اینراه بوطن خود خدمتی کرده باشم .

هرچه اصرار کردم یول نگرفت درشکه خود را بدست یکی از باربران سپرده چمدان مرا تا پای قطار آورد هنگام حرکت میدیدم درشکه چی مانند اینکه یکی از فرزندان خود را روانه جبهه میسازد بغض کلویش را گرفته اشک از دیدگانش سرازیر کرده بود - عبرت بگیرد عبرت بگیرد از آمادگی دفاع هم میهنان خود در مورد دیگر .

اتوبوسها بمحض اینکه افری را با اسباب سفر مشاهده میکردند خارج از ایستگاه بدون آنکه اودست بلند کند توقف کرده شاگرد شو فرها دوان دوان اسباب و تختخواب سفری و لوازم افررا با محبت بی نظیر و سرعت فوق العاده بالای اتوبوس جای داده و افررا سوار میکردند همینکه بیانشاه میرسیدند یول میدادند علاوه بر اینکه شو فرها قبول نمیکردند شاگرد شو فرها با خوشروئی و سرعت مفرشدا تا محوطه گروهان میرسایندند .

اتومبیلهای سواری همینکه سربازی را در دل شب یا در روز دوان دوان بطرف لشکرها مشاهده میکردند توقف کرده او را سوار نموده سرعت بمقصد میرسایندند و انواع محبت را مرعی می داشتند .

منازما و دکا کین در آنروزها حداقل تخفیف را نسبت بلوازم سفر افران مراعات نموده و از خود گذشتگی بی نظیری نشان میدادند .

علاوه بر لشکرها ۲۰۱ که فرماندهی اولی با سرلشکر بوندرجهری و دومی با سرلشکر نقدی بود و مأمور یادگان تهران بودند ۱۱ لشکر در صحنه عملیات با نیروهای مهاجم خارجی تماس داشتند و فرماندهان آنان بدین قرار بودند .

۱ - لشکر ۳ تبریز فرماندهی سرلشکر مطبوعی ۲ - لشکر ۴ رضایه فرماندهی سرلشکر معینی ۳ - لشکر ۵ کردستان فرماندهی سرلشکر مقدم ۴ - لشکر ۶ خوزستان فرماندهی سرلشکر شاه بختی ۵ - لشکر ۹ خراسان فرماندهی سرلشکر محتشمی ۶ - لشکر ۱۰ گرگان بکفالت فرماندهی سرهنگ ممتضدی ۷ - لشکر ۱۱ کیلان فرماندهی سرتیب قدر ۸ - لشکر ۱۲ کرمانشاه فرماندهی سرتیب پوریا ۹ - لشکر ۱۵ اردبیل فرماندهی

سرتیب قادری ۱۰ - لشکر ۱۷ خوی (تحت نظر تیمار سرلشکر مینی فرمانده لشکر رضاییه)
 ۱۱ - لشکر ۱۸ تربت جام بفرماندهی سرهنگ سرنیسی .

آرمافند کازل میگوید : هرملتی که خواه بواسطه عدم مساعدت بغت خواه بمناسبت کثرت عده دشمنان منلوب شده باشد اگر احساس درد شکست خود را حفظ کند و متأثر باشد همواره بزرگ و قوی پایدار میماند ولی اگر این احساس را فراموش کند یا بآن درد عادت کند و دیگر از آن متالم نکردد تا ابد تلف شده است .

ما ایرانیان نباید این درد والمی که برای ماییش آمده است هیچگاه فراموش کنیم اگرچه در آن یکنه و بی تقصیر بوده غافلگیر شده ایم .

چند روز قبل از شهریور ۱۳۲۰ که هیچگونه وقوع حادثه ای احساس نمیشد دانشجویان دانشکده افسری در افسدیه گاهگاهی دورهم جمع شده با نگرانی اوضاع آیندرا تفسیر مینمودند و بهم میگفتند اگر لازم باشد برای دفاع میهن همه نوع فداکاری خواهیم کرد .

ناگهان در ۲۶ مرداد بخشنامه ای شد که دانشجویان شمشیر و ایلت افسری را بکاربرداری دانشکده تعویب دهند زیرا حسب الامر اعلیحضرت شاهنشاه فقید مقرر گردید جشن آنسال بسادگی برگزار گردد در عصر سه شنبه ۲۹ مرداد نیز مقرر گردید مراسم اعطای سردوشی افسران جدید در افسدیه برگزار شود .

معلوم بود که چون جشن موقوف و یکماه مرخصی دانشجویان از بین رفته و بلافاصله باموریت خواهند رفت حوادثی پیش بینی شده است .

دو یادداشت که یکی در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۲۰ و دیگری در ۲۵ مردادماه ۱۳۲۰ از طرف متفقین شمالی و جنوبی تسلیم دولت ایران شده بود مرحله پنجم بستی را خاطر نشان میساخت .

۱۰۷۳ افسر: در روز سه شنبه ۲۹ مرداد از دانشکده افسری ۱۰۷۳ افسر بارتش ایران داده شد اعلیحضرت فقید در آنروز بسیار گرفته بنظر میرسید ۹۶۴ نفر افسر از دانشکده افسری و ۱۰۹ افسر از سایر آموزشگاههای مختلف ارتش و ۴۲ نفر افسران فارغ التحصیل دانشگاه جنگ نیز بافتخار شمول مراسم شاهنشاه سرفراز گردیدند اعلیحضرت فقید در پایان مراسم فرمودند . در اینموقع بشما دانشجویان دانشکده افسری که تحصیلات خود را در دانشکده تمام کرده و امروز باخذ گواهی نامه و یا بعبارت دیگر فرمان افسری نائل میشوید تبریک میگویم .

امیدوارم در آینده بواسطه حسن خدمت و انجام وظیفه بدرجات بالاتر و بمقام عالیتر نائل شوید - شاید بعضی ها پیش خودشان تصور کنند که امسال از یکماه مرخصی معمولی دانشکده محروم شده اند ولی البته بعد که علل و جهات آنرا فهمیدند تصور میکنم حسن فداکاری آنان تعریک شود .

بیش از این لازم نیست توجه شما را بوظایف عمومی وموقعیت مخصوص امروز جلب کنم همینقدر میگویم لازم است ارتش و افسران ارتش با کمال توجه بجرایان اوضاع علاقمند باشند و در موقع لزوم از هیچگونه فداکاری و جان بازی خودداری ننمایند پس از این نطق اسرار آمیز شاهنشاه فقید با اینکه بمداز ادای آن بکسر بسوی اتومبیل خود رفته وتقسیم جوایز بو الاحضرت ولیعهد

معمول گردید همه فهمیدند وقایع وخیمی در شرف حدوث است يك نکته از این بیانات پیدا بود و آن این است که شاهنشاه نیز اعتماد به ارتش داشت زیرا فرمود بعد که هلال و جهت آنرا فهمیدند تصور میکنم حس فداکاری آنان تحریک شود یعنی علاوه بر اینکه اگر از یکماه مرخصی محروم مانده اند اهداتی نخواهد داشت در راه وطن محرومیت های دیگری را نیز تحمل خواهند کرد. نتیجه چنین میشود اگر خیانت بعضی از سران ارتش که بعداً خود شاهنشاه هم آنها را مادام که در ایران بود بمجازات رسانید و هم چنین اگر خیانت بعضی از فرماندهان لشکرها مزید بر علت نسبگردید ارتش شاهنشاهی ایران چنانکه در وقایع آذربایجان بعداً امتحان دادسرافرازی خود را بعد کمال حفظ مینمود.

در مقابل آن فرماندهان خائن هنوز ارتش دارای فرماندهانی چون سیهبد یزدان پناه می باشد و بر امثال او که خوشبختانه زیاد هستند پشتیبانی داشته و می باشد.

بطوری که در این تاریخ قبلاً تذکر داده شد مؤلف قصد ندارد مشروحاً وقایع شهر یور ۱۳۲۰ را در اینجا تذکر دهد زیرا این وقایع اگر چه قسمت اعظم آن بر نگارنده روشن شده و مدارک کامل آنرا بدست آورده ام ولی از لحاظ اینکه از منظور ما در این کتاب دور است آنرا در تالیف دیگری که در دست دارم انتشار خواهم داد ضمناً باید گفته شود شرح وقایع شهر یور بسیار مفصل و محتاج بنگارش چندین جلد کتاب است انشاء الله در آتیه نزدیک با انتشار آن پس از يك کتاب دیگری که اکنون حاضر میباشد نائل خواهم شد.

خاصه اینکه پس از دوروز عملیات روز ۵ - ۶ - ۱۳۲۰ وضعیت عمومی ارتش در شهر یور بدین فرار بود و بلافاصله جریان متار که را پیش آورد.

در شماله ب روسها وارد تبریز شدند و یکسر بطرف میانه حرکت کردند در نتیجه لشکر ۴ بطرف مراغه رفته لشکر ۱۰ هم پس از رسیدن روسها به یانه در شمال ارتفاعات بزفوش باقی مانده و دور زده شده است و چون در تهران هم تصویب نشده عهدی اعزام شود بنا بر این راه تهران بکلی از این طرف باز ماند.

در سمت خراسان روسها فوجان را گرفته لشکر مشهد بطرف تربت حیدریه رفت و راه مشهد - تهران نیز در دست شورویها افتاد و چون لشکر گرگان و گیلان هم به جوجه قادر بعملی نشدند مدافعی در وسط این راه نیز نبود.

لشکر ۱ شروع بمقاب نشینی کرده لشکر ۱۲ هم که از موضع فلامه که از بهترین مواضع بود عقب رفته در چهار زیر فقط عده احتیاط ماندند و این موضع هم در شرف درهم شکسته شدن قرار گرفت خوزستان نیز خود در وضعیت بدی دچار گردید زیرا از طرف مسجد سلیمان وهفت گل و همچنین از طرف شوش در فشار قرار گرفته و تقریباً در حال محاصره شدن بود.

پس از بررسی در اطراف این وضع کلی غافلگیری از طرف نیروهای مهاجم در ساعت ۱۲ روز ۵ - ۶ - ۱۳۲۰ با حضور کابینه وزراء در باشگاه افسران شورای دفاع ملی تشکیل گردید و تصمیم گرفته شد تراق مخاصمت شده فوری دستور صادر گردد ساعت ۲ بعد از ظهر این گزارش بحرض رسید اعلی حضرت فقید قبول فرمودند دستور فرمودند لشکر ۲ متوجه قافلانکوه گردیده لااقل

دو هنگ پیاده فوراً حرکت دهند لشکر ۱۵ هم در خطی که پیشنهاد کرده بود برقرار شود ولی در ساعت ۱۸ ترک معاصمت را تصویب فرمودند و اجازه صادر گردید فرماندهان ارتش با فرماندهان مقابل خود ارتباط حاصل کرده متار که بعمل آید :

زیرا آخرین گزارش سرلشکر مطبوعی که از خط مهاباد و سستج رسیده بود تبریز اشغال و واحدهائی در آنجا باقی نمانده بود .

و سرتیب قادری نیز گزارش داد موضع گردنه سقوط نموده ارتباط تلگرافی اردبیل و سراب هم قطع شده است در باختر واحدهای لشکر ۱۲ بطرف ارتفاعات فلاجیه عقب نشینی و از گردنه باطابق بطرف چهار زیر عقب نشینی نموده اند در خوزستان تعرض از استان باهت احاطه اهواز و قوای آنجا شده در خراسان نیز فوجان تصرف و راه تهران باین ترتیب از دوسو باز و لشکرهای سرگزم با این وضع نخواهند توانست جلوگیری نمایند و اگر بایستی اقدامی شود از لحاظ سیاسی اصلح تر است .

بنا بر این شورای دفاع کشور در ساعت ۱۲ روزه شهریور ۱۳۲۰ در ستاد ارتش مرکب از هیئت دولت و ستاد جنگی و فرماندهان پادگان مرکز تشکیل و تصمیم گرفت چون مواضع دفاعی مهم بدست نیروهای بیگانه افتاده اوامر مقاومت ما فرض آنکه لشکرهای ۱ و ۲ مرکز برای آخرین وحله در حاشیه پایتخت دفاع نمایند هیچگونه فایده‌ای برای کشور شاهنشاهی نخواهد داشت بنابراین ابلاغیه ترک مقاومت صادر و سفارتخانه‌ها ابلاغ و احتمال داده شد از مذاکرات سیاسی که در جریان بود نتیجه بهتری بدست آید .

متأسفانه اگرچه پس از صدور این دستور کابینه فرماندهان برای اخذ ارتباط با مهاجمین مأمورین بجلو اعزام نمودند ستونهای انگلیسی با طرز بسیار خوب و منظمی نمایندگان را پذیرفته و داخل درمذاکره شدند ولی روسها بعکس شروع به سختی و بد رفتاری نمودند . در ضمن ستونهای آنها هم از اطراف شروع به پیشرفت نموده مخصوصاً ستون زنجان سرعت بطرف تهران حرکت نمود و این حرکت که بدون مانع بود تولید وحشت و اضطرابی در تهران کرد - کابینه اشخاصیکه دارای وسائل بودند از تهران خارج و بهر سو پراکنده گردیدند در این ضمن اشتباه جدیدی شد عده پیشنهاد کردند چون افراد ۲ لشکر پادگان مرکز که در خارج بودند بایستی مراعات کنند اگر وارد سر بازخانه‌ها شوند ممکن است باعث افشاش گردند خوب است عده آنها را تقلیل داده و هر لشکر تا ۴ هزار نگهداری و بقیه مرخص شوند این دستور شورای ستاد جنگ فوراً به لشکرها ابلاغ شد فرماندهان لشکرها این حکم را بدون دقت و بدون توجه کورکورانه اجرا کردند و وضعیت عجیب و غریبی بوجود آمد افراد مرخص شده بالبارهای یاره منظره اسف آوری را در تهران فراهم آوردند در خارج شهر نفرات بسوی ده‌های خود با عجله رهسار گردیدند . ستونهای طولی از نفرات و سربازان مرخص شده در راههای اطراف تهران دیده میشد در سر بازخانه‌ها نیز اسلحه‌هاییکه با خون دل ملت در ظرف ۲۰ سال تهیه شده بود در شهر و اطراف انبوه و ریخته شده بود لوازم بی‌صاحب و دواب مدتی بی‌علیق ماندند .

روز ۸ شهریور بسیار اسف آور بود در قلعه مرفی هواوردان که احساسات مبهن پرستی داشتند مخالف ترک معاصمت بودند در آنجا نیز اغتشاشات مهمی بوقوع پیوست که بر اثر تیراندازی و

بیماران و در ضمن وجود چند طباره روسی در آسمان تهران وضع درهم و بر تشویشی برای ساکنان پایتخت بوجود آورد. بعضی هوانوردان ایرانی شروع به بمباران نموده و چند هواپیما را پیروز در آوردند

هنگام غروب و الا حضرت همایون ولایت مهد بیاشگاه افسران تشریف فرما گردیده دستورهایی صادر فرمودند و افسران ارشد از خارج شهر احضار شدند تا حدی رفع نگرانی حاصل گردید ضمن اطلاع حاصل شده چند نفر از افسران دولشکر مرکز بانفرا ت خود که منجمله آنها سروان عباس فصیحی فرمانده گردان ۱ هنگ نادری و افسران گردان ستوان یکم اسکندر کریمی و ستوان یکم حسین کوشن و همچنین تیسار سیهبدا میر احمدی در باشگاه افسران تا آخرین دقایق یستهای محوله خود را ترك نگفتند تا اوضاع بحال اول برگشت.

ارتش ایران در نخستین روزهای عملیات با يك روح ياك وارد كلزار شده بانجام وظیفه خود مبادرت ورزید با نداشتن وسایل کافی و فرماندهان جامع شرایط و اسلحه زرهی در مقابل دو حریف قویینجه که بدون تردید دارای وسایل زرهی کافی بودند - بدون داشتن وسائل ضد ارابه با اینکه ایستادگی جنون محض بود ممهدا احساسات بسیار درخشانی در اکثر قسمتها از ارتش ملاحظه و ابراز شد که در تاریخ شهادت و سلحشوری صفعات درخشانی را بدست آورده است. پس از صدور دستور متار که طبق مذاکرات مقرر گردید افراد در سربازخانهها جمع و فرماندهان برای اخذ تماس با فرماندهان مجاور اقدام نمایند انگلیسها این عمل را با طرز بسیار خوب و مؤدبانه پذیرفتند ولی روسها گذشته از آنکه جوابی ندادند بیماران های خود ادامه دادند در نتیجه سربازخانههای ملو از افسران و سربازان آماج بیها شد و تلفات بسیار وارد آمد بطوریکه در سربازخانه رشت در نتیجه بمباران بیمورد ۳۰۰ نفر افراد در زیر خرابههای ابنه جان سیردند این وضع چنین نتیجه داد که افراد تصور کردند آنها را برای از بین بردن و نابودی جمع کرده اند و بملاوه فرماندهان روسی با خشونت با افسران رفتار کرده حتی بعضی را شلاق زدند و توهین نمودند و محبوس و دستگیر ساختند.

فرماندهان و افراد و افسران در مقابل دوا سر و دو پیش آمد متضاد قرار گرفتند از یکطرف حکم مرکز مبنی بر ترك خاصیت و جمع شدن در سربازخانهها و تسلیم شدن از طرف دیگر حرکات توهین آور - بمباران های دائمی این بود که يك مرتبه رشت نظم قسمتهای شمالی از هم گسیخته شد و کایه اسلحه و مهمات را ریخته به کوهها و نواحی اطراف متواری و پراکنده شدند و این یگانه راه نجات و رویه منحصر بفرد هم بود.

با تمام این احوال در اسکناف و اطراف و مرزهای کشور جوانان سلحشوری از ارتش شاهنشاهی ایران بعدی مردانه ایستادگی کرده کشتند و کشته شدند و در خاک و خون غلطیدند شط های ببار را رنگین کرده بکام نهنگها و یا در دل خاک سیاه خفتند با دشمن جنگ کرده و خود را فدای مادر مبین کردند سینه ياك آنها مخزن اسرار و آرمانها و دلشان آکنده از احساسات ایران دوستی بود نمونه افراد دلیر فداکار ارتش ایران آنها هستند

فصل شانزدهم

بزرگ ارتشتاران فرمانده

احلی حضرت خنایرون شاهنشاه سغد رضا شاه پهلوی

نعت رحمت ایزدی را با شکر و سپاس ذوالجلالش بجای میآوریم که پرتو صفات ملکوتی خود را در وجود پیرسخت و جود شاهنشاه جوانبخت مادمیده مظهر بخشندگی و انعکاس تجلیات فروغ پر نور باری تعالی خود ساخته. و فروهر ملیت ما مقرر فرموده است جهان پناهی شاهی چون ماهی که براق همتش اوج کیوان را سپرده و شهاب صولتش دیو قتنه را سوزانده.

زهی شاه بلند اختر زهی خورشید روزافزون که از جان آفرین بادت هزاران آفرین بر جان زمین مأمور حکم تست از وی بیخ بدان بر کن جهان شش گوشه زان تست در وی شاخ نوبشان شهریار کامکار رحیمی که از آتش غضب شکوفه رحمت و نرگس عفو میرویانند و از فرط همت مرتبت بر زوال آئین نیاکان اشک تحسیر می فشانند.

ترا ایزد ز خاک و آب نرسشت پنداری

که کرده است از تو هر عضوی ز فر و فضل دیگر سان

زبان از شکر و طبع از آب و روی از نور و لفظ از دُر

سراز رحمت دل از شفقت تن از عصمت کف از برهان

عنایت شاهانه اش بی غایت و شفقت خسروانه اش بلا نهایت در عفو فرمودن تأخیر نفرماید و در عقوبت کردن اندیشه فرماید تا در نانی الحال پشیمان نشود. بر طریق داد کردن ملازمت فرماید چنانکه پیغمبر اکرم (ص) فرموده است *عَدْلُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً* زیرا نفع عبادت با آنکس گردد اما نفع عدل پادشاه با کافه خلایق.

مخالطت و مجالست با اهل علم و فضل فرماید. چندان مهیب نبود که اصحاب تجارب جهت مصلحت در پیشگاه ذات مبارکش عرضه نتوانند کرد و چندان حلیم نبود که هر کس هر چه بایش در آستان مقدسش تقریر کند سخنی که بعرضش رسد بمجرد آنکه گویند گوینده صاحب غرض باشد رد نفرماید رد و قبول نفعی را بر وفق مصلحت نوده ناس فرماید.

خسروی کابنه روی ظفر خنجر اوست
رونق سلطنت از تیغ ظفر پیکر اوست
بام بی در که فلک کنیت و گردون لقبست
عاشق شیفته خدمت بام و در اوست



چفین خسروی در بمالک کجاست

پس از این کژنهد فتنه کاه از چه سبب کان کله کش سرانصاف بود در سر اوست
 حزب شر و ضلالت سر بگریبان عزلت و بطالت فرو برده انجا و اکناف
 شهرستانها بلطف اعتنا و استعمار او معمور و مسکون شده اصقاع و ارباع کشور که
 از تعدی قطاع الطریقان و تغلب اوباش و وطن فروشان و دزدان از آبادی مهجور
 و مدروس مانده بود بقوت حراست و شوکت سیاست او ماهول و مسکون گشته
 ساکنان قرا و مزارع که بجلا مبتلا بودند از شمول معدت و وفور مرحمت او روی
 بارطان مالوف و مسکن معهود نهادند متفرق و مختلف شدگان بلطف استمات او
 بر صوب جاده استقامت متفق و مؤتلف گشتند و عموماً دست بدست هم داده وحدت
 ملی را استحکام بخشیدند .

تو از رمح ازدها سازی و او کرد از عمامان
 که وقت رحمتی کشتی و گاه هیبتی طوفان
 بنوک نیزه بنشاندی ز عالم آفت عصیان
 ز بهر کین میان بستی و بریکران گشادی ران
 که شد زان آتش و سرصر مخالف بی سرو سامان
 میان شیرو ازدها شده خصم تو سرگردان
 شد از کرد سوارات زمین با آسمان یکسان
 فضا بر تیغ تو قبضه قدر بر تیر تو یکن
 پس از دریا برون راندی بان موسی عمران
 نه حیدر کرد در صفین نه رستم کرد در توران
 که از وی یاسج و یفلخ همی بارید چون باران
 چوماه از ابرود راز آبو مشك از ناف و لعل از کان

تو داری معجز موسی که اندر آتش خمله
 کسی گرهت هم کشتی و هم طوفان توئی زیرا
 بزخم تیغ کم کردی بگیتی زحمت فتنه
 تعالی الله چه ساعت بود کاندلر ساعت آن صف
 بزیرت سرصر تازی بدست آتش هندی
 تو چون شیر و سررمح تو همچون ازدها گشته
 شد از رمح فلامانت هوا با نستان همسر
 تو پنداری شد آن ساعت ز بهر کشتن خصمت
 نغمت از خون فرعونان بر اندی بر زمین دریا
 به تیغ تیز آن کردی تو در هجا کزان صدیک
 بدست بندگانت در کمان شد ابر نیسانی
 هزیمت کردی اعدارا و بیرون آمدی ناگه

شرح زندگانی و وقایع جوانداری ذات هپارک

اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی در تاریخ چهارم آبان ماه ۱۲۹۸ (۲۶ اکتبر ۱۹۱۹) در چنین روزی که برای ملت ایران و جوانان این کشور روز مسعود و بزرگی است مهد و جود را بقدم خویش زینت بخشوده تولد یافته اند .

در دوره انجام و اتمام تحصیلات ابتدائی در تهران که با موفقیت تام واخذ گواهینامه بیابان رسانیدند پیوسته در هوش و ذکا سرآمد همسالان بوده اند .

در تاریخ ۱۵ شهریور ماه ۱۳۱۰ برای اكمال تحصیلات دوره دبیرستان با تشریفات بسیار باشکوهی از طریق بندر پهلوی - بوسیله کشتی جنگی مخصوص پالیمان بصوب اروپا عزیمت فرمودند .



در مدت توقف در کشور سوئیس در شهر رول که در کنار دریاچه لمان ژنو واقع می باشد در آموزشگاه معروف (روزه) قریب به پنجسال همواره بایشرفتهای شایان و موفقیتهای نمایان بفرآ گرفتن علوم و فنون جدید و کمال تحصیلات عمده اشتغال میورزیدند .

در این مدت پنجسال بایشکاری آقای مؤدب نفیسی در اکثر مسابقه های ورزشی که شرکت میفرمودند موفق بدریافت مدالها و جامهای پیروزی گردیده و از هر حیث سرآمد اقران و سرمشق همکنان بوده اند . پس از سپری شدن این مدت که قلوب توده جوانان کشور دائمآ در انتظار مراجعت ایشان بای تابی ضربان داشت عاقبت پس از انمام تحصیلات عالی و موفقیتهای ورزشی و علمی در چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ از رول بقصد میهن عزیزت فرمودند .

ملترمین در کاب های یونی علاوه بریشکار ملوکانه عبارت بودند از آقای سپهبدی سفیر کبیر ایران در مسکو و تیمار سر لشکر اسمعیل شفائی - آقای نصرالله انتظام و چند نفر از افسران خلیق و برگزیده ارتش - در تمام خط سیر عبور و موکب مسعود هایونی که عبارت از کشورهای اتریش و مجارستان

اعلیحضرت همایون شاهنشاه محبوب در دوران کودکی با لباس نظام ولایت مهدی .

تیمار سر لشکر محمد نخجوان که سمت ریاست کل مدارس نظام را داشته و رئیس کلاس مخصوص ذات مبارک بودند همچنین مرحوم چراغعلی خان امیر اکرم پیشکار والا حضرت ولایت مهد در اینجا دیده میشوند .

ورمانی و اتحاد جاهیر شوروی بود احترامات فوق العاده رسمی بممل آمد و در اغلب کشورها برای عرض تبریک و تودیع وزرای خارجه تشریف حاصل می نمودند .

صبح روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه موکب مبارک مسعود هایونی به بندر یهلوی نزول اجلال فرمودند و مستقیماً در کاخ دریائی میان یشته بندر بحضور اعلیحضرت فقید سعید شرفیاب گردیدند .

عصر روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه بین احساسات فوق العاده توده اهالی تهران نزول اجلال نموده و چشم ملت را روشن فرمودند .

از آن پس در رکاب پدر ارچند در تمام مستعدنات و اصلاحات کشور شرکت داشتند و تا تاریخ ۱۱ مهر از اجاض نظامی و کشور شناسی باتفاق پدر تاجدار تقریباً تمام سرزمین میهن را بازدید نمودند و دانستند میدان عملشان سرزمین پهناور ایران است بایان این مسافرت استان

خرم آذربایجان بود که جراید پذیرائیهای شایان اهالی میهن دوست آنجا را منتشر میساختند .
از صبح ۱۱ مهر ماه ۱۳۱۵ مانند يك دانشجوی جدید سال ۱ افسری بانهایت سادگی و
با گامهای نظامی مانند سایر دانشجویان مدت دوسال دوره دانشکده افسری را طی نمودند روز
۳۱ شهریور ماه ۱۳۱۷ موفق بدریافت دانشنامه افسری و نشان لیاقت درجه یکم گردیدند .
در روز چهارشنبه ۴ خرداد ۱۳۱۷ هنگام جشن افتتاح چهارمین نمایشگاه کالای ایران
مژده نازدی ذات مبارک با شاهزاده خانم فوزیه دختر ملک فواد وخواهر اعلیحضرت ملک فاروق
اول پادشاه سید کشور مصر انتشار یافت .

صبح پنجم اسفند ۱۳۱۷ بنا بدعوت اعلیحضرت پادشاه مصر در حالیکه عده ای از
برجسته ترین رجال ایران در التزام رکاب مبارک بودند از تهران بکشور مصر تشریف بردند .
اعلیحضرت ملک فوزی پادشاه عراق نشان عالی هاشمی کشور عراق وحضرت رئیس جمهور
سوریه نشان وحمایل درجه اول کشور سوریه وحضرت رئیس جمهور لبنان نشان عالی کشور لبنان
واعلیحضرت ملک فاروق نشان عالی درجه اول محمدعلی کبیر را با يك رشته گردن بند جواهرنشان
به ذات همایونی اهداء نمودند .

در روز ۲۴ اسفند ۱۳۱۷ آئین عقد و ازدواج در کاخ عابدین قاهره در حالیکه تمام
کشور مصر وتمام کشور ایران غرق در گل و خوشی دراین مراسم شرکت داشتند انجام پذیرفت
در ۲۴ فروردین ۱۳۱۸ پس از بیمودن ۱۲ روز دریائی از آبهای احمر واقیانوس هند
وارد خاک ایران گردیدند مراسم عروسی با تجلیل بی نظیری در تهران برگزار گردید وجشنها تا
• اردیبهشت ۱۳۱۸ در سراسر کشور ادامه داشت .

از آن تاریخ تا ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ اوقات مبارک مصروف اصلاحات داخلی کشور گردید
در ۲۵ شهریور بر اثر استعفای اعلیحضرت فقید سعید مقام سلطنت بذات همایونی تفویض گردید
و در روز ۲۶ شهریور ۱۳۲۰ با تشریفات خاصی برای بجای آوردن آئین سوگند یاد کردن
بمجلس شورای ملی ورود فرموده سوگند ناه را قرائت وامضاء فرمودند در معبر ملوکانه اهالی
پایتخت مخصوصاً جوانان ودانشجویان دانشگاه با ابراز احساسات بی نظیری دمامم موجبات توقف
اتومبیل شاهنشاه جوان خود را فراهم می آوردند وفریادهای زنده باد بلند می ساختند .

روز ۳۰ شهریور فرمان عفو عمومی تمام مقصرین سیاسی را صادر فرمودند ودر • آبان
عده زیادی از افسران ارشد ارتش را بازنشسته نمودند وده میلیون ریال برای تقسیم بین افسران
آسیب دیده اختصاص فرمودند .

در ۲۲ آبانماه سیزدهمین دوره قانون گذاری مجلس شورای ملی ایران را افتتاح فرمودند
وده میلیون ریال توسط تیمار سرلشکر جهانبانی برای اصلاحات آذربایجان ارسال داشتند .

در روز شنبه اول فروردین ۱۳۲۱ نخستین متن قانون اساسی را حکه بامضای مرحوم
• مظفرالدین شاه رسیده بود بآقای اسفندیاری رئیس مجلس اعطاء نمودند وفرمودند « این نخستین
متن قانون اساسی را بوسیله شما برای ملت عزیز ایران باز میگرددانیم »

در حقیقت اعلیحضرت همایونی با این اقدام بزرگ مشروطیت وحکومت دموکراسی ایران
را مجدداً بمات عطا فرمودند .

در ۲۱ اردیبهشت والاحضرت دوک گلوستر برادر اعلیحضرت پادشاه انگلستان تهران

- وارد و با اعلیحضرت همایونی ملاقات بعمل آوردند .
- در ۱۴ تیر ماه ۱۳۲۱ بیمارستان شفا را افتتاح فرمودند .
- در ۲۰ تیر ماه مترچرجیل نخست‌وزیر بریتانیای کبیر بتهران فرود آمده و میهمان اعلیحضرت همایونی گردیدند .
- در ۲۵ شهریور ۱۳۲۱ آقای و ندل ویلکن نماینده مخصوص مستر روزولت بتهران فرود آمده و میهمان اعلیحضرت همایونی گردیدند و با هوایمی گولیور برای نخستین بار پروازی بر فراز تهران متفقاً نمودند .
- (مسترویندل ویلکی که يك مرد بزرگ جهان بود در کتاب معروف خود بنام يك دنيا که در آمریکا منتشر ساخت تمجید مفصلی از سزایای اخلاقی و معنوی و معلومات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درج نموده است) .
- در ۱۷ شهریور ماه ۱۳۲۲ برای ابراز نهایت همکاری با متفقین در جنگ بزرگ جهانسوز بر طبق اصل ۵۱ قانون اساسی حالت جنگ را بین کشور ایران و آلمان مقرر فرمودند .
- در ۷ مهر ۱۳۲۲ بیمارستان کودکان بنگاه نیکوکاری را که از تاسیسات خواهر والا کهر شاهنشاه و الاحضرت شاهدخت شمس بهلوی میباشد افتتاح فرمودند .
- در ۲۴ مهر ۱۳۱۲ آقای انتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلستان و آقای کردل هول وزیر امور خارجه آمریکا در کاخ مرمر به پیشگاه همایونی شرفیاب شدند .
- از روز جمعه ۴ آذر الی پنجشنبه ۱۰ آذر ماه ۱۳۲۲ که انجمن سران دول متفق در تهران منعقد گردید ژنرال ایسیم استالین - مترچرجیل - مستر روزولت و تمام وررای خارجه سه کشور بزرگ متفق و مارشالها و ژنرالهای کشورهای آمریکا - روسیه و انگلستان با اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ملاقات نموده و میهمان ذات مبارک ملوکانه نیز گردیدند .
- در ۶ دیماه ۱۳۲۲ حضرت دکتر بنش رئیس جمهور چک اسلواکی بتهران فرود آمده میهمان اعلیحضرت همایونی گردید .
- در ۲۶ بهمن ماه بنا بدعوت ژنرال کونولی فرمانده نیروهای آمریکا در ایران از مؤسسات نظامی امیرآباد بازدید فرمودند .
- در روز سه شنبه ۶ اسفند ۱۳۲۲ چهاردهمین دوره تقنینیه مجلس شورای ملی ایران را ضمن ایراد نطق مهیجی افتتاح فرمودند .
- در ۲۴ فروردین ۱۳۲۳ برای مشاهده وضعیت و چگونگی آسیب دیدگان زلزله گرگان با اتفاق اعلیای حضرت ملکه فوزیه بآن شهرستان عزیمت فرمودند این استمالت تأثیر شایانی در روحیه مردم آن سامان بخشید .
- در ۵ آذر ۱۳۲۳ ژنرال دوگل رئیس دولت موقتی جمهوری فرانسه وارد تهران گردیده بحضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بار یافتند .
- در ۲۲ دیماه کاخ سلطنتی فرح آباد را برای ایجاد آسایشگاه به بنگاه حمایت معلولین واگذار نمودند .
- در ۲۴ اسفند ۱۳۲۳ مجدداً نیز آقای دکتر بنش بتهران وارد و میهمان ملوکانه گردیدند .
- در ۲ اردیبهشت ۱۳۲۴ باشگاه باشکوه افسران لشکر ۲ را افتتاح فرمودند .
- در ۲۳ اردیبهشت آقای ادوارد هریو سیاستمدار مشهور فرانسوی بتهران وارد و بملاقات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نایل گردیدند .

در ۲۴ مرداد بمناسبت خبر تسلیم بلا شرط ژاپون و خاتمه جنگ جهانسوز تلگرافهای شادباش بران دول مغایره فرمودند .

در ۴ مهر ۱۳۲۴ نمایشگاه زرگ کشاورزی را افتتاح فرمودند .

در ۴ آبان ۱۳۲۴ بجهن باشکوه رژه قهرمانا کشور طبق معمول همه ساله در ورزشگاه امجدیه تشریف فرما گردیدند و نسبت باکنان تهران و جوانان پیروزمند توانا ابراز تهنیت فرمودند در روز هفتم آبان قهرمانان کشور را که بملت کثرت جمعیت در ورزشگاه امجدیه موفق باخذ جوایز نگردیده بودند در کاخ مرمر مشور عنایت ملو کانه فرموده یک مدال و گلدان اعطا فرمودند .

در ۱۵ بهمن ۱۳۲۴ بجهن چهارمین سال استقلال دانشگاه تشریف فرما گردیدند و در این جشن مبعون فرهنگی دانشجوی نایبانی را بنام آقای محمد خزائی که دوره دبستان و دبیرستان را بیابان رسانیده و در رشته معقول دانشکده شاگردان شده بود باعطاء مدال سرافراز فرمودند .

در ۲ خرداد ۱۳۲۵ بامدادان بیمارستان نجمیه و سپس بیمارستان رضانور را بقدم مبارک مزین فرموده بیماران را روان تازه بخشیدند و آنان را مورد عنایت خسروانه قرار دادند .

در ۱۰ تیر ۱۳۲۵ دوملیون ریال برای آبیاری شهر تبریز اعطا فرمودند .

در ۱ مرداد ۱۳۲۵ شصدهزار ریال برای تکمیل وسایل ورزشی باشگاه نیرو و راستی عنایت فرمودند .

در ۵ مرداد ۱۳۲۵ بنا بفرمان جهانمطاع جناب مستطاب آقای ظهیرالاسلام را که از رجال بزرگ اسلامی شرق میباشند بهمت تولیت مدرسه عالی سهالار منصوب فرمودند .

در ۷ شهریور ۱۳۲۵ نخستین کلنگ ساختمان چهارصد خانه را برای کارکنان بی بضاعت دولت و کارگران در اراضی جنب کلاخانه ملل سازی بزمین زدند .

در ۱۲ شهریور ۱۳۲۵ دویست هزار ریال برای کک باستان پرورشگاه و دویست هزار ریال برای کک بیل زدگان خره شهر و ده ملیون ریال برای لوله کشی تهران اعطاء فرمودند .

در ۱۴ شهریور ۱۳۲۵ دارالتأدیب زندان شهر بانو را بازدید نموده و همچنین آسایشگاه خصوصی دکتر معتمدی را که جهت مسلولین تاسیس نموده بود افتتاح فرمودند و آقای دکتر معتمدی را

فرین الطاف منو کانه فرموده در دفتر آسایشگاه عنایات خسروانه خود را کتباً مرقوم فرمودند .

در ۲۵ مهر ۱۳۲۵ ذات مبارک شاهنشاهی از فرودگاه مهر آباد مستقلاً و تنهایی بفرودگاه دوشان تپه پرواز فرمودند با حضور جمیع اسراء ارتش گواهی نامه خلایق باعلیه حضرت هایون شاهنشاهی تقدیم شد در آن روز نشانهای متعددی با فرمان نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی اعطاء فرمودند .

در ۴ آبان ۱۳۲۵ رژه بسیار باشکوه تاریخی ارتش شاهنشاهی برای نخستین بار در میدان سپه در پیشگاه ذات مبارک اعلیه حضرت هایون شاهنشاهی برگزار گردید (شرح این رژه جدا گانه

در این تاریخ درج گردیده است .) در این رژه اوراق مطبوع زیبایی که مزین بمثال مبارک و شرح خدمات دوره زندگانی شاهانه بود منتشر گردید .

در ۵ آبان بجهن ورزشی قهرمانی کشور بورزشگاه امجدیه تشریف فرما گردیدند از اینک قهرمانان ورزشکار آذربایجان بمناسبت غائله آسمان حضور نداشتند خاطر مبارک مکدر و گرفته بنظر میرسید .

در ۸ آبان ۱۳۲۵ قهرمانان تهران و شهرستانها در کاخ مرمر بار یافته و مورد عنایات خسروانه قرار گرفتند .

در ۱۵ آبان به‌مناسبت درگذشت حضرت آیه‌الله عظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی یشوای بزرگ و مرجع تقلید و ملجأ شیعمان (دوشنبه ۱۴ آبان) ذات‌مبارک ملوکانه در مجلس ترحیم مسجد شاه تشریف‌فرما گردیدند.

در ۲۴ آبان (جمعه) ۱۳۲۵ با هوایسابنا گهان در کرمان فرود آمده و دیده اهالی شهر را بیدار وجود ذیجود خود روشن فرمودند عصر همانروز بتهران معاودت نمودند.

در ۲۱ آبان (جمعه) با هوایمای اختصاصی شاهی بکرمانشاه و در همان روز باصفهان تشریف فرما گردیدند مردم این دوشهر که غفلتاً شاهنشاه را میان خود مشاهده مینمودند از فرط اشتیاق و شادمانی در پوست نمی‌کنجیدند.

در ۲ آذر (صبح) بیمارستان فارابی را افتتاح فرمودند.

در ۲ آذر بفرمان جهانمطاع بزرگ ارتشتاران فرمانده نیروهای ارتش برای اشغال‌زنجان تحت فرماندهی سرهنگ هاشمی حرکت و آنته‌رستان را بشرحی که جداگانه در این تاریخ مندرج است اشغال نظامی کردند و از دست ماجراجویان بی‌وطن و بیگانه پرست نجات دادند.

در ۲ آذر (عصر) نایشگاه بزرگ کشاورزی را افتتاح فرمودند.

در ۷ آذر شورای عالی بهداشت را در دانشکده حقوق افتتاح فرمودند.

در ۸ آذر ناگاه به بندر پهلوی پرواز فرموده پس از اینکه اهالی آنته‌رستان را مورد توجه و عنایات و تفقدات شاهانه قرار دادند بتهران پرواز نمودند. این تشریف‌فرمائی‌های ناگهانی ابرات تاریخی در دل مردم شاه‌پرست شهرستانها باقی گذاشته است.

در ۱۶ آذر ماه ۱۳۲۲ ذات مبارک شاهنشاهی برای سرکشی بستون اعزامی زنجان به تبریز بفرودگاه زنجان با هواپیما غفلتاً وارد شده و سربازان و افسران اعزامی را در میان هیجان احساسات مبنی‌بی‌ظنیری مورد توجهات و الطاف شاهانه قرار دادند از فرماندهی نیروی اعزامی سؤال فرمودند چه مانع و نقص و حاجتی برای نجات و حمله به آذربایجان دارید عرض کرد فقط امر مبارک شاهانه.

در ۱۹ آذر ماه کاخ باعظمت دادگستری را افتتاح فرمودند و جناب آقای حسین فتوی معاون دانشمند وزارت دادگستری را که از قضات یا که‌امن کشور میباشند و در اتمام ساختمان عظیم دادگستری ماسعی فوق‌العاده ابراز نموده بودند مورد توجهات خسروانه قرار فرمودند.

در ۱۹ آذر بفرمان تاریخی و بزرگ بزرگ ارتشتاران فرمانده (ارتش شاهنشاهی ایران در سه ستون برای سرکوبی اهریمنان آذربایجان بمرکت در آمدند) شرح این جنک تاریخی در همین تاریخ بتفصیل درج گردیده است.

در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ دانشجویان آذربایجانی را که برای ابراز احساسات نسبت بفرمان جهانمطاع در اعزام نیرو بآذربایجان در کاخ سرمر اجتماع نموده بودند بحضور پذیرفته مورد تفقدات شاهانه و توجهات خسروانه قرار دادند و نیز بمناسبت فتح آذربایجان تلگرافاً سرهنگ هاشمی و افسران نیروی اعزامی را مورد تقدیر و تحسین قرار فرمودند.

فتح آذربایجان و پیوستن آن استان بزرگ حیاتی ایران بایران فقط و فقط باهمت و مراقبت و توجهات و عنایات خستگی‌ناپذیر و کوششهای شبانه‌روزی شخص اعلی‌حضرت همایونی بافتخار این عصر درخشنده پایان یافت بعد از

اهتمام ذات ملوکانه فداکاری ارتش شاهنشاهی این آرزوی میهن پرستان ایرانی را جامه عمل و پیروزی پوشانید .

در ۲۳ آذر ۱۳۲۵ تلگرافات تبریک - نزون از حد و شمار از تمام نقاط ایران منجمه آذربایجان به پیشگاه شاهانه اش راجع به پیروزمندی آذربایجان مخابره و معروض گردید مقرر فرمودند بیکایک آنها مراتب رضامندی و عنایات شهرباری ابلاغ و پاسخ داده شود .
در ۳۰ آذر ۱۳۲۵ به مجلس ترحیم افسران و سربازان شهید آذربایجان که از طرف وزارت جنگ در مسجد سیهالار منعقد گردیده بود تشریف فرما گردیدند .

در اینجا بیش آمد حساسی رخ داد که برای معرفی خاطرات و احساسات شاهنشاه ایران برای آیندگان در این تاریخ شرح مبدعیم در سال ۱۹۳۵ هنگامیکه نگارنده این تاریخ در انگلستان بودم روزیازدهم نوامبر مراسم یادبود کشته شدگان جنگ بین‌الدلیل ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ در لندن برقرار گردید اعلیحضرت ژرژ پنجم پادشاه انگلستان بر سر قبر سرباز شهید گمنام حضور یافتند و پس از اجرای مراسم مراجعت نمودند روز بعد در جزایره انگلستان خواندم که پادشاه بستری و بیمار گردید علت این بود پادشاه وقتیکه برای اجرای مراسم بمیدان آمد کثرت تأثر و ضمناً یاد مختصری که وزش داشت موجبات حالت بیماری ممتد پادشاه را فراهم آورد و برای مدتی او را بستری ساخت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی وقتیکه به مجلس ترحیم تشریف فرما شدند بقدری دچار التهاب و احساسات شدید میهن پرستی گردیدند که تأثر خاطر و همدردی با خانواده افسران و سربازان شهید آشفتنگی در وجود مبارک ایجاد نموده و خنکی هوا نیز مزید بر علت گردید و موجبات بیماری شدیدی فراهم آورده ذات شاهانه اش را برای چند روز بستری ساخت و یک خاطره تاریخی را تکرار نمود .

شمت این هیجان و کسالت بقدری زیاد بود که علیاحضرت ملکه پهلوی که فخر تاریخ زنان و سرآمد بانوان ایران و مربی بزرگ خاندان سلطنت میباشند تا پاسی پس از نیمه شب در اطاق استراحت فرزند دلبند تاجدار بتوجهات مادرانه و سرپرستی پزشکان اشتغال داشتند .

در ۱ دیماه بمناسبت فتح آذربایجان رژه کلیه یادگان ارتش در مرکز برابر تمثال مبارک (بمناسبت کسالت ذات ملوکانه نتوانستند حضور یابند) در میدان سپه بعمل آمد **والاحضرت اشرف پهلوی** در قرب تمثال ملوکانه ارتش شاهنشاهی را مورد تشویق و تعسین قرار فرمودند همچنین رژه پیروزی شاهنشاه در تمام شهرستانها در مرکز هر شهر بعمل آمد .

در ۲۰ دیماه ۱۳۲۱ شخصاً با هوایما بسوی آبادان پرواز نمودند و چون هوای خوزستان برای فرود آمدن مساعد بنظر نرسید اهالی اراک را بزیارت خود افتخار بخشیدند .
در ۲۷ دیماه ۱۳۲۵ شخصاً با هوایمای اختصاصی شاهانه بشیراز و اصفهان پرواز نموده و عصر بیانتخت مراجعت فرمودند .

در ۱ بهمن ماه مانند یک ورزشکار عادی یا شاه دموکراسی به تپه‌های سفید (تلو) لشکرک برای اسکی بازی تشریف فرما گردیدند .

در ۴ بهمن با هوایما شخصاً بر فراز البرز و مازندران پرواز نمودند .

در ۱۵ بهمن بجهت تأسیس استقلال دانشگاه ایران تشریف فرما گردیدند .

در ۲۱ بهمن به مجد شاه تشریف فرما گردیده دستور برچیدن مجلس ختم و ترحیم آیه الله العظمی

آقای حاج آقا حسین طباطبائی قمی را فرمودند و بجای او روحانیت و آقایان علماء اعلام تسلیم گفتند .
در ۱۹ اسفند که یکروز هيجان انگيز تاريخی بود در سالن باشگاه افسران بغانواده
افسران شهيد نشان جاويد عطا فرمودند .

در ۱ فروردین ۱۳۲۶ بناسبت حلول سال جديد بوسیله رادیو بیامی خطاب بملت ایران
ایراد فرمودند .

در ۱ فروردین ۱۳۲۶ بهرستان دختران تشریف فرما و بچهارصد نفر دانش آموز بی بضاعت
لباس عطا فرمودند .

در ۲۲ فروردین ۱۳۲۶ ریاست عالیہ بخش بانوان جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران را
مجدداً بوالاحضرت شاهدخت شمس پهلوی واگذار فرمودند .

در ۳۱ فروردین در مجلس ترجمیم افسران ارتش که درغائله کردستان شربت شهادت نوشیده
بودند تشریف فرما شده شرکت نمودند .

در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۶ زمین های ورزشی دانشگاهرا افتتاح نموده جوایز و جامهای
پیروزی بدانشجویان اعطا فرمودند .

در ۲ خرداد ۱۳۲۶ پس از اینکه ارتش شاهنشاهی در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ موفق بنبجات
آذربایجان شد بنا بتقاضاها واستدعاهای اهالی آذربایجان اعلیحضرت هایون شاهنشاهی ضمن يك
مسافرت کوتاهی که تا ۲۱ خرداد بطول انجامید تهران را ترك فرموده بوسیله قطار سلطنتی تا یل
دختر و از آنجا با اتومبیل به تبریز تشریف فرما گردیدند و تمام شهرهای آذربایجان مهیبت دیده
از خائنین دموکرات نما و بیوطن را دیدن فرمودند شرح احساسات شورانگیز مردم آذربایجان
هنگام زیارت شاهنشاه بتصدیق عموم نویسندگان خارج از قوه قلم و بیان و وسایل عادی است
شاهنشاه محبوب برابر سبل احساسات و گریه های مردم چندین بار اشک از چشمان شاهانه جاری
ساختند شاهنشاه پس از بازدید شهرهای ویران شده آذربایجان عطیه های ملوکانه متمدنی برای
اصلاحات و عمران فرهنگ و بهداشت و سایر مشاریح عام المنفعه آن استان اهداء فرموده از راه
اردیل و آستارا و رشت و قزوین بتهران مراجعت نمودند ملت شاهدوست ایران در طول تمام
راهها طائفهای نصرت با شکوه و فراوان برپا سکرده بودند در تهران هنگام ورود چنان تجلیل
بی سابقه و با عظمتی از طرف مردم در روز استقبال از موکب ملوکانه بمثل آمد که تاریخ نظیر
آنرا کمتر بیاد دارد تنها در شهر تهران ۲۰ طاق نصرت ساخته شده بود شاهنشاه در اتومبیل
رو باز ساعتها طول کشید تا توانستند از بین صدها هزار نفر ساکنان پایتخت عبور فرمایند جریان
مفصل این سفر تاریخی در فصل آذربایجان همین تاریخ منسرج است در ضمن این مسافرت
بسعکومین دردادهای زمان جنگ که بادموکرانهای ننگین آذربایجان و وطن فروشان همکاری
مینمودند يك درجه تخفیف کيفراعطا فرمودند و وسایط خیریه و فرهنگی و درمانگاههای بهداشتی
بسیاری در این سفر در شهرستانهای آذربایجان تاسیس و ایجاد فرمودند . (رجوع بفصل آذربایجان)
از بیانات پرشور تاریخی اعلیحضرت هایونی در این مسافرت عبارات ذیل است که در آقا بابا
۴ فرسنگی قزوین در پاسخ بیانات مستقبلین تهران ایراد فرمودند .

آنچه که لازم میدانم و مکرر در گفته های خود تکرار کرده ام لزوم
وحدت معنوی بین عهوم افراد ملت است که موجب سعادت مردم خواهد
شد در این مسافرت بر من محرز شد هرگونه تبلیغ و تحریکی بر علیه ملت

واصول قومی در مردم ایران بعمل آید با ایمان و عقیده جبلی که بکشور خود دارند تأثیر ناپذیر است این احساسات پر شور و محبت آمیزی که از مردم می‌بینم مرا بیش از پیش تشویق بخنده نگزاری میکند .

من هر قدر خود خواه باشم خوب تشخیص میدهم که قدرت سلطنت استوار بر قدرت ملی است و پایه‌های تخت و اورنگ شاهی بر قلوب مردم استوار است .

من معتقدم ملت ایران شایستگی کامل برای برخورداری از تمام مواهب و اصول دموکراسی حقیقی دارد .

من بقدری حاضرم که با ملت خود در تماس باشم که حتی اگر يك فرد عادی روزی در اتاق مرا بکوبد و بخواهد نزد من بیاید او را نزد خود خواهم پذیرفت .

من خواهان آنم که عموم افراد ملت ایران از حقوق ملی و اجتماعی خود بطور تساوی برخوردار گردند و اصول مقدس مشروطیت و دموکراسی حقیقی در کشور من بطور کامل برقرار باشد .

من خواهان آنم که ملت من از سعادت و نیکبختی و رفاه و آسایش و امنیت و عدالت و تندرستی برخوردار باشد و برای اجرای تمام این مقاصد حداکثر مساعی خود را بکار خواهم برد .

حکومت و سلطنت بريك مشت مردم فقیر و ضعیف و رنجور و محروم از عدالت مورد مسرت و خوشی خاطر من نبوده و نخواهد بود .
من میخواهم ملت من قوی و برومند و سعادت‌مند و شادکام باشد .

در ۲۲ خرداد جشن ورزشی ارتش را در اجمدیه با تشریف‌فرمایی خود قرین مباهات نمودند در ۱۵ تیر ۱۳۲۶ از بیماران آسایشگاه سلولین شاه آباد بازدید فرمودند .
در ۲۵ تیر دوره پانزدهم قانونگذاری مجلس شورای ملی ایران را با شکوه و جلال فوق‌العاده افتتاح فرمودند .

در ۳۰ تیر اولین کلنگ ساختمان لوله کشی شهر تهران را در اراضی سنگلج بزمین‌زدند در ۳۱ تیر با هواپیما بلار تشریف فرما گردیدند .

در ۲ مرداد برای ملاحظه پایان مراسم مانور بزرگ دانشکده افسری بکرج تشریف فرما گردیدند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تاکنون با هواپیمای نظامی پروازهای متعدد نموده بیش از ۲۰ ساعت فقط به تنهایی با هواپیماهای هر یک پرواز نموده‌اند رو بهم رفته شاهنشاه محبوب ما متجاوز از ۴۰۰ ساعت پرواز نموده‌اند که بیشتر آن با هواپیمای امریکائی بیکجرفت بوده است .

پرفسور لومتر استاد کرسی گوش و حلق و بینی دانشگاه پاریس بکهك آقای دکتر جشید اعلم بینی و لوزتین اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را در هفته‌های اخیر با موفقیت عمل نمودند بطوریکه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در جشن مهرگان ارتش در اجمدیه روز ۱۰ مهر و همچنین

در مانور هوایی روز ۱۴ مهر و جشن مهرگان فرهنگ روز ۱۶ مهر در دبیرستان نوربخش تشریف فرما گردیدند و گواهی نامه‌های شاگردان اول را بدست مبارک اعطاء فرمودند .

در ۱۴ مهر ۱۳۲۶ بموجب آخرین خبر رسیده از واشنگتن از طرف متر ترومن رئیس جمهوری آمریکا عالیترین نشان (لژیون دومریت) ییاس مجاهدتهائی که شاهنشاه ایران در راه تجهیز قوا و کوششهای اهالی کشور خود بمنظور کمک به متفقین بمنول فرموده اند و هم چنین ییاس توجهاستختگی نایبیر شاهنشاه ایران در راه احراز پیروزی متفقین برای تقدیم باعلیحضرت همایون شاهنشاهی بوالاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی خواهر والاتبارذات ملوکانه تسلیم نموده وسپردند . در ۱۴ مهر ۱۳۲۶ دانشگاه جنگ ایران را که از تاسیسات اعلیحضرت فقید سمبدطاب ثراه است پس از ۴ سال تعطیل برای هشتمین دوره افتتاح فرمودند . در ۲۳ مهرماه به بیستین سال جشن راه آهن ایران تشریف فرما شدند و کارکنان آنرا مورد عنایت و توجه قرار فرمودند .

صفات و سجایای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

صورت خوش و خلق خوب و سیرت نیک . وصدق وعد ووفای بمهد رجاحت عقل و ساحت طبع . روشنی ضمیر و پاکی اندرون . علو همت و حلم باسیاست . تواضع بامهابت و عفو با قدرت از خصائص خوی و شیم اعلیحضرت همایون شاهنشاهی است .

ازپای تابر همه رفتو همدمی وز فرق تا قدم همه مری و سردمی

در عنفوان جوانی و در پیمان شباب دست رد بر روی منکرات و مناهی نهاده و بر ملاهی پشت پای زده چنانکه تخلق باخلاق ملکوتی را بر تاسی سیرت ملوک و پادشاهان دنیا ترجیح نهاده است . ذات خسروانه اش درهای خیرات و مبرات و اعانه‌ها و کمکهای ییعباب بروی تمام مشارب عام المنفعه اعم از خیریه - فرهنگی - صنعتی - کشاورزی - بهداشتی گشوده و آنچه ثروت و مایملک شخصی داشته‌اند در راه آبادی و عمران شهرها و بلدان ایران اعطا و مکرمت فرمودمانند خصائل کمال او فراوان است و در این دیباچه‌ها ننگجد از اینرو است که دلهای يك ملت از پیرو برنا بر مهر و محبت او منطبق و زبانها به ثنا و حمدت او منطبق کافه ناس در گلستان عدل او بلبل وار نوای دعاه خیر مبرایند .

غم از گردش روز گارش مباد وز اندیشه بردل غبارش مباد

درونش بتائید حق شاد باد دلرو دین و ایرانش آباد باد

اخلاق حمیده و خوی بسندیده ملوکانه که حاکی ملکات برجسته کم نظیری است نماینده يك نهاد پاک و ضمیر درخشنده و تابناکی است که - هر آسا جالب دلها و جاذب روانهای معاشرین مییاشد و ذات شاهانه اش را بتمام معنی يك مظهر ملیت ایرانی معرفی کرده و سرمشق نویسنده گان اخلاقی بنمایاند تمام بزرگان و سران دول متفق که بر اثر حوادث جنگ جهانی و استظهاری که به پشتیبانی متفق خود ایران داشتند در تمام طول مدت جنگ از ایران عبور نمودند (قسمتی از آنها در فوق شرح داده شده است) فریفته کردار و شفته گفتار و پندار اعلیحضرت همایون شاهنشاه ما گردیده‌اند و مکرر در آثار خود تذکار این موضوع را داده اند .

اعلیحضرت همایونی رهبر بزرگ و والامقام تمام ملت ایران هستند آزادی فردی و اجتماعی ملت ایران را بقدری اهمیت میدهند که باتمام جریانات آزادیخواهانه کشور باعلاوه مفرطی نگرسته و دوستی خود در نسبت تمام ملت وسیع و شفته آزادی کشور ابراز داشته اند معبت بردم و

بوجه به فرد فرد مردم و آزاد گذاشتن آنان در هر مملکت و مرامی که برای سعادت خود انتخاب مینمایند مرام باطنی اعلیحضرت همایونی را تشکیل میدهد.

در تاریخچه مختصر فوق بهیچوجه مسافرتهاى مکرر اعلیحضرت همایونی به آذربایجان و شمال و خراسان و فارس و سایر نقاط کشور ذکر نرفته است اعلیحضرت همایونی تمام شهرهای ایران را مکرر دیدن فرموده و در هر شهر تمام مؤسسات خیریه - بیمارستانها - کارخانهها آموزشگاهها و سایر تأسیسات ملی و ورزشی را بازدید نموده اند و نواقص آنها را با کمکهای شخصی مرتفع فرموده اند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی علاوه بر آنکه تمام ثروت پدر را صرف رفاه زندگانی روستایان و کارگران و اصلاحات و عمران و آبادان کشور نموده اند اکنون عایدات شخصی و حقوق ماهیانه و حتی اعتبارات مربوط به جشنهای میلاد خود را نیز به صرف بر آوردن نیازمندیهای بیچارگان و بیماران و طبقات زحمتکش کشور میرسانند و خود بانهایت سادگی زندگی مینمایند. بدیهی است کشورهای دنیا دارای هر مملکت و مرامی که هستند يك فرد ممتاز رهبر و مظهر ملیت در رأس ملت و دولت خود دارند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تمام معنی شایسته و مانوق تمام صفات پیشوائی و هدایت کشور و ملت ایران هستند. اساس استقلال ایران عزیز ما همیشه پیوستگی با فروزش کانون سلطنت ایران داشته است.

اعلیحضرت همایونی تمام فنون مختلف زندگانی را فرا گرفته در ورزشهای مختلف و راندن تمام وسایل موتوری ارتباطی و همچنین هدایت هواپیماهای جنگی و غیر جنگی سرآمد همگان میباشد. زبانهای انگلیسی و فرانسه را بخوبی میدانند و تاحدی آلمانی نیز فرا گرفته اند. اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رفورم شایان توجهی در ارتش ایران بوجود آورده و ورزش ایران را بعد کشورهای بزرگ جهان ترقی داده اند و اساساً موجد و مؤسس ترفیات ورزشی امروزی ایران شخص ایشان میباشد.

بطوریکه سالی یکبار در روز مسعود و فرخنده ۴ آبان برگزیده ترین جوانان ورزشکار تمام شهرستانها و نقاط میهن عزیز ما در طهران بدور یکدیگر اجتماع نموده اردوهای قهرمانی برپا میسازند و مسابقه های گوناگون خود را در پیشگاه مبارک ملوکانه بمرض نمایش میکنند. در این تاریخچه از نطقهای مفصل و مهجی که در رادیو و در جشنها و گشایشها ایراد فرموده اند و همچنین از جریان مانورها و بازدیدهای ارتشی و سلامهای رسمی اعیاد و معرفی و پذیرفتن دولتها و هیئت های وزیران و پذیرش اعتبارنامه های نمایندگان سیاسی و رسمی دولتهای دوست و متعابه و مخصوصاً وجوه هنگفت کمکها و اعانهائی که ملیون ملیون بهر يك از شهرهای داخلی کشور و مؤسسات خیریه و ورزشی و کارخانهها و شیر و خورشید سرخ و بیمارستانها و مستعدمات فرهنگی - صنعتی - کشاورزی - بهداشتی عنایت فرموده اند و بیشتر اوقات عزیزشان را مصروف داشته بهیچوجه ذکر نرفته است چه این همه خدمت بکشور و ملت ایران را بطوری که خود مکرر فرموده اند از لحاظ وظیفه که هر فردی نسبت به بر خورداری خود از این آب و خاک مقدس دارد انجام داده اند.

شرح این جریانات محتاج نگارش کتابها است و در این وجیزه ها گنجایش ندارد. بطور کلی اوقات شریف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از صبح زود تا ۲ ساعت بعد از ظهر مصروف رسیدگی به امور کشور و جهاننداری و صدور فرامین و پذیرفتن رجال و بزرگان و مردان سیاسی و رؤسای دربار و طبقات مختلف کشور که استدعای شرفیابی را دارند مصروف میشود

بعداً برای صرف نهار تشریف فرما گردیده اوقات بمد از ظهر را بمطالعه نامه‌ها و مطبوعات و پرونده‌ها و افتتاح و بازدید مستعدتات جدیدو مشاریح عام المنفعه و ادارات و سازمانهای دولتی و ملی و یا مسائل خصوصی مصروف مینمایند شاهنشاه جوان ایران شب و روز برای یشرف و سعادت ملت و کشور ایران کار میکنند و کوشش مبنول مینمایند ملت ایران نسبت بچنین شاهی تا حد جانبازی و فداکاری حق شناس و سیاستگذار و دوستدار است تاریخ ایران هیچگاه اینهمه رحم و محبت‌های او را فراموش نمیکند .

این همان راهی است که شاهنشاهان ایران مانند داریوش و انوشیروان و شاه عباس آنرا باموفیت تاریخی پیمودند و باصبت شهرت خود جهان روز را بلرزه درانداختند .

فصل هفدهم

تراوش يك طرح سعادتبار بزرگ از يك مغز و فكر بلند

رژه چهارم آبان یا سر آغاز سعادت ایران

هر گز هرگز تاریخ هیچ ملتی نشان نداده است که اینهمه شور و هیجان از ته قلب از جانب مردمی آتشین درون که از دیدار فرزندان رشید پیکرو دلاور میهن بکلی از خود بیخود شده بودند یکباره آسمان تهران را بلرزاند هیچ قلمی را یارای آن نیست که صحنه دلارا و بی نظیر میدان سپهرا مملو از احساسات شورانگیز يك ملت که مدت پنج سال و هشت ماه اثر مثبتی از ازش خود ندیده بودند وصف کند اشعه زرین آفتاب آروز - آروز یزدانی که خداوند شهر جلال و شکوه درخشان و پر هیمنه و وطننه بر ساحت نورانی آن بلاطف باری خود گسترده بوده منظره غیر قابل توصیف است = میدان سپه در هنگام ورود شاهنشاه بکلی میلرزید عمارات سر باسمان کشیده اطراف از غریو بی مهابا و بی اختیار خلأئی مرتعش بود در فضای پاك و بی غش میدان سپه دو عطیه ایران یعنی شاه و ملت تنها یکدیگر را در آغوش خود میفشردند با رمزها و رازهای درون را در این فرصتی که بدست آورده بودند از سوز دل برای یکدیگر بیان کردند ناپاکان لگدمال و محو و نابود شدند و سر بگریبان پشیمانی و پریشانی فرو برده از روزنه‌ها مینگریستند اگر بخواهیم میزانی از قربانی‌های تنومند گاو هائی که مردم در مسیر هر يك از واحدهای ارتش کشتند بدست خوانندگان بدهیم از عهده خارج میدانیم نمیتوان فراموش کرد که از فرسنگهای دور مردم برای ارتش هدایا آوردند

باران دسته‌گل و نقل و شکلات و پول‌های نقره و سکه‌های کوچک طلا بر روی ارتش و سربازان و افسران ریخته میشد در خیابان فردوسی و سپه و برق چه احساسات پر جوش و خروشی هنگام دیدار سیمای ۴مگون و بشاش و منظم جوانان سرباز ابراز میشد ملت از حال طبیعی از فرط احساس شدید حب و دوستی یخود شده بود همانگونه که قبل از آغاز توفان صدای درنده غریب و عدل شنونده را فرو میریزد هر ای و آوای بانگ جگرانه شادباش مردم آسمان تهران را می‌لرزاند زمره مشتاقانه ملت که از جذبات ذوق و انجذابات شوق جان و دل او بر می‌آمد حاکی از آن بود که فعالیت خاندین نتوانسته است کوچکترین خللی بر ایمان شاه دوستی و میهن پرستی او وارد آورد ملت ایران تسلیم نشدنی و تسخیر نشدنی است دژ مستحکمی است از ایمان بایرانیت = ملت ما بتمام معنی یعنی مرکب از ۴ عشق خدا - شاه - ایران .



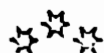
۶۸ ماه پیش از ۴ آبان ۱۳۲۵ مردم در سوم اسفند ۱۳۱۹ رژه باشکوه و منظم ارتش خود را در جلایه دیده بودند دست حوادث روزگار بوسیله آلمان عظیم نازی جنگی مخوف بر بشریت مانند بلای سوزانی وارد آورد که تومار ارتش ما را نیز درهم پیچید پس از آن مدت پنجسال و هشت ماه بلاها و صدمات طاقت فرسا بر سر ملت نجیب و مطیع ایران وارد آمد خیابانها و میادین افتخار ما معرض ناختم و تاز و لگدکوب و عربده‌های بدمستان اجنبی پرست واقع گردید علم‌ها و بیدق‌های عجیب و غریب برپا شده الم شنگه‌ها برای افتاده‌کاری و کامیون و قاطر سوار به‌منوان حزب و دسته و آزادی و در حقیقت برای وطن فروشی و غارتگری بوسط خیابانها عبور داده شد نیروی پرغلیان ملی همچنان صاعقه زده پریشان و خفته مینمود و انتهاز فرصت می‌جست .

شاهنشاه با فر و شکوه بزرگ ارتشتاران فرمانده با رأی گرانمایه و ابتکار بلند پایه خود بنا کهان گره بر پیشانی افکنده فرشته آسا رشته‌های دراز این کوتاه فکرانرا با محبت عظیمی که در دل ایرانیان داشت پنبه کرد حب حقیقی و ایمان واقعی را بآنان نشان داد حقیقتاً جای تأسف بود که از این ذخیره بزرگ ملی که بنام ارتش داشتیم هیچگونه استفاده تبلیغاتی نمی‌کردیم در صورتیکه رژه‌های

گوناگون مخصوصاً رژه‌های ارتشی بزرگترین وسیله ایست که سالی دو یا سه بار هر کشوری با عظمت و تنوع بی نظیر و بیمانندی آنرا وسیله تبلیغات وسیعی بنفع کشور خود بکار می‌بندد.

این سکوت موجب شده بود که اثری و اسمی از ارتش ایران نبود و مخالفین و مطبوعات مبتذل که با سرمایه دشمنان ایران اداره میشد در صدد انحلال و سلب پاشی پر دامنه‌ای بر علیه ارتش ملی و عزیز ما بودند.

ما هر چه درباره عظمت و بزرگی فکر رژه چهارم آبان بنگاریم کم نگاشته‌ایم زیرا شانس بزرگ ایران هم از همان جا شروع گردید و پس و پشت آن تاحال الحمدلله بعد از مدتی اسارت و زبونی خورشید نیکبختی ایران اوج تابش گرفته و پرتو حیات بخش استقلال و تمامیت ارضی و امنیت داخلی تنها و تنها بنا باهتمام شخص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بر سر ملت و آسمان و ارض ایران ناییدن آغاز نهاده است مشروط بر اینکه شاهنشاه و ملت ایران بیدار باشند و دست کسانی که هر لحظه برای ابقای موقعیت خود حیات سیاسی ما را با ایجاد مشکلات گوناگون مصنوعی بمخاطره می‌اندازند از کارها و زمام امور کوتاه سازند و از موقعیت بی نظیر کنونی که مانند بیست سال دوره اعلیحضرت فقید سعید امکان اصلاحات را برای ما دارد حداکثر استفاده را بنمایند و این فرصت را از دست ندهند و بسیار قدر بدانند حتی در همین گیر و دار که همه دنیا بخود مشغولند چند قدمی بسرعت بجلو بروند و دست به کارهای اساسی و تبلیغاتی مهمی در این جهان متمدن بزنند این نکات را نویسنده مکرر گفته‌ام باز هم در این سطور یادآوری نمودم



برای ملت ایران که خون مردان جنگ آور در عروق او جاری است هیچ چیز باندازه دیدن يك رژه نظامی و ارتش لذت آور و جالب توجه نمیباشد تمام خیابانهای مسیر واحدهای نظامی از میهن پرستانی که ارتش را در آغوش خود گرفته بودند پر بود از خیابانهای دور مردم خود را بمراکز دیدن رژه مخصوصاً میدان سپاه که محل تشریف فرمائی شاهنشاه بود رسانیده بودند مردم بیشتر برای عرض تبریک ولادت شاهنشاه از صبح زود زیر آفتاب اجتماع کرده بودند هر گز چنین منظره

و جلال و شکوه و جبروت و ابهتی دیده نشده است .
ناگهان موجهای عظیمی که گوش فلک را کرمیگر داز هلهله و آهورای
 ملت از اواسط خیابان سپه برخاست و بفاصله کمی سرامر میدان سپه را
 نعره‌های زنده باد و آوای شادمانی فرا گرفت اتومبیل رولز رویس شاهنشاه
 تاجدار کامکار جوانبخت از وسط صفوف درهم فشرده ملت دوستدار پیش آمد
 شادم تبسم بود و ملت شاه هورا و زنده باد میکشیدند قربانیهای تنومند مینمودند
 ملت اتومبیل شاه را از فرط عشق در آغوش کشید میدان سپه بلرزه در افتاد علاوه
 بر تمام سفراء نمایندگان سیاسی و نظامی خارجی تمام بزرگان کشور و جمعیت
 بی نظیری از مدعوین و ملت بالکن‌های پائین و بالای شهرداری و تمام ساختمانهای
 اطراف میدان را اشغال کردند .

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در ایوان شهرداری نمایان شدند بناگاه فریادها
 و غریو و بانگ شادمانی مردم بشدت بلند شد و تا چند دقیقه ادامه داشت شاهنشاه
 لبخند زده باهالی سلام نظامی دادند **قامدتی** میان ملت و شاه تبادل احترام و محبت
 و رمز **یگانگی قلب بعمل** آمد دو ساعت و نیم رژه بطول انجامید و سه ساعت و یکربع
 اعلیحضرت همایونی در شهرداری تشریف فرما بودند رژه در ساعت دو و ربع بعد از ظهر در
 پیشگاه ملوکانه در حالیکه منظره عجیب میدان سپه بروح پر فتوح اعلیحضرت عقید سمید تهیت
 میفرستاد و مجسه او را شاهد جاندار معرفی مینمود آغاز گردید .

سپهبدیزدان پناه فرمانده پادگان مرکز پیشاپیش همه سوار اسب قوی
 و زیبایی جلو می آمد بزیر جایگاه سلطنتی رسیده توقف نمود و با صدای رسای نظامی و
 مطبوع خود گزارش را بعرض رسانید سپس دانشکده افسری - دانشجویان - آموزشگاه عالی
 شهربانی گارد مخصوص سلطنتی با کلاه خود از مقابل شاهنشاه رژه رفتند آنگاه لشکر یکم با ساز و
 برک و مهمات و تانکها - مسلسلها - توپهای مختلف سبک و سنگین و بعد لشکر دوم عیناً
 بهمان ترتیب رژه رفتند سپس تیپ سوار مرکز - واحدهای زره پوش - افراد نگهبانی کل کشور
 با کلمیونها و موتورسیکلتها تیپ مکانیزه ۱۰۵ بلند و مسلسلهای ضد هوایی باشکوه تمام رژه
 رفتند هنگام رژه واحدهای موتوریزه هوایماهای نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی باغلفله و هلهله
 و شکوه و غریو مدمش خود از فراز میدان سپه گذشته و اوراق یشماری که روی آنها عکس
 اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و شرح حال زمامداری ذات مبارکش درج بود می ریختند این
 اوراق زیبا بوسیله یکی از میهن پرست ترین جوانان حساس کشور تهیه شده
 بود که خود او گوشه‌ای از شهرداری را انتخاب کرده بمنظره آسمان رنگین
 روح بخش و پشام میدان سپاه مینگریست - میدان سپه از آنروز حقیقتاً میدان
 سپاه شد و تا قبل از آن اسم بی‌مسمی بود .

و قتیکه رژه پایان یافت اعلیحضرت شاهنشاه برای تفقد مدعوین بالون شهرداری تشریف فرما شدند در این هنگام و الاحضرت اشرف پهلوی شاهزاده خانمی که ایرانیان او را از نهایت صمیم قلب دوست دارند در بالکن ظاهر شدند مدت سه ربع تمام مردم شادمانی و فریو و هلهله میکشیدند تا بالاخره مجدداً شاهنشاه بیالکن تشریف فرما شده بابر از احساسات و هورهای رعد آسای مردم بالبختند و اشارات دست پاسخ فرمودند .

آنکاه در حالیکه هیچ راه عبوری برای اتومبیل شاهانه بر اثر ازدهام بیحد مردم باز نبود بازحمت بسیار در حالیکه خواهر محبوب شاهنشاه از فرط عشق و علاقه از بالای بالکن گل سر برادر تاجدار میریخت بکاخ سلطنتی مراجعت فرمودند .

(رژه چهارم آبان و رژه اول دیماه موجبات افول و نابودی هر گونه رژههای مشکوک دیگری را که تا حال بزبان وحدت ملی ما داده میشد فراهم ساخت) .

اما در این میان آذربایجانیان ماتمزده بادیدگان اشکباری بسر بازان غیور و فرزندان مبارز و باشهامت و فدایگان و جانباز میهن چشم دوخته بودند و بی تابی میکردند کونی وضع اسفناک آذربایجان و سلطه یاقبان و غارتگران و فشار و شکنجه برادران و خواهران خود را بنظر سربازان ارتش میهن مجسم مینمودند و از آنان امداد و یاری می طلبیدند ولی هبنکه بهم برخوردند بدون اینکه محتاج بگفتن باشد هر دو مقصود و خیالات یکدیگر را درک کردند و بازبان دل بایکدیگر گفتگو کرده از همانجا شالوده نهضت و جنبش عظیمی را طرح کردند که بعدها منظور باطنی طرفین را تأمین کرد پراکندگیا را جمع و وحدت و سعادت ملی را بنیان و تجدید مجد و عظمت دیرین را آغاز نهاد و صحنه دل آرای کشور را از خائنین و بیگانه پرستان بد اندیش پاک و مصفا ساخت و مشت عسکی بردهان دشمنان ایران نواخت .

بموجب تلگرافاتی که از تمام شهرستانها و نقاط ایران رسید این رژه در تمام مراکز حساس و خیابانهای هر شهر باشکوه و سرور بی نظیری برابر تمثال مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه محبوب برگزار گردید. مخصوصاً در رشت - اصفهان - شیراز - مشهد - کرمانشاه - قزوین - خرم آباد - کرمان - بندرعباس - وغیره همه جا احساسات بی نظیر و بی شائبه و لبریز اهالی شیبه و همانند همان شرحی که در بالا دادیم ابراز شد در حقیقت روحیه ارتش شاهنشاهی ایران بوسیله این رژه در مرکز شهرها که تا آن تاریخ بهیچوجه سابقه نداشت تقویت گردید و روح پاک سربازان دلاور را برای فتوحات و نجات میهن بهیجان آورده آماده ساخت .

فقط آذربایجان محروم بود که آنهم در روز اول دیماه شاهد عشق را در آغوش کشید و رژه منظم ارتش در تبریز برپا گردید هم این فداکارها نیز برای نجات آنجا بود .

فصل هیجدهم

آذربایجان

بکمال در فرقت جانکداز غرق در خون و طغیان و لکد کوب سم ستوران
فرقه غدار و قومی نابکار سوخت .
بگردار از آنسان که اندر جگر سم
نه آفات گردون دریشان موثر
یکایک گذارنده تیغ و نیزه
چه خونخوار جیشی که پنداشتی خون
چه ناپاک قومی که در طبع ایشان

ناگاه در روز شوم ۲۱ آذر ۱۳۲۴ خنجر خوین و جنایتکاری پرده عفاف استقلال
و تمامیت خاک ایران را درید قومی که از سر چشمه بیگانه پرستی مایه میگرفتند بنام
(دموکرات فرقه‌سی) بر یکایک شهرهای سبز و خرم آذربایجان ثلثه و استیلا یافتند .
آذربایجان جان ایران است . استان پهناوری است که بررسی اسم آن مارا
بمظمت‌های تاریخی سرگذشت آن واقف میسازد آذربایجان مسکن مادیها بود که
از حیث خون و نژاد و زبان و دین و عادات و آداب ایرانیان کاملی بودند دانشمندان
بزرگ مانند گوتمید - شپیکل - یوستی - مایر اندک تردیدی در ایرانی بودن
کامل مادیها ندارند - هنگام حمله اسکندر شهربان آذربایجان آنرید یا آنریداد
(آنر بمعنی آتش و بت بمعنی رئیس و نگهبان مانند سپهبد و موبد) نام داشت نام
آذربایجان از آنریداد و آنر گشسب (آتشکده شیز) بروایات مورخین مشتق و
باقی ماند مرکز این استان پرستان در قدیم شهر کنزک (شیزقرون اسلامی در محل
نخت سلیمان حالیه) بود در دوره عباسیان نخست اردبیل و سپس تبریز بعد از حمله
مغول مراغه و اخیراً باز تبریز مرکزیت یافت مساحت آذربایجان ۱۰۴،۰۰۰ کیلومتر
مربع (بیشتر از دو برابر و نیم کشور سویس) و دارای متجاوز از ۲،۵۰۰،۰۰۰ نفر
نفوس میباشد زبان مردم آذربایجان فارسی بوده است و حتی در تمام دوران تاریخ

يك كتاب تركی هم در آنجا تألیف نیافته - سخنوران درجه اول ایران مانند قطران خواجه همادالدین - خاقانی - نظامی - شیخ محمود شبستری و شیخ صفی‌الدین اردبیلی و سید قاسم انوار از آذربایجان برخاسته و زبان دری و ادبیات پارسی را احیاء نموده‌اند شت زرتشت پیام‌آور بزرگ ایران باستان کتاب مقدس اوستارا که اکنون در دست ماست بزبان ایرانی نوشته است .

بابك خرم دینی رادمرد بزرگك تاریخ ایران از آذربایجان برخاست و برضد تسلط عرب سالیان دراز با عمال خلفای عباسی ستیز نمود همچنین سردار ملی و سالار ملی و خیابانی و دیگر رادمردان .

چگونه آذربایجانی ترك زبان شد - زبان آذربایجان لهجه پارسی باستانی یعنی آذری بود که تا اواخر قرن دهم هجری در آذربایجان عمومیت داشت .

در سال ۴۳۱ هجری قمری بعد از شکست سلطان محمود یسر محمود غزنوی از ترکان سلجوقی راه نفوذ و استیلاء قبایل ترك نژاد بایران که ادوار گذشته بر اثر وجود دولت های قوی شوکت اشکانی و ساسانی و سامانی مسدود بود باز شد و کم کم بر اثر معاشرت مردم با سربازان قبایل ترك آشنائی با زبان تركی آغاز گردید در سال ۶۵۶ هجری قمری پس از فتح بغداد بدست هلاکومراغه را برای پایتختی انتخاب و گروهی از ترکان بآذربایجان آمدند ولی ایرانیان مراوده خود را با آنان جدا میداشتند و متفر بودند ولی بحکم غلبه سیاسی و نظامی و احتیاجات مادی طبعاً ایرانیان محتاج بآموختن زبان تركی شدند و از همین جا آلودگی زبان آذری بترکی آغاز شد چنانکه در اکثر نقاط ایران بنا بهمین علل بازبان عربی نیز پیش آمد . اگر معجم البلدان یاقوت را که در اوایل قرن هفتم هجری یعنی در حین استیلای مغول تألیف شده برداشته قسمت اعلام جغرافیائی آذربایجان و اران تاماواراه رود کورا و در بند یکی یکی را مطالعه کنید نادر است اگر يك اسم تركی بر بخورید مبهنطور در كتاب بستان السیاحه شروانی که در ۱۲۴۷ (سه سال قبل از مرگ فتحعلیشاه) انجام یافته است .

باری بر اثر تشکیل دولتهای بزرگك ییکانه مانند امرای چویانی و ایلسکانی و بر اثر غلبه تیمور لنگک و اخلاف او و ظهور حکومت‌های ترك قره قویونلو و آق قویونلو و تمرکز ایلات تركی که گورکانیان در آذربایجان مقیم کردند و مخصوصاً طول غلبه و تسلط ترکان باعث آن شد که رواج زبان تركی در آذربایجان توسعه یافت .

متاسفانه شاه اسمعیل مؤسس سلسله صفویه با اینکه از خاندان ایرانی بود گناه بزرگی در انتشار زبان تركی در آذربایجان مرتکب شد بدین معنی که دیوان شمیری برای تعجیب طریقت‌شعبی خود بترکی فیرمانوس جغتائی سروده و زمام تمام کارهای لشگری و درباری صفویه را تا مدت‌ها بدست سواران ایلات قورچی و ترکانان قزلباش سیرد بهمین جهت زبان تركی بتدریج در دربار سلاطین صفوی بر فارسی غلبه پیدا کرد مع هذا زبان آذری همچنان تا عهد شاه عباس بزرگك و حتی تا آخر قرن دهم صدسال پس از آغاز حکومت سلسله صفوی رواج داشت منتهی عوامل مذکور آنرا مستعد

شکست کرد و این شکست را لشکر کشبهای متعدد عثمانیان که اغلب بامدافعات سردانه آذربایجانیان همراه بود بر حله عمل در آوردهم چنین نزدیکی آذربایجان با اراضی ترک نشین مزید بر این علت گردید. معهذاً هنوز در آذربایجان مخصوصاً در روستاهای اطراف جلفا و مرند و زنوز و خلخال شعبی از لهجه بزرگ آذری محفوظ مانده و بدان تکلم میکنند ولی بقایای این یادگار سرعت در حال اضحلال و نابودی است خوشبختانه بر اثر رخ دادن وقایعی که در صفحات آینده این تاریخ شرح آن مندرج است هبجان ملی و نهضت حقیقی ایران پرستی در آذربایجان باشکوه و جلال بیسابقه‌ای چنان آغاز گردیده است که جوانان دانشمند آن استان بکسر ره ایرانیان باستان را می‌بمایند و ملیت آنان هم‌ساز با عالیترین تمدن جهانی بزودی پر تو حیات بخش بی‌ظییری بر تمام میهن عزیز ما ایران خواهد افکند و یکبار دیگر مهد زرتشت را پیشرو اصلاحات ایران خواهد ساخت .

باتوجه بدلائل بالا مسلم شد که زبان ترکی که شاه اسمعیل برای مصالح منعی و سیاسی و حبله تبلیغ قرار داده بود زبان يك ملت ترکمانان بدوی و بی تمدن و بیابانگرد و غارتگر بود که بایرانیان تعمیل شده بود و شعر و ادبیاتی که دنیا به پسند نداشت و زبان شکسته‌ای بود خارجی و باجداد و نژاد ایرانیان یا آذربایجانیان تعلق نداشت با ادعای جماعتی مغرض که بسازدیگران برقص آمده بودند و میگفتند زبان مادری مردم آذربایجان است هیچگاه ذرو کهر را با خرمهره و خرف مبادله و معامله نباید کرد و برابر نمیتوان ساخت .

هنوز کتیبه‌های فارسی که از یکطرف در جزیره قبرس و از طرفی در بکن وجود دارد حد نفوذ معنوی ایران و دامنه و سمت زبان فارسی را ثابت و مدلل میدارد .

با تمام این دلایل و شواهد يك موضوع مهمی را بعنوان نتیجه باید برای آینده توجه اشخاصی را که خیال خام سرکشی دوسر می‌پروراند گفته و بدان جلب نمود و آن این است که بدانند .

مابین زبان تکلم يك قوم و نژاد ایشان لازم نیست ارتباطی وجود داشته باشد زبان یا نژاد یا دین عامل منحصر بفرد ملیت بشمار نم‌آید بهترین مثال در این مورد کشور کوچک سوئیس است که در آنجا بچهار زبان تکلم میکنند ولی وطن پرستی ایشان سر مشق دنیا است یا زبان انگلستان که اساسش از دو طایفه انگل و ساکسون از زرمناهای آلمان غربی میباشد که با انگلستان تاخته و مدتی زمام حکومت آنجا را در دست داشتند ملیت يك امر مهم و مرکب اجتماعی است که در آن صدها عامل مانند تاریخ و عادات و اخلاق - سرزمین - عقاید - ادبیات - نژاد ، روحیات - دین و غیره بشدت مؤثر و مشترک و پایی بند میباشد آذربایجانی بدون شك در کلبه این عوامل ایرانی بوده و هست و خواهد بود این مردم باک سرشت و ایرانی را با این اصرار چگونه میتوان از نژاد اغوز و نوبیرگان تایانک خان و اوغل قاییش خاتون مال پشت دیوار چین دانست اینها نژاد باک ایران و ملت حقیقی داریوش شاه و انوشیروان دادگرند نه از شجره مغولان و اتراک .



جریان تأسیس فرقه دموکرات و تسلط مسلحانه آنان بر آذربایجان

نیرنگ بازان بیگانه پرستی بنام (دموکرات فرقه‌سی) بدون داشتن سابقه جا و مکان و تبلیغات و تشکیلات حزبی و شناسائی معلی بزور و تشجیح بیگانگان از اوایل مهر ۱۳۲۴ در خفاشانه مسلح گردیده شهرها، بیکه قوای تامینیه کافی نداشتند حمله و رومی گشتند مردم را مرعوب و عده‌ای را تیرباران و سپس بر خلاف اصول مبارزات تبلیغاتی حزبی شروع بشو سه مقصود خود می نمودند در حقیقت این يك قیام مسلحانه و عمل ماجراجویانه بود که در ظاهر بنام آذربایجانی بر علیه دولت مرکزی آغاز گردید و دولت شوروی معنابه پشتیبانی آنان بر خاست چنانکه (از غوغای تغلبه ایران) روزنامه (ایزوستیا) ۵ روز پس از شروع غائله اینطور نوشت . « حوادث آذربایجان نتیجه افکار اصلاح طلبانه آذربایجان است این حزب نمیخواهد

آذربایجان از ایران جدا کرد بلکه میل دارد حقوق آذربایجان را در دایره دولت ایران محفوظ باشد...» علاوه بر این در تاریخ ۶ آذر ۱۳۲۴ روزنامه «انزوستیا» یانه دموکرات فرقه‌سی را در صفحه اول در ستون و نیم چاپ نموده و مقاله مفصلی هم بر له آن منتشر ساخت.

معلوم نیست بچه دلیل و بچه طریق دولت شوروی که يك دولت خارجی بوده فهمید که دموکراتهای آذربایجان برای تأمین دموکراسی قیام کرده اند ولی خود دولت و ملت ایران و مردم آذربایجان نتوانستند این تشخیص را بدهند... بهمین جهت بود که این نوع یشتیانی از متجاسرین اترسوه عمیق و فراوانی در ملت ایران کرده و آنها را بدبین نمود.

شرح وقایع - در تاریخ ۲۳ آبان ماه ۱۳۲۴ در قریه «اونیک» واقع در ۱۲ کیلومتری شهر میانه، عده‌ای بنام «دموکرات» جمع شده و هنگام غروب آفتاب با انتشار يك آگهی، متینگی داد و مضمناً ۵ نفر مسلح از این عده جلوی کامیون‌هایی که به تبریز یا تهران درآمد و شد بودند گرفته و جوهری از مسافری دریافت میکنند بملاوه مسافرین نظامی را سخت اذیت کرده و خلع سلاح می‌نمایند. تلگرافی که يك روز بعد از میانه رسید اشعار داشت در قریه «ترگو» و «ترکن» عده‌ای مسلح که منتسب بفرقه دموکرات هستند مأمورین دولتی را خلع سلاح و ادارات را تصرف نموده اند و نیز از هر آبادی بیست و پنج نفر که خدمت نظامی کرده بودند اسامی آنان را یادداشت میکنند و کسانی که حاضر باشناک ماسی با آنان نباشند تهدید میکنند - ناگهان در تاریخ ۲۶ آبان عمال این دسته بمیانه حمله ور شده تمام مأمورین دولتی را خلع سلاح و توقیف مینمایند ضمناً عده‌ای از اهالی را برای تهدید سایرین تیرباران میکنند.

میانه شهری است واقع در سر راه زنجان و تبریز و خط آهنی که از زنجان به سوی تبریز کشیده شده است تا اینجا قبل از جنگ ساخته شده بود، با تصرف این شهر افراد مسلح تقریباً رابطه‌ی مکرر با آذربایجان قطع مینمایند زیرا علاوه بر راه آهن راه شوسه تهران به تبریز هم از این شهر می‌گذرد. علاوه بر تصرف ایستگاه راه آهن سه‌های تلگراف و تلفون را هم قطع می‌نمایند تا رابطه تهران و تبریز و بالتبعه شهرهای دیگر آذربایجان با مرکز قطع شده باشد.

در همان هنگام اخباری واصل شد که در سراسر «زنجان» اردیل عده‌ای که منتسب بحزب دمکرات هستند مشغول تهدید و تحریک اهالی و مأمورین دولتی مینباشند.

در مشکین شهر معددی وند نام که در نیروی دموکراتها بدرجه سرهنگی رسیده ارباب زاده بخشدار و سروان ادیب امینی سرپرست ایل شاهسون را با عده‌ای دیگر از افسران و غیره بشدیدترین وضعی شهید مینماید همینطور در اکثر نقاط آذربایجان فجایع و کشتار و قتل و غارت بی نظیری راه می‌اندازند علت عده یی شرفت این عده و یشتیانی بیگانگان آذربایجان و آزادی عمل آنان و عدم آزادی عمل نیروهای دولتی بوده است که عده آن هم بر اثر وجود نیروهای یگانه و اشغال میهن عزیز ما بود.

در نیمه شب ۲۵ آبان يك عده مسلح بایک عده کامیون و يك جیب متعلق بایران سوترانس یاسگاه راه آهن میانه حمله می‌نمایند و مردم در آن دل شب صدای تیرمسلل میشوند، در نتیجه این پیش آمد رئیس یاسگاه راه آهن میانه و رسدبان سوم انصاری با چند تن از زنداندارها کشته میشوند در همان شب عده‌ای از مأمورین دولتی و افراد محلی را بطرق مختلف هلاک میکنند فردای آن روز مردم مضطرب و هراسان شده دکانهای باند دولتی کماندان شوروی آنها را دعوت بیاز کردن دکانهای نمایند. ریاست افراد مسلح را غلام یحیی نامی، رئیس سابق حزب توده میانه عهده‌دار بود، این شخص مهاجری است که بس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ از روسیه بایران آمده بود.

این بود خلاصه جریان پیدایش فرقه دمکرات و نمونه تصرف يك شهر از استان آذربایجان بدست آنان در دنباله این وقایع تقریباً با همین روش بلکه شدیدتر زنجان و مراغه و اردبیل و غیره را تصرف نمودند و چون تبریز دارای یادگان قوی تری بود پس از محاصره بالاخره آنجا را نیز با دسایسی تصرف کرده بر آذربایجان ایران یکمده ییگانه تحت رهنمائی ظاهری پیشه وری مسلط گردیدند . اسلحه ای که این عده در دست داشتند بیشتر آنها تفنگ برنو و سه تیر و پنج تیر بوده است که معلوم نبود بچه طریق آنها را اخذ نموده اند .

تنها یادگان دولتی که توانست شدیداً مقاومت نموده و مدتی در برابر آنها ایستادگی کند یادگان شهر رضایه بفرماندهی سر هنگ زنگنه بود که بعداً بنام قهرمان رضایه معروف گردید و در باز پس گرفتن آذربایجان نیز این افسر شجاع مجدداً لیاقت و فداکاریهای خود را آشکار ساخت . چون بازرسی مرزهای ایران پس از شهریور ۱۳۲۰ از اختیار دولت مرکزی ایران خارج گردیده بود . اشخاصی با هویت های مختلف بدون کنترل وارد سرزمین ما گردیدند و بدست همین افراد . عده معدودی ایرانی فریب خورده و با کمک آنها آشوبهای شمال بر علیه مین هزیما یکی پس از دیگری بوقوع پیوست . دولت ایران هر وقت که خواست اقدامی برای رفع این غائله ها بنماید با موانعی که تمام ناشی از توقف نیروی ییگانه در خاک ما و دخالت آنها در امور مربوطه بما بوده است مصادف میگردد . دولت ایران یکروز پس از واقعه میانه فوراً تصمیم میگیرد که بمنظور خوابانیدن شورش و جلوگیری از توسعه آن و سرکوبی افراد مسلح دو گردان پیاده و یک گروهان ژاندارم از مرکز بمقصد تبریز اعزام دارد که در اختیار فرمانده لشکر آذربایجان قرار گیرند ، وزیر جنگ وقت (سر لشکر ریاضی) قلیله آقای سرهنگ (رازین) وابسته نظامی سفارت کبرای شوروی قصد دولت را درباره اعزام این نیروها اعلام میدارد .

این نیروها در ساعت ۹ عصر دوشنبه ۲۸ آبان ۱۳۲۴ بشریف آباد واقع در ۱۲ کیلو متری قزوین میرسند گروهان جلودار ، همان موقع بحرکت خود ادامه داده و بحومه باغات شهر قزوین وارد میشوند که ناگهان عده ای از نظامیان شوروی با چند زره پوش و چند تانک جلو عده اعزامی رسیده و با تحکم فوق العاده دستور توقف و مراجعت بتهران را میدهند .

دوات ایران مجدداً با وابسته نظامی و کلدار سفارت شوروی وارد مذاکره شده و خواهش میکند صدور اجازه برای حرکت نیروهای ایران متوقف در شریف آباد بفرمانده نیروی شوروی در قزوین داده شود کاردار اظهار میدارد باید از مسکو دستور برسد دولت ایران علاوه بر یادداشت های ۲۶ و ۲۹ آبان و اول آذر شفاهاً نیز بکاردار سفارت تذکر میدهد که بیم آن میرود آشوب تمام نقاط آذربایجان را فراگیرد . بالاخره در تاریخ ۵ آذر ۱۳۲۴ (۲۴ نوامبر) پاسخی میرسد که ادعای دولت ایران را رد نموده و در قسمت آخر آن راجع با اعزام نیروهای ایران با آذربایجان بعنوان اینکه خونریزی خواهد شد و در این صورت دولت شوروی هم نیروی تکمیلی خود را با ایران وارد خواهد نمود عدم موافقت خود را اعلام میدارد ناگاه صبح چهارشنبه ۲۱ آذر ۲۴ شهر تبریز از هرسو بوسیله نیروهائی که از مراغه و سراب و میانه و نقاط اطراف بجانب تبریز حرکت کرده بودند محاصره میشود سه ساعت بظهر مجلسی بنام جمعی مجلس ملی آذربایجان از طرف فرقه دموکرات افتتاح میشود قریب هشتاد نفر بکنوع نظامنامه داخلی تصویب و امضاء نموده و شبتری نامی را بریاست جلسه انتخاب میکنند و جعفر پیشه وری رهبر و نخست وزیر میشود عده دیگری هم خود را وزیر نام می نهند دکتر جاوید وزیر کشور - جعفر کاویان وزیر فنونهای ملی . . . دکتر هتاش وزیر فلاحت - محمد پیریا وزیر

فرهنگ - دکتر اورنگی وزیر صعبه - غلامرضا الهامی وزیر مالیه - یوسف عظیمی وزیر عدلیه کبیری وزیر پست و تلگراف و طرق - رضا رسولی وزیر تجارت و اقتصاد - زین العابدین قیامی ریاست کل دیوان تمیز - ابراهیمی دادستان آذربایجان - آتشیات ماکو وزیر تبلیغات و از این قبیل ضمناً اعلام میدارند که وزارت خارجه همان وزارت خارجه ایران است چون بدصده تجزیه نیستیم ضمناً باسرتیب درخشانی خیانت پیشه (که اکنون محکوم بعبس اید و تقاضای اعدام برایش شده است) قرارداد ننگینی منعقد مینمایند که بدان وسیله فائعه لشکر آذربایجان خوانده میشود روز ۲۲ آذر عدهئی که برای تقویت یادگان آذربایجان از طهران حرکت کرده و در شریف آباد فروین متوقف شده بودند پس از وصول خبر تسلیم یادگان تبریز بتهران مراجعت میکنند در جلسه روز سه شنبه ششم فروردین شورای امنیت جناب آقای علاه نماینده ایران ضمن قرائت گزارش خود اظهار داشت علت مسافرت هیئت ایرانی بریاست نخست وزیر ایران بمسکو همانا مداخله مقامات شوروی در امور داخلی ایران و بقای نیروهای شوروی در ایران بوده است . سپس اضافه نمود که دولت شوروی تقاضاهای زیر را از ایران نموده است .

- ۱ - بقای سربازان شوروی برای همیشه در بعضی از مناطق ایران .
- ۲ - باید دولت ایران حکومت خود مختاری آذربایجان را به رسمیت بشناسد .
- ۳ - دولت شوروی حاضر است که از تقاضای امتیاز نفت شمال صرف نظر کند بشرط اینکه يك شرکت نفت ایران و شوروی تشکیل گردد که ۵۱ درصد سهام آن متعلق بشوروی و ۴۹ درصد آن برای ایران باشد . ولی دولت ایران کلبه این پیشنهادات را رد کرد زیرا این پیشنهادها بامشور اتلانتیک و بیان ملل متفق و باقانون اساسی ایران کاملاً مخالف است بالاخره در تاریخ ۳ خرداد نامهئی از سفارت کبرای شوروی بدین مضمون بدولت ایران رسید .

آقای نخست وزیر محترم - در تمقیب اظهارات شفاهی که اینجانب موافق دستور دولت شوروی در ۲۲ ماه مه سال جاری کرده است بدین وسیله محترماً تأیید مینمایم که تغذیه فئون شوروی از ایران مطابق نقشه تغذیه که از طرف ستاد ناحیه نظامی قفقاز در اوایل ماه مارس سال جاری اعلام گشته است نهم ماه مه کاملاً انجام یافت خواهشمند است صمیمی ترین احترامات این جانب را قبول فرمایند . امضاء سادچیکف .

روز یکشنبه ۱۶ شهریور هشتی مرکب از آقای سرهنگ بواسعانی و آقای سرهنگ باینر و آقای سرهنگ گلیرا از تهران بزنجان عزیمت نمودند .

در این موقع یعنی در ۳۱ شهریور تلگرافی از طرف اخوان فغانی بدولت مخبره شد که در آن بعضی تقاضاهای غیرقانونی نموده بودند و تغییر کابینه و تغییر رؤسای حساس ارتش و واگذاری ادارات و تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و اتصال راه آهن و بسیاری چیزهای دیگر را خواستار شده بودند . در بندر بوشهر نیز زمینه عملیات اغتشاش و مهاجمه فراهم شد و ۴۸ ساعت در تلگرافیکه مخبره نموده بودند برای انجام درخواستهای خویش وقت تعیین کرده بودند . خلاصه اوضاع درهم کشور و اختلافات داخلی و آشوبهای بردامنه در تمام نقاط میرفت که یکباره کشور را پیرنگاه عمیق و ورطه هائی سوق دهد اکنون که نگارنده این سطور را می نویسم وقتیکه با اوضاع آن روزگار مدتها می اندیشم لرزه بر اندامم می افتد و بی اختیار میگرم و میگویم .

ای روزگار سیاه زهر آلود برو که دیگر باز نگردی

ولی در این بین بارقه فرح ناک و امید بخشی درخشیدن گرفت بعد از ظهر روز

شنبه چهارم آبانماه بایکوضع بسیار جالب توجه وباشکوهی ارتش شاهنشاهی ایران درتمام میدانهای بزرگ وخیابانهای مرکزی شهرهای پرجمیت ایران بافتخارجشن میلادمعمودبندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رژه رفتند بدینوسیلهروحیه ارتش شاهنشاهی که متأسفانه بر اثر حملات و نبلغات بیگانه پرستان در سنین اخیر فوق العاده ضعیف شده بود تقویت یافت و بنا گهان افراد فداکار ودلیر ارتش شاهنشاهی که جسته جسته وآرام آرام بنابتأثیر احساسات ایران دوستی ووطن پرستی خود منتظر چنین فرصتی بودند وسایل تحریکات میهنی سربازان وافراد پاک نژادرا فراهم آورده آنانرا بفتح آذربایجان تشویق وتحریض وتشجیع نمودند ازسوی دیگر میهن پرستان ایران وهمچنین مردم آذربایجان که در تمام نقاط ایران عظمت واحساسات وروحیه قوی ارتش را دیدند آنهارا ترغیب بفتح آذربایجان کردند بی قایمی شروع شد خونهای جوش آمد احساسات خفته بیدار شد . شاهنشاه جوانبخت و قتیکه توجه مردم و حس فداکاری باطنی آنانرا ناسرحد جنون ملاحظه فرمود فرمان داد آذربایجان بانبروی ارتش شاهنشاهی فتح و گشوده شود ومهد زرتشت از شکنجه یوغ غاصبان اوباش وقطاع -
الطریقان کلاش وقلاش نجات یابد ❄

ناگهان مانند این بود که جهان ایران انتظار حرکت دو لب یافوتی و گرانمایه شاه محبوب را داشت ارتش بجوش وخروش آمد ایلات وعشایر ازهر سو نغمه فداکاری بلند کردند بویراهدی بختباری - ایلات پشت کوه - ایلات فارس - ایلات خراسان - ایلات کردستان تلگرافات مشتاقانه غایره نموده آمادگی و عزیمت جنگجویان خود را اطلاع دادند ملت سلاح بر گرفتند مادران فرزندان خود گفتند بفرمان شاهنشاه جوانبخت ای فرزند ترا برای فتح سرزمین مقدسی میفرستم که در ۳ هزار سال تاریخ درخشانش جزء لاینفک ایران وسر مادر میهن بوده است ای فرزند سیر بردار وبسوی پیروزی آذربایجان بشتاب... از هر طرف دسته های مسلح بهتران حرکت کردند تا

❁ جنایتکاران دموکرات نما در جریان تسلط بر آذربایجان این افسران رشید وشجاع را کشته ویا تیرباران کرده اند ستوان سوم رضاقلی جهانسوزی - ستوان یکم حسین ابرار اصل - سرهنگ دوم علی ظهیر بنا - سروان ادیب امینی - ستوان یکم غبضملی شعیفی - ستوان یکم ابوالقاسم صدوفی - ستوان یکم سیدعلی فاطمی نائینی - ستوان یکم نصرالله قاسمی اردبیلی - همدریف ستوان یکم جواد منجم زاده - ستوان یکم امامقلی ضیائی مهر - ستوان یکم حسن سرمدی ذکائی سرهنگ عباس معین آزاد - ستوان یکم محمد سلیمی - سروان عبدالله پورانی - ستوان یکم اصغر داوری - ستوان یکم محمد سلامی - بهمین نسبت جریان قتل وتیرباران افراد ونفرتات ونخصوصاً نژادارمهای میهن پرست ایران وهمچنین سایر فجایعی که این فرقه ننگین بر سر مردم بی سرپرست آذربایجان وارد آوردند بقدری از حساب و آمار خارج است که تاریخ ما گنجایش درج یک هزارم آنرا ندارد .

جانب آذربایجان بشتابند این هیجان عظیم ملی بقبری روحیه جنگجویان ارتش را دلیر نمود که خصم بی‌سرویا را بطوریکه خواهیم دید در ظرف مدتی کمتر از یکماه تار و مار نمودند و آنهمه افاده‌های گزاف و ترهات و لاف را بزیر خاک و یا به پشت دیوار قاف با کامیون‌هایشان فراری دادند، رفتند که دیگر برنگردند معدوم شدند زیرا که از علم آمده بودند . . .

فوای ارتش دلاور و نیرومند ایران از قزوین بسوی زنجان در روز ۲۸ شب ۲۸ آبان حرکت نمود - ستاد لشکر ۳ در قزوین بود قبلاً مرحوم سرلشکر پور زنده فرمانده لشکر ۳ بود این افسر مبین پرست در نتیجه یک عملیات نظامی کوچک بر علیه فدائیان در قافازان و شکایت پیشه‌وری بدولت تهران احضار شد پس از ایشان سرتیپ شعری و بعداً سرهنگ هاشمی در ۲۱ شهریور ۲۵ بفرماندهی لشکر ۳ تعیین و بقزوین حرکت نمود و تا آخر آبان ۲۵ بتعلیم و تربیت و انتظام واحدهای نظامی پرداخت این جریانات هنگامی بود که دولت از چندین طرف گرفتار اغتشاشات داخلی فارس و کارگران شهرها و شمت فعالیت دمکراتها و حزب توده وغیره بود روش دولت اخیر همواره این بود که قضایای آذربایجان را بسالمت خاتمه دهد بهمین جهت موافقت شده بود که در زنجان سیصد نفر دموکرات لباس ننگبانی پوشیده باژاندارمهای ایران اشتراک ماسی نمایند - در روز ۲۷ آبان فدائیان و مهاجرین اهانت شدیدی بافسران و افراد ژاندارم نمودند آنها را محاصره کرده بسوی آنان تیراندازی کردند شب دوم آذر از طرف ستاد ارتش دستور محرمانه اشغال ناگهانی زنجان بیادگان قزوین داده شد با اینکه از لحاظ خرابی اوضاع و تأمین یشت جبهه نمی‌بایستی قزوین بکلی تغلبه شود وبعلاوه یادگان قزوین مأمور اشغال زنجان یش از دوگردان ناقص پیاده و دو اراجه جنگی و یکدسته خمپاره انداز و یکدسته آتشبار کوهستانی نبود - غفلت‌های ناشب یک گردان پیاده با دو اراجه جنگی و یکدسته خمپاره انداز و یکدسته آتشبار کوهستانی از مرکز بقزوین وارد شدند لذا یادگان بلافاصله یک گردان پیاده را در قزوین گذاشته شبانه در دوستون بوسله کامیون‌ها و قطار بارهایت حفظ اسرار نظامی و قطع سبهای مخبرانی تا آخرین نقطه زنجان صبح دوم آذرماه قبل از طلوع آفتاب باوجود عده زیادی مسلح از نیروی دموکراتها در بین راه و زنجان بدون اینکه یک نفر از دموکراتها و فدائیان و مهاجرین امکان وسیله فرار داشته باشند زنجان را اشغال و اهالی که مبهوت شده بودند یکباره بر علیه مهاجرین و دموکراتها شوریدند و شیخ محمدعلی خوینی را که مرتکب فجایع بسیار شده بود کشتند اهالی زنجان چنان احساسات شدیدی بر له دولت و بر علیه دموکراتها نشان میدادند که صحنه‌های تاریخی بسیاری از آن بازمانده است شب هنگام برهنک بواسعتی از طرف نغست وزیر دستور رسید که رؤسای دموکراتها و مهاجرین و افسران فراری را سکه موفق بفرار نشده بودند و در حقیقت اسیر نیروی ارتش بودند سالماً بطرف تبریز اعزام و بدرقه نماید . . . افسر مزبور دستور را اجرا و آنها را باقطار تا تازه کند بدرقه نمود - در زنجان از طرف ارتش حکومت نظامی بفرار گردید .

روز سوم و چهارم آذر خاک خسته تا سرچم با اعزام واحدهای ژاندارم اشغال شد در این بین ارتش برای اراضی اسف آور زنجان که در مدت اشغال دموکراتها به بدترین روز کاری تبدیل بگورستانی شده بود بنا به پیشنهاد سرهنگ هاشمی عده از مدیران جراید را دعوت نمود که برای مشاهده زنجان باقطار عزیمت نمایند مدیران جراید و نویسندگان مشاهدات خود را در زنجان بمطبوعات تهران فرستادند و یکباره پرده از روی فجایع و جنایات دموکراتها برداشته شد و توفان وطنیان احساسات جهانیان بر علیه آنها در تمام نقاط منعکس گردید .

حمله و عملیات اردو کشی باذربایجان در سه جبهه آغاز گردید ۱ - جبهه اصلی در محور قزوین زنجان - تازه کند - سرجم - رجین (در خط راه آهن است) - نوروز آباد - جمال آباد - قافلانکوه میانه تا تبریز - ۲ - جبهه رشت - آستارا - آذربایجان - ۳ - جبهه کردستان به مه آباد. بدین طریق از اوایل آذرماه پیش از هشت ستون نیروی ارتش شاهنشاهی بسوی آذربایجان پیشروی نمودند. ستون و جبهه مهم همان جبهه زنجان - قافلانکوه میانه تبریز بود که اینجانب (مؤلف این کتاب) بقراری که در زنجان مشاهده نمودم روحیه و وضعیت آنان بقرار زیر بود:

علاوه بر قوائی که در بالا بدان اشاره شد برای تقویت این نیرو مرتباً واحدهای نظامی دیگری هم از مرکز اعزام شد این جبهه باتشکیل دادن ۳ ستون بشرح ذیل عملیات خود را از ۱۲ آذرماه که آغاز نبرد قافلانکوه نامیده میشود شروع نمود.

جنگ مهیب و شگرف قافلانکوه

ستون مرکزی - تحت فرماندهی مستقیم سرهنگ هاشمی (سرتیب) مرکب از دو گروه جنگی تشکیل میشد آقایان سرهنگ دو فولادوند فرمانده گروه اول و سرهنگ دوسر دادور فرمانده گروه دوم بودند معاونت کل فرماندهی نیز با سرهنگ ستاد احمد زنگنه بود.

ستون غربی - فرماندهی سرهنگ بایندر (سرتیب فعلی) و نفرات جنگجو و رشید سواران ذوالفقاریها و امیرانشاری و مینی و اسلحه دارباشی و سرگرد بختیار با ارتش مرکب از یک هنگ سوار و یک آتشبار کوهستانی و یک گروهان خمپاره انداز که تا فرجه بوته آخر خاک خمه پیشرفته پهلوی چپ ستون مرکزی را حفظ مینمودند.

ستون شرقی - بدو مرکب از یک گردان ژاندارم پیاده و عده کمی سواران محلی تحت فرماندهی سرگرد ژاندارم فرحزاد از پهلوی راست ستون مرکزی اعزام گردید که تا آفکند را اشغال نماید، مهاجرین و فدائیان این قسمت در یک جبهه مستحکم بطول دو فرسخ و بعقب یک فرسخ در ارتفاعات فوق العاده مهم استقرار یافته بودند و دارای سنگرهای عمیق و یکصد و بیست قبضه مسلسل سبک و سنگین و ۸۰۰ سوار فرماندهی مازور انصاری و مازور غلامحسین اصائلو بودند ستاد آنها در سلیمان بلاغی قرار داشت و بوسیله لیوتانت اژدر و لیوتانت شمبده و دو نفر مهاجر اداره میشد.

ستون غربی فرمانان تیمار هاشمی و فرماندهی تیمار بایندر مأمور حمله و تسخیر ارتفاعات رجین که در سمت چپ جاده شوسه و راه آهن قرارداد و بر ارتفاعی در حدود ۲۷۰۰ متر قرار گرفته است گردید ستون مزبور در ساعت ۱۱ روز ۱۳ آذر با استفاده از شیارها و حمله در پناه آتش مسلسل سنگین و خمپاره انداز خود را بر رجین رسانید در رجین جنگ بسیار سختی بین سواران عشایری و افراد ستون غربی با دموکراتها در گرفت که سرانجام با پیروزی ستون غربی پایان یافت در این جنگ سرهنگ ۲ قاضی اسداللهی افسر فراری ارتش و سروان گل معدی و ستوان راهور از افسران دموکراتها و ۲۳ نفر از فدائیان آنها بقتل رسیدند و قریب چهار مسلسل سنگین و سبک و تعدادی فشنگ و تفنگ بتمصرف ارتش شاهنشاهی در آمد ساعت ۵ بعد از ظهر ۱۸ آذر حرکت ستون بطرف قافلانکوه شروع شد. اینک داستانی که خواندن آن واجب است

آغاز پیشروی و نبرد ستون مرکزی - صبح روز جمعه ۱۵ آذر جنب و جوش غربی در شهر زنجان بدیده آمد فرمانده نیروهای اعزامی و افسران ستاد بسمت فرودگاه حرکت کردند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شخصاً بزنجان با هواپیما فرود آمده بطرف تازه کند برای بازدید خط مقدم جبهه تشریف فرما شدند و محل استقرار سربازان را طبق طرح عملیاتی که تحت نظر

ذات شاهانه در تهران تنظیم شده بود مشاهده فرمودند و هدفها را ترتیب داده دستور رفع نواقص صادر فرمودند جبهه را بازدید و با هوایما مراجعت نمودند روز ۱۷ آذر ستاد فرماندهی از زنجان خارج و در تازه کند مستقر گردید هوایماهای ارتش بر فراز میانه و تبریز و سایر شهرهای آذربایجان پرواز کرده یانیه‌ها و اوراق بر انگیزانند یغش مینمودند این هوا ییماها تنها در يك رشته عملیات تبلیغاتی هوایی شصت هزار یانیه با ۶ متن مختلف انتشار دادند ب مردم آذربایجان دستور داده شده بود بر علیه دموکراتها قیام نمایند و همه را بدار مجازات بیاورزند. در این یانیه‌ها نوشته شده بود روزیکه فوای تأمینیه به نزدیکی زنجان رسید یکمرتبه تمام زن و مرد ناحیه خمسه باجوب و جمناق و غیره بقصد قصاص مردمانی که خود را حامی طبقه سوبه مرفی میگردند حرکت کردند پس از جلو گیری از خشم و غضب ملت دیده شد حق با ملت میباشد زیرا در تمام منطقه خمسه کسی نیست که از بی ناموسی و بی هفتی و غارتگری و قتل شوهران و سران جوان دور مانده باشد - قسمت عمده یانیه های آذربایجان و نقشه و پرچم رنگارنگ ایران و اعلامیه های مختلف که تأثیر عمیق در پیشرفت کارها داشته و با طیاره منتشر میشد از ابتکارات و نوشته های همان جوان میهن دوست و مبتگری است که یانیه های رژه چهارم آبان را نیز نگاشته و یغش نموده بود. در قسمتی از این یانیه ها چنین درج شده بود همه را نیست و نابود سازید زمام امور را در دست گرفته پرچم های شیر و خورشید را برافرازید این امر وطن است این اعلامیه ها در تبریز و سایر نقاط تأثیر فراوانی در افکار عمومی بخشید و دموکراتها را متزلزل ساخت آنها مردم را تهدید کردند هر کسی اوراق مزبور را برداشته و یا بدیگران بدهد اعدام خواهد شد ولی بهیچوجه این تهدیدها دیگر در مردم تأثیری نمیکرد اوراق را میگردنند و برچشم گذاشته گریه کرده میبوسیدند و بقیمت های گزاف میخریدند - عصر روز ۱۸ سربازها با قطار از زنجان حرکت کردند سربازها با هبجان غریبی سرود « ای ایران » را میخواندند و به سوی پیروزی می شافتند شب و روز قطارهای پراز سرباز میرفت .

در تازه کند و سرچم ساعت ۹ بعد از ظهر ارتباط تلگرافی نیرو با مرکز برقرار شد سربازان آهسته آهسته در پناه تخته سنگها بایکدیگر صحبت میکردند ناگهان در نیمه شب در آن محیط تاریک و پر خروش شیپورها صدا درآمد و سرهنگ ۲ فولادوند با سربازان ورزیده و چابکش عازم حرکت گردیدند شبانگاه ستون شرقی نیز همچنان مشغول زد و خورد فداثیها گردید ولی ستون غربی در پناه تاریکی شب بواسطه تبلی و بی انضباطی فداثیها و سرما پیشروی قابل ملاحظه ای نمود یعنی در شب ۱۹ تا یک ساعت و نیم بعد از نیمه شب کلبه ارتفاعات مهم فافلانکوه منجمله ارتفاع ۶۰۲۱ و قیز قلعه سی را که مشرف بر فافلانکوه و پل دختر است بدست آورد .

ساعت ۶ صبح روز نوزدهم پیشروی عمومی سه ستون آغاز گردید - ستون اول تحت فرماندهی سرهنگ ۲ فولادوند ب سمت نوروز آباد حرکت نمود این افسر خون سرد جلو جلو بطرف دشمن میرفت هوا تاریک و روشن بود سربازان ارتش ایران تازه از ارتفاعات اول سرازیر شده بودند که غفلتاً واقعه ای رخ داد . بنا گهان از روبرو تیراندازی بسیار شدیدی شد جلودارها متوقف شدند سرهنگ فولادوند پرسید کسی از بچه ها بیر نخورده است - گفته خیر - گفت نمیرسید که ؟

گروه بانها و سربازهایی که در اطراف بودند گفتند خیر جناب سرهنگ سرباز که از این چیزها نمیرسد - سرهنگ فولادوند که از روحیه سربازها بیشتر خوشحال شده بود ب حرکت خود ادامه داد ناگاه تیراندازی شدت یافت - گلوله مثل باران می بارید اما از طرز تیر اندازی معلوم بود که فداثیها سرها را پائین پشت سنگرها مخفی کرده بدون اینکه جانی را به بینند تیراندازی

میکنند چهار ارابه جنگی که در پیشاپیش نیروی ارتش حرکت میکردند بر سرعت خود افزودند و بامسلها و توپها مشغول تیراندازی شدند - این تیراندازی شدید نيمساعت ادامه یافت دفعتاً سربازان ایران هورا کشیده دست فنک و بادو وارد نوروزآباد شده آنجا را بسرعت بنام نخستین هدف عملیاتی تصرف کردند - سپس بدون اینکه عملیات نظامی قطع شود یکساعت پس از استقرار توپخانه در نوروزآباد جلو دارها بسمت جمالآباد حرکت کردند .

دموگراتها دارای استحکامات قوی و وسایل و عده کافی و مسلسلهای سنگین و سبک و تفنگهای خودکار و غیر خودکار بودند و بانارنجکهای دستی آتش شدید بطرف واحدهای ارتش شاهنشاهی باز نمودند - در کنوجاه و گردالان يك گردان از رده دوم برای عقب زدن و متفرق کردن عدهای از فدائیان که بادستههای مجتمع خود بكمك عدهای از فراریان نوروزآباد جناح چپ ستون مرکزی را تهدید میکردند به پهلوئی چپ اعزام شدند تا آنجا را پاک نموده و از کنار راه آهن بطرف پلهای قافلانکوه پیش روی نمایند در حدود ساعت ۱۰ پس از يك جنگ شدید جمالآباد هم اشغال شد فدائیان هنگام فرار پل شوسه را درحاشیه شمالی جمالآباد توی دره که قبلاً خرج گزاری کرده بودند منفجر نمودند و در کنار پل چند فیف بزرگ احتراق احداث کردند گروهان مهندس سربماً فیفهای احتراق و میل کنار راه شوسه را پر کرده برای عبور کلمیونها و ادوات سنگین آماده کردند گروهانهای پیاده و چند ارابه جنگی در زیر آتش فوق العاده شدید فدائیان و قزل باشها از خارج پل منفجر شده شوسه بانانی عبور داده و ییشروی کردند در نوروزآباد پیش از ده هزار تیر فشنگ و ۱۸ حلبی بنزین و ۲۰ کیسه آرد و چند قبضه مسلسل سنگین و سبک و مقداری پتوبدست آمد .

انعکاس ملهش غرش آتش توپخانه ارتش شاهنشاهی در کوهسار - ارتفاعات

طرفین مشرف به تنگه و شوسه جنوبی قافلانکوه با استحکامات و سنگرهای زیاد که بادست مهندسین خارجی قبلانجه شده و در دست متجاسرین فدائی بود آنها معایر اجباری و تنگهها را بامهارت تشخیم داده و راه شوسه را خراب کرده بودند هم چنین نقاط حساس را بشدت زیر آتش موثر گرفته دفاع مینمودند باوجود مین گذاری و خرابی پلها و جادهها و احتمال احداث دامها برای ارابههای جنگی و آتش شدید و مقاومت جدی بهر قیمتی بود تا صبح ۴۰ آذر تا نزدیکی پلهای اصلی ییشروی و اشغال گردید .

قرار بود هوایدها سحر گاهان بابباران شدید ییشروی پیادهها و سوارها را تهیل نمایند ولی بواسطه مه زیاد تا ساعت ۱۱ قادر بعملیات مهم نشدند ساعت ۱۱ اولین دسته هوایماها که ۹ فروند بودند بادقت سرکار سرگرد راستی و شهامت خلبانان - سنگرهای قافلانکوه را بمباران کردند . هوایماهای اکتشافی نیز اخبار وضع نیروهای دشمن و موقعیت سربازان ارتش را بوسیله لولههای فلزی بروی پارچه های سفیدی که بعلامت مخصوص فرماندهی روی زمین گسترده میشد نزدیک شده میانداختند روجه افسران در شپهای نوزدهم و بیستم آذر قابل ملاحظه میباشد - در شب مزبور که دستور ییشروی داده شد زمانیکه سربازان و افسران حمله را آغاز کردند افسران بسر نوشت این زد و خورد مجهول میاندیشدند روزنامه های دست چپ برای تهدید دولت پی در پی در سرمقاله های خود با تیرهای درشت در باره اعزام نیرو به آذربایجان خطاب بدولت مینوشتند (دست بعملی که نتیجه ای جز نابودی ارتش ایران و هبشت خاکمه و ویرانی کشور ندارد نزنید)

بسیاری از افسران و افراد نیز در آن لحظات پر تشویش و اضطراب نبودند . آیا گلوله ای که در قافلانکوه شلیک میشود آتشی است که دنیا را هم بچنگ خواهد کشاند یا فقط در کوهستان ایران خاکستر میشود همین افکار تا حدی سبب تفکر و تشویش عمومی شده بود ولی افسران و افراد نیروی اعزامی تمام این حسابها را کرده و با در نظر گرفتن کلیه موانع و

پیش آمده‌های احتمالی اساساً خود را برای فداکاری آماده نموده بودند .

ساعت ۱۰ و نیم صبح ۱۹ آذر يك هواپیمای ناشناسی در ارتفاع زیاد بر فراز قرارگاه فرماندهی به پرواز درآمد سرعت آژیر داده شد - توپها و مسلسل‌های ضد هوایی که قرارگاه فرماندهی را محافظت می‌نمودند برای شلیک آماده گردیدند هواپیمای مزبور با تانی و ملایمت کلبه ارتفاعات قافلانکومرا اکتشاف کرد و پس از مختصر پرواز بر فراز ستونهای شرقی و غربی بطرف زنجان مراجعت کرد ، لحظه‌ای بعد يك هواپیمای دیگر که در ارتفاع کم پرواز میکرد ولی بازهم نوع آن تشخیص داده نمیشد ظاهر گردید نیروها و ارتفاعات و ستونهای شرقی و غربی را مورد اکتشاف قرارداد و بار دیگر بر فراز قرارگاه پرواز درآمد ناگاه نفسها در سینه حبس گردید - کسی نمیدانست چه خواهد شد و دچار چه سرنوشتی خواهد گردید چشمها بمعلبات پرواز هواپیما دوخته شده بود چند دقیقه بعد ، خبری حکه اثرش از انفجار بپ کتر نبود در سر تاسر نیروانتشار یافت . این خبر که در مدت کمی دهان بدهان و گوش بگوش سراسر جبهه را پر نمود بلافاصله قیافه های گرفته و وحشت زده را مسرور و خندان ساخت افسران در حالی که میخندیدند میگفتند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با هواپیما عملیات نظامی را مشاهده میفرمایند عملیات نظامی در تمام مدت روز ادامه یافت بطوریکه هنگام تاریک شدن هوا گزارش رسبد که ستون غربی کلبه ارتفاعات سمت چپ رود قافلانکومرا اشغال نموده است .

فرماندهی کل نیروی اعزامی با تیمار سرتیپ هاشمی بود و شورائی که در آن تصمیمات متخذه مورد بررسی فرار میکردت از افسران زیر که عموماً لایق و تحصیل کرده و میهن پرست و دارای سوابق نظامی درخشانی بودند تشکیل میشد - سرهنگ ستاد احمد زنگنه معاون فرماندهی نیرو - سرهنگ ستادورهرام - سرهنگ ستاد مفروری - سرهنگ ستاد وفا - سرگرد ستاد غفوری - فرماندهی نیروهای احتیاطی با تیمار سرتیپ ضرابی بود که پشت سر نیروهای اعزامی را تأمین و تقویت مینمود و به علاوه تیمسار سر لشگر رزم آرا ریاست باشاهت ستاد ارتش با اخبارات حضوری دائماً با دقت مراقب جزئیات عملیات بودند در روز ۲۰ توپخانه ستون یکم ارتفاعات قافلانکوه را زیر آتش شدید قرار داد و از طرفی طیارات نیز فدائیان را بسختی بمسلسل می بستند و مقاومتهايشانرا بمباران میکردند انفجار بمبها و انعکاس صدای توپخانه در کوهستان و غرش آتش در این تنگه شگرف اثرات مدهشی در تزلزل روحیه دموکراتها بخشید گلوله و آتش مثل باران در تمام کوهسار می بارید شب هنگام صداهای وحشتناک و عجیب و بس مخوفی از طرف دشمن شنیده شد انفجارهای شدید از دره قزل اوزن با روشنائیهای خیره کننده و وسیعی شنیده و دیده شد بامدادان معلوم شد پل دختر آجری و پل سیمانی راه شوسه و پل دختر راه آهن را در همان شب منفجر کرده اند تا نیروهای ارتش نتوانند بطرف تبریز عبور کنند ضمناً غلام یحیی فرمانده کل نیروهای دموکراتهای فدائی دستور حملات شدیدی میداد . نیمه شب حمله مزبور با تیر اندازی شدیدی آغاز گردید ولی چون روحیه افراد ارتش خوب بود و موفقیت‌های بزرگی در روز بدست آورده بودند حملات دشمن را دفع کردند بامداد بم خبر رسید که در همان اوان حمله فدائیه زرنال غلام یحیی دانشیان شهرمبانه را چپاول کرده چند تن را بدست خود کشته و ۲ میلیون ریال پول نقدی که در بانک میانه بود با خود برده است . این خبر انعکاس غربی در تقویت روحیه سر بازان بخشید هم خندان و شادمان بهت گیر این

وقایع بودند هواپسایهای ارتش مجدداً به پرواز درآمدند و مرکز ستاد فلامیجینی جانی و سایر مواضع را بمباران کردند و شعاع عمل خود را تا شصت کیلومتر بالاتر از میانه روی محور میانه - تبریز توسعه دادند و ضمناً در مراجعت بفرماندهی نیرو گزارش دادند که این طرف میانه اثری از دشمن مشهود نیست. ضمناً دستگاہ تلگراف نیز خود بخود شروع بکار کرد پس از اینکه سرگرد غفوری تلگراف را گرفت معلوم شد تلگرافچی میانه است. خبر میداد = پس است. پس است. رحم کنید بمباران پس است. فدائی‌ها همه رفتند. شهر خالی است. بیاید



عبور نیروئی بدین عظمت از پل‌ها و رساندن تمام این عده باساز و برگه کامل در همان روز سرعت بمیانہ یکی از شاهکارهای عملیات نظامی بود - سیل قاطرهای مسلسل - يك آتشبار کوهستانی بانواب و نفرات مربوط و مسلسل‌های سنگین با دواب و دو گردان ییاده از رودخانه که آب آن تا کرده دواب میرسید با واحدهای خمیاره انداز و توپخانه ۷۵ پس از نجس محل با گذار از آب عبور کردند یشروی سریع بسوی میانه تحت نظر مستقیم سرنپهاشمی شروع شد ستون مستقیم میان بر فوراً گردنه اصلی قافلانکوه را اشغال کرد و از بالای ایستگاه راه آهن بست میانه سرازیر گردید در نتیجه حملات و ضربات شدید متمادی و مخصوصاً سرعت یشروی که از فنون جنگی سرتیب هاشمی میباشد متعجبانین فدائی تاب مقاومت نیاورده با اینکه حمله آغاز کرده بودند متلاشی شدند و بوسیله کامیونهای زیاد صکه در میانه تمرکز داده بودند سمت تبریز منهزم گردیدند. باقیمانده آنان نیز با طرف متواری شدند عده کثیری از اهالی میانه با گاو و گوسفند قربانی با استقبال آمدند.

تیمار هاشمی بوسیله اسب با یک کامیون سرباز و کامیون دیگری که حامل سرگرد غفوری و عده‌ای از افسران ارتش و سرهنگ فولادوند از ستون مرکزی بود با قسمتهائی از سوار ستون غربی ساعت ۱۵ وارد میانه شده تلگرافخانه و سایر نقاط را اشغال کردند ساختن پل دختر نیز تحت نظر سرکار سرهنگ زنگنه و سایر افسران ادامه داشت در ظرف ۱۴ ساعت یعنی ساعت ۲ روز ۲۱ آذریل مزبور که چند دهانه بزرگش بطول ۲۰ متر ویران شده بود برای عبور سنگین‌ترین وسایل آماده گردید و تمام عوامل سنگین ستون مرکزی و توپخانه ۱۰۵ بلند شب هنگام از پل عبور کردند هنوز هم این پل مورد استفاده کلبه و وسایل نقلیه است خبر تسلیم میانه در بین افراد ستون شرقی که در طول جبهه مشغول زد و خورد بودند و هنوز خبری از آن‌ها در میان نبود اثر فوق العاده بعشید و فدائیها را متوحش ساخت ۳۰۰ نفر فدائی با افسران خود منجمله مازور انصاری تسلیم گردیدند و ستون مزبور نیز روزهای ۲۲ و ۲۳ وارد میانه شدند.

تیمار هاشمی پس از ورود بمیانه برای گزارش عملیات خود بتهران بتلگرافخانه رفت و ضمناً دستور جمع آوری اسلحه صادر گردید سرهنگ زالتاش سمت فرمانداری نظامی میانه و محال گرم رود و کافدکنان تبیین گردید عبور از خیابانهای شهر میانه بواسطه کثرت تعداد سربازان میسر نبشد سواران و تفنگچیان آقایان ذوالفقاری و اسلحه دار باشی ویمنی و معده حسن خان افشار نیز دسته دست وارد شدند ولی البته در هنگام تقبش منازل رفتار بی رویه نیز از افراد سر میزد که از طرف تیمار هاشمی و آقای ذوالفقاری و سایرین جداً توجه و جلوگیری بعمل آمد - ضمن تحقیقات کشف شد یکدهستگاه بی سیم از طرف یکی از دول بیگانه با سه نفر مأمور بی سیم بیگانه نزدیک تلگرافخانه وجود دارد که مشغول مخایره بودند فوراً بی سیم مزبور با حضور تی تی نوف و زایتسوف مهر و موم و توقیف شد و صورت مجلس آن تنظیم گردید موقع اشغال زنجان نیز بیگانه

یکدستگاه بی‌سیم آنجا داشت سرعت پیشروی و موفقیت و اشغال میانه در تهران انمکس غریبی بخشید - ضمناً بنا بر فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دستخط مبارک ملوکانه با افتخار تیمار هاشمی و افسران نیروی اعزامی بدین ترتیب شرف‌صداور یافت .

از خدمات کلیه افسران گروه‌بانان و افراد باشاهمی که در نیروی اعزامی آذربایجان شرکت کرده و هر گونه مقاومتی را منکوب نموده‌اند مراتب رضایت خاطر خود را بدینوسیله اعلام مبداریم خدمات افسران همواره منظور نظر و مورد تحسین و تقدیر خواهد بود شما را که فرماندهی نیروی اعزامی را عهده‌دار هستید بدرجه سرتیپی قرین افتخار می‌نمائیم . محمد رضا پهلوی بنا بقلت کامیون و نبودن راه آهن از میانه به تبریز و تحویل ندادن کامیون‌هایی که میبایستی باختیار نیرو گذاشته شود فرمانده نیروی اعزامی مجبور شد بایک گردان پیاده و یکدستهٔ خیاره‌انداز سوار کامیون‌های موجود شده بسمت تبریز پیشروی نماید .

بر اثر فتوحات ارتش در تنگهٔ قافلانکوه و انمکس پیشروی نیروهای اعزامی از سه سمت آذربایجان یکباره مجاهدین و میهن پرستان آذربایجان و مردم غیر آن سامان قیام کرده و برای گرفتن انتقام از جانیان دموکرات‌نما اسلحه برداشته همانطوریکه شهرپاریس قیام کرد و خود را از دست عمال نازی و سلطه هیتر نجات داد زمام‌مهام اختیار امور شهر را از قاصبان و لگسرد و او باشان مزدور و بیگانه پرست بی‌سرویا و متمدی بنام دموکرات فرقه‌سی گرفته مرکز آذربایجان را نجات دادند .

تاریخ تکرار شد در ۲۱ آذر ۱۳۳۴ شهر با عظمت تبریز بدست غارتگران و آدم‌کشان رذل و کلاش و او باش دموکرات فرقه‌سی افتاد در ۲۱ آذر ۱۳۳۵ شهر تاریخی تبریز قیام مجاهدانه نموده از دست عمال بیگانه پرست و ماجراجویان خود را رهائی داد و تاج شرف و افتخار و پیروزی را بر سر نهاد و انتقام خود را از راهزنان مسلح دموکرات لیا گرفت .

چون قتل و غارت شهر تبریز را تهدید میکرد و بملاوه بیگانه پرستان که دارای اسلحه و در حال فرار بودند از هیچ عمل زشت و مکروهی خودداری نمیکردند اوضاع شهر منفوش و رو بوخامت عجیب و غریبی میرفت از تهران به نیروهای اعزامی دستور داده شد ، در روز جمعه ۲۲ آذر هرچه زودتر برای تصرف تبریز حرکت کنند و نظم و امنیت آنجا را بدست گیرند .

اخبار وحشتناک لحظه بلعظه بیشتر میرسید شبانه یک گردان پیاده با ۴ ارا به جنگی و گروهان زده‌بوش زاندارمری و یکدسته خیاره‌انداز بوسله کامیون به بتان آباد ۵۶ کیلومتری تبریز که راه سراب اردیل هم از آنجا منشعب میشود و اهمیت نظامی دارد سریمأ حرکت کردند از طرف میهن پرستان تبریز نماینده‌ای بنام محسنی به بتان آباد آمده فرمانده نیرو را ملاقات و تقاضای سرعت حرکت و اشغال تبریز را نمود زیرا فدائیان قصد آتش زدن شهر و قتل و غارت و کشتار اهالی را داشتند و نیز مرتباً از این پیام‌ها از تبریز میرسید و حتی خطر تقویت یافتن آنها و مقاومت در گردنه شبلی بنظر میرسید و چون غلام یحیی باتفاق پیشه‌وری و سایر افسران فراری با ۸۵ کامیون مملو از غارت و ۱۲ اتوبوس و ۳۵ اتومبیل سواری و جیب پراز فرس و اثاثیه بجلفا و خاک شوروی فرار کرده بودند از بعضی مقامات به بقیه مهاجرین و ماجراجویان تلقین گردید که آنها زمام امور را در دست گرفته جلونیروی اعزامی را که چندین برابر کمتر از آنها است بگیرند و در سایر نقاط آذربایجان مقاومت کنند تا کمک بآنها شده و با مداخلات و مذاکرات دیگر ترتیب بازگشت نیروی اعزامی داده شود مهاجرین و ماجراجویان بر اثر همین تلقینات تغییر روحیه

داده جنبش شدیدتری آغاز کردند و شهر تبریز را سنگربندی نمودند رادیو تبریز نیز که بدست مین پرستان افتاده بود مورد تهاجم مهاجرین قرار گرفت رادیو دائماً استانه مبکر دک زودتر نیرو وارد تبریز شده از کشتار مردم جنو گیری شود فرمانده نیروناچار باچند ارا به جنگی وزره پوش با دو کامیون سرباز سریمآ بست تبریز حرکت کرد ساعت ۱۶ بمدخل شهر رسید ولی تیراندازی در سنگربندیهای تبریز بین مهاجرین و مین پرستان مجاهد بقدری شدید بود که بیم خطر قطعی اصابت گلوله بسرتیب هاشمی میرفت تمام بامهای عمارات مرتفع سنگربندی شده بود مردم چنان استقبالی از نیروی اعزامی کردند که تاریخ نظیر آنرا کمتر یاد دارد محترمین و بازرگانان و اهالی شهر گل و لای چرخهای ارا به های جنگی و زره پوشها را توتیای چشم نموده چهره خود را بر خاک میکشیدند زن و مرد گریه مبکردند کامیونها و ارا به های جنگی قدرت حرکت نداشت .

مردم میل داشتند قربانی شوند - پیره زنی پسر خود را برای قربانی آورده بود و فریاد میزد پسر دیگر را دمو کراتها یگناه کشتند آن دیوسیرتان سر آن نوجوان تازه عروس را بریدند و مراد اعدار کردند شماها اجازه بدهید پسر دیگر را بادست خود باطیب خاطر قربانی ارتش ایران کنم

به پیشد این دسته فرومایه و خونخوار چه برسر مردم آورده بودند که اهالی این گونه احساسات از خود بروز میدادند دوساعت تمام طول کشید تا سرتیب هاشمی توانست خیابان را طی کرده و میدان عمارت شهرداری که برای ستاد نیرو در نظر گرفته شده بود برسد رگبار مسلسل و گلوله مثل باران می بارید و از بنا گوشها میگذاشت اهالی از ترس اصابت گلوله به تیسار هاشمی دور اتومبیل او حلقه زدند مواشان را در میان گرفته بودند در مقابل شهرداری تیسار سرتیب هاشمی نطقی خطاب با اهالی شهر و مین پرستان ایراد کردند و از احساسات و زحمات آنان تشکر نمودند و توصیه کردند فوراً بخانه های خود رفته مابرا خلوت کنند و از آنساعت بیمه عملیات بر علیه مهاجرین و ماجراجویان را بمهده نیروی اعزامی بگذارند تا بی جهت تلفات زیاد با اهالی وارد نشود در این فیه این شلیک شدیدتی از طرف مهاجرین شروع شد و چندین نفر گلوله خورده نقش زمین شدند جنازه ها در خیابان ریخته بود کم کم در تاریکی هوا موشکها و فشنگهای رسام و رنگین در هوا با حرکت قوسی خود از نقطه بنقطه ای رفته آسمان شهر را روشن مبکرد ماجرا جویان فدائی نقاط اشغالی را بهم دیگر اطلاع میدادند وزیر رگبار گلوله های خود مبگرفتند بیش از ۶۰ تقصه معکم و مرتفع مانند اراک و کوی مسجد و سربازخانه و سایر ساختمان های مهم را مهاجرین سنگربندی کرده و تا شب ۲۳ آذر تیراندازی با نهایت شدت ادامه داشت و موشکهای رنگارنگ در هوا منتشر میشد در آن شب کنسولهای شوروی و آمریکا در تبریز بدیدن فرمانده نیرو آمدند و کنسول شوروی تقاضا کرد برای محافظت عمارات کنسولخانه سرباز گماشته شود با فرستادن یکدسته سرباز با نظر او موافقت گردید صبح ۲۴ سایر واحدهای تحت فرماندهی سرهنگ دوسر دادور وارد تبریز شدند و بدین ترتیب داستان حکومت و فرمانفرمائی تنگین دمو کرات آذربایجان خاتمه پذیرفت .

ورود نیروهای لشکر کردستان به مهاباد و ستون اعزامی رشت با ستارا وارد بیل و اشغال سایر شهرها

دمو کراتها تا ۲۵ آذر دستگیر و خلع سلاح شدند و در حدود ۲۰ نفر از افسران فراری نیز دستگیر گردیدند .

واحدهای نیروی ارتش که بتدریج از میانه میرسیدند بدون معطلی بدین ترتیب بنقاط آذربایجان اعزام گردیدند - یک ستون بمرند - جلفا - خوی - ماکو - شاپور .
یک ستون از طریق شرفخانه و دریاچه برضا به - یک گروهان براب پک گروهان بمراغه

يك گروهان بارساران - همین‌طور واحدهای ژاندارمری هم که بتدریج میرسید بشهرهای آذربایجان اعزام میگرددند .

فرماندهی کل نیروهای اعزامی از کردستان باتیسار هایبونی که افسری سلحشور و لایق ومیهن پرست میباشد بود و در سه ستون بفرماندهی سرهنگ اصلانی - سرهنگ بیگلری - سرهنگ آیرم از افسران تحصیل کرده و برگزیده حملات و تعرض خود را بسوی مهاباد از سه خط آغاز نمودند فرماندهی کل قوای اکراد کردستان باقاضی محمد صکه خود را رئیس جمهور میخواند بود وزیر جنگ او سیف قاضی ومعاون او سرهنگ فراری ارتش عظیمی بود که باو درجه ژنرالی داده بودند فرمانده جبهه سقز ژنرال ملامصطفی بارزانی وفرمانده جبهه تکاب آرام نام ارمنی بود که باو درجه سرهنگی داده بودند وجبهه سردشت بمهده سرهنگ زرور کی از چپاولگران وغارتگران معروف واگذار شده بود در طول تمام خطوط هنگام پیشروی ارتش نبرد های سختی با اکراد بمیان میآید که با شجاعت و حملات متقابله نیروی ارتش پیشرفت نصیب لشکر کردستان گردید . روز شانزدهم آذرماه اکراد مجلسی ترتیب داده و در آنجا تصمیم قطعی دولت را در اعزام نیرو باذربایجان مورد بررسی قرار میدهند صدراعظمی نماینده مهاباد در آن جلسه اکراد را تشویق به مقاومت در برابر نیروی دولتی نموده و میگوید دولت موفقیتی بدست نخواهد آورد .

نیروهای اعزامی از کردستان بسرعت حملات خود را بر علیه اکراد ادامه داده ستون تکاب پس از یکرشته جنگ های شدید نقاط سان خوت و قزلال را بامهمات متجاسرین تسخیر میکنند و سپس در ارتفاعات سورات و سبز با یشتیبانی و کمک هواییها و يك ستون هنگ سوار موضع حوله سو را در ساعت ۱۷ روز ۱۹ آذر تصرف مینمایند و با تعرضات ناگهانی خود سه ساعت جنگ شدید نموده ۲۰۰ نفر قزلباش و فدائی اسیر و تفنگ و مهمات و مسلسل های آنان بدست نیروی ارتش میافتد روز بیستم بوسیله تلگرافات تبریز قاضی محمد و سیف قاضی و صدر قاضی درمی یابند که سران فرقه ننگین دموکرات از تبریز فرار کرده به پشت کوه قاف رفته اند و از طرف دیگر چون قوای تیسار هایبونی بسرعت مشغول پیشرفت بسوی مهاباد بود وهمه جا مقاومت های اکراد درهم شکسته شد رئیس جمهور و وزرای قلابی چون هیچ راه فراری نداشتند تصمیم بتسلیم شدن میگیرند واحدهای ارتش باموفقیت سواره و پیاده وموتوریزه وارد مهاباد میشوند سیف قاضی و قاضی محمد دستگیر وزندان می شوند صدر قاضی موفق میشود خود را بهتران برساند ولی این دسبه ضمن تشخیص خیانت او در موقع محاکمه خائنین مکشوف و از تهران بامامورین انتظامی بمهاباد اعزام میگردد و پس از محاکمه بسزای خیانت بوطن هر سه محکوم با اعدام میشوند . دو ستون دیگر نیز از تبریز یکی تحت فرماندهی سرهنگ فولادوند از شرفخانه بوسیله کشتی بسوی رضایه حرکت میکنند و پس از عبور از کلانخانه ساعت ۹ بعد از ظهر ۲۶ آذر وارد رضایه میشوند (این ستون در شرفخانه سرهنگ ۲ فراری عظیمی را دستگیر میازد) و ستون دوم بفرماندهی سرهنگ ۲ مظاهری در صوفیان به ستون تقسیم وبطرف مرنند - جلفا و دیگری بغوی و ماکو و شاهپور حرکت می نمایند .

آتش زدن شهر آستارا - ستونی که بفرماندهی سرهنگ مقبلی از رشت مأمور اشغال آستارا بود در ۷ کیلومتری آستارا باقوای متجاسرین بفرماندهی لاهیجی نام برخورد نموده در نتیجه یکبار بسیار سختی که از آغاز شب تا ساعت ۱۱ روز بعد ادامه داشت افراد ستون و افسران بادلاوری بیماندی باوجود بدی هوا که کمک هواییهای ارتش را غیر مقصور ساخته بود حملات

بی دریی متجاسرین را دفه نمودند و تلفات سنگینی بخائنین وارد آوردند دمو کرانها پل آستارا را منفجر ساخته و ناگهان ۱۲۰۰ نفر دارای سنگرهای آراسته نظامی و اسلحه و مسلسل و بمب و موشک در برابر نیروهای ایرانی صف آرائی کردند . صبح حمله نیروها بکک ارا به های جنگی شروع شد و بالاخره در ساعت ۱۲ روز ۲۰ آذر ۱۳۲۰ واحدهای ارتش شاهنشاهی در حال نبرد وارد آستارا گردیدند خائنین متجاسر هنگام فرار سراسر شهر را غارت نموده دکانها و خانه های مردهرا آتش زده و سپس از مرز فرار و آزادانه بخاک شوروی وارد شدند .

ستون مزبور بفرماندهی تیمسار مقبلی بسمت اردبیل پیشروی خود را ادامه داد و قسمت های دیگر بسمت سراب حرکت کردند تیمسار سرتیپ ضرابی نیز باستون سوار در منطقه چهار اویماق بسوی مرافه پیشروی نمود و بسر کوبی ماجراجویان پرداخت .

هوایسها پرچم سه رنگ ایران و نقشه ایران و تمثال مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه محمد رضا شاه پهلوی را که باز از طرف همان فرد میهن پرست ایرانی در تهران با سرعت طبع میشود در تمام نقاط آذربایجان پخش و منتشر مینمودند مردم پرچم و تمثال شاه و نقشه ایران را می بوسیدند و گریه میکردند اهالی مرافه هنگامی که تیمسار ضرابی پرچم ها و نقشه ها و تمثال مبارک شاهانه را بدست خود ب مردم میداد آنقدر باو فشار آوردند که حد و وصف نداشت .

قریب ۱۰۰۰ فدائی و مهاجر و افسر فراری ارتش و نیروی هوایی بازن و بچه از مرز شوروی عبور کرده با آن طرف ارس رفتند و قتیکه پیشه روی عبور کرد مرز ایران و شوروی بسته شد مجدداً ساعت ۱۲ روز پنجشنبه ۲۱ آذر غلام یحیی جانی که با مر او آستارا هم آتش زده بودند بجلفا آمد نهار را خورد و با تلفنگرام بسرهنگسمر تضوی در تبریز گفت «ازد کتر جاوید امانت را بگیرید و یا اورید» بعد بمرز رفته دستور داد بگوئید « غلام یحیی است » مرز باز شد و تمام اتومبیلها از روی پل ارس عبور کرده وارد شوروی شدند پس از آن فدائی ها عبور کردند مرز تا دو ساعت بعد از نیمه شب باز بود . روز دوشنبه ۲۰ آذر سروان پور رحمان بفرماندهی پادگان و کلانتری مرز جلفا تعیین و وارد جلفا شد . روی هر دو پل نگهبانان ارتش شاهنشاهی کماشت شدند تا روز ۲۶ آذر در سراسر مرزهای ایران و در تمام درازای رود خروشان ارس پرچم سه رنگ پرافتخار ارتش ایران در اهتزاز در آمد و با فداکاری و جانبازی افسران و گروهبانان و افراد دلیر سپاهیان شاهنشاهی خصم دون فطرت از پای در آمد و آذربایجان عزیز نجات یافت .

زنده و پاینده و جاویدان باد ارتش دلیر شاهنشاهی ایران .

نهضت مقاومت گیلان - نهضت مقاومت رضائیه - دسته های چریک مسلح میهن پرستان تبریز دانشجویان دبیرستان فردوسی تبریز - نهضت مقاومت محصلین آذربایجان - مبارزه مخفیانه نهضت جوانان شبنامه نویس رضائیه - و بالاخره قیام مسلحانه افراد دلیر و سلحشور ایل شاهسون که بیسریخ خون نایک دمو کرانها را بر صفحه یاک آذربایجان میریختند و بالاخره ذوالفقاریها - یمنها افشارها - یکدلی ها و مرتضی رنجبرها (فهرمان میانه) و تمام مردم آذربایجان که با گفتند اگر سدسال هم در اسارت می ماندیم ایران خود را فراموش نمیکردیم .

اینها . اینها . با فداکاریها و نثار جان و تار مال در پیروزی نهائی آذربایجان شریک هستند نام افراد این نهضت های مبارز تا چرخ گردنده میگردد پایدار و مخلص است . اینها در تمام مدت یکسال اسارت آذربایجان شبها دور چراغهای کم نور جمع میشدند و قسم

یاد میکردند که مبارز را ادامه دهند و شروع بعمل میکردند یکسال تمام کار این مردم انواع و اقسام مبارزه با خائنین و غاصبین بود دسته‌های مسلح بسیار وسیعی در آذربایجان بر علیه دموکراتها کار میکرد که شرح آنها را ما نمیتوانیم در این کتاب بیاوریم محتاج کتابها و تواریخ مفصل و متعدد است .
دموکراتهای فدائی مهاجر نقشه برای اسارت تمام ایران طرح کرده بودند آنها اسلحه‌ها و بسبهای دستی و مغازن بزرگ اسلحه و مهمات در سراسر آذربایجان پنهان کرده بودند انواعی از مسلطهای سنگین و طیانچه‌های خودکار و غیر خودکار و نارنجک و مواد معتزقه آنها اساساً در ارتش ایران نمونه نداشت اسناد و اوراق محرمانه مهمی از آنان بدست آمد و همچنین بر اثر سرعت عملیات ارتش موفق به همراه بردن دستبردهای نقدی از بانک‌ها نشدند . این پولها با کمک ارتش و بهمت سردانی مانند **آر بسن بر خور داریان** رئیس بانک ملی آذربایجان دوباره به بانک خود بازگشت این جنایتکاران طرح سازمانی ریخته بودند که تهیه ۷۰ هزار سرباز را برای تسخیر تمام ایران میدید و حتی عده‌ای را برای اخذ تعلیمات بغارچ فرستاده بودند ضمناً لیست سیاهی تهیه کرده بودند که در روز ۲۱ آذر (روز قیام و نهضت خودشان) عده زیادی از مخالفین و جاسوسان ایران (یعنی جوانان شجاع میهن پرست را) اعدام نمایند و اکثر این عده را هم از دوسه روز قبل زندانی و آماده کرده بودند ولی ارتش آنها را نجات داد همان ارتشی که تلاشی کردن آن آرزو و هدف مستقیم حملات پیش‌واری و دموکراتها در تبریز و طرفداران آنها در تهران بود .

فصل نوزدهم - سازمان گنونی وزارت جنگ

۱ - ارتش شاهنشاهی ایران

بموجب قانون اساسی کشور فرماندهی کل نیروهای نظامی بمعهد اعلی حضرت همایون شاهنشاهی است (بزرگ ارتشتاران فرمانده)
ریاست دفتر نظامی شاهنشاهی - فعلاً بلامتصدی میباشد .

۲ - شورای عالی جنگ

مرکب از نه نفر کلرمنندان ثابت و ۲۶ نفر کلرمنندان غیر ثابت .

کلرمنندان ثابت عبارتند از وزیر جنگ - رئیس ستاد ارتش و چند نفر از امراء بنابر پیشنهاد ستاد ارتش ، کلرمنندان غیر ثابت که در موقع لزوم راجع بکارهای مربوطه خود در جلسات شورا شرکت مینمایند عبارتند از : فرمانده دانشکده افسری . فرماندهان لشکرها . رؤسای ارکان ستاد ارتش . رؤسای ادارات ارتش .

۳ - وزارت جنگ

وزیر جناب آقای محمود جم - معاون اول تیمسار سرلشکر عبدالله هدایت
معاون دوم تیمسار سریدب مقتدر - رئیس دفتر وزارتی تیمسار سرتیب اسدالله گلشائیان
۴ - ستاد ارتش

رئیس ستاد ارتش تیمسار سرلشکر حاجیدعلی رزم آراء - معاون یکم ستاد ارتش
تیمسار سرلشکر اسمعیل شفائی - معاون دوم ستاد ارتش تیمسار سرلشکر احمد

خسروانی - ستاد ارتش از نظر سازمانی دارای يك دفتر و چهار رکن و سه دایره میباشد. دفتر ستاد ارتش به ریاست سرکار سرهنگ ولی انصاری - رکن یکم بریاست سرکار سرهنگ عیسی هدایت - رکن دوم بریاست سرکار سرهنگ بیژن گیلانشاه - رکن سوم سر تیپ شعری - رکن چهارم بریاست سرکار سرهنگ علی اصغر مزینی - دایره تعاون و انتشارات بریاست سرکار سرهنگ ستاد صمدی دایره جغرافیائی بریاست سرکار سرهنگ حسن کریم قوانلو - دایره چاپخانه بریاست تیمار سر تیپ دوست محمد معیری .

ادارات ارتش بشرح پائین میباشد

اداره یکم	اداره بازرسی کل بریاست تیمار سر لشکر فضل الله زاهدی
	اداره مستشاری بریاست سر تیپ زابرت . و . کرو
اداره دوم	اداره بودجه بریاست تیمار سر لشکر عطاء الله علائی
اداره سوم	اداره حقوقی بریاست قراردادی آقای محسن همراز
اداره چهارم	اداره سر رشته داری بریاست تیمار سر لشکر ابرج مطبوعی
اداره پنجم	اداره دارائی بریاست آقای محمد فاطمی
اداره ششم	اداره مهندسی بریاست تیمار سر تیپ نصر الله بایندر
اداره هفتم	اداره توپخانه بریاست تیمار سر تیپ محمد باقر هوشمند افشار
اداره هشتم	اداره تسلیحات بریاست تیمار سر لشکر محمود میر جلالی
اداره نهم	اداره دادرسی بریاست تیمار سر لشکر محمد صادق کوپال
اداره دهم	اداره بهداری بریاست تیمار سر لشکر دکتر کریم هدایت
اداره یازدهم	اداره نظام وظیفه بریاست تیمار سر لشکر علی اصغر نقدی
اداره دوازدهم	اداره امور دواب بریاست تیمار سر لشکر اسد الله فتحی
اداره سیزدهم	اداره بازرسی بریاست تیمار سر تیپ نادر با تمناقلیح
اداره چهاردهم	اداره کارگزینی فعلا بلا متصدی است

۵- فرماندهان واحدهای ارتش شاهنشاهی

لشکر ۱ یادگان مرکز تهران بفرماندهی تیمار سر تیپ عبدالله عمیدی. لشکر ۲ یادگان مرکز تهران بفرماندهی تیمار سر تیپ منصور مزینی - لشکر ۳ تبریز

بفرماندهی تیمسار سرتیپ عباس گرزن - لشکر ۴ رضائیه بفرماندهی تیمسار سرتیپ احمد زنگنه - لشکر ۵ لرستان بفرماندهی سرتیپ عبدالله بهرامی - لشکر ۶ فارس بفرماندهی تیمسار سرلشکر احمد معینی - لشکر ۷ کرمان و مکران بفرماندهی تیمسار سرتیپ عبدالحسین حجازی - لشکر ۸ خراسان بفرماندهی تیمسار سرتیپ حسین مهین - لشکر ۹ اصفهان بفرماندهی تیمسار سرتیپ نصرت الله معتضدی - لشکر ۱۰ خوزستان بفرماندهی سرکارسرهنگ غلامرضا ثقفی - تیپ مستقل کردستان بفرماندهی تیمسار سرتیپ فرامرزا اصلانی - تیپ مستقل رشت بفرماندهی تیمسار سرتیپ نصرالله مقبلی تیپ کرگان بفرماندهی تیمسار سرتیپ نصرالله افسطی - تیپ کرمانشاه بفرماندهی تیمسار سرتیپ محمدرضا شاهنده - نیروی هوایی بفرماندهی سرهنگ هدایت کیلان شاه نیروی دریائی شمال بفرماندهی ناخدا محمددفتری - نیروی دریائی جنوب بفرماندهی ناخدا عبدالله ظلی .

دانشگاه جنگ

دانشگاه جنگ بفرماندهی تیمسار سرلشکر محمد نخجوان .

دانشکده افسری

دانشکده افسری بفرماندهی تیمسار سرلشکر محمود بهارمت .

دبیرستان نظام

مرکز جزو دانشکده افسری و بریاست سرکارسرهنگ علی اصغر مشیری می باشد

فصل بیستم - تاریخچه مختصر شهر بانی ایران

از تاریخچه شهر بانی ایران که سابقاً (نظمیه) نامیده میشده تا دوران سلطنت ناصری سوابقی در دست نیست و تنها بعدس و گمان میتوان در آن باره ابراز نظر نمود .

این ابراز نظر بر اساسی استوار است که تا حدی ما را بوجود سازمانی در طول زمان که عهده دار حفاظت نظم و امنیت کشور بود رهبری کند . یعنی چون میدانیم که در هر عصر و زمان وجود يك تشکيلات انتظامی مورد نیاز است میتوانیم معتقد باشیم در ادوار ماضیه هم بتناسب وضع حکومت زمان ، يك نوع نیروی حافظ نظم وجود داشته . در دوران سلطنت ناصری همبکه یای افراد ایرانی بارویا باز و شهرت حسن تشکيلات اروپائیهی رفته رفته زبانزد شد برای اولین بار بکنفر اروپائیهی برای اداره کردن امور انتظامی تهران استخدام و بکار مشغول گردید . این مأمور خارجی (کنت دومنت فرت) نام داشت که بروایتی اطریشی و بروایتی ایتالیائی بود .

مشار الیه یس از استقرار در مرکز کشور شالده نوینی ریخت و افراد جوانی را بخدمت پذیرفت که با لباس مخصوص بمنظور حفاظت شهر و صیانت انتظامات انجام وظیفه میکردند و اساس کار برای بسط امنیت بصورت سیر دسته دست گشتیها در محلات و زوایای دور افتاده شهر بود . (کنت) بواسطه نفوذ روحانیت در کلیه امور و عدم رغبت عمومی به پیروی از تعالیم



سر تیپ محمد علی صفاری رئیس شهربانی

پس از مرگ وی که در یکی از جنگهای داخلی مقتول شد ریاست نظمیته تهران هر چند بمعهده رئیسی واگذار و رفته رفته اهمیت این اداره انتظامی بیشتر مشهود بود تا با استخدام مستشاران سوئدی اقدام شد. زمانیکه ریاست نظمیته بمعهده یکی از سرداران ایرانی بنام (صولت نظام) محوّل بود سه نفر از مستشاران سوئدی بتهران وارد و بنظمیه معرفی شدند.

این سه نفر بنام (وستداهل-ارفا-س-برگدال) بودند و در تشکیلات نوینی که پی ریزی کردند اولی بنام رئیس تشکیلات - ارفاس بنام رئیس پلیس - دیگری بنام رئیس تأمینات مشغول کار شدند. این سه مقام را که میتوان ریشه و هسته تشکیلات وسیعته بعدی شهربانی دانست از لحاظ وظایف ممکن است چنین تعریف نمود:

حوزه ریاست و امور دفتری و مالی و نظارت کلی. قسمت پلیس انتظامی. قسمت پلیس قضائی. مستشاران سوئدی در تشکیلات نوین توجه خود را بیشتر به طبقه جوان معطوف داشته و رفته رفته دست کدخداهای و مأمورین قدیمی را از کار کوتاه نمودند و برای پرورش خدمتگزاران با ایجاد آموزشگاهها پرداخته و سروصورتی تازه و واحدی مشابه تشکیلات پلیس اروپائی باموردادند تدریجاً دامنه تغییر بعضی مستشاران سوئدی و استخدام تازه وسعت یافت و رفته رفته تشکیلات شهربانی بعضی نقاط دیگر کشور هم از قبیل قزوین - رشت - خراسان - آذربایجان بمعهده مستشاران سوئدی واگذار شد و سازمان مرکزی پیش و کم بخارج از مرکز نیز راه یافت.

در آغاز طلوع کوکب پهلوی همانطور که رفته رفته بخدمات مستشاران نظامی خارجی خانه داده شد بطوریکه در این تاریخ نگاشتم مستشاران سوئدی شهربانی نیز برکنار شدند و اداره امور بدست افسران ایرانی سپرده شد و بعد از سوئدیها تمام شهربانیهای استانها و شهرستانها که سابقاً تحت نظر استانداران و فرمانداران بود بسازمان مرکزی ییوست و هم آهنگی

مستشار بیگانه کاری از پیش نبرد و از ایران رفت. رشته امور بمعهده صاحب منصبان ایرانی که عده ای باوی کار کرده بودند و در رأس ایشان میرزا ابوتراب خان نظم الدوله قرار داشت و اگذار گردید و از آن پس چرخ این تشکیلات انتظامی با تغییرات جزئی تحت تأثیر سلیقه رؤسا و بانقسم مناطق مسئولیت کدخداهای گاهی بنام وزارت نظمیته و گاهی بنام اداره نظمیته باشرایط زمان گردش داشت. در آغاز مشروطیت و فتح تهران بدست نیروی ملی اداره امور نظمیته تهران از طرف ملیون بمعهده رئیس دسته مجاهدین ارمنی (میویبرم) واگذار گردید و این مرد هم با قدرتی که مولود حوادث زمان بود بدستیاری یاران نزدیک خود سر و صورتی بکارها داد و در حفظ نظم و امنیت پیشروی هائی کرد.

در کارهای يك نیروی مهم انتظامی کشور پدید آمد.

از آن تاریخ با تغییر رؤسای کل شهربانی يك سلسله تغییرات و اصلاحات بنسبت احتیاجات ومقتضیات تدریجاً در امور این سازمان روی کرد تا در دوران ریاست تیمسار سرتیپ صفاری ریاست شهربانی کل کشور پایه اصلاحات سازمانی براساس استواری بشرح زیر برقرار شد

سازمان فعلی شهربانی کل کشور :

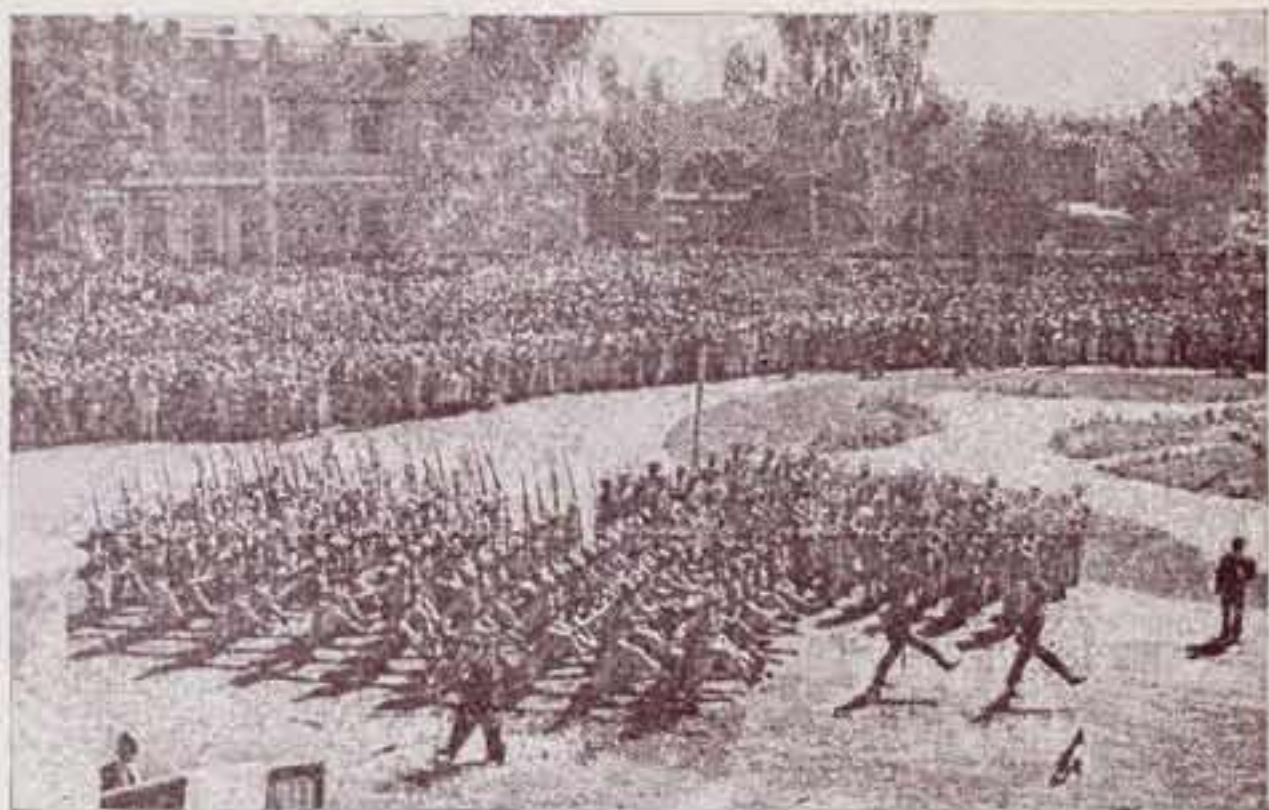
سازمان حوزه ریاست شهربانی کل کشور. سازمان قسمت های شهربانی تهران. سازمان اداره دفتر کل. سازمان اداره کارگزینی. سازمان اداره بهداری. واحد سازمان پست امدادی کلانتری. سازمان اداره حسابداری. سازمان اداره کار پردازی. سازمان اداره فنی و ارتباط. سازمان اداره بازرسی. سازمان اداره تمرکز آمارها. سازمان اداره کار آگاهی. سازمان اداره اقامت اتباع خارجه و گذرنامه. سازمان اداره اماکن عمومی. سازمان اداره امور شهربانی های شهرستانها. سازمان اداره سر کلانتری. واحد سازمان يك کلانتری بخش در تهران. واحد سازمان يك شعبه قضائی کلانتری بخش در تهران. واحد سازمان پاسگاه انتظامی. سازمان اداره راهنمایی و رانندگی. سازمان اداره آگاهی. واحد سازمان يك دائره قضائی در تهران. سازمان اداره انگشت نگاری و تن پیمائی. سازمان اداره بازداشتگاه و زندان و دارالتأدیب. سازمان قسمت آموزش و پرورش. واحد سازمان شهربانیهای درجه يك. واحد سازمان شهربانیهای درجه ۲. واحد سازمان شهربانیهای درجه ۳. واحد سازمان شهربانیهای درجه ۴. واحد سازمان شهربانیهای درجه ۵. واحد سازمان کلانتری درجه يك. واحد سازمان کلانتری درجه ۲. واحد سازمان شعبه قضائی درجه يك. واحد سازمان شعبه قضائی درجه ۲. واحد سازمان کلانتری مستقل. واحد سازمان پاسگاه ساحلی. واحد سازمان پاسگاه انتظامی مرزی.



در تاریخ ۲۹/۵/۱۳۲۶ طبق پیشنهاد شهربانی کل کشور واحكام صادره از وزارت کشور آقای غلامعلی خطیبیا بمديريت كل و مأمورین ذیبا بمشاغل سازمانی مشروح زیر منصوب شده اند. قسمت کارهای همگانی مرکب از (اداره کار آگاهی - اداره اماکن عمومی - اداره اقامت اتباع خارجه و گذرنامه - اداره امور شهربانیهای شهرستانها) بریاست آقای سرتیپ حسن سهیلی. قسمت پلیس انتظامی مرکب از (اداره سر کلانتری - اداره راهنمایی و رانندگی) بریاست آقای سرتیپ فتح الله بهنام.

قسمت بازرسی مرکب از (اداره بازرسی - اداره تمرکز آمارها) بریاست آقای سرهنگ فضل الله آرتا.

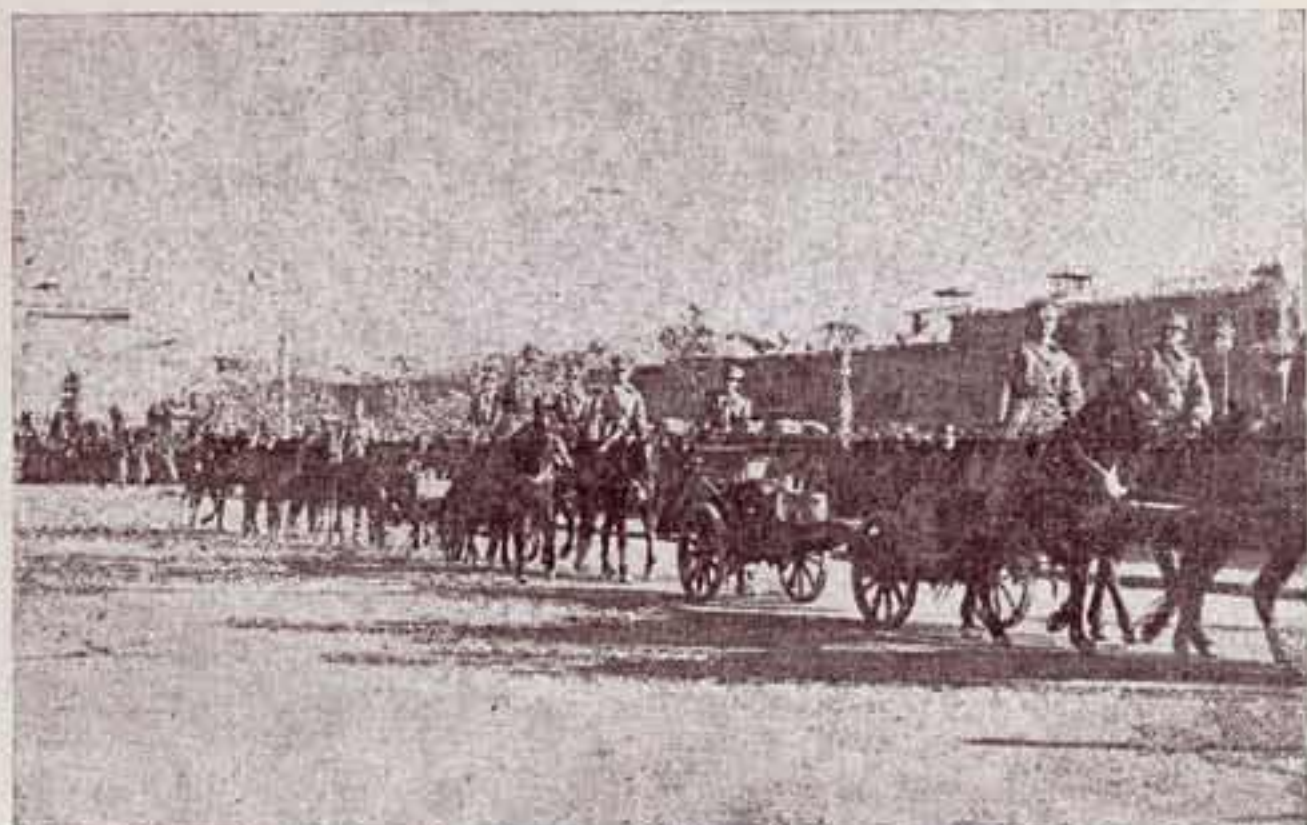
قسمت امور مالی مرکب از (اداره حسابداری - اداره کارپردازی - اداره فنی و ارتباط) بریاست آقای سرهنگ شاپور مختاری. (بقیه شهربانی در صفحه ۱۹۲)



۱ - سکوت آمیخته با جلال و عظمت - صدها هزار نفر از ملت محبوب ایران لشکر رضائیه را هنگامیکه با گامهای یولادین خود از برابر بزرگ ارتشتاران فرمانده رژه میروند تماشا میکنند دلهای این مردم با آهنگ موزیک یکجا ضربان دارد و مملو از شادی و حس فداکاری است .



۲ - اراپه‌های جنگی بهلوی (تانکها) در برابر ساکنان تهران زیبا با انتظام خاصی در میدان سپه رژه میروند .



۳ - قسمت توپخانه ارتش شاهنشاهی برابر تمثال مبارک اعلیحضرت همایونی
روز اول دیماه رژه میروند .



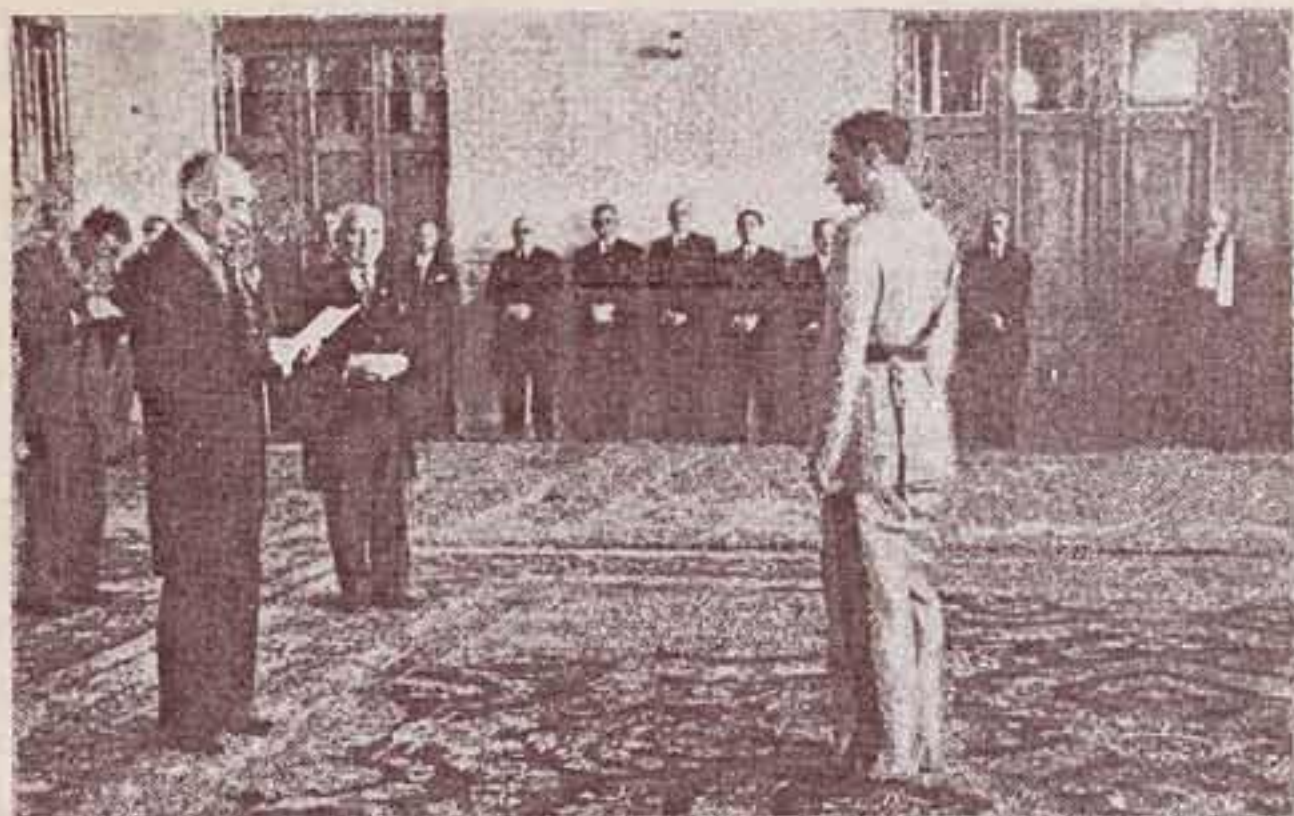
۴ - نیروی موتورسیکلت و دوچرخه سواران نژبان در حال رژه در میدان سپه .



۵ - رژه گارد شاهنشاهی با کلاهخود و هیکل‌های رشید و سلحشور در روز تاریخی رژه چهارم آبانماه از پیشگاه بزرگ ارتشتاران فرمانده در میدان سیاه - اوراق شادباش ریخته شده بوسه طیارات درمیدان پیدا است (گارد شاهنشاهی امروز برای جایگزین شدن سربازان جاویدان دوره شاهنشاهی بافروشکوه ایران باستان ره کمال را می‌پیمایند) .



۶ - اعلیحضرت همایون شاهنشاهی لشکر یکم یادگان سرگزرا در روز جشن سان می‌بینند



۷ - جناب آقای منصور استاندار آذربایجان با طنین آهنک مخصوص خود توجهات کامل شاهنشاه محبوب را جلب مینماید رؤسای ادارات و بزرگان و رجال آذربایجان در سالون بزرگ شهرداری شرفیاب و تبریک عرض مینمایند.



۸ - در اینجا جز شاه و ملت یرهبجان هیچ طبقه دیگری وجود ندارد تا بلو شاهکاری است (رودبار).



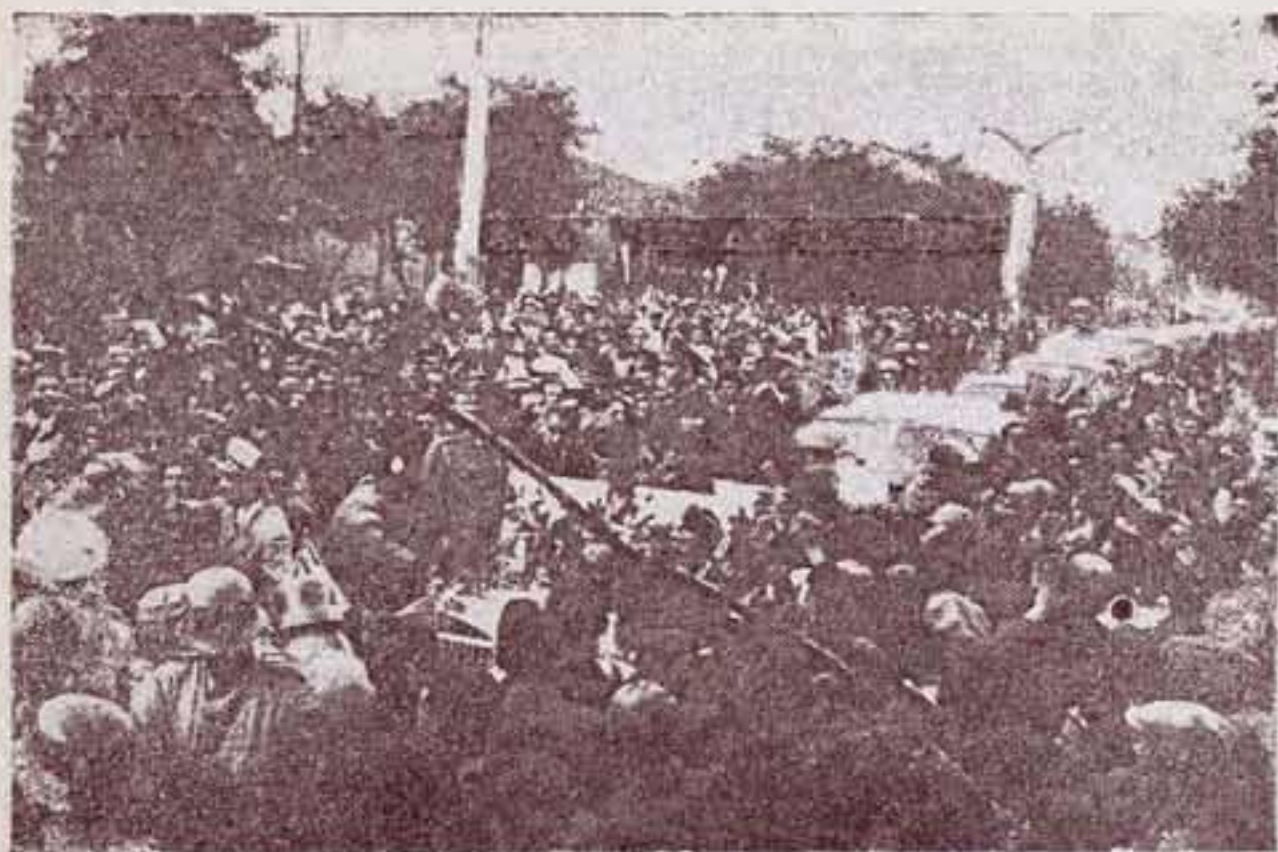
۹ - سواره نظام ایران باستان هخامنشی که یشت دشمنان ایران را بلرزه در می انداخت اکنون در ارتش شاهنشاهی مقام خود را تحصیل می نماید این است نمونه حساس از قیافه های گلگون و یرنگوت جوانان سرباز ورشیدمیهن.



۱۰ - اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شخصاً از یکایک مستقبلین و طلاب و اهل علم زنجان و آذربایجان سؤالات فرموده و از آنان تفقد میفرمایند.



۱۱ - ملت شاه یا ملت و شاه به پیشید چه هنگامه ایست شاه کجا است آیا شاه را می پیشید وصف و قیاس نمیتوان کرد اینها شاهپرستان مرند آذربایجان هستند .



۱۲ - شاهنشاه ساسان نژاد والا تبار در اتومبیل رو باز سر یا ایستاده احساسات مردم را که از درون قلب آهورا و آواهای زنده باش میکشند پاسخ میدهند اینجا رشت عزیز ما شهرستان پر خصب و نعمت زاد گناه مؤلف این تاریخ است .



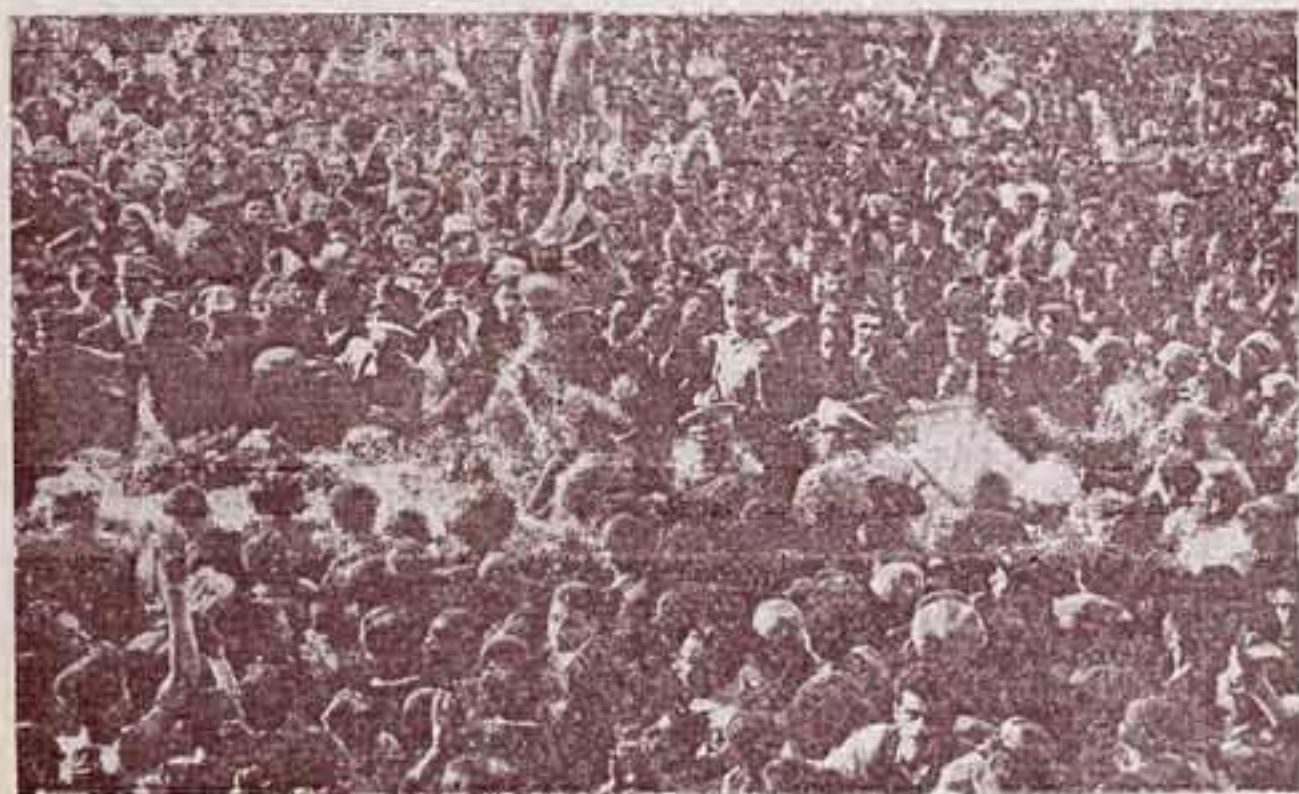
۱۳ - در روز ۵-۲-۲۶ اعلیحضرت مایون شاهنشاهی در جشن بیست و پنجمین سال تأسیس لشکر ۱ پرچم هنگ ۴ سوار از تیپ مستقل کردستان را بمناسبت قداکاریهای هنگ مزبور بیک قطعه نشان درجه ۳ سیه مفتخر فرمودند .



۱۴ - در جشن دانشگاه ردیف‌نشسته از چپ براست تیمسار سیهبد یزدان پناه تیمسار سرلشکر رزم آراه تیمسار سرلشکر جهانبانی تیمسار سررتیب علوی مقدم و جناب آقای محمود بدر دیده می شوند .



۱۵ - روز تجلیل شهدای ایران روز ۲۰ اسفند ۱۳۲۵ چه روز پر خاطره و مؤثری بود کودکان - دختران - پسران افسران شهید در راه میهن در میدان جنگ با دشمنان در آن روز از دست شاهنشاه محبوب خود نشان جاوید گرفتند در قیافه این فرزندان رشید دقت کنید عجب غرور شگرفی تراوش میکنند از همین جا میتوان دریافت که پدرانشان شایسته فداکاری و تحصیل این نام و مقام بزرگ بودند آنها برای اینکه ایران باقی بماند جان خود را دادند .



۱۶ - زن و مرد اهالی محبوب شهرستان رشت - اینطور از شاهنشاه استقبال کردند .

۱۷- دانشکده افسری

ارتش شاهنشاهی ایران امروز یکی از بهترین و عالیترین دانشکده‌های نظامی جهان بشمار می‌آید در این دانشکده که دارای ساختمانهای بزرگ و متعدد می‌باشد با وضع و اسلوب بدیه و نوی که از آخرین روش آموزش جهان متدین اقتباس گردیده جوانان سلحشور میهن پرست ایران فوج فوج به آنجا شتافته و تحصیلات سباهیکری خود را تکمیل مینمایند



مخصوصاً فرزندان عشایر و ایلات ایران رغبت و تمایل فوق العاده‌ای نسبت باین مؤسسه بسیار بزرگ و وسیع

شبانه روزی نشان میدهند در گراور بالا عده‌ای از دانشجویان دانشکده افسری بالباس مخصوص اسکریم مشغول تمرین شمشیر بازی میباشند .

۱۸- در گراور وسط دانشجویان دانشکده افسری با غرور میهن پرستانه خود در حال رژه مشاهده میشوند .



۱۹- نیروی دریایی ایران که شرح آن از صفحات ۱۱۵ بعد در این تاریخ تفصیلاً درج گردیده است دو باره نهضت پایدارانه خود را آغاز نموده و افسران رشید بحریه بطوریکه در این گراور دیده میشوند از قیافه‌های گرفته آنان چنین آشکار است مطالبه روزی را دارند که ناوگان مسلح ایران بر آبهای جهان فرمانروایی خود را تحصیل نماید



۲۰- هیجان عظیم در

ارتش ایران - امروزه
سربازان و افراد سلحشور
و جنگجوی سپاهی ایران
بطوریکه از این قیانه های
رشید هوسداست دارای
روحیه پرالتهاب و شتابی
برای سرفرازی و نیل برتری
هستند تمایل جنگجویان
ایران برای حصول پیروزی
هائی در آینده بقدری زیاد



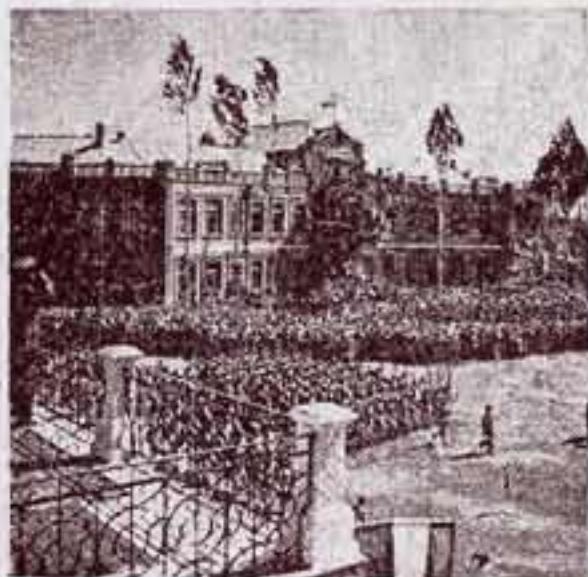
است که در دانشکده ها
واجتماعات سپاهی و نظامی
دائماً دم از افتخارات گذشته
و پیشرفت های آینده میزنند
بطوریکه نگهداری و تولید
صبر و آرامش در آنها بسیار
مشکل است ارتش بولادین
شاهنشاهی انتظار روزی را
دارد که عظمت دیرین خود را
تجدید نماید .

۲۱- کراور بالا دریشگاه ملوکانه

با حضور متجاوز از صد هزار نفر از جمعیت تبریز
لشکر سوم فاتح و تاریخی آذربایجان با سرافرازی
فوق العاده رژه میروند .

۲۲- در کراور مقابل لشکر ۴ رضاییه

مانند اقبانوس مواجی از آهن و فولاد در حالیکه
اعلیحضرت همایون شاهنشاهی روی بالکت
تشریف فرما هستند با حضور جمعیت بی نظیری
که هر لحظه احساسات شدید ابراز میداشتنند
رژه میروند .



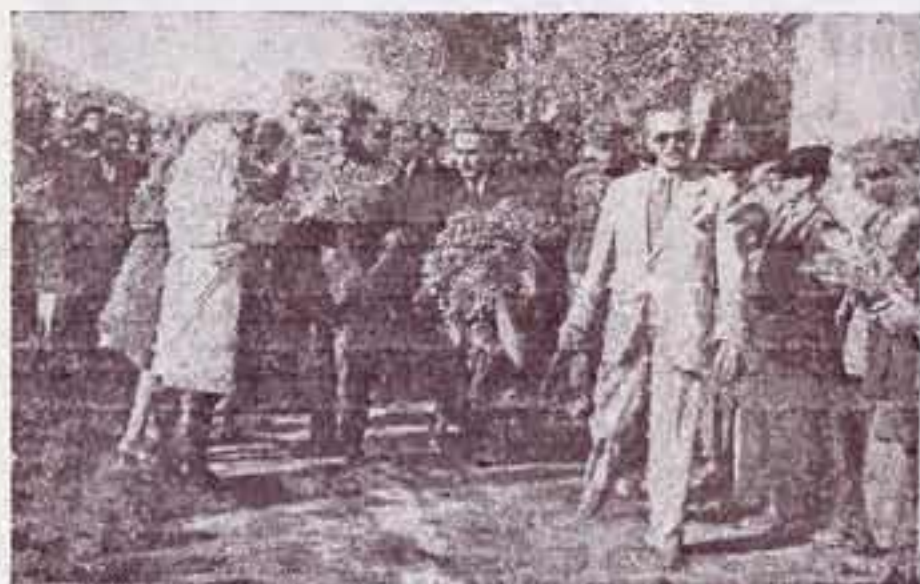


۲۳- نیروی دریایی ارتش شاهنشاهی در بحر خزر - دریای خزر که شرح مفصل منابع طبیعی آن در صفحات ۲۱ تا ۲۵ این تاریخ داده شده است یکی از عطیه‌های بزرگ خداوندی برای ایران است . بهمین جهت توسعه بحریه آنجا ضروری است .



۲۴- نیروی شکر و برغلیان دوشیزگان سلحشور که اینک باسرفرازی در تبریز از پیشگاه شاهنشاه محبوب خود برابر شهرداری رژه میروند .

غرور ملی ایرانی از رخسار کلگون آنان پیدا است



۲۵- از خاطره‌های مسافرت تاریخی با آذربایجان و گیلان

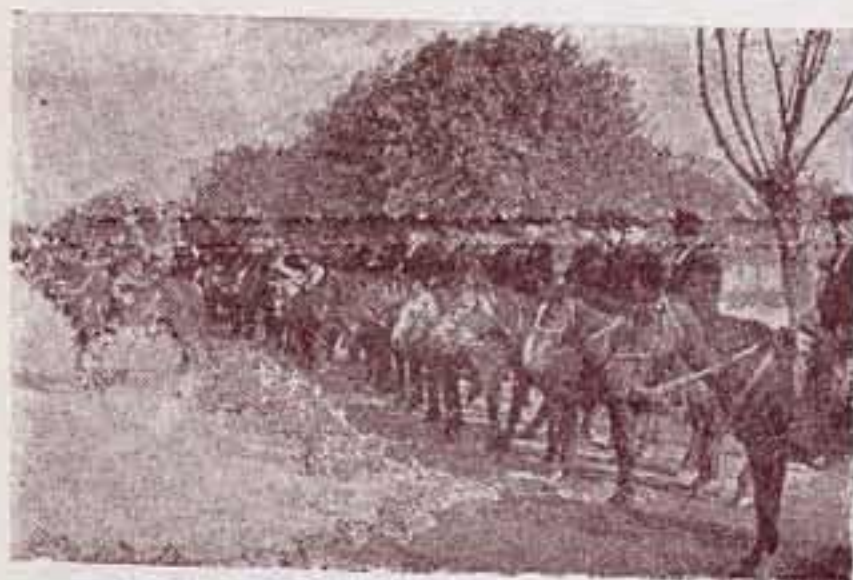
بقدری زیارت شاهنشاه برای مردم آسان بود که زنان دهقانی و کشاورز بین راه بندر پهلوی برشت دست‌های گل تقدیم میکردند و با آسانی عربضه‌های خود را مستقیماً بدست شاهنشاه میرسانیدند .

۲۶ - مسلسل‌های ضد هوایما های جنگی در حال رژه از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در جشن میلاد مسعود ملوکانه چهارم آبان ماه ۱۳۲۵ بادیدن هر یک از واحدهای نظامی ارتش شاهنشاهی غریبو و آهورای ساکنان تهران در میدان سپه چنان با آسمان میرفت که کاخها را بلرزه در انداخته بود.



۲۷ - از فرسنگها مانده

به تبریز تا تبریز سواران رشید و رؤسای طوایف و اقوام سلجشور پاك نژاد و اصیل ایرانی در طول تمام راه مسافرتی که شاهنشاه پس از فتح آذربایجان بآن استان فرمودند با استقبال آمده بودند اینها هستند جنگجویان حقیقی ایرانی و نجات‌دهندگان میهن



۲۸ - چه خبر هست . . . ملاحظه

نمائید ملت ایران اهالی سراب باچه هیجان شدیدی برای دیدن شاهنشاه هجوم می‌آورند. در طول تمام راه امواج جمعیت راه و مفری برای عبور باقی نسیکداشت ملت آذربایجان بقدری تشنه دیدار شاهنشاه محبوب بودند که تاشاه را ننیدیدند اطراف اتومبیل سلطنتی را ترك نسیکردند.





۲۹- لئونارد درونجی نقاش ماهر ایتالیایی هرگز نمیتوانسته است چنین تابلویی از شکوفه‌های احساسات بوجود آورد حقیقتاً منظره غیر قابل توصیفی است طفلی که در وسط است با چه نگاهی پشاهنشاه خود نظر کرده و کودک خرد سال جلو چه قیافه معصومی بخود گرفته است دانشمند جوان ما آقای ارشد احساسات خود را هنگام عزیمت موکب ملوکانه از رشت عرض میکند



۳۱- در بین راه رضائیه و مهاباد افراد شاهدوست ایل شکاک در پیشگاه شاهنشاه رقص شیرین و جالب کردی میکنند.



۳۰- رؤسای اقوام و طوایف و ایلات میهن پرست شاهسوقها که در روزهای تاریک دلاوران میارزه واستقامت کردند (در فرمانداری اردبیل) .



در این سه
گراور
سواران
چریک
سلحشور
آذربایجان
وجنگجویان
دلیر خوی
و ماکو و
اردبیل و
رؤسای
عشایر و



ایلات و طوایف بزرگ
میهن پرست که در روزهای
توفانی دلاورانه در راه
نجات آذربایجان نبرد
و بایرداری کردند در اینجا در
سه شهر مختلف آذربایجان
شرح جریان فداکاریهای
آنها مورد توجه شاهنشاه
قرار میگیرد.

۳۵- هنگام شرفیابی

رجال و بزرگان آذربایجان
برای سلامت ذات مبارک
شاهنشاه یکی از آقایان عظام
دعا مینماید.





۳۶- در
این صفحه
توجهات
مخصوص
اعلیحضرت
همایون
شاهنشاه
نسبت به علماء
وحجج اسلام
وراهنمایان
دیانت -



مبین اسلام و اهل
علم و آقاییان
اعلام بخوبی بارز
وهویدا است .

در این
عکسها بترتیب
جریان شرقیایی



روحانیون و علماء
بزرگ و مستقبلین
رشت - مهاباد -
تبریز و مسجد
جامع تبریز مشاهده
میشوند که ذات
مبارک شاهانه ایشان
را مورد تفقدات
فوق العاده ملوکانه
خود قرار فرموده اند





۴۰- اینها هستند نژاد باک ایرانی که پس از تسلط شوم دموکرات نماها و ستم‌گری‌ها و فجایع فزون از حد آنان اینک برای ورود شاهنشاه سر از پا نمی‌شناسند بیگانه برستان اصرار داشتند چنین مردمی را از نژاد اغوز و نیرگان تایانک خان و اوغل غایمش خاتون از پشت دیوار چین بدانند احساسات انبوه مردم رضایه نسبت بشاهنشاه محبوب در این عکس‌ها بخوبی هویدا است.

۴۲- اینجا مراغه مزار مرحوم سرهنگ معین آزاد میباشد قلبی که به عشق میهن و مهر شاه می‌تپید و جسدی که هدف گلوله و شمشیر آدم‌کشان رذل شد در اینجا خفته است سرکار سروان ثبتی فاجعه دلگداز



۳راور بالا بازدید و دلجویی ذات مبارك
علو کانه از بیماران ناتوان بیمارستان اردبیل.

قتل او را حکایت میکند (پست قطرتان
بیوطن سرهنگ معین آزاد را بخارج شهر
بردند و سرش را با سنگ کوبیدند تا جان
داد دل قاتلین او از سنگ سخت‌تر بود) .
اعلیحضرت شاهنشاه دسته گسلی بر سر قبر این
افسر فداکار گذاشتند و حضار با احترام روح
باک او بکدفیقه سکوت کردند .

فصل بیست و یکم

تاریخچه ۲۵ ساله نیروی ژاندارمری کشور شاهنشاهی ایران

پس از کودتای ۱۲۹۹ به منظور برقراری نظم و حفظ انتظامات کشوری و همچنین اجرائیات وزارتخانه‌ها بر حسب امر فرماندهی کل قوا و وزیر جنگ (سردارسیه) از تاریخ یکم حمل ۱۳۰۱ اداره بنام تشکیلات امنیه کل مملکتی در تحت امر وزارت جنگ تشکیل و ریاست آن بمهده تیمسار سرلشکر نقدی (سرداررغمت) معول گردید معظم له سازمانی بفرآخور روز تهیه و مشغول انجام امور گردید برای اینکه تشکیلات امنیه از ابتدای سازمان خود از حیث نفر داوطلب در مضیقه بود بنا بموقعیت محلی از اشخاص با نفوذ و بومی و عشایر خدمت گذار بنام امنیه محلی استخدام و برؤساء بعضی از طوایف افتخاراً درجات افسری اعطاء شد امنیت قسمتی از مناطق نیز بآنان محول و بدین طریق پاسگاههای مورد لزوم در مناطق مختلفه ایران برقرار گردید در فروردین ماه ۱۳۰۴ تیمسار سرلشکر احمد امیراحمدی بر حسب امر فرماندهی کل قوا بریاست اداره امنیه منصوب و مشغول کار گردیدند و بلافاصله تعدادی از افسران کار آزموده و مجرب را از ارتش به امنیه منتقل و سازمان جدیدی بر حسب احتیاجات روز پیشنهاد و بموقع اجرا گذاردند تیمسار سرلشکر احمد امیراحمدی پس از اجرای سازمان فوق بمنظور تحکیم انضباط و نفوذ قوای دولتی بکلیه نواحی دستور دادند که در اسرع وقت افراد لایق استخدام و بتدریج بخدمت افراد محلی امنیه خاتمه داده شود و بهمین ترتیب واحدها اقدام و بتدریجاً افراد محلی از خدمت معاف شدند.

بنا به تجربه که فرماندهی اداره امنیه نسبت بتأمین مناطق کشور و احتیاجات قوای تأمینیه حاصل نموده بود مجدداً در اواخر سال ۱۳۰۶ سازمان نوینی که احتیاجات کشوری را از هر حیث مرتفع نماید تهیه و پس از تصویب اعلیحضرت فقید سعید از فروردین ماه ۱۳۰۷ بموقع اجرا گذارده شد در موقع فرماندهی تیمسار سرلشکر احمدی امنیه موفق گردید که در نابودی دسته‌های کوچک راهزنان مسلح مستقلاً بدون کمک ارتش اقدام نماید و همچنین ارجاعات دوائر دولتی خصوصاً مقامات قضائی با سرعت بیشتر بموقع اجرا گذارده شد چون در موقع سازمان جدید ارتش همه سال تعدادی افسر برای طی دوره دانشکده های نظامی فرانسه بآن کشور اعزام میگردد در مهرماه سال ۱۳۰۷ بموجب پیشنهاد تیمسار سید امیراحمدی و تصویب اعلیحضرت

بقیه سازمان شهربانی از صفحه ۱۷۶

قسمت یلبس قضائی مرکب از (اداره آگاهی - اداره انگشتنگاری و تن بیمائی - اداره بازداشتگاه و زندان بریاست آقای سرهنگ حسن نضعی .

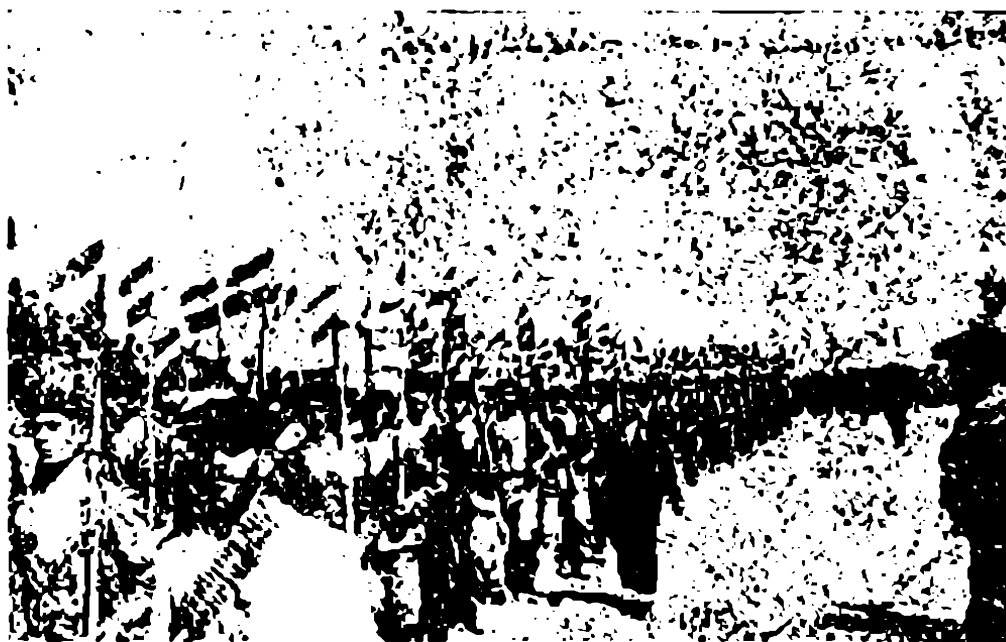
قسمت آموزش و پرورش مرکب از (اداره آموزشگاه عالی شهربانی - آموزشگاه تکمیلی افسری آموزشگاه تکمیلی اداری و مالی - آموزشگاه تکمیلی قضائی - آموزشگاه فنی راهنمایی و رانندگی آموزشگاه سرباسیانی - آموزشگاه پاسبانی) بریاست آقای سرهنگ احمد درخشان .
قسمت امور اداری مرکب از (اداره دفتر کل - اداره کارگزینی - اداره بهداری) بریاست آقای سرهنگ فرج‌الله همایونفر .

شاهنشاه فقید یکنفر افسر و نه نفر دانشجو بمنظور طی دوره دانشکده ژاندامری به فرانسه اعزام شدند و از لحاظ اینکه تیمسار سرلشکر امیراحمدی ضمن عهده‌داری ریاست اداره امنیه فرماندهی لشکر غرب را نیز عهده‌دار بودند برحسب امر اعلیحضرت فقید سعید از اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ ریاست اداره امنیه به تیمسار سرتیپ فضل‌الله زاهدی محول ومدت یکماه ونیم ایشان ریاست امنیه را عهده‌دار بودند و برحسب امر شاهانه در اواخر خردادماه ۱۳۰۸ تیمسار سرتیپ مرتضی یزدان‌پناه رئیس اداره بازرسی ارتش بر ریاست اداره امنیه منصوب ومعظم له نسبت به برقراری نظم در تمام کشور ویشرفت تعلیمات افراد زحمات زیادی متحمل شدند وافسران وافراد را بوظایف خطیری که عهده‌دار بودند آشنا ساخته وهمچنین نیروی تأمینیه بعضی نقاط که تکافوی انتظامات محل را نمینمود بواحدهای بزرگتری تبدیل ودر بعضی نقاط کشور که اساساً فاقد قوای امنیه بود واحدهائی اضافه نمودند در اواخر فروردین ماه ۱۳۰۹ تیمسار سرتیپ عزیزالله ضرغامی بر ریاست اداره امنیه منصوب شدند و ایشان در بدو امر نسبت به سازمان فسمتهای امنیه ومرتب نمودن امور دفتری و ترتیب جریان اداری فسمتی اقدام و دریشرفت امور واحدها و تعلیمات افراد اقدامات شایسته نمودند مخصوصاً چون در آن موقع امنیه به تعداد کافی از داشتن افسران جوان و متخصص در فن امنیه بی بهره بود برای اصلاح وضعت امنیه و تکمیل کادر افسری افتتاح آموزشگاه فنی امنیه را مورد لزوم دانسته آنرا بوزارت جنگ پیشنهاد ومورد تصویب شاهانه واقع از یکم مهر ۱۳۰۹ آموزشگاه ستوانی امنیه تشکیل گردید واین موضوع یکی از فدهمهای اساسی نسبت بهیشرفت وترقی سازمان اداره امنیه بود برای تکمیل کادر افسری مالی امنیه نیز طبق پیشنهاد ریاست اداره امنیه و تصویب شاهانه از تاریخ یکم مهرماه ۱۳۱۱ یک آموزشگاه مالی افسری تشکیل گردید و بتدریج کسری کادر افسری مالی تکمیل واحتیاجات امنیه نیز ازاین حیث مرتفع شد چون سازمان قبلی امنیه با احتیاجات روز وفق نمیداد سازمان جدیدی پیشنهاد و بتصویب رسید . چون از اواسط مرداد ماه ۱۳۱۳ تیمسار سرلشکر ضرغامی برحسب امر شاهانه بر ریاست ستاد منصوب شدند سرهنگ غلامعلی زند بکفالت اداره امنیه برقرار گردید .

در سال ۱۳۱۵ برحسب امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی اداره تشکیلات گمرکات سرحدی منحل و سوابق آن باداره امنیه تعویل گردید بعداً در سازمان امنیه تجدید نظر شده و سازمانی جدید تهیه و تصویب شد که در ضمن آن ژاندامری امور مرزی را نیز عهده دار گردید در دیماه ۱۳۱۵ تیمسار سرتیپ عبدالعجید فیروز بکفالت اداره منصوب وتا اواخر سال ۱۶ که ایشان بر ریاست داندرسی ارتش منصوب گردیدند هیچگونه تغییراتی در سازمان اداره امنیه داده نشد . پس ازانتصاب تیمسار سرتیپ فیروز بر ریاست داندرسی ارتش سرکار سرهنگ محمود خسرو پناه معاون اداره امور اداره را عهده دار گردیدند .

در تاریخ یکم فروردین ماه ۱۳۱۸ برحسب امر اعلیحضرت فقید سعید اداره مرکزی امنیه منحل و واحدهای آن جزو سازمان لشکرها و تیپ های ارتش گردید بعداً فرماندهان لشکرها و تیپها در سازمان واحدهای امنیه تجدید نظر نموده و سازمان نوینی تهیه و پس از تصویب بمورد عمل گذارده شد این وضعت تا شهریورماه ۱۳۲۰ ادامه داشت در مهرماه ۱۳۲۰ طبق تصویب مجلس شورای ملی وبفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مجدداً اداره مرکزی امنیه تشکیل وتحت نظر وزارت کشور قرار گرفت و تیمسار سرتیپ زاهدی بر ریاست آن منصوب شدند وسازمان جدیدی طبق احتیاجات کشور تنظیم و پس از پیشنهاد بوزارت کشور و تصویب بموقع اجراء گذارده شد .

در آخر آذر ماه ۱۳۲۰ تیمسار سرتیپ زاهدی بستاد ارتش منتقل و تیمسار سرتیپ فرج‌الله آق‌اولی بریاست اداره امنیه منصوب و طبق پیشنهاد ایشان نام امنیه بژاندارمری که انت بین‌المللی است تغییر یافت در اوایل آذر ماه ۱۳۲۲ تیمسار سرلشکر آق‌اولی بریاست دادرسی ارتش منصوب و تیمسار سرتیپ حسینقلی سلطونی معاون ژاندارمری بفرماندهی ژاندارمری منصوب گردیدند در سال ۱۳۲۱ بمنظور تغییر کلی در سازمان ژاندارمری و تطبیق آن باوضع نوین دنیا دولت تصمیم گرفت باجلب موافقت مجلس شورای ملی از فکر و ابتکار افسران متخصص کشورهای متحده آمریکا شمالی استفاده نماید لذا با مقامات آمریکا داخل مذاکره شده در نتیجه موافقت آن دولت عده افسران آمریکائی تحت سرپرستی سرکار سرهنگ شوارتسکیف که در آن موقع فرمانداری نظامی شهر نیویورک را عهده‌دار بودند در اواخر شهریور ۱۳۲۱ بایران وارد پس از بررسی لازم در اطراف سازمان واحدهای ژاندارمری و احتیاجات آن و تقدیم پیشنهادات خود بدولت ایشان بستریاست سازمان ژاندارمری تعیین و مشغول کار شدند و سازمان جدیدی نسبت بوضع جغرافیائی ایران تنظیم و بوزارت کشور پیشنهاد و پس از تصویب بموقع عمل گذارده شد در سازمان جدید تعدادی وسائل نقلیه موتوری و مکانیکی و همچنین وسائل محاسباتی سریع پیش بینی شده که تاکنون قسمتی از آن از آمریکا خریداری و وارد و در حال حاضر نیز روز بروز روبه تکمیل است . در اواخر فروردین ۱۳۲۳ تیمسار سرلشکر خسروپناه بفرماندهی ژاندارمری منصوب شدند و همچنین سرکار سرهنگ شوارتسکیف در اواخر سال ۱۳۲۴ از طرف دولت آمریکا به درجه ژنرالی مفتخر گردیدند .



این است عکس رژه فدائیان مهاجر که یکسال تمام با اسلحه‌های آتشزا و مخوف عجیب و غریب خود بر آذربایجان عزیز حکومت سراسر قتل و جبر و زجر بی‌مهابا کردند هدف و آرزوی فعالیت این اوباشان قلدر و بربر متلاشی کردن ارتش ایران و در دست گرفتن حکومت مقدس چندین هزار ساله شاهنشاهی و محو کردن استقلال ایران بود این دردنگان سبغ در حال خواندن سرود رژه می‌روند ترجمه سرود آنها از زبان غیرمانوس چنین است = مسائل دیگر حکومت ایران را بدست خواهیم گرفت . . . ما شکست ناپذیر هستیم . . . این سرود را قبل از فرار غلام یحیی از سرز میخواندند ! . . .

امراء ارتش شاهنشاهی ایران که برای عظمت و اعتلاء آن کوشش کرده‌اند



تیمسار سر لشگر احمد معینی



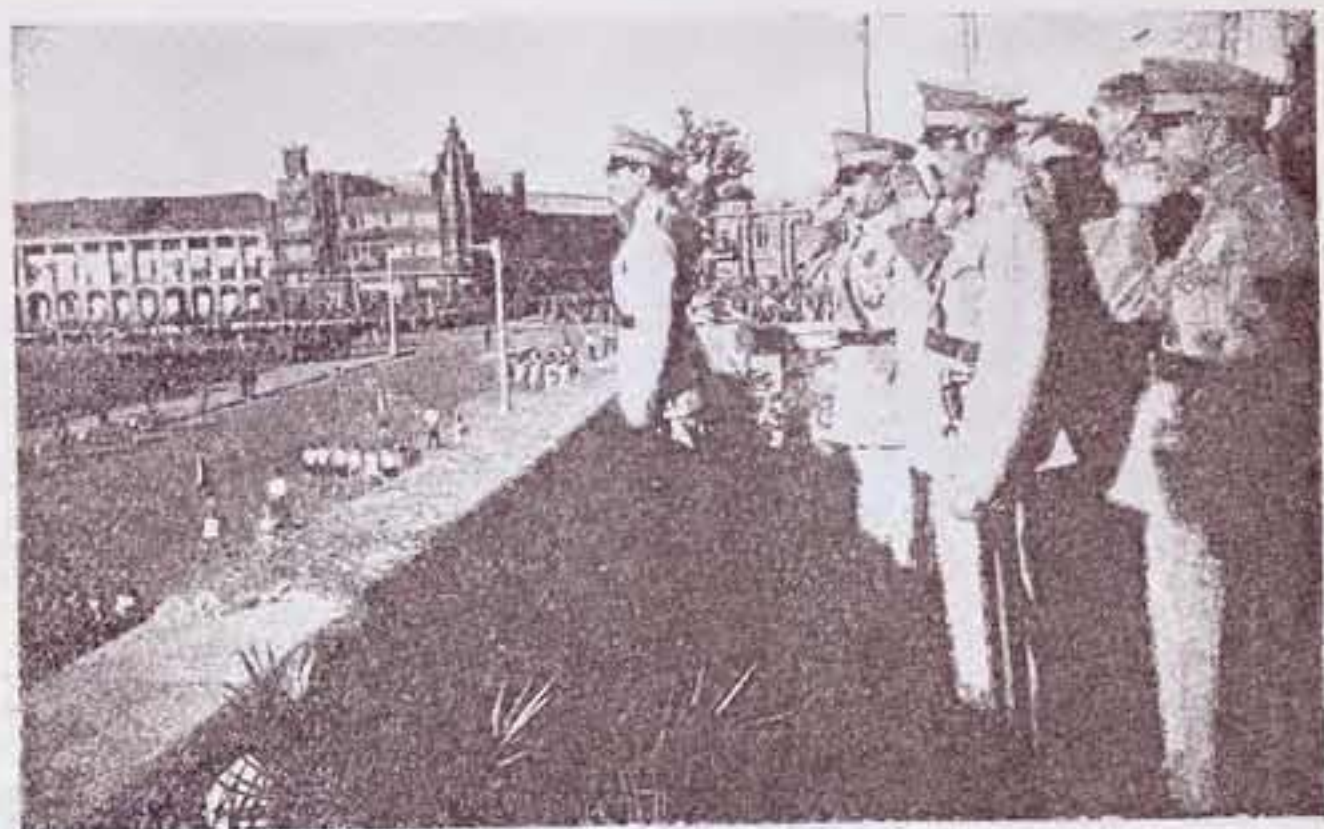
تیمسار سر لشگر دکتر کریم هدایت



تیمسار سر تیپ میر حسین هاشمی



تیمسار سر لشگر فضل الله همایونی



نیروی عظیم دهائی که بعشق عظمت ایران می تید جوانان دلاور و ورزنده ایران میباشند که صندوق سینه هایشان کانونی، پرحرارت از آرزوهای برتری و سرافرازی و تفوق است اکنون در این منظره باشکوه و ابهت این سلحشوران ستبر اندام در پیشگاه شاهنشاه جوانبخت ایران رژه میروند



از چپ بر است سرکار سرهنگ اسدالله صنیمی آجودان مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سرکار سروان حسین فردوست رئیس دایره آجودانی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی - سرکار سرگرد شفقت فرمانده گارد شاهنشاهی ۳ افسر ممتاز ارتش ایران (عکس در سراب آذربایجان برداشته شده است)



تیمسار سرلشگر هادی شقاقی



اداره کنبدگان امنیت و انتظامات از راست بچپ : تیمسار سر تیب حسین مظفری فرماندار نظامی تهران - تیمسار سر تیب محمد علی صفاری رئیس شهر بانی سرکار سر هنگ محمد دفتری فرمانده نیروی دژ بانی ارتش شاهنشاهی .



سر تیب عبدالله عمیدی
فرمانده لشکر یکم یادگان مرکز



سر هنگ احمد بهار مست سر هنگ هوائی هدایت گیلان شاه
رئیس ستاد بازرسی ناحیه ۱ کفیل فرماندهی نیروی هوائی ارتش شاهنشاهی



سر هنگ ستاد بیژن گیلان شاه
رئیس رکن دوم ستاد ارتش

روحیه سربازان جنگجوی ایران در نبرد با دشو کراتهای بیوطن - مؤلف از افسران رشید وارد در کارزار درباره روحیه سربازان ایرانی در جنگ آذربایجان با فدائیان مهاجر شنیدم که میگفتند سربازان ما چنان میجنگیده و بی مها با بسوی شلیک آتش دشمن پیش میرفته اند که هیچ فرقی نمیتوان بین آنها با بهترین سربازان جنگنده آمریکا یا کشور اتحاد جماهیر شوروی یا یونان و یا آلمان گذاشت بلکه از بسیاری جهات بر سربازان کشورهای مختلف برتری داشته و دارای روحیه میهن پرستی قوی تری بوده اند .

خلاصه فلسفه گفتار من این چند کلام است



ما هفده میلیون نفر هستیم که با یکدیگر تاپای جان برای بدست آوردن تفوق عقد اتفاق و یگانگی بسته ایم ما حالیه فقیر هستیم و دردشوار ترین مراحل زندگانی بشریت قرار گرفته ایم آنچه که ما را نجات میدهد اتحاد ما و پشتکار ما است قبل از اینکه هر دلسوز دیگری بفکر سعادت ما باشد خود میخواهیم بر روی پاهای خود بایستیم منابع و معادن خود را بکار اندازیم ما هیچگونه امتیازی بهیچ دولت و کشوری نخواهیم داد و آنچه را که داریم برای تعادل حقوق بشریت که ما جزئی از آن هستیم و از مزایای آن محروم میباشیم میخواهیم بنفس خود و بسود خود بکار بندیم هر گونه امتیازی سر آید تجدید نخواهیم کرد و هیچگونه امتیاز بی مورد

مؤلف کتاب

دیگری اعطا نخواهیم نمود دیگران همه چیز دارند و آنچه که آنها را وادار با استفاده از منابع و میراث نیاسکن ما میکنند جز زیاده روی و طمع نام دیگری بر آن نمیتوان نهاد در حال آنکه ملت ما ملت باستانی و مشعل دار تمدن اینک در شدید ترین دقایق زندگانی ره فقر و فنا می سپرد و مرض و کرسنگی اورا از پای در می آورد با اینکه عجزی برای استفاده از ثروت های خود نداریم پس چرا ب دیگران بدهیم بالاخره ما هم جزء توده های وسیع بشری در این دنیا زنده هستیم و زندگانی با مساوات میخواهیم

آنچه را دیگران قابل بهره برداری میدانند قبل از همه برای خود ما لازم و حیاتی است خداوند همیشه ملت ما را از ورطه های هائل و گرداب های مدش بدبختی نجات داده و به ساحل مفرح نورانی رسانیده است اکنون بر ملت ایران است که همه آنان در این داستان با من متفق القول و همداستان شوند و پشتیبان این نیت ترقی خواهانه باشند پشتیبان ملت ایران ارتش است که تا آخرین نفر و آخرین قطره خون خود حاضر بفداکاری در راه استقلال و عظمت و تمدن ملت کبیر خود میباشد. ارتش ایران نیز در صورتی قوی و شکست ناپذیر است که ۱۷ میلیون دل بایک ضربان آنرا تقویت و پشتیبانی نمایند ما باید مقتدر باشیم - تمدن باشیم - ایران را آباد کرده تروتمند شویم - خود را از دیگران مستغنی سازیم.

ما در عین حال که نسبت به تمام ملل صلح جو مخصوصا همسایگان خود کمال محبت و وداد داریم ملت های بزرگ متحده امریکای شمالی را از جمله شریفترین دوستان خود می شماریم که با تکیه قدرت و قوه عظیم او استقرار عدالت را در جهان توفانی کنونی قابل حصول میدانیم و با محبت و دوستی فوق العاده ای که نسبت باین کشور داریم امید داریم اثرات و نتایج افکار و اعمال پیشوایان حریت امریکای داد پرور و متمدن را در وضع امروزی دنیای خود مشاهده نمائیم.

جوانان سلجشور و سر بازان وطن .. برای سعادت ملت بزرگ خود و تفوق میهن عزیز تاریخی ما ایران از صمیم قلب و جان یکدل شوید .. کار کنید .. پیش بروید .. ارتش محور انکاء و مہبط آمال و مظهر حیثیت و استقلال شما در جمیع این مراحل است . قدیمی



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در مانور دانشکده افسری که در کرج اجرا گردید سمت چپ جناب آقای محمود جم وزیر جنگ مشاهده میشود محصول دانشکده افسری تا سال قبل بالغ بر ۱۱۶۱۹ نفر افسر بود که در حدود ۱۳۷ نفر از آنان تا کنون در راه حفظ تاج و تخت ایران شربت شهادت نوشیده اند.

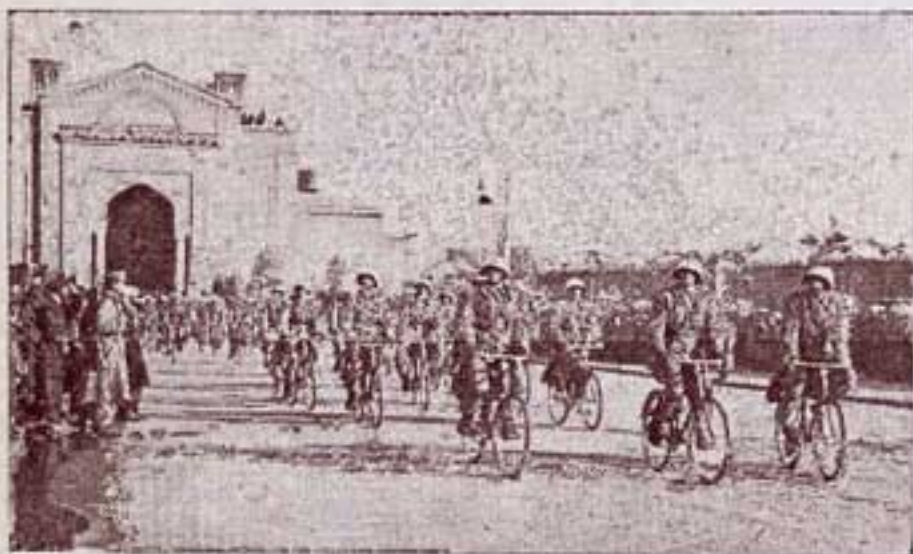


دوشیزه مبارز پریوش آقازاده شاگرد کلاس دهم دبیرستان شاهدخت رضاییه که بادسته های مخفی و مبارز میهن پرستان بانوان آذربایجان راه داشت و اوراق تبلیغاتی ایران را با چادر نماز پخش میکرد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی باو نشان عطا فرمودند و با او دست دادند.

تاریخ ایران مبارزه دلاوران دوشیزگان میهن پرستی را چون او وزینده امینی - آفاق یابوردی - روشنگر برزگر - دوشیزه مقدم وویکتوریا اسکندر و هزاران امثال آنانرا که در راه حصول پیروزی نهائی ارتش ایران بادشمنان جنگیده و از فدا کردن جان خود نترسیده اند هیچگاه فراموش نمیکند.

اخطار مهم بمیهن

پرستان و مجاهدین آذربایجان - بنام نهضت های مقاومت و مبارزه کنندگان مسلح و غیر مسلح و محصلین و بانوانیکه در نبردهای بر علیه دموکراتهای خائن مخفیانه یا آشکارا شرکت داشته اند اخطار میشود داستان مبارزات خود را بتفصیل بعنوان اداره سالنامه آریان بتهران ارسال فرمایند در کتاب معظمی که بنام جنگجویان چریک و نهضت



نیروی دژبان بی سیکلت سوار ارتش شاهنشاهی در حال رژه

های مبارز بزودی منتشر خواهیم نمود برای سرمشق مبارزه نسل آینده چاپ خواهد شد.

سرود دانشکده افری

ایا شاه ایران تو دل شاد دار	همیشه دل از رنج آزاد دار
یراز مهرشاه است ما را روان	بدین کار داریم شاها توان
که جاوید بادا سر تاجدار	خجسته براو گردش روزگار
چو ایران نباشد تن من مباد	بدین بوم و بر زنده یکن مباد
خرد افر شهریاران بود	خرد زیور تاجداران بود
خرد زنده جاودانی شناس	خرد مایه زندگانی شناس
خرد رهنما و خرد دلگشا	خرد دست گیرد بهردو سرای
چو ایران نباشد تن من مباد	بدین بوم و بر زنده یکن مباد
زدانش بود مرد را ایمنی	به بنده زید دست اهریمنی
برنج اندر آرید تن را رواست	که خود رنج بردن بدانش سزااست
چو بنیاد دانش پیاموخت مرد	سزاوار گردد بجنگ و نبرد
چو ایران نباشد تن من مباد	بدین بوم و بر زنده یکن مباد

سرود آذرآبادگان

ای در استواری چو کوه سهند	میهن از تو باشد بس سر بلند
بد خواهان تو تیره روز و زبون	افتاده بگرداب غم هر نگون
نور دیده وطن فروغ روی توست	چشم دوستان و دشمنان بسوی توست
بزم دوستان ز آذرت روشن است	اخگر ز آذرت بجان دشمن است
ای کشور آذرآبادگان آذرآبادگان	ای خاک تو مهد آزادگان مهد آزادگان
دور از تو اندیشه بد کشت	خرم بسان همه خرم بهشت

در وقایع شهریور علاوه بر آنچه که مادر این تاریخ شرح دادیم افران وظیفه شناس بسیار دیگری هم مانند مرحوم سرلشکر امین تا آخرین دقیقه در سریستهای خود باقی ماندند که نامهایشان را در کتاب دیگری که بنام وقایع نظامی شهریور در دست نالیف داریم شرح خواهیم داد.

کتاب تاریخ مفصل ارتش شاهنشاهی ایران ۸ جلد خواهد بود که نخستین جلد آن مربوط به وقایع نظامی شهریور و دومین جلد آن بنام جنگجویان چریک و نهضت های مقاومت بزودی منتشر خواهد شد.

برای ۴ صفحه این تاریخ از لحاظ اهمیت که دارد و هر ایرانی باید آنرا بخواند قیمت و بهائی نمیتوان تعیین نمود این ۴ صفحه را بین فصلهای مهم اول و دوم و سوم و چهارم بخوبی و آشکارا میتوان پیدا کرد.

خواهشمند است نظریات خود را ضمن مطالعه این تاریخ حتماً برای مؤلف بنگارید و گر مضامین بدیمی در آن مشاهده فرمودید در نامه ها و آثار خود بازکر مآخذ بکار بندید - هر وقت که دست بسوی این کتاب میبرید از مؤلف یاد خیر کنید.

اعلیحضرت همایون
شاهنشاهی در تبریز
هنگام رژه لشکر
سوم آذربایجان



THE TWENTY - FIVE YEARS HISTORY OF THE IMPERIAL IRANIAN ARMY

Compiled By

Zabihullah Rezvani Ghadimi

The Famous Historian And Writer, Compiler of
"Arian" Almanac (for 14 Years), Writer of 20
Books on Political, Historical And Social Subjects and
Editor of the weekly Illustrated "Aryan" Magazine.

All. Rights Reserved

"Aryan" Almanac Office :

Lalezar Street, Telephone : 8547

Telegrams : Aryan, Tehran.

PRINTED, IN UNPARALLELED NUMBER, IN BOTH
MAJLIS AND BANK MELLIE PRINTING PRESSES.

TEHRAN, IRAN.

1326 - 1947

سالنامه آریان

هر شخصی بسالنامه و تقویم بفرستد - پس بهتر است دوره سالنامه تاریخی و مهیج آریان
را تهیه نماید تا هم از تقویم بفرستد - پس بهتر است دوره سالنامه تاریخی و مهیج آریان
سیاسی - اقتصادی - کشاورزی - فرهنگی - خانه داری - بهداشتی - ادبی - علمی آن لذت ببرید .

DS
318
Q19t

